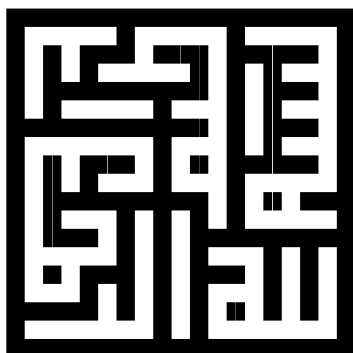






فصلنامه آرشیو ملی

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷

شماره پیاپی ۱۴

شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۲۴۲۳-۶۲۱۷
شمارگان: ۱۵۰ نسخه چاپی و انتشار وبی؛ بها: ۴۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - پژوهشگاه اسناد

مدیرمسئول و سردبیر: غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

هیئت تحریریه (به ترتیب نام خانوادگی)

دکتر صدیقه احمدی فصیح (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر امیررضا اصنافی (استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)؛ ایوب بنوی (رئیس روابط عمومی و امور فرهنگی، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس)؛ دکتر ابوالفضل حسن آبادی (رئیس مرکز اسناد؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)؛ دکتر فریبرز خسروی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر سعید رضائی شریف آبادی (استاد، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء)؛ بهناز زرین کلکی (مشاور معاون اسناد ملی)؛ دکتر سید محمود سادات (استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه امام خمینی^(ع) و انقلاب اسلامی)، حوریه سعیدی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ محبوب شهبازی (رئیس مرکز اسناد ایثارگران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی)؛ دکتر علی صادق زاده وایقان (کارشناس پژوهش سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ غلامرضا عزیزی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر محمد قهری (استادیار بازنشسته دانشکده علوم پایه، دانشگاه امام حسین^(ع))؛ دکتر نورالله مرادی (مدیرکل بازنشسته آرشیوهای صدا و سیما)؛ دکتر الهام ملک زاده (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر شهرام یوسفی فر (استاد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی).



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشگاه اسناد

دبیر اجرایی و مترجم: زهرا ضرغامی

ویراستار: مریم رفیعی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

طرح لوگو: یوسف امیری

طراح گرافیک: شهره خوری

ناظر چاپ: پرویز بختیاری

چاپ و صحافی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

علی رمضان زاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان آرشیو ملی ایران، پژوهشگاه اسناد.

تلفن: ۲۶۴۰۲۹۴۵ | دورنگار: ۲۶۴۰۲۹۷۷

پیام نگار: 1395naq@gmail.com

مسئولیت مطالب مطرح شده در مقاله به عهده نویسندگان یا نویسندگان است.

- فصلنامه در قبول، رد یا ویرایش مقاله‌ها آزاد است.

- استفاده از مقاله‌های منتشر شده در این مجله بدون ذکر منبع در سایر مجله‌ها و کتاب‌ها ممنوع است.

- کلیه مقالات توسط داوران ذیصلاح ارزیابی می‌شوند و نشریه در پذیرش، رد، حذف و یا کوتاه کردن مقالات برای چاپ آزاد است.

- مجله از انتشار گزارش، یادداشت و مانند این‌ها استقبال می‌کند.

- چنانچه مقاله مستخرج از طرح پژوهشی یا رساله باشد، عنوان طرح پژوهشی ارسالی نیز در صفحه اول درج گردد.

- مقالات ارسال شده نباید قبلاً در نشریه دیگری چاپ یا به طور هم‌زمان به مجلات دیگری ارسال شده باشند.

- چنانچه مقاله‌ای خارج از این ضوابط باشد، قبل از ارائه به گروه داوران، از فهرست موارد بررسی حذف خواهد شد.

- نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.



آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴

سخن نخست

- ۵ * آرشیویست‌ها و نقش آن‌ها در گویاسازی اسناد آرشیوی؛ دکتر ابوالفضل حسن آبادی

مقالات آرشیوی

- ۸ * تأملی بر مفهوم مهاجرت داده در روند سازگاری با تحول فناوری‌های کتابخانه‌ها و آرشیوها؛ سحر رضوی، عباس رفاهی و دکتر امیررضا اصنافی
- ۲۲ * چالش‌های مدیریت سوابق در قرن بیست و یکم؛ کارگروه بررسی سوابق قانونی، شورای ملی هماهنگی تجارت الکترونیکی، ترجمه: زهرا ضرغامی
- ۵۰ * جایگاه آرشیو ملی جمهوری اسلامی ایران در نقشه راه خدمات دولت الکترونیک؛ آریتا مالمیر

مقالات تاریخی - اسنادی

- ۶۶ * تجزیه و تحلیل محتوایی مهریه در عقدنامه‌های دوره ناصری با تکیه بر اسناد آرشیو ملی؛ رقیه شکری
- ۱۰۰ * رساله‌ای در قواعد و احترامات نظامی دوره قاجار؛ سحر الباسی
- ۱۲۰ * مهاجرت و همزیستی قومیت‌ها در تهران دوره قاجار؛ نوبوآکی کوندو، ترجمه: نائوفومی آبه و امید رضائی
- ۱۴۶ * تحلیل نشانه‌های خطی کتیبه‌های ایلامی و ارتباط آن با خطوط لایق‌رایی در اسناد دوره اسلامی؛ دکتر حسین عابد دوست
- * معرفی اسنادی درباره مطالبه سنوات خدمت مهام‌الدوله موجود در آرشیو اداره کل اسناد و امور مترجمان رسمی
- ۱۶۸ * قوه قضاییه: زهرا فریدی

مقالات حفظ و نگهداری

- ۱۸۴ * مدیریت بحران در کتابخانه‌ها و آرشیوها؛ گراهام متیوز؛ ترجمه: شهناز بهلولی‌ریزی

ویژه نسخ خطی

- * نقش فرهنگی و هنری نسخه‌های خطی اسلامی در گفت‌وگو و دیپلماسی فرهنگی در قاره آسیا با تأکید بر منطقه
- ۱۹۸ اکو؛ دکتر علی صادق‌زاده و ایقان و دکتر اعظم نجفقلی‌نژاد و رجوی
- ۲۱۰ * نسخه خطی منحصر به فرد مثنوی «نقل و صهبا»؛ اکبر شریف‌زاده و دکتر علی رفیعی جیردهی

معرفی کتاب

- ۲۲۳ * تشکیلات و آداب دیپلماتیک در ایران، از آغاز قاجار تا پایان دوره ناصری؛ ندا رسولی

گزارش نمایشگاه‌های آرشیوی

- * گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزار شده اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) تابستان ۱۳۹۷؛ فریبا
- ۲۲۷ امیری و حمیده بختیاری

تتراط
يذيرش
مقاله

ضوابط
تهیه
مقاله

ملاحظات

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

کوئٹہ نوٹس



سخن نخست

آرشیویست‌ها و نقش آن‌ها در گویاسازی اسناد آرشیوی

دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی^۱

ارتباط و تعامل آرشیویست‌ها با اسناد آرشیوی یکی از مباحث مهم آرشیوی در چند دهه اخیر بوده است. موضوعاتی مانند اهمیت آشنایی آرشیویست‌ها با مباحث سندشناسی، سندشناسی سنتی و سندشناسی مدرن، سندشناسی تاریخی و سندشناسی آرشیوی، میزان تعهد آرشیویست‌ها نسبت به منابع آرشیوی، آرشیویست‌های مورخ یا مورخان آرشیویست و تعامل آرشیویست‌ها و مورخان در گویاسازی و داده‌افزایی منابع آرشیوی بر شکل و نوع ارتباط تأثیر داشته است. دیدگاه غالب در گذشته در شکل‌گیری آرشیوها بر ارزش تاریخی اسناد و جنبه کاربردی آن بوده است. در نگرش سندشناسی سنتی که زمینه مطالعه بودن و شدن در اسناد و تجزیه ریشه‌هاست، بر مؤلفه‌های درونی شامل منشاء، اصالت، اعتبار، اعتماد، ساختار درونی محتوا و انسجام آن، نویسنده، ادبیات نگارش و مؤلفه‌های بیرونی مانند شکل، مهر، خط، کاغذ، تزئینات تأکید زیادی شده است. از این منظر با تکیه بر نگرش تاریخی، آرشیویست‌ها علاقه زیادی به پژوهش‌های اسنادی پیدا کردند و گاهی در نقش آرشیویست‌های مورخ ظاهر شدند.

به تدریج گسترش و تنوع انواع اسناد آرشیوی، تأکید بر جایگاه آرشیوها در جامعه و مدیریت تولید اسناد، افق‌های جدیدی را برای آرشیویست‌ها گشود و زیربنای سندشناسی نوین را به وجود آورد. سندشناسی نوین ضمن استفاده از مؤلفه‌های سندشناسی سنتی بر درک عناصر سند برای سازماندهی و حفظ‌ونگهداری اسناد تأکید می‌کند. در واقع سندشناسی نوین با بررسی مجموعه‌ای از اصول که سند به واسطه آن ایجاد شده و تعیین عناصر اصلی و اشکال سند، قابلیت‌های مختلف آن مانند اصالت و منشاء را بررسی و کار ارزشیابی، تنظیم و توصیف

۱. دکتری تاریخ محلی، مدیر امور اسناد و مطبوعات، آستان قدس رضوی؛
ahassanabady1@yahoo.com



و اطلاع‌رسانی را انجام می‌دهد. سندشناسی نوین به ساختارهای جدید اسناد توجه و بر مواردی مانند شرایط اداری، شرایط منشاء، فرایندها و مقررات ایجاد سند، مستندسازی محتوا، شرایط نگهداری و شرایط فناوری تأکید می‌کند.

در واقع، ضرورت‌های جدید برای مدیریت اسناد، آرشیویست‌ها را برای شناخت ساختار اداری، فرایند مستندسازی فرم‌های مختلف سندی از مدیریت تولید سند تا ساماندهی، بازیابی و نگهداری آن ترغیب کرد تا بتوانند با تعامل بیشتر با اسناد، ضمن فهم شکل و محتوای صورتی، بر معانی پنهانی سند و نیت‌های آشکار و پنهان آفریننده دست پیدا کنند و فرایندهای درونی و بیرونی اسناد را با شناخت محتوا و سازماندهی دانش آرشیوی، مستند کنند.

امروزه آرشیویست‌ها به‌دلایلی مانند ساختار اداری و مقررات آرشیوی، فرصت کافی برای پژوهش‌های تاریخی ندارند و در عین حال حوزه عملکردی گسترده‌تری نسبت به مورخان دارند. موضوعاتی که آرشیویست‌ها به منابع خود می‌دهند اهمیت بیشتری نسبت به موضوعات تاریخی دارد و در واقع آرشیویست‌ها آفریننده موضوعات تاریخی هستند که نیاز به اطلاعات تاریخی دارند اما لزوماً مورخ نیستند. نقش و جایگاه اجتماعی آرشیویست‌ها در راستای برجسته‌سازی و دسترس‌پذیری اطلاعات موردنیاز جامعه، فراتر از نگرش تاریخی آن‌هاست و داشتن اطلاعات تاریخی در بررسی مدارک و تعامل بین واقعیت و حقیقت در راستای مشارکت بیشتر آن‌ها در جامعه قابل‌توجیه است.

آرشیویست‌ها جزیره نیستند و به‌وسیله مسائل اجتماعی تحت‌تأثیر قرار گرفته و ناچارند که در مقطع مختلف زمانی نسبت به بازسازی تجربیات شخصی و افزایش دانش اجتماعی خود اقدام کنند. آن‌ها بیشتر از آنکه به آرشیو به‌عنوان شغل نگاه کنند باید حرفه فکر کردن را بیاموزند. آموزش این که فرد به‌عنوان آرشیویست فکر کند مهم‌تر از آن است که به او آموزش عملی داده شود و یا در زمینه بررسی تاریخی اسناد تخصص پیدا کند. آرشیوهای آینده، آرشیوهای تعاملی هستند که با حساسیت نسبت به نیازهای اطلاعاتی جامعه، توجه به تغییرات اجتماعی و هوشیاری نسبت به پیشرفت‌های فناوری تلاش می‌کنند تا جایگاهی درخور برای آرشیویست‌ها به‌عنوان معماران تولید اطلاعات و سیاست‌گذاران سازماندهی و دسترس‌پذیری صحیح اسناد آرشیوی فراهم آورند.



تأملی بر مفهوم مهاجرت داده در روند سازگاری با تحول فناوری‌های کتابخانه‌ها و آرشیوها

سحر رضوی، عباس رفاهی و دکتر امیررضا اصنافی

چکیده:

مهاجرت داده‌ها فرایند انتقال داده‌ها از منابع داده‌های قدیمی در سامانه قدیمی به منابع داده جدید در سامانه هدف است که در آن سامانه‌های قدیمی و جدید دارای ساختارهای داده‌ای متفاوتی هستند. در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، علاوه بر معرفی روند مهاجرت داده‌ها، انواع و کاربردهای آن در کتابخانه‌ها و آرشیوها بررسی می‌شود. نظام‌های کتابخانه‌ای و آرشیوی با بهره‌گیری از مهاجرت داده‌ها و روش‌های آزمایش شده می‌توانند گام‌های خوبی را در مسیر جمع‌آوری و دسترس‌پذیرسازی داده‌های محمل‌های متنوع گذشته و حال بردارند که بر تنوع آن در فضای مجازی افزوده می‌شود. روند مداومی که برای همگامی با عصر نوین اتخاذ شده است، مهاجرت داده‌های فیزیکی به سامانه‌های جدید را به دلیل ارزش علمی، فرهنگی و قومی و ملی اشیا امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین با تولید محتوای بسیار در وب و شبکه‌های مجازی که روزبه‌روز بر حجم داده‌های آن‌ها افزوده می‌شود، باید تدابیری جدی برای نگهداری و بازیابی داده‌های این محمل‌ها اندیشیده شود.

کلیدواژه‌ها

مهاجرت داده‌ها، کتابخانه‌ها، نظام‌های کتابخانه‌ای، آرشیوها، نظام‌های آرشیوی.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴، صص: ۸-۲۱



تأملی بر مفهوم مهاجرت داده در روند سازگاری با تحول فناوری‌های کتابخانه‌ها و آرشیوها

سحر رضوی^۱، عباس رفاهی^۲ و دکتر امیررضا اصنافی^۳

مقدمه:

با بالارفتن حجم اطلاعات، هزینه‌های حفاظت و نگهداری نیز بالا رفت. نهادها و سازمان‌ها در پی برآوردن نیاز اطلاعاتی مراجعان خود، خواستار صرفه‌جویی در هزینه‌ها شدند. بنابراین تلاش کردند تا محمل‌های فیزیکی را که نگهداری و حفاظت از آن‌ها هزینه بیشتری داشت و دستیابی مراجعان را با دشواری روبه‌رو می‌ساخت، به محمل‌های رقمی منتقل کنند. مهاجرتی که در آن داده‌ها همواره باید از محملی قدیمی به محملی جدید منتقل شوند، مهاجرتی ناگزیر است؛ زیرا رفته‌رفته از حجم محمل‌های اطلاعات فیزیکی کاسته می‌شود و فناوری‌های بازخوانی این محمل‌ها نیز از تولید خارج شده و به دلیل دسترسی آسان منابع رقمی، مراجعان به آن‌ها تمایل دارند. بنابراین اگر این مهاجرت صورت نگیرد انبارهایی از داده‌های فیزیکی با مراجعان اندکی خواهیم داشت؛ زیرا نیازمندان به آن داده‌ها از وجود آن‌ها مطلع نیستند.

مهاجرت داده، درمانی برای پرکردن شکاف فناوری از زمانی به زمان دیگر است (Porubović-Vidović, 2004) و سازمان‌ها و نهادهای مختلف در رویارویی با ظهور فناوری‌های نوین می‌کوشند تا خود را همپای فناوری‌های جدید به‌روز نگه دارند تا بتوانند علاوه بر پاسخ‌گویی به نیاز مراجعان خویش، با بهبودبخشیدن به سامانه‌های نگهداری منابع خود، به کارایی و سرعت مناسب در ارائه خدمات دست یابند.

کتابخانه‌ها و آرشیوها به‌عنوان مراکز اطلاعاتی بسیار مهمی که نقش به‌سزایی در پشتیبانی اطلاعاتی جامعه دارند، از مراکز داده‌محور محسوب می‌شوند. داده‌ها در این مراکز علاوه بر

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛
sahar0737@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛
abbas.refahi.k@gmail.com

۳. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛
aasnafi@gmail.com



ارزش افزوده بالایی که دارند، مورد نیاز جامعه نیز هستند. این مؤسسات فقط با استفاده از قالب‌های محدودی به فعالیت می‌پردازند، درحالی‌که بسیار ضروری است تا اکثر اشیا رقمی را نگهداری کنند و در دسترس کاربران قرار دهند. این امر با ارائه برنامه‌ای مناسب و تولید محتوا در قالب‌های رایج تحقق می‌یابد. برنامه‌ای که با آن بتوان قالب‌های مختلف و حتی محمل‌های متنوع را پوشش داده و مهاجرت داده‌ها را نیز در آینده در نظر گیرند. با توجه به کاربرد مهاجرت داده‌ها در کتابخانه‌ها و آرشیوها می‌توان مهاجرت داده‌ها را در سه بخش بررسی کرد (نمودار ۱).



نمودار ۱- انواع مهاجرت داده

در این پژوهش سعی بر آن است تا ضمن معرفی روند مهاجرت داده‌ها، انواع و کاربردهای آن در کتابخانه‌ها و آرشیوها بررسی شود؛ بنابراین در دو بخش مهاجرت داده و مهاجرت داده‌ها در کتابخانه‌ها و آرشیوها به تبیین مهاجرت داده پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

پارووباویچ - ویدوویچ^۱ در پژوهشی برای بررسی مهاجرت داده در آرشیوها براساس تجربه‌اش در طرح مهاجرت داده و با توصیف کاربردهای آن، گزارشی از مشکلات فرایند این مهاجرت ارائه می‌دهد. او نتایج تحقیقاتش را روشی برای پرکردن شکاف فناوری از زمانی به زمانی دیگر دانسته و بیان می‌دارد که تولید اسناد الکترونیکی و اطمینان پیدا کردن از طول عمر این

1. Porubović-Vidović



اسناد، از چالش‌های اساسی عصر حاضر است و باید راهکارهایی را در مقابل تهدیداتی که به از بین رفتن اسناد منجر می‌شود، اتخاذ و ایستادگی کرد.

اندرسن^۱ و همکارانش با بررسی روند مهاجرت داده‌ها، بیان تجربیات عملی و نظری، و بهره‌گیری از الگوریتم‌های مرتبط، به ارائه الگوریتم‌های کاربردی می‌پردازند و استفاده از آن را در فرایند مهاجرت داده‌ها توصیه می‌کنند.

در پژوهشی دیگر، تجربه تغییر سامانه کتابخانه فلورنتینو^۲ با هدف بهبود سامانه مدیریت و خدمات به کاربران کتابخانه بیان و فرایند مهاجرت در دو مرحله به‌طور کامل شرح داده شده است؛ نخست استفاده از قالب XML برای وارد کردن پیشینه‌های کتاب‌شناختی و در مرحله بعد مهاجرت اطلاعات مستقیم به پایگاه داده MySQL (Morris, 2012).

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش مطالعه سندی و کتابخانه‌ای با مطالعه و بهره‌گیری از نتایج پیمایشی و توصیفی دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با مهاجرت داده‌ها، به توصیف و تبیین مهاجرت داده و انواع آن در کتابخانه استفاده شده است.

مهاجرت داده‌ها^۳

به‌طور کلی مهاجرت داده‌ها، فرایند انتقال داده‌ها از منابع داده‌های قدیمی از سامانه قدیمی به منابع داده جدید در سامانه دیگر است که در آن سامانه‌های قدیمی و جدید دارای ساختارهای داده متفاوتی هستند (Morris, 2012; Kažimír & Otčenášková, 2012). در تعریفی دیگر، مهاجرت داده‌ها عبارت است از: انتخاب، آماده‌سازی، استخراج، تبدیل و انتقال دائمی داده‌های باکیفیت در زمان و موقعیت مناسب برای خارج کردن داده‌های ذخیره‌شده قدیمی از خدمات. این تعریف از آن جهت که مرحله فنی پروژه را برجسته می‌کند بسیار حائز اهمیت است (Morris, 2012). از دیدگاه سنتی، روند مهاجرت داده شامل سه مرحله استخراج^۴، تبدیل^۵ و بارگذاری^۶ است (نمودار ۲).

1. Anderson
2. Florentino
3. Data Migration
4. Extract
5. Transform
6. Load



نمودار ۲- روند مهاجرت داده



- استخراج: در این مرحله، هسته اولیه در سطح انتزاعی استخراج می‌شود و منابع داده‌های ناهمگن را در سامانه قدیمی ترکیب می‌کند.

- تبدیل: در مرحله دوم، هسته قدیمی به یک هسته جدید تبدیل می‌شود؛ در نتیجه ممکن است با تعیین تغییرات مهاجرت، با اعتبارسنجی، پاک کردن و نقشه‌برداری داده‌ها همراه باشد.

- بارگذاری: در پایان، یک هسته جدید به منابع داده هدفمند که اغلب ساده است، بارگذاری می‌شود (Thalheim & Wang, 2013).

نوسازی سامانه‌های قدیمی یکی از چالش‌برانگیزترین مشکلاتی است که اغلب، مهندسی نظام‌های اطلاعات با آن مواجه می‌شود. با تحول حوزه‌های کاربردی و ظهور فناوری‌های جدید، سامانه‌های قدیمی نیازمند مهاجرت به سامانه‌های جدید هستند. برخی اوقات، سامانه‌های قدیمی برای پشتیبانی از قابلیت‌های پیشرفته مدل‌های نوین، بازنگری در مدل‌ها و مهندسی مجدد ضرورت می‌یابد. مهاجرت داده‌ها که اساسی‌ترین جنبه از پروژه‌های نوسازی سامانه‌های قدیمی محسوب می‌شود، به‌عنوان کاری دشوار شناخته شده است که می‌تواند به‌طور کامل به شکست پروژه نوسازی بینجامد (Thalheim & Wang, 2013).

چندین مسئله وجود دارد که ممکن است این روند را به‌طور چشم‌گیری پیچیده کند. اول اینکه، سامانه‌های قدیمی اغلب به تعدادی منابع داده‌های ناهمگن اختصاص داده شده که با استفاده از ابزارهای مدل‌سازی داده‌های مختلف و یا تحت معانی مختلف، تفسیر می‌شوند. این نیاز به درک کامل منابع داده‌های قدیمی از جنبه‌های مختلف، از قبیل محدودیت‌های اطلاعات صریح یا ضمنی، روابط متقابل منابع داده‌های مختلف و دسترسی به داده حائز اهمیت است. دوم، سامانه‌های قدیمی ممکن است داده‌های نادرست، ناقص، تکراری یا متناقض داشته باشند. از سوی دیگر، سامانه‌های جدید اغلب نیاز به الزام معنایی بیشتری بر داده‌ها پس از مهاجرت دارند؛ بنابراین، آوردن کیفیت داده‌ها به استاندارد سامانه‌های جدید می‌تواند پرهزینه و وقت‌گیر باشد. در مطالعه‌ای نشان داده شد که ۶۲ درصد از پروژه‌های مهاجرت داده‌ها در سامانه‌های جدید دارای مشکلات مربوط به کیفیت داده‌های معنادار هستند. سوم، بسیاری از داده‌های مهاجرت داده‌ها مانند پروفایل‌های داده‌ها، اعتبارسنجی و پاک‌سازی باید به‌صورت یکپارچه در یک پروژه اجرا شوند و تغییر مشخصات اغلب برای رفع مشکلات شناسایی شده اتفاق می‌افتد (Kažimír et al., 2012).

از عمده دلایل مهاجرت داده‌ها عبارت است از:

- دستگاه‌های ذخیره‌سازی نوین برای انعطاف‌پذیری بیشتر و ذخیره‌سازی برخط؛
- حل مشکلات عملکردی سامانه؛



- کاهش فیزیکی اشغال فضای تجهیزات رایانه‌ای سامانه ذخیره‌سازی برای آزادکردن فضای مرکز داده و کاهش هزینه‌های مصرف انرژی و تهویه هوا؛
 - بهره‌گیری از فناوری مهاجرت داده به‌عنوان راه‌حلی برای بازیابی پس از بروز فاجعه؛
 - نیاز به بهره‌گیری از کارکردهای جدید و امکانات ارائه‌شده در مسیر تکامل فناوری برای ارتقای توان رقابتی؛
 - نیاز به جابه‌جا کردن مرکز داده (Warmuth et al., 2015, p.3).

برخی پژوهشگران معتقدند مهاجرت داده موفق، همیشه زمان زیادی را صرف ارزیابی و برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه‌ریزی مناسب، عامل موفقیت قطعی در هر پروژه مهاجرت است (Warmuth et al., 2015). برخی موانع موفقیت در مهاجرت داده‌ها عبارت است از:
 - تأخیر در انجام مهاجرت داده‌ها تا زمانی که بر فرایند تبدیل سامانه تأثیر بگذارد؛
 - عدم امکان تصمیم‌گیری در مورد مهاجرت آگاهانه به‌دلیل عدم‌برآورد هزینه و زمان؛
 - عدم موفقیت کامل شرکت به تعهد خود در پروژه مهاجرت داده‌ها؛
 - ناتوانی در دسترسی به متخصصان موضوعی داخلی؛
 - استفاده از کارکنان بی‌تجربه با ابزارهای دم‌دستی و روش‌های آزمایش‌نشده (Kažimír et al., 2012).

این مسائل اهمیت روش‌ها و رویکردها را که در گزینش بهترین شیوه مورد استفاده از طریق فرایند مهاجرت داده‌ها، برجسته می‌کنند (Thalheim & Wang, 2013). پژوهشگران برای موفقیت در مهاجرت داده، نه ویژگی را ذکر می‌کنند که عبارت است از:
 ۱- اجرای مهاجرت داده‌ها به‌عنوان یک پروژه مستقل، از بودجه‌بندی تا آزمایش؛
 ۲- محقق کردن و مدیریت انتظارات در طول فرایند؛
 ۳- درک اطلاعات فعلی و آینده و مقررات حرفه‌ای؛
 ۴- شناسایی افرادی که در مورد داده‌های قدیمی تخصص دارند؛
 ۵- جمع‌آوری اسناد موجود در مورد سامانه قدیمی؛
 ۶- مشخص کردن نقش و مسئولیت پروژه مهاجرت داده‌ها؛
 ۷- نمایش دادن یک نمای کلی از محتوای داده‌ها، کیفیت و ساختار؛
 ۸- اتخاذ روشی رسمی که موردآزمون قرار گرفته باشد؛
 ۹- هماهنگی با صاحبان حرفه و سهامداران برای تعیین اهمیت و کیفیت داده‌های آن حرفه (Kažimír et al., 2012).



بنابراین داشتن دیدی کلی از موارد مرتبط به مهاجرت داده‌ها اهمیت به‌سزایی دارد. مواردی

چون:

- **پیکربندی:** ممکن است قبل از شروع کار به پیکربندی سخت‌افزار جدید در سامانه‌هایی که مهاجرت می‌شوند، نیاز باشد.

- **عملیات:** زمانی برای انجام مهاجرت نیاز است، از این‌رو برنامه‌ریزی زمانی در هنگامی که از فنون مهاجرت داده برون‌خط استفاده می‌کنید بسیار مهم است؛ زیرا پس از مهاجرت داده‌ها، مراحل عملیاتی مرکز داده شما باید بررسی و به‌روز شود.

- **داده:** همه داده‌ها را نمی‌توان به یک روش مهاجرت داد. برای مثال: مجموعه داده‌های صفحه‌بندی محلی در IBM OS/390* را نمی‌توان به‌طور مستقیم منتقل کرد. محدودیت به این علت است که بررسی‌های دستی مجموعه داده‌های صفحه‌بندی‌شده محلی نیازمند اجرا و ارتقا سامانه‌های OS/390 است.

- **زیرساخت:** تغییرات در زیرساخت ممکن است نیازمند مطابقت‌دادن فناوری‌های زیرسامانه ذخیره‌سازی جدید باشد. برای مثال، فناوری جدید نیاز به روش‌های پیوست جدید یا افزایش قابلیت‌های سرعت داده دارد.

- **برنامه‌های کاربردی:** ممکن است نیاز به اصلاح یا اضافه‌کردن مؤلفه‌های نصب در برنامه‌های کاربردی برای جایگزینی دستگاه‌های ذخیره‌سازی یا زیرساخت‌های جدید باشد.

- **کارایی:** مهاجرت داده‌ها فرصتی برای به‌حداکثر رساندن کارایی در جابه‌جایی دقیق داده‌های با استفاده بالاست. به هر حال اگر درباره اینکه کجا مهاجرت داده‌ها باید اتفاق بیفتد، دقت نشود، می‌تواند مسائل مربوط به کارایی را ایجاد کند (Warmuth et al., 2015, P3).

مهاجرت داده‌ها در کتابخانه‌ها و آرشیوها

مهاجرت داده‌ها یکی از جنبه‌های کلیدی هر تغییری از یک سامانه مدیریت کتابخانه‌ای و آرشیوی به سامانه دیگر است (Matoria & Upadhyay, 2005). مهاجرت داده‌ها از سامانه‌ای به سامانه دیگر برای کتابخانه‌ها و آرشیوها، واقعیتی حیاتی محسوب می‌شود. اکثر سازمان‌های اطلاعاتی در طی سال‌های گذشته یک یا چند مهاجرت از سامانه‌ای به سامانه دیگر را تجربه کرده‌اند. بالطبع، از اجزای مهم هر مهاجرت سامانه‌ای، مهاجرت و تبدیل اطلاعات است؛ فرایندی که در آن پلی، سامانه‌های قدیمی را به سامانه جدید متصل می‌کند. گرچه اکثر کتابخانه‌ها و آرشیوها تجربه مهاجرت داده‌ها از سامانه‌ای به سامانه دیگر را داشته‌اند اما مؤلفه‌های مهاجرت داده‌ها هنوز فرایند پیچیده‌ای است که نیاز به برنامه‌ریزی، آزمون و بررسی دقیق دارد. کسانی که مهاجرت داده از سامانه‌ای به سامانه دیگر و انتقال نظیر به نظیر داده‌ها



را تجربه کرده‌اند، تأییراتی را که این فرایند می‌تواند بر کارکنان در تمام سطوح داشته باشد، درک می‌کنند. به دلیل خطاهای بالقوه‌ای که ممکن است قابل‌بازیابی نباشد و باعث پاک‌سازی قابل‌توجه پایگاه‌های پیشینه‌ها و تخریب موقت خدمات به کاربران کتابخانه شود، مهاجرت داده‌ها می‌تواند یکی از حساس‌ترین جنبه‌های مهاجرت سامانه‌ای باشد (Alan, 2002). دلایل متعددی وجود دارد که چرا ممکن است کتابخانه یا آرشیوی بخواهد از یک سامانه مدیریت کتابخانه به سامانه دیگری مهاجرت کند. برخی از این دلایل عبارت است از:

- حذف نرم‌افزار موجود توسط فروشنده آن؛
 - تغییر نسخه توسط فروشنده؛
 - فقدان ویژگی‌های موردنیاز در نسخه/نرم‌افزار موجود؛
 - هزینه نگهداری نرم‌افزار موجود؛
 - تغییر به دلیل سخت‌افزار/نرم‌افزار محیط/پلت‌فرم؛
 - تغییر به دلیل ناگزیری از پیشرفت فناوری است (Matoria & Upadhyay, 2005).
- با ظهور پایگاه‌های اطلاعاتی، اسناد چندبُعدی و وب، مهاجرت داده‌ها به امری پیچیده بدل شده است تا جایی که نیاز به یافتن راه‌حل‌های جدید و انجام پژوهش‌ها، بیشتر می‌شود. برای توسعه روش‌شناسی مهاجرت پیشینه‌های الکترونیکی، کارهایی باید انجام پذیرد و باید تحقیقاتی در رابطه با نقش سند چه در داخل و چه در خارج از سازمان که اساس اقدامات ثبت الکترونیکی است، انجام شود. اینکه چه خطراتی ممکن است متوجه آرشیوها برای مهاجرت داده‌ها وجود داشته باشد، باید در قبل از هر کاری موردتوجه قرار گیرد؛ اینکه خطرات مربوط به مهاجرت الکترونیکی آرشیو چیست؟ مزایا و معایب آن کدام است؟ مدل‌های مدیریت پروژه موردنیاز چیست؟ چگونه مهاجرت آرشیو با مهاجرت داده مرتبط است؟
- ممکن است تصمیم گرفته شود تا سامانه فعلی ارتقا و اعتبارسنجی شود تا از پروژه پشتیبانی کامل به عمل آید؛ در این صورت باید پذیرفت که داده‌ها ممکن است به‌طور کامل به سامانه جدید منتقل نشود. از این رو، مهارت‌های بایگانی سنتی را می‌توان در تصمیم‌گیری سوابق استفاده کرد (Binns et al., 1997).

مهاجرت از محمل اطلاعاتی به محمل اطلاعاتی

کتابخانه‌ها برای حفظ و اشاعه انواع منابع اطلاعاتی (نوارهای صوتی و تصویری، عکس، ریزنگاشت‌ها و ...) که از دیرباز نگهداری می‌شدند، نیاز دارند تا منابع فیزیکی با دسترسی محدود خود را با رقی‌سازی قابل‌دسترس همگانی، گسترده کنند. همچنین در این مسیر محتوای منابعی که احتمال از بین رفتن و مخدوش شدنش وجود دارد، مصمون می‌ماند.



نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها از نمونه منابع قابل استفاده‌ای است که با محدودیت اشاعه و احتمال مخدوش شدن همراه است که گاه در برخی از کتابخانه‌ها در معرض ازبین رفتن است. از مواردی که می‌توان مخدوش شدن داده‌ها را در محمل‌های فیزیکی نشان دهد، سنگ‌نوشته‌ها و طومارها در طول تاریخ، اسناد و نسخه‌های خطی کتاب در جنگ‌ها و آتش‌سوزی‌ها، کتاب‌ها و منابع دیداری-شنیداری در شرایط نگهداری نامطلوب و غیره است.

در آرشیو نیز تاریخ با اسناد کتبی تدوین می‌شود و این در صورتی است که اسنادی وجود داشته باشد. اما اگر هیچ سند کتبی در دست نباشد، باز هم می‌توان آن را نوشت و باید نوشته شود. توقع و خواست پژوهشگران عصر حاضر نیز این است که وضع اصلی و اولیه سند به صورت نسخه خطی منعکس شود (فدایی عراقی، ۱۳۷۷). مزیت چنین اسنادی این است که داده‌های موجود در اسناد در هر شکلی که باشند، وقتی مکتوب شوند قادر به مهاجرت هستند. شاید امروزه بتوان علاوه بر نوشتن داده‌های اشیاء، با تصویربرداری آن‌ها را حفظ کرد. علاوه بر اشیاء می‌توان به ثبت و ضبط رویدادهای شفاهی که پیش از این در نوشته‌ها منعکس می‌شد، در قالب صوت و تصویر پرداخت.

قالب‌های صوت و تصویر که در محمل‌هایی چون نوارهای مغناطیسی ضبط و پخش می‌شدند، امروزه به دلیل منسوخ شدن نیاز است تا از محمل‌های آنالوگ به رقمی مهاجرت داده شوند. گرچه در انتقال اطلاعات به دلیل فشرده‌سازی آن‌ها - که گاه به کیفیت اطلاعات لطمه جبران‌ناپذیری می‌زند- در فضای ذخیره‌سازی صرفه‌جویی می‌شود، ولی به همان نسبت نیز بر حجم اطلاعات افزوده شده و آرشیوها را با مُعضل فضای ذخیره‌سازی مواجه کرده است (Schüller, 2009).

مشکلاتی که در مهاجرت داده‌ها در این نوع از مهاجرت وجود دارد - مثل ازبین رفتن منابع یا مخدوش شدن آن‌ها- به دلیل فقدان برنامه‌ریزی و اتخاذ راهبرد صحیح، بسیار مشهود است. برای مثال اگر در کتابخانه یا آرشیوی تصمیم گرفته شود تا اسناد و کتب موجود به اسناد الکترونیکی تبدیل شود، باید قبلاً تمامی فناوری‌های موجود برای این مهاجرت بررسی شده و یا دانش و تخصص انتقال داده وجود داشته باشد؛ در غیراین صورت چه بسا داده‌های رقمی شده از محمل فیزیکی قابل تشخیص نیست و یا نیاز به بازبینی نمونه فیزیکی دارد. حال اگر محمل فیزیکی مورد نظر معدوم یا به دلیل نگهداری نادرست مخدوش شده باشد و یا اینکه دسترس پذیر نباشد، عملاً کار مهاجرت داده در سند مذکور ناقص انجام پذیرفته است. این مورد در آرشیوهای عکس و فیلم بسیار مهم‌تر است زیرا اغلب هدف از تبدیل مدارک فیزیکی به رقمی، گسترش فضای نگهداری است و در این صورت نمونه فیزیکی مدرک را امحاً می‌کنند که با فرایند ناقص مهاجرت داده به ازبین رفتن داده‌های مفید مدرکی منجر می‌شود. بنابراین



هدف‌گذاری، اتخاذ راهبرد درست و به‌دست‌آوردن دانش فنی موردنیاز از الزامات مهاجرت داده از محمل اطلاعاتی به محمل اطلاعاتی دیگر محسوب می‌شود. چه‌بسا اسنادی که باهدف رقمی‌سازی، تصویربرداری از آن‌ها صورت گرفته ولی با بی‌اطلاعی از وجود فناوری‌های OCR در زمان مهاجرت، امروز قابلیت پردازش متنی را ندارند و نیاز است، بار دیگر این فرایند تکرار شود.

مهاجرت از قالبی به قالب دیگر

از آنجا که مهاجرت داده برای ارتقای سامانه‌های رایانه‌ای یا بهره‌گیری از محصولات جدید ضرورت می‌یابد (Warmuth et al., 2015, P2)، امروزه قالب‌های تحت حمایت آرشیوها شامل پرونده‌های متنی، پرونده‌های تصویری، وبگاه، همهٔ نشریات تولیدشده با رایانه‌ها، پایگاه‌داده و نرم‌افزارهای تعاملی است (Porubović-Vidović, 2004).

مهاجرت از محمل رقمی به محمل رقمی

از منظر نرم‌افزاری، مهاجرت داده‌ها به‌عنوان فعالیتی تعریف می‌شود که وظیفه ایجاد و انتقال رونوشت از داده‌های یک پایگاه‌داده منبع به پایگاه‌داده هدف را دارد که با ویژگی‌های فناوری‌های نوین سازگار بوده و قابلیت به نمایش درآمدن در محیط‌های مختلف را داشته باشد. ضمن اینکه هیچ عملیات دست‌کاری (برای مثال، ایجاد یا به‌روزرسانی) در پایگاه‌های داده مجاز نیست و باید به‌صورت برون‌خط انجام شود (Scavuzzo et al., 2017).

هنگام مهاجرت داده‌ها به یک سامانه جدید، جمع‌آوری داده‌هایی که در حال حاضر در یک یا چند سامانه قدیمی نگهداری می‌شوند ممکن بسیار بغرنج باشد؛ به‌نحوی که برخی اذعان می‌کنند انتقال داده‌ها در یک سامانه قدیمی به سامانه جدید بسیار پیچیده‌تر از خودکارسازی یک یا چند سامانه دستی است، زیرا در آنجا فرض بر این است که سامانه‌ای که یک نوع داده را نگهداری می‌کند و اکثراً عملکرد مشابهی دارند، داده‌ها به‌راحتی از سامانه قدیمی در سامانه جدید نمایش داده شوند.

به لحاظ تاریخی ثابت شده است که سامانه‌های منطقی در اجرای یکپارچه‌سازی داده‌ها ضعیف هستند. برای مثال بسیاری از سامانه‌های قدیمی به‌طور کامل از نسخه فعلی مارک پشتیبانی نمی‌کنند، بلکه از نسخه پیشین مارک و یا نسخه‌های استاندارد محلی آن پشتیبانی می‌کنند.

نوع استاندارد استفاده‌شده در سامانه‌ها می‌تواند بر روند انتقال مهاجرت داده بین سامانه قدیمی و جدید تأثیر بگذارد. بسیاری از توافقنامه‌های سامانه جدید قراردادهایی هستند که



فقط نرم‌افزاری هستند. مدت‌زمان نصب برای قراردادهای نرم‌افزاری باید با دقت مورد توجه قرار گیرد. درحالی‌که باید زمانی برای آزمایش رفتار داده‌ها در سامانه جدید وجود داشته باشد تا مشکلی پیش نیاید. در طول برنامه‌ریزی مهاجرت داده‌ها، بخش‌های خاص یا کل سامانه ممکن است در حال توسعه باشند. این امر همچنین می‌تواند مشکلاتی را در زمینه آزمایش ویژگی‌های مهاجرت و رفتار سامانه در محیط ایجاد کند. علاوه بر این، در طرح کلی مهاجرت سامانه با تعیین نیازهای عملکردی که سامانه جدید باید پاسخ دهد، توجه جدی به آزمایش و بررسی مهاجرت داده بیشتر می‌شود زیرا کسانی که عمیقاً با مهاجرت سامانه درگیر هستند، ممکن است به‌طور کامل پیچیدگی‌های داده‌ها را درک نکنند. برعکس، کسانی که داده‌ها را ایجاد و نگهداری می‌کنند، ممکن است پیچیدگی سامانه و روند انتقال داده‌ها را به‌طور کامل درک نکنند.

مهاجرت داده‌ها رویداد یک‌باره به‌شمار نمی‌آید، بلکه فرایندی مداوم است و به‌دلیل پیدایش فناوری‌های نوین باز-تکرار خواهد شد. به‌همین دلیل برنامه‌ریزی برای مهاجرت داده‌ها در بلندمدت از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین بسیار مهم است که فهرستی از تمام داده‌ها در سامانه فعلی، هدف داده‌ها و ارتباط داده‌ها با سایر داده‌ها و عملکرد سامانه نگهداری شود. مهاجرت مداوم داده‌ها مفهومی جدید محسوب نمی‌شود، بلکه بر اساس استانداردها و مستندات است. محتوای پیشینه کتاب‌شناسی مبتنی بر ویرایش دوم قوانین فهرست‌نویسی انگلو امریکن^۱ با استفاده از فرم مارک ۲۱ برای داده‌های کتاب‌شناختی ارتباط و نمایش داده می‌شود. درحالی‌که این امر برای داده‌های غیر کتاب‌شناختی به‌دلیل بهره‌گیری از استانداردهای متنوع در سامانه‌های قدیمی که در مارک ۲۱ پشتیبانی نمی‌شود، بسیار بغرنج‌تر است، زیرا قالب‌های ارتباطی استاندارد برای اکثر داده‌ها موجودی وجود ندارد (Alan, 2002).

با پیشرفت فناوری و به‌تبع آن افزایش نیاز کاربران قالب‌های دیگری برای جایگزینی مارک مانند بیب‌فریم در حال شکل‌گیری است که انعطاف‌پذیری و قابل توسعه بودن بیب‌فریم با آر.دی.اف. بر پایه مدل رابطه موجودیت که در بستر ایکس.ام.ال. کدگذاری شده، نگرش‌ها را به سمت مهاجرت دائمی از مارک تغییر داده است (Kroeger, 2013). انتظار می‌رود که ابزارها برای مهاجرت از مارک ۲۱ به بیب‌فریم و استفاده از آن در آینده برای بهبود خدمات با مدل‌های پیوندی توسعه یابد (Halo, 2016).

جدای از بحث استانداردها، پاک‌سازی پایگاه داده نیز باید به‌عنوان یک فرایند مستمر بررسی شود تا از مهاجرت صحیح داده‌های کتابخانه به یک سامانه جدید اطمینان حاصل شود. بنابراین لازم است قبل از مهاجرت داده‌ها، پاک‌سازی و پایگاه داده به‌روز شود زیرا ممکن است داده‌های خراب در طول مهاجرت داده‌ها، با موفقیت به یک سامانه جدید انتقال پیدا نکنند

1. Anglo-American
Cataloguing Rules,
Second Edition



و کارکنان به دلیل رعایت جدول زمانی مهاجرت داده، قادر به پاک‌سازی همهٔ پیشینه‌ها در زمان مهاجرت داده‌ها نباشند. بنابراین علاوه بر شناسایی شرکت طرف قرارداد با کتابخانه، نیاز به همکاری شرکت با کتابخانه است تا راه‌حل مناسبی برای مهاجرت داده‌ها انتخاب شود و کارکنان نیز زمان کافی برای یادگیری و آزمایش نظام جدید داشته باشند تا بتوانند رفتارهای سامانه را قبل از مهاجرت آن به سامانهٔ جدید شناسایی کنند. بهره‌گیری از رویکرد روشمند برای آزمایش مهاجرت داده‌ها و رفتار نظام از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، ضمن اینکه باید از کارکنان باتجربه و آشنا با نظام جدید در آزمون نظام بهره گرفته شود (Alan, 2002).

نتیجه‌گیری:

با گسترش فناوری و فراگیری برنامه‌های کاربردی در زمینه‌های مختلف، اهمیت استفاده از این فناوری‌ها و برنامه‌ها حتی در زندگی روزمره نیز به‌نحو چشم‌گیری افزایش یافته است. فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی در عصر اطلاعاتی حاضر به‌وجود آمده است. با توجه به تولید انبوه اسناد الکترونیکی، حصول اطمینان از طول عمر آن‌ها یکی از چالش‌های اصلی به‌شمار می‌رود. هر کسی باید آگاه باشد که پیشرفت سریع فناوری به‌معنای کمبود سریع سخت‌افزار و نرم‌افزار است و باید برای حفاظت از سرمایه‌های تولیدشده، با اقدامات لازم و گزینش راهبردی برای انتقال، همهٔ تهدیداتی که به از دست‌دادن اسناد الکترونیکی منجر می‌شود، کنترل کرد (Porubović-Vidović, 2004). داده‌های موجود در مراکز اطلاعاتی به‌ویژه آرشیوها و کتابخانه، دارایی مهمی است که نمی‌تواند مجدد تولید شود زیرا منابعی مانند پول، نیروی انسانی و زمان بسیاری طلب می‌کند. بنابراین، استفاده از داده‌های موجود با نرم‌افزار جدید، در صورت تبدیل آن به شیوه‌ای مناسب ضروری است (Matoria & Upadhyay, 2005). مهاجرت داده‌ها معمولاً به‌عنوان بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر در نوسازی سامانه‌های قدیمی به‌شمار می‌آید که در چنین مواردی، تحولات در داده‌ها ممکن است به تحولات در دیدگاه‌ها، قابلیت و رابط کاربر منجر شود (Thalheim & Wang, 2013).

به این ترتیب می‌توان بیان داشت که مهاجرت داده‌ها گرچه فرایند دشواری است، اما ضرورت انجام آن بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا اگر به‌موقع صورت گیرد، می‌تواند تا هزینه‌ها، روندهای کاری و مشکلات را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهد. کتابخانه‌ها و آرشیوها به دلیل درگیر بودن با اطلاعات و داده‌ها با هدف نگهداری و دسترس‌پذیری آن برای مراجعان در مواجهه با فناوری‌های جدید، به مهاجرت داده‌ها نیاز دارند و این روند از گذشته تا به امروز ادامه دارد. این روند مداوم برای همگامی با عصر نوین اتخاذ شده است و مهاجرت داده‌های فیزیکی را به سامانه‌های جدید به دلیل ارزش علمی، فرهنگی و قومی و ملی اشیا امکان‌پذیر می‌کند. بنابراین



ضرورت دارد با تولید محتوای بسیار در وب و شبکه مجازی که روزبه‌روز بر حجم داده‌های آن افزوده می‌شود، تدابیری جدی برای نگهداری و بازیابی داده‌های این محمل‌ها اندیشید.

منابع:

- فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی. تهران: سمت.
- Alan, R. (2002). "The Serials Data Migration Dilemma". *Technical Services Quarterly*, 20(1), pp. 29-38.
- Anderson, E., Hall, J., Hartline, J., Hobbes, M., Karlin, A., Saia, J., ... & Wilkes, J. (2010). "Algorithms for data migration". *Algorithmica*, 57(2), pp. 349-380.
- Binns, S. E., Bowen, D. V., & Murdock, A. (1997). "Migration Strategies Within an Electronic Archive: Practical Experience and Future Research". *Archives and Museum Informatics*, 11(3), pp. 301-306.
- Data migration roadman guidance. Retrieved: 30 May 2018. Available in: https://studentaid.ed.gov/sa/sites/default/files/fsawg/static/gw/docs/ciolibrary/Data_Migration_Roadmap_Guidance.Pdf.
- Hallo, M., Luján-Mora, S., Maté, A., & Trujillo, J. (2016). "Current state of Linked Data in digital libraries". *Journal of Information Science*, 42(2), pp. 117-127.
- Jorquera-Vidal, I. (2015). "Migración de un catálogo de libros de ISIS a PMB": Experiencia en la Biblioteca Florentino Ameghino de la Facultad de Ciencias Naturales y Museo de la Universidad Nacional de La Plata.
- Kažimír, P., Bureš, V. & Otčenášková, T. (2012). "A Swap of Perspectives: Data Migration and Knowledge Management as Mutually Interrelated Disciplines". *Journal of Organizational Knowledge Management*, DOI: 10. 5171/2012.737649.
- Kroeger, A. (2013). "The road to BIBFRAME: the evolution of the idea of bibliographic transition into a post-MARC Future". *Cataloging & classification quarterly*, 51(8), 873-890.
- Matoria, R.K. & Upadhyay, P.K. (2005) Migration of data from one library management system to another: A case study in India. *Program*, 39(2), pp. 160-66.
- Morris, J. (2012). *Practical data migration*. BCS, The Chartered Institute.
- Porubović-Vidović, O. (2004). "Data migration in archives of Serbia and Montenegro:



Concept and example”. Pregled Nacionalnog Centra za Digitalizaciju, (5), 83-88.

- Scavuzzo, M., Di Nitto, E., & Ardagna, D. (2017). “Experiences and challenges in building a data intensive system for data migration”. Empirical Software Engineering, pp. 1-35.
- Schüller, D. (2009). “Video archiving and the dilemma of data compression”. International preservation news, (47), pp. 5-7.
- Thalheim, B., & Wang, Q. (2013). “Data migration: A theoretical perspective”. Data & Knowledge Engineering, 87, pp. 260-278.
- Warmuth, A., Dufrasne, B., Appel, J., Bauer, W., Douglass, S., Klee, P., Pura, M., Wesselbaum, B. (2015). DS8870 data migration techniques. Poughkeepsie, New York: IBM Corporation, International Technical Support Organization.



چالش‌های مدیریت سوابق در قرن بیست و یکم

کارگروه بررسی سوابق قانونی، شورای ملی هماهنگی تجارت الکترونیکی
ترجمه: زهرا ضرغامی

چکیده:

سوابق به عنوان اطلاعات به کارگرفته شده برای حفاظت از حقوق و علایق دولت، ادارات و شهروندان تعریف می‌شوند و برای حفظ و نگهداری تاریخ و فرهنگ به کار می‌روند. این کار با مستند کردن اطلاعاتی درباره مردم، موضوعات مختلف، مکان‌ها و حوادث و وقایع مرتبط، انجام می‌شود. اکثر این سوابق فقط برای مدت کوتاهی مورد نیاز هستند و پس از آن امحای می‌شوند. برخی از سوابق، ارائه دهنده مستندات اداری دستگاه‌ها بوده و باید برای نیل به اهداف مشارکتی و پاسخ‌گویی عمومی محافظت شوند. برخی سوابق باید سال‌های طولانی و تعداد محدودی از آن‌ها برای حفظ اسناد تاریخی، به طور دائم نگهداری شوند. چالشی که فراروی دستگاه‌های دولتی قرار دارد مدیریت این سوابق است؛ یعنی اطمینان یافتن از حفظ و نگهداری سوابق حاوی اطلاعات مهم و تعیین تکلیف و امحای قانونی و مناسب سوابقی که ارزش خود را از دست داده‌اند. در این پژوهش، معماهای حقیقی دنیای امروزی سوابق و چرخه مدیریت آن‌ها، با ارائه تعاریف کلیدی مرتبط، بحث درباره چالش‌های مدیریت سوابق و شناسایی مجموعه‌ای از بهترین روش‌های کاری، بیان می‌شود.

کلیدواژه‌ها

سوابق اداری، مستندسازی، امحای، مدیریت سوابق، تعیین تکلیف.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴؛ صص: ۲۲-۴۸



چالش‌های مدیریت سوابق در قرن بیست‌ویکم^۱

کارگروه بررسی سوابق قانونی، شورای ملی هماهنگی تجارت الکترونیکی
ترجمه: زهرا ضرغامی^۲

مقدمه:

سوابق^۳ در حین انجام فعالیت‌های اداری و از طریق اقدامات متفاوتی مانند ثبت وسیله، مجوزهای شغلی، انجام تبادلات پیمانی، مکاتبات اداری عمومی و دیگر مراحل اداری بیرونی و درونی در دفاتر دولتی و خصوصی تولید می‌شوند (نکته: عموماً دولت ایالتی قوانین و آیین‌نامه‌های محلی را نادیده می‌گیرد). سوابق دولتی به روش‌های مختلف تولید و منتقل می‌شوند:

– مکتوب و دست‌نویس؛

– تایپ‌شده؛

– نوارهای صوتی و تصویری؛

– رایانه‌ای (اعم از نامه‌های الکترونیکی یا پایگاه‌داده‌ها).

سوابق از حیطة گسترده‌ای از اقدامات دولتی مانند موارد زیر حمایت کرده و آن‌ها را مستند می‌کنند و شواهد مرتبط با آن‌ها را ارائه می‌دهند: مراحل اداری؛ ارزیابی برنامه‌ها؛ خط‌مشی‌های اطلاعاتی ناظر بر این مراحل؛ اطمینان از امکان پاسخ‌گویی؛ تسهیل برنامه‌ریزی. سوابق ادارات دولتی، اطلاعات به‌کارگرفته‌شده برای حفاظت از حقوق و علایق دولت، ادارات و شهروندان و برای حفظ و نگهداری تاریخ و فرهنگ را با مستند کردن اطلاعاتی دربارهٔ مردم، موضوعات مختلف، مکان‌ها و حوادث و وقایع مرتبط، ثبت می‌کنند.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

NECCC Analysis of State Records Laws Work Group (2004). Challenges in Managing Records in the 21st Century. Retrieved from: pearcemoses.info/papers/Challenges_in_El_Records.pdf.

۲. کارشناسی ارشد زبان انگلیسی. پژوهشگر پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

zarghami_z@yahoo.com

3. Records



اکثر این سوابق فقط برای مدت کوتاهی مورد نیاز هستند و پس از آن امحا می‌شوند. برخی از سوابق، ارائه‌دهنده مستندات اداری دستگاه‌ها بوده و باید برای نیل به اهداف مشارکتی و پاسخ‌گویی عمومی محافظت شوند. برخی سوابق باید سال‌های طولانی و تعداد محدودی از آن‌ها برای حفظ اسناد تاریخی، به‌طور دائم نگهداری شوند. چالشی که فراروی دستگاه‌های دولتی قرار دارد مدیریت این سوابق است؛ یعنی اطمینان یافتن از حفظ و نگهداری سوابق حاوی اطلاعات مهم و تعیین تکلیف و امحای قانونی و مناسب سوابقی که ارزش خود را از دست داده‌اند.

در این پژوهش، معماهای حقیقی دنیای امروزی سوابق و چرخه مدیریت آن‌ها، با ارائه تعاریف کلیدی مرتبط، بحث درباره چالش‌های مدیریت سوابق و شناسایی مجموعه‌ای از بهترین روش‌های کاری، بیان می‌شود.

گستره مدیریت سوابق

تمام ایالت‌ها، سوابقی دارند که باعث ایجاد نیاز به مدیریت مؤثر سوابق، تدوین مجوزهایی برای تعیین تکلیف و معرفی ساختاری برای مدیریت آن‌ها در ایالت‌های مرتبط می‌شود. اگرچه قوانین ایالتی کاملاً یکسان نیستند، اما تمام منابع اطلاعاتی تولید و دریافت‌شده در حین فعالیت‌های اداری را بدون در نظر گرفتن قالب آن‌ها، در برمی‌گیرد. بازیابی این سوابق در برنامه‌های زمانی بازیابی، بیان شده‌اند که این برنامه‌ها با تجزیه و تحلیل نیازهای قانونی یا اداری مرتبط با محتوای سابقه و نه منابعی که سابقه با استفاده از آن‌ها تولید شده، تدوین شده‌اند (فیزیکی یا الکترونیکی).

سوابق دولتی موارد زیر را شامل می‌شود: مکاتبات عمومی؛ تبادلات و تراکنش‌های اداری؛ آمارهای ضروری؛ اوراق اداری شامل پیش‌نویس‌ها، نسخه‌های مختلف و رونوشت‌های داده‌ها (اعم از جداول و گزارش‌های روزانه)؛ وبگاه‌ها (اعم از صفحات وب، تصاویر، مدارک و پرونده‌های صوتی و تصویری)؛ رسانه‌های پشتیبان (مانند نوارهای صوتی، لوح‌ها و دیگر ابزارهای ذخیره اطلاعات)؛ پیام‌های الکترونیکی (مانند نامه‌های الکترونیکی، پیام‌های پیوسته، پیام‌های صوتی و رونوشت‌هایی از موارد ذکر شده)؛ فراداده‌های مرتبط با هر سابقه.

اکثر ایالت‌ها دارای قانون آزادی سوابق و اطلاعاتی هستند که حق دسترسی به سوابق دولتی را به عموم مردم اعطا می‌کند. نوع سوابق دولتی که عموم مردم به آن‌ها دسترسی دارند در ایالت‌های مختلف، متفاوت است، اما دسترسی به این سوابق محدود نیست. دولت مرکزی و هر کدام از ایالت‌ها، اطلاعات کاملاً محرمانه‌ای را که نباید در دسترس عموم قرار گیرند، شناسایی و مشخص می‌کنند. این اطلاعات می‌تواند کل مدرک یا بخشی از آن باشد. در برخی



از ایالت‌ها برای اطمینان یافتن از تبادل آزاد اطلاعات و ایده‌ها بین کارمندان، مدارک کاری از دسترس عموم خارج می‌شوند و برخی دیگر از ایالت‌ها قوانینی را تدوین کرده‌اند که از حریم خصوصی افراد محافظت می‌کند (مانند شماره تلفن یا شماره‌های امنیت ملی).

متأسفانه، عبارت *سوابق عمومی* هم می‌تواند به معنای تمام سوابق دولتی باشد و هم به معنای آن دسته از سوابق دولتی که در دسترس عموم قرار دارند. تعریف آنچه «آزاد» خوانده می‌شود در طول زمان تغییر می‌کند و پس از گذشت مدت زمانی مشخص، دسترسی به اکثر سوابق آزاد می‌شود. بدون در نظر گرفتن این موضوع که سوابق آزاد هستند یا خیر، تمام این سوابق تابع قوانین مدیریت سوابق و بهترین روش‌های مدیریتی هستند. در این مقاله، عبارت *سابقه*، تمام منابع تولید یا دریافت‌شده از دستگاه‌ها در حین انجام کارهای اداری را پوشش می‌دهد. همچنین عبارت *سوابق آزاد*^۱ و *سوابق محرمانه*^۲ به زیرمجموعه‌ای از سوابق اشاره دارد که به ترتیب در دسترس عموم قرار می‌گیرد و از دسترس عموم خارج می‌شود.

اگرچه تمام سوابق دارای اهمیت یکسانی نیستند، اما باید مطابق با قوانین ایالتی مدیریت شوند. وظیفه اصلی مدیریت سوابق و مدیران سوابق، کمک به کارمندان برای مدیریت سوابق موجود روی میزها، کدها و رایانه‌های آن‌ها است. این وظایف شامل آگاهی‌دادن به کارمندان درباره نحوه ساماندهی منابع برای سهولت جست‌وجوی این سوابق، شناخت سوابق حیاتی و بالارزش، شناخت روش‌های حفظ و نگهداری سوابق، و تعیین زمان و چگونگی تعیین تکلیف و امحای سوابق است.

تعریف سوابق

همان‌طور که در تمام قوانین هم بیان شده است، سوابق عمدتاً براساس قالبشان تقسیم‌بندی می‌شوند، برای مثال:

- ایالت جورجیا: «سوابق تمام مدارک، اوراق، نامه‌ها، کتاب‌ها (به جز کتاب‌هایی که در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند)، ریزفیلم‌ها، نوارهای مغناطیسی یا دیگر موادی که براساس قوانین یا در حین انجام فعالیت‌های خاص توسط ادارات تولید یا دریافت می‌شوند را در بر می‌گیرند» (قوانین ایالت جورجیا، (۵) ۱۸-۵۰-۹۱)

- ایالت کنتاکی: «سوابق عمومی یا به‌طور کلی سوابق» به معنای تمام کتاب‌ها، اوراق، نقشه‌ها، عکس‌ها، کارت‌ها، نوارها، لوح‌ها، لوح‌ها، اصوات ضبط‌شده و دیگر منابع مستند، بدون در نظر گرفتن نوع یا ویژگی‌های آن‌ها، که در هر اداره دولتی آماده شده، مورد استفاده قرار گرفته، تحت مالکیت درآمده و یا بازیابی می‌شوند.

1. Open Records

2. Confidential Records

- نیوجرسی: «جهت ثبت ... می‌توان از کتاب‌هایی که برگه‌های جدا از هم دارند استفاده



کرد...» (قوانین ایالت نیوجرسی، ۴۷، ص ۱-۳).

در محیط امروزی، سوابق با در نظر گرفتن عملکرد، محتوا، زمینه و ساختارشان شناخته می‌شوند. این تغییر در شیوه شناخت سوابق از معرفی سوابق الکترونیکی نشأت گرفته است که این نوع سوابق به صورت بیت‌ها و بایت‌های مستقل روی ابزارها یا رسانه‌های ذخیره مختلف نگهداری و فقط در هنگام مشاهده به عنوان یک سابقه کامل و جامع جمع‌آوری می‌شوند. تعریف امروزی‌تر از سوابق در قوانین ایالتی به شرح زیر است: داده‌ها یا اطلاعاتی که در حین انجام فعالیت‌های اداری تولید یا دریافت می‌شوند؛ داده‌ها یا اطلاعاتی که روی رسانه‌های مختلف ذخیره و به عنوان شاهد هر فعالیت نگهداری می‌شوند و دارای محتوا، زمینه و ساختار هستند.

سوابق ثابت

ثبات به معنای ثابت بودن محتوا و پایداری سوابق در مقابل تغییرات است. برای حفظ مؤثر حافظه جمعی، محتوای سابقه باید در طول زمان ثابت و پایدار باشد. سوابقی مانند اسناد الکترونیکی که روی رسانه‌های ناپایدار تولید شده‌اند، باید به نحوی مدیریت شوند که محتوای آن‌ها ثابت بوده و قابل تغییر نباشد. سابقه می‌تواند بدون ایستابودن، ثابت باشد. برای نمونه، امکان دارد برنامه‌های رایانه‌ای، امکان مشاهده و تجزیه و تحلیل داده‌ها را به روش‌های مختلف برای کاربران فراهم آورند. در صورتی که داده‌های موجود در پایگاه داده‌ها ثابت بوده و نتایج مرور و بازبینی‌های مشابه در طول زمان یکسان باقی بماند، هر پایگاه داده به خودی خود، یک سابقه تلقی می‌شود.

محتوای سابقه

محتوا به معنای متن، داده، فراداده، اعداد، تصاویر و صداها، تشکیل دهنده سابقه است. یکی از توانایی‌های سابقه، ثابت نگه داشتن اطلاعات برای تکرار سوابق یا استفاده مجدد از آن‌ها در زمان‌های بعد و فعالیت برای گسترش حافظه جمعی است که این موضوع یکی از مفاهیم اصلی و کلیدی در تعریف سابقه است. اگرچه سوابق بدون سندیت، فاقد اعتبار لازم هستند، اما ممکن است به طور خاص برای حفظ اطلاعات در طول زمان یا ممانعت از سوءتعبیر از اطلاعات در دوره‌های آتی تولید شوند. البته در صورتی که فقره‌ها به عنوان شاهد موضوعاتی که به آن اشاره دارند، استفاده شوند، هر فقره بدون در نظر گرفتن عمر پیش‌بینی شده برای آن - می‌تواند یک فقره مستقل در نظر گرفته شود.



ساختار سابقه

ساختار، به ویژگی‌های فیزیکی و سازماندهی داخلی محتوای سوابق اشاره دارد. ساختار سابقه شکلی است که موجب ملموس و مفهوم‌شدن آن می‌شود. ویژگی‌های فیزیکی شامل اجزا و روش‌های ساخت، مانند کاغذ، جوهر، مهر و قلم نوشتار، یا مجموعه نویسه‌ها، رمزگذاری‌ها یا قالب‌هاست. همچنین ساختار شامل سازماندهی ذهنی مدارک نیز است. ممکن است ساختار سوابق ساده باشد. برای مثال، متن نوشته‌شده روی کاغذ، سازماندهی شده در بخش‌ها یا اجزای مختلف با عناوین متفاوت، یا بسیار پیچیده و شامل مقدمه، متن اصلی و امضای شهود.

ساختار هر مدرک در چارچوب خاصی قرار می‌گیرد که این چارچوب سابقه را به‌عنوان واحدی مستقل تعریف و با متمایز کردن آن از دیگر اطلاعات، سابقه را مشخص کرده و ممکن است در فراداده‌های مربوط به سابقه ثبت شوند. احتمال دارد هر سابقه از بخش‌های مستقل فیزیکی و منطقی متفاوتی تشکیل شده باشد که در کنار هم به‌عنوان یک واحد عمل کند، مانند صفحات مختلف یا ارزش‌های داده‌ای ارائه‌شده در جدول‌های مختلف. البته تمام این بخش‌ها باید به روشی یکسان با یکدیگر مرتبط شوند.

محتوای سابقه

زمینه، شرایط سازمانی، کاربردی و عملی مرتبط با تولید، دریافت، ذخیره یا استفاده از سوابق است. زمینه شامل تاریخ و مکان تولید، جمع‌آوری یا انتشار سابقه و ارتباط آن با دیگر سوابق است. زمینه، «چرایی» سوابق را روشن ساخته و ممکن است در فراداده هر سابقه وجود داشته باشد. اعتمادپذیری و استفاده هر سابقه منفرد از ارتباط آن با دیگر سوابق نشأت می‌گیرد که بیان‌کننده وقایع یا اقدامات مختلف است. برای مثال، نامه ارسالی شده از طرف یکی از افراد سازمان همراه با پاسخ همان نامه بایگانی می‌شود تا افرادی که در آینده به این پاسخ رجوع می‌کنند، قادر باشند تا زمینه این درخواست را هم مشاهده کنند. بدون ثبت درخواست، اولین پاسخ از زمینه اصلی خود خارج شده و ممکن است درباره آن سوءتعبیر شود. زمینه پیشینه برای قابلیت ممیزی ادارت حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا زنجیره وقایع، اقدامات اداری، اطلاعات گردآوری شده را فراهم می‌آورد که به تصمیمات یا نتایج خاصی منجر خواهند شد.

چرخه مدیریت اطلاعات

همان‌طور که در این مقاله بحث شد، مهم‌ترین چالش فراروی مدیریت سوابق در قرن ۲۱، طراحی و اجرای سامانه‌های مرتبط است. برای نیل به این هدف، به رویکردی متفاوت با آنچه در مدیریت سوابق سنتی انجام می‌پذیرفت، نیاز داریم؛ رویکردی که تمام مراحل دخیل در



چرخه حیات اطلاعات را دربرداشته باشد. مراحل به تصویر کشیده شده در شکل ۱، چارچوبی برای چرخه مدیریت اطلاعات را پیشنهاد می دهد. برای دستیابی به اهداف تولید و نگهداری از سوابق الکترونیکی که پاسخ گوی تمام چالش های مرتبط با سندیت، تمامیت، امنیت و کاربردپذیری هستند، این چارچوب در پروژه های قانونی و سیاسی اجرا شده است. هر بخش از این مراحل در زیر توضیح داده شده است.

تولید سوابق	طبقه بندی	نگهداری	تعیین تکلیف
	زمان بازیابی	ساخت	تعیین تکلیف نهایی
	امنیت	اعتبارسنجی	بازیابی کوتاه مدت
	محرمانگی	برنامه ریزی مهاجرت	بازیابی بلندمدت
		برنامه ریزی حفظ و نگهداری	آرشیو رقیمی
		توافق / یادداشت نویسی	بازیابی دائمی

از طرق زیر انجام می شود:	از طرق زیر انجام می شود:
۱- قانون گذاری	۱- فراساختارهای فنی
۲- خط مشی های ایالتی	۲- دستورالعمل ها و راهنماها
۳- دستورالعمل ها و راهنماها	

شکل ۱- چرخه مدیریت اطلاعات

۱- طبقه بندی: طبقه بندی به تعیین داده ها به عنوان آزاد یا محدود، به عنوان سوابق رسمی با دوره بازیابی مشخص شده یا رونوشتی اشاره دارد که بعد از مدت مشخصی تعیین تکلیف خواهند شد.

طبقه‌بندی داده‌ها بلافاصله پس از تولید آن‌ها صورت پذیرفته و اولین مرحله در مدیریت داده‌ها در طول حیات آن محسوب می‌شود.

در قوانین ایالتی اشاره‌هایی به اطلاعات و سوابقی وجود دارد که با اعمال محدودیت به عموم مردم ارائه‌شده و از حیطه سوابق آزاد ایالتی و قانون آزادی اطلاعات خارج شده‌اند. نتیجه حاصل، حجم عظیمی از قوانین است که در کنار آیین‌نامه‌های فدرال که برای سوابق ایالتی اعمال می‌شوند، باعث سردرگمی کارکنان محلی و ایالتی می‌شوند که به دنبال پاسخ‌گویی به درخواست دسترسی به اطلاعات هستند. ممکن است در چنین محیطی برخی از اطلاعات محدود، به اشتباه در اختیار درخواست‌دهنده قرار گیرند. توسعه و استفاده از ابزارهای الکترونیکی فرصتی برای شناسایی داده‌های محرمانه، تولید و حفاظت از این داده‌ها ارائه می‌دهند؛ زیرا داده‌های مذکور در کل چرخه حیات خود تحت نظارت‌های امنیتی این ابزارهای الکترونیکی قرار دارند. بخشی از مرحله حفاظت از داده‌ها، کسب آگاهی درباره اینکه چه چیزهایی باید نگهداری شوند و مدت زمان نگهداری از آن‌هاست. دوره‌های زمانی بازبایی باید با همکاری مراجع ذی‌صلاح برای مدیریت سوابق در ایالت‌های مرتبط تدوین شوند تا بازبایی به‌روشی عادی و منظم صورت پذیرد و پاسخ‌گوی تمام الزامات قانونی تعیین‌شده برای سوابق باشد.

۲- نگهداری: نگهداری از داده‌ها، دومین مرحله در مدل چرخه حیات است. این مرحله

کلیدی برای اطمینان‌یافتن از کارایی و قابلیت استفاده از داده‌هاست و برای اطمینان‌یافتن از سندیت و اعتبار آن‌ها در طول زمان، نظارت‌های خاصی در این مرحله اعمال می‌شود. نظارت‌های دقیقی بر تفسیر داده‌ها و برنامه‌های مهاجرت آن‌ها و تأثیر به‌روزرسانی نرم‌افزارها و تغییرات به‌وجود آمده بر اعتبار اطلاعات، صورت می‌پذیرد. اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های کاربردی دولت الکترونیکی بر انتقال ایمن داده‌ها بین ادارات و شهروندان، بین دو یا بیش از دو اداره و بین شهروندان و ادارات، تکیه دارد. البته، هم‌اکنون تعداد محدودی از دولت‌ها دارای خط‌مشی‌هایی هستند که آشکارا شیوه کار و پروتکل‌های تعیین‌کننده روش‌های کار با داده‌های محدود را بیان می‌کنند.

در این مرحله باید از راهبردهای حفظ و نگهداری بلندمدت داده‌ها، مطابق با دوره‌های بازبایی از پیش تعیین‌شده، استفاده کرد. چنین راهبردهایی دربردارنده موضوعاتی مانند مهاجرت و تبدیل داده‌ها و تولید نسخه‌های پشتیبان برای بخشی از برنامه آمادگی مقابله با بلایا، هستند.

۳- تعیین تکلیف: تغییر شکل دفاتر دولتی جدید از محیط‌های کاغذی به محیط‌های

الکترونیکی، حیطه گسترده‌ای از مشکلات و موضوعات مرتبط با سوابق را فراروی

متخصصان قرار داده است. همان‌طور که زمانی کارهای اداری با استفاده از کاغذ انجام می‌شد، امروزه نامه‌های الکترونیکی، درگاه وب، پایگاه‌های داده‌ای و دیگر ابزارهای مشابه به‌عنوان ابزارهای انجام کارهای اداری در نظر گرفته می‌شوند. اطلاعات الکترونیکی را نمی‌توان همانند کاغذها نادیده گرفته و از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. چنین اطلاعاتی فقط از طریق تعامل نرم‌افزارها و سخت‌افزارها قابل‌خواندن هستند. با هر ارتقا یا تغییر در محیط‌های نرم‌افزاری، احتمال فقدان اطلاعات ضروری دولتی که بیشتر آن‌ها تاریخی هستند، افزایش می‌یابد. علاوه‌براین، با عدم مدیریت اطلاعات بر استفاده از برنامه‌های زمانی بازیابی، حجم اطلاعات موجود در شبکه به‌شدت افزایش یافته، سرعت بازیابی کند شده و مسئولیت‌های مالی و قانونی ادارات افزایش می‌یابد.

نیاز به خط‌مشی‌ها، دستورالعمل‌ها و راهنماها مربوط به تعیین تکلیف سوابق الکترونیکی برای اطمینان‌یافتن از تولید اطلاعات قانونی، حفظ تمامیت داده‌ها تا زمان موردنیاز برای پاسخ‌گویی به محدودیت‌های حسابرسی یا قانونی، و اعتبار و سندیت تراکنش‌های کامل یا در حال انجام، ضروری است. فناوری به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمام این مشکلات باشد. مدیریت سوابق هم به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات مذکور را حل کند. فناوری به‌همراه مدیریت سوابق در کنار قوانین ایالتی، خط‌مشی‌های اداری و فراساختارهای فنی باید چارچوبی را برای مدیریت اطلاعات از بدو تولید تا امحای آن‌ها ارائه کند.

چالش‌های مدیریت سوابق

کارکنان ادارات برای مدیریت تمام منابع اطلاعاتی موجود روی صفحه‌نمایش‌ها، پرونده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای که از آن‌ها استفاده می‌کنند، به راهنماهای مخصوصی نیاز دارند. علاوه‌براین، این کارکنان باید مشخص کنند که کدام‌یک از منابع اطلاعاتی، سابقه در نظر گرفته شده و چه میزان از اطلاعات در حیطه قانون آزادی اطلاعات قرار می‌گیرند.

اگرچه اجبار قانونی برای این کار وجود دارد، مدیریت سوابق به‌طور ناقص در تعداد اندکی از دستگاه‌های دولتی به اجرا در می‌آید. حتی در این شرایط، کار مدیریت سوابق براساس نیاز به امحای حجم زیادی از کاغذ، به‌جای نظارت، مدیریت و استفاده منظم و سازماندهی شده از اطلاعات و آگاهی‌های لازم ادارات درباره آن‌ها صورت می‌پذیرد. با کاهش بودجه و گرایش دولت‌ها به استفاده از فناوری برای «کار بیشتر با منابع کمتر»، پست‌های الکترونیکی، درگاه‌های وب، پایگاه‌های داده‌ای و دیگر برنامه‌های کاربردی الکترونیکی بدون در نظر گرفتن مدیریت سوابق یا برای اطمینان‌یافتن از تولید و حفاظت از سوابق، به‌طور عام استفاده می‌شوند. به‌طور سنتی، سوابق کاغذی مدت‌زمان طولانی پس از تولید، زمانی که به‌صورت فیزیکی



در سامانه بایگانی اداره ذخیره شده و فضای ارزشمند ادارات را اشغال کردند، مدیریت می‌شوند. این نوع مدیریت غالباً شامل انتقال خارج از مرکز سوابق به مرکز اسنادی یا زیرزمین‌هایی است که باعث فراموشی وجود چنین سوابقی می‌شوند. مدیریت سوابق الکترونیکی باید در تمام مراحل برنامه‌ریزی و اجرا صورت پذیرفته و بلافاصله پس از تولید، برای استفاده‌های آتی طبقه‌بندی شوند. موضوع طبقه‌بندی برای اعمال نظارت‌های الکترونیکی برای اطمینان‌یافتن از نگهداری و تعیین تکلیف مؤثر سوابق، حائز اهمیت فراوان است.

در ادامه، مباحثی درباره چالش‌های فراروی کارمندان دولت ارائه می‌شوند که در مراحل تولید و استفاده از سوابق شرکت دارند.

ابهام در تعریف سابقه

غالباً دیدگاه مردم نسبت به «سوابق» محدود به مدارکی است که وقایع مهم را مستند کرده و حاوی مهر و امضای رسمی باشد. قوانین ایالتی سوابق را به شکل گسترده تعریف کرده و باعث ایجاد ابهام بیشتر در مراحل مدیریت سوابق می‌شود.

سوابق ممکن است رسمی یا عادی باشند. یادداشت‌ها و نوشته‌های حاشیه متن، پست‌های الکترونیکی، پیام‌های صوتی و طرح‌ها و نقشه‌های ترسیم‌شده روی کاغذ جزو سوابق، در نظر گرفته می‌شود. سوابق فقط محدود به مدارک رسمی نیست که توسط مدیران ارشد امضا شده‌اند. سوابق در تمام واحدهای اداری تولید می‌شوند.

سوابق ممکن است در هر قالبی تولید شوند. سوابق چیزی بیش از متون نوشته‌شده روی کاغذ بوده و شامل نقشه‌ها، عکس‌ها، اصوات ضبط‌شده و ویدئوها و نشریات هستند. سوابق شامل قالب‌های الکترونیکی، مانند پرونده‌های پردازش کلمه، صفحه‌گسترده‌ها، پایگاه‌های داده، گرافیک‌ها، اصوات ضبط‌شده و ویدئوهاست.

سوابق شامل پیش‌نویس‌ها و نسخه‌های نهایی هستند. اگرچه پیش‌نویس‌ها دارای ارزش یا دوره زمانی مشابه با نسخه‌های نهایی نیستند، اما احتمال دارد اطلاعات مهمی که نشان‌دهنده نحوه تشکیل نسخه نهایی هستند را ثبت کنند. برای مثال، ممکن است پیش‌نویس‌ها تغییر تفکرات را نشان داده یا مشخص کنند که تصمیمات منجر به تولید نسخه نهایی، چه زمانی و توسط چه کسانی اخذ شده‌اند.

ممکن است سوابق دارای ارزش دائمی یا موقتی باشند. بیشتر سوابق دارای ارزش ناپایدار بوده و فقط برای مدت زمان کوتاهی نگهداری می‌شوند. برخی دیگر از سوابق دارای ارزش محدود بوده و برای مدت زمان مشخصی بین چند هفته تا چند سال نگهداری می‌شوند. فقط تعداد محدودی از سوابق دارای ارزش دائمی بوده و برای نگهداری نامحدود به آرشیو منتقل می‌شوند.



به‌طور خلاصه، سابقه هر فقره، حاوی داده‌های تولید یا دریافت‌شده در حین انجام کارهای اداری است که اطلاعاتی راجع به اقدامات صورت‌پذیرفته را به‌تصویر می‌کشد. ابهام درباره اجزای تشکیل‌دهنده سابقه با معرفی ارتباطات الکترونیکی و برنامه‌های کاری مبتنی بر رایانه و متعاقباً با تولید سوابق رقمی، پیچیده‌تر می‌شود. امروزه کاغذهای دولتی جای خود را به داده‌های الکترونیکی داده‌اند. هارد دیسک‌ها، نوارهای مغناطیسی و کارت‌های حافظه جایگزین کاغذها و کمدهای بایگانی شده‌اند.

دفاتر الکترونیکی چالش‌های ویژه‌ای برای نگهداری سوابق ایجاد کرده‌اند. همان‌طور که در بخش‌های پیشین این مقاله هم به آن اشاره شد، مهم‌ترین کیفیت هر سابقه، سندیت و اعتبار و ثبات محتوای آن در طول زمان است. به‌عبارت دیگر، مردم باید اطمینان داشته باشند که هر سابقه دقیقاً همان چیزی است که باید باشد. متأسفانه، سوابق الکترونیکی نمی‌توانند همانند سوابق کاغذی باعث ایجاد چنین اطمینانی شوند. سهولت تولید، جایگزینی، دسترس‌پذیری، تکثیر و اشتراک سوابق الکترونیکی از ارزش آن‌ها می‌کاهد. در واقع، مهم‌ترین دلیل تولید سوابق الکترونیکی به کاهش اعتماد به چنین سوابقی منجر می‌شود. اعتمادپذیری و اعتبار سوابق الکترونیکی با شش چالش اساسی روبه‌روست. سازمان‌ها باید روش‌ها و خط‌مشی‌هایی برای پاسخ‌گویی به این چالش‌ها تدوین کنند.

طبقه‌بندی: برای حفاظت از اطلاعات در مقابل افشاء، اصلاح یا فقدان غیرقانونی یا اتفاقی سوابق، استانداردهایی برای طبقه‌بندی داده‌ها تدوین کنید. ممکن است طبقه‌بندی‌های داده شامل سطوح ساده‌ای، مانند «آزاد» یا «محرمانه» بوده یا طبقه‌بندی‌های دقیق‌تری را دربرداشته باشد. استانداردهای طبقه‌بندی باید براساس قوانین قابل اجرا و الزامات قانونی و نه بر اساس خواسته‌های فردی باشند.

اعتبار: از تولید واقعی سابقه توسط نویسنده موردنظر اطمینان حاصل می‌کند.

تمامیت: جایگزینی غیرعمدی یا عمدی سوابق را پیگیری و مشخص می‌کند.

عدم تکذیب: باعث می‌شود تا نویسندگان نتوانند تولید سوابق را تکذیب کنند.

پایداری امنیت: از امنیت مدارک در طول چرخه حیات آن‌ها، از زمان تولید نخستین پیش‌نویس تا زمان طبقه‌بندی نسخه اصلی، حفاظت می‌کند.

کاربردپذیری: سرانجام، باید شناخت و استفاده از خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌هایی که پنج چالش بالا را بررسی می‌کنند، آسان باشد تا تمام افرادی که سوابق الکترونیکی را تولید کرده و به آن‌ها دسترسی دارند بتوانند از محرمانگی، اعتبار و تمامیت آن‌ها حفاظت کنند.

برای اینکه هر سابقه تا مدت زمان موردنظر معتبر باقی مانده و تمامیت آن حفظ شود، لازم است محتوا و زمینه آن و گاهی اوقات ساختار آن هم حفظ شود. هر سابقه قابل اعتماد محتوای



حقیقی خود سابقه و اطلاعاتی راجع به آن را حفظ می‌کند که مرتبط با زمینه تولید و استفاده از سابقه است. اطلاعات زمینه‌ای مشخص براساس الزامات اداری و قانونی اقدامات کاری، متفاوت هستند. همچنین ممکن است لازم باشد تا ساختار یا نظم بخش‌های تشکیل‌دهنده سابقه هم حفظ شوند. کوتاهی در حفظ ساختار سابقه موجب نقص در تمامیت ساختاری آن خواهد شد، که این موضوع به نوبه خود موجب به مخاطره افتادن اعتبار و سندیت سوابق می‌شود.

حفظ اعتبار و درستی سوابق الکترونیکی

متخصصان سوابق، سوابق معتبر را سوابقی می‌دانند که هدف آن‌ها با مقصود واقعی‌شان یکی باشد؛ سوابق معتبری که در طول زمان جایگزین نشده، تغییر نیافته یا تحریف نشده‌اند. به‌طور سنتی، حفاظت از سوابق کاغذی در مقابل جابه‌جایی یا تغییر از طریق کمدهای بایگانی قفل‌شده، استفاده از پوشش‌های سوابق و انتقال سوابق از سرپرستی تولیدکنندگان آن‌ها به سرپرستی سازمان‌های مستقل یا افرادی امکان‌پذیر می‌شود که وظیفه آن‌ها حفاظت از این منابع در مقابل تغییر و جایگزینی است. این حفاظت و نگهداری شامل محیط ذخیره‌سازی مناسب، مراقبت و جابه‌جایی سوابق و دسترسی کنترل‌شده به آن‌هاست.

سوابق الکترونیکی برای حفاظت در مقابل تبدیل یا تغییر مشابه، نیاز به مراقبتی مشابه دارند. البته، انجام چنین محافظتی در محیط تولید یا عملیاتی که اکثر این سوابق در این محیط وجود دارند، سخت و دشوار است. متخصصان فناوری اطلاعات غالباً ادعا می‌کنند که استفاده از فناوری‌های اعتبارسنجی از محافظت از سوابق اطمینان حاصل می‌کند. فناوری‌های اعتبارسنجی برای تأیید هویت کاربر - اطمینان‌یافتن از اینکه کاربران واقعاً همان کسانی هستند که ادعا می‌کنند - مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده از اینترنت رو به گسترش است و ادارات بیشتری خدمات بیشتری را به‌صورت برخط ارائه می‌دهند که این موضوع برای تولید سوابق معتبر حائز اهمیت فراوان است. هنگامی که خدمات از طریق مراحل سنتی غیرالکترونیکی ارائه می‌شوند، می‌توان از روش‌های اعتبارسنجی متفاوتی استفاده کرد. لازم است تا مشتریان فرم‌ها یا برگه‌هایی را پر کنند، شماره‌های شناسایی یا شماره‌های فردی خود را ارائه و یا گواهینامه رانندگی یا شناسنامه خود را نشان دهند. نمونه‌هایی از روش‌های اعتبارسنجی برخط عبارتند از: رمز ورود، شماره شناسایی شخصی، شناسه کاربر، کوکی‌ها^۱، بیومتریک‌ها^۲، رمزها، رمزنویسی عمومی (گواهی‌های رقمی)، و لایه سوکت‌های امن^۳ و پروتکل امنیتی لایه انتقال^۴. درحالی‌که، فناوری‌های اعتبارسنجی برای تولید داده‌های معتبر ضروری است؛ اما این کار فقط بخشی از پاسخ موردنظر می‌باشد.

1. Cookies
2. Biometrics
3. Secure Sockets Layer
4. Transport Layer Security



تا زمانی که سوابق الکترونیکی تحت سرپرستی و نظارت تولید یا دریافت کننده قرار دارند، امکان تغییر یا تبدیل آن‌ها وجود دارد. انتقال سوابق از سرپرستی تولیدکننده به سرپرستی فرد سوم که مورد اعتماد است، اولین قدم برای محافظت از اعتمادپذیری سوابق الکترونیکی است. برخلاف سوابق کاغذی، سوابق الکترونیکی در معرض خطر تغییر یا تحریف‌های محیطی قرار دارند، بنابراین نگهداری از سوابق در محیط‌های ذخیره پایدار و ثابت برای حفاظت از آن‌ها ضروری است. علاوه بر این، رسانه ذخیره فیزیکی (لوح‌های فشرده، نوارهای مغناطیسی، لوح‌های نوری و ...) در معرض تحریف و تخریب بر اثر گذشت زمان قرار داشته و به جایگزینی‌های دوره‌ای نیاز دارند. بالاتر از همه این مسائل، ممکن است خود سوابق بدون برجای گذاشتن هیچ اثر و ردی، تغییر کنند. بنابراین، فناوری‌هایی که تولید، استفاده، ذخیره‌سازی و بازیابی سوابق را تسهیل می‌کنند، تبدیل، تغییر یا تخریب سوابق ادارات را هم امکان‌پذیر می‌سازند. چهار روش فنی وجود دارند که سطح حفاظت مورد نیاز برای مقابله با تغییر سوابق در طول زمان را افزایش می‌دهند.

مدل کارخواه-کارساز^۱: این روش از ساختار سامانه‌های اطلاعاتی اداره استفاده کرده و فقط اجازه خواندن مدارک را به کاربران می‌دهد. در مدل کارخواه-کارساز، هر کاربر برای جست‌وجوی مدارک الکترونیکی مشخص در صفحه‌نمایش، از پایگاه‌های داده یا درخواست‌های بازیابی استفاده می‌کند؛ سپس این جست‌وجوها به کارساز منتقل می‌شوند که این کارساز درخواست مدنظر را به مخازن ذخیره انتقال می‌دهد. پس از این، سامانه دستورالعمل‌های مرتبط را بازیابی و پردازش کرده و داده‌ها را برای کاربر ارسال می‌کند. در مدل کارخواه-کارساز، هرگز سابقه الکترونیکی اصلی برای کاربر در دسترس نبوده و اعتبار و سندیت سابقه کامل و دست‌نخورده باقی می‌ماند.

کد افزونگی چرخشی (دوره‌ای)^۲: این روش را متخصصان ارتباطات مخابراتی و برای اطمینان یافتن از انتقال بدون خطای داده‌ها استفاده می‌کنند. این روش تعداد بیت‌های موجود در بسته‌های کوچک (کنترل دنباله قاب)^۳ تقسیم بر یک چند جمله‌ای ۱۶ یا ۳۲ بیتی از پیش تعریف شده (کد افزونگی چرخشی) که عدم وقوع خطا (یا تغییر) در هر سابقه یا پرونده الکترونیکی را مشخص می‌کند. برای تأیید اعتبار و سندیت داده‌ها، می‌توان فرمول اصلی (کد افزونگی چرخشی) را در هر زمان (برای مثال، هنگام تبدیل یا انتقال یا پس از آن) با فرمول مشابهی که از مقادیر یکسان استفاده می‌کند، مقایسه کرد. همچنین می‌توان این مقادیر را به سابقه ضمیمه کرد تا اعتبار آن در طول زمان و در حین انتقال‌های متعدد حفظ شود.

تابع خلاصه پیام یک‌طرفه^۴: تابع یک‌طرفه شامل استفاده از الگوریتم‌های خاص برای خلاصه کردن سابقه با طول ثابت و کاهش اندازه آن است. این تابع یک‌طرفه نامیده

1. Secure Client-Server Architecture
2. Cyclical Redundancy Checksum
3. A Frame Check Sequence
4. One-way Hash Digest



می‌شود زیرا خلاصه‌پیام به‌خودی‌خود برگشت‌ناپذیر است. بدون در نظر گرفتن تعداد دفعاتی که این تابع تکرار می‌شود، طول ثابتی حاصل خواهد شد که نشان می‌دهد تغییری در سابقه ایجاد نشده است. البته این روش موجب ایجاد مشکلاتی هم می‌شود؛ تبدیل یا انتقال داده‌ها جریان بیت‌های موجود را عوض کرده (اندازه سابقه اصلی را تغییر می‌دهد، بنابراین تابع خلاصه پیام اصلی با این اندازه مطابقت ندارد) و الزاماً باید تابع خلاصه پیام جدیدی تولید شود.

خلاصه‌پیام با زمانبندی رقمی^۱: این روش ترکیبی از تابع خلاصه‌پیام یک‌طرفه با خدمات تأیید ثالث است که زمان خلاصه‌کردن پیام را ثبت می‌کند. تابع خلاصه‌پیام چندگانه برای هر سابقه ذخیره شده و زمان آن ثبت می‌شود تا یک تابع ریشه‌ای را تشکیل دهد. در این مرحله، تأیید اعتبار صورت گرفته و همراه با هر سابقه یا در پایگاه‌های داده‌ای ذخیره می‌شود تا اعتبار سوابق را مستند کند. هنگام ضرورت تأیید اعتبار یک سابقه، می‌توان یک تابع خلاصه پیام جدید تولید و با تأییدهای قبلی مقایسه کرد.

قطعات پازل حفظ اعتبار سوابق در طول زمان، یک عنصر غیرفنی است (خطمشی و دستورالعمل). برای هدایت کارکنان ادارات در گرفتن بهترین تصمیم‌ها درباره زمان تولید سابقه، چگونگی نام‌گذاری و بایگانی آن، چگونگی حفاظت از رمزهای عبور و دیگر معیارهای مورد استفاده برای حفاظت از سوابق، به خطمشی‌ها و دستورالعمل‌های تأییدشده نیاز است.

سازماندهی سوابق

مسئولیت کارکنان ادارات: ادارات دولتی موظف هستند کارمندان را از این موضوع آگاه سازند که تولید سوابق توسط آن‌ها باید با دستورالعمل‌های مدیریت سوابق مطابقت داشته باشد که بر اساس قوانین ایالتی تدوین شده است. اگر سوابق دولتی به‌درستی اداره نشوند، امکان فقدان یا گم‌شدن آسان سوابق کاغذی و الکترونیکی وجود داشته و بازیابی اطلاعات دشوار می‌شود. نتایج شامل تأخیرهای طولانی‌مدت و پرهزینه، فرصت‌های ازدست‌رفته، کارکنان، مدیران، متخصصان و شهروندان خسته است که مجبورند تصمیمات خود را بر اساس اطلاعات ناکافی اتخاذ کنند. هم‌اکنون، اکثر سامانه‌های اطلاعات الکترونیکی مورد استفاده برای تولید، دریافت و ذخیره‌سازی این سوابق، کارایی مدیریتی کافی ندارند. نیاز است ادارات آن دسته از سامانه‌های اطلاعات الکترونیکی را استفاده کنند که نظارت‌های مناسب بر تولید، نگهداری و تعیین تکلیف سوابق براساس مراحل تأییدشده را برای مدیریت سوابق بر اساس برنامه‌های طبقه‌بندی و بازیابی از پیش تعیین‌شده، اعمال می‌کنند.

نقش‌ها و مسئولیت‌های اداری مرتبط با مدیریت سوابق باید به‌روشنی تعریف شوند. کارمندان باید نقش خود در مدیریت سوابق را به‌درستی بشناسند و به‌خوبی انجام دهند. ادارات



باید از انطباق این نقش‌ها با دستورالعمل‌ها و قوانین ایالتی و فدرال اطمینان حاصل کنند. کاربران غیرمجاز نباید امکان دسترسی، اصلاح، امحا یا انتشار سوابق را داشته باشند. مدیران ادارات، کارکنان، مدیران سوابق، متخصصان فناوری اطلاعات و مدیران کارسازها مسئولیت مشترکی در قبال مدیریت سوابق دولتی دارند. ادارات باید به‌روشنی وظایف کارمندان را تعریف، دستورالعمل‌های مرتبط را تدوین و آموزش‌های لازم را ارائه کنند و بر انطباق این مراحل با اصول اساسی کار نظارت داشته باشند. ادارات باید برای حفاظت از تمامیت، محرمانگی و امنیت فیزیکی داده‌ها و انواع مختلف سوابق از معیارهای مناسب استفاده کنند.

بازیابی سوابق: اکثر پنجاه ایالت آمریکا، دارای برنامه‌های زمانی بازیابی هستند که سوابق موجود در ادارات محلی و ایالتی را فهرست کرده و دوره زمانی نگهداری از سوابق را مشخص می‌کند. برنامه بازیابی برای اطمینان‌یافتن از نگهداری سوابق در دوره‌های زمانی مشخص استفاده می‌شوند که پس از آن دوره بازیابی به پایان رسیده و سوابق امحا می‌شوند. برنامه‌های زمانی بازیابی از مشکلات معمول و پرونده‌های قضایی جلوگیری به‌عمل می‌آورد. به‌منظور کمک به ایجاد انطباق با برنامه‌های بازیابی ایالتی، ضروری است ادارات فرصت‌های آموزشی مرتبط با این برنامه‌ها را برای کارمندان خود فراهم آورند. نیاز است کارمندان از مسئولیت‌های خود در قبال نگهداری سوابق آگاهی و از توان عدم تطابق با خطمشی یا برنامه مدیریت سوابق آگاهی داشته باشند. هر سامانه یا خطمشی مؤثر مدیریت سوابق اطمینان حاصل می‌کند که فقط سوابق مطابق با قانون یا براساس ارزش و پیوستگی اداری آن‌ها، بازیابی شوند.

دسته‌بندی سوابق: دسته‌بندی سوابق شامل گروهی از سوابق مرتبط یا همانند است که همراه با هم استفاده یا بایگانی شده‌اند و هدف مشترک دارند و بر اساس دوره‌های بازیابی مشابه مدیریت می‌شوند. سامانه دسته‌بندی سوابق به سازمان‌ها کمک می‌کند تا سوابق خود را به‌طور مؤثر مدیریت کنند. دسته‌بندی سوابق بر اساس عملکردها و فعالیت‌های اداری به کارمندان کمک می‌کند تا سوابق خود را در سامانه‌های بایگانی معمول قرار دهند. نمونه‌هایی از سوابق سازماندهی‌شده در دسته‌بندی‌های اداری متداول عبارتند از: اداری، مالی، قانونی، پرسنلی. بایگانی سوابق در یکی از دسته‌بندی‌های ذکرشده، نشان‌دهنده نسخه رسمی یا اصلی آن‌هاست. ممکن است دیگر نسخه‌ها در زمان‌های از پیش تعیین‌شده، امحا شوند.

فنون سنتی مدیریت سوابق: بسیاری از ادارات از دستورالعمل‌های مدیریت سوابق استفاده می‌کنند که برای سوابق سنتی اعمال می‌شود. البته، اکثر ادارات دولتی از این دستورالعمل برای سوابق الکترونیکی و نامه‌های الکترونیکی استفاده نمی‌کنند. پیام‌های الکترونیکی که جزو سوابق در نظر گرفته می‌شوند باید همانند سوابق موجود در قالب‌های



دیگر شناسایی، زمانبندی و بازبایی شوند. در تعیین دوره زمانی مناسب برای بازبایی پیامها و پیوستهای دریافت یا ارسال شده به صورت الکترونیکی، باید دقت زیادی به پیامهای منتقل شده روی کاغذ مبذول داشت. تمام پیامهای الکترونیکی دارای ارزش بازبایی یکسان نیستند. حتی نامه‌های الکترونیکی هم باید به صورت مجزا و بر اساس محتوای اطلاعاتی و دوره بازبایی مخصوص به خود مدیریت شوند.

رشد اطلاعات و چالش تکیه و رونوشت برداری سریع

در دنیای امروز در حال تجربه انفجار اطلاعات هستیم. نتایج یکی از مطالعات اخیر که در دانشکده مدیریت اطلاعات و سامانه‌های دانشگاه کالیفرنیا-برکلی صورت پذیرفته نشان می‌دهد که حجم اطلاعات جدید در سه سال اخیر دو برابر شده است. تقریباً ۹۳ درصد از اطلاعات به صورت رقمی تولید شده و به صورت رقمی هم ذخیره می‌شود.

رایانه‌های شخصی، سامانه‌های پست الکترونیکی، پیام‌های پیوسته، شبکه گسترده جهانی، RDA و دوربین‌های رقمی همگی به تشدید این انفجار اطلاعات کمک می‌کنند. این موضوعات روش برقراری ارتباط و زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده‌اند. به طور خاص، این انفجار اطلاعات بر روش انجام کارهای دولتی در دنیای امروزی تأثیر گذاشته است.

رشد زیاد فناوری، ابزارهای پیشرفته‌ای را در اختیار کارکنان قرار داده است. اکثر اطلاعات الکترونیکی تولید شده در ادارات دولتی، بخش‌های سیاسی و پیمانکاران در رایانه‌های شخصی آنها و در محیط‌های رایانه‌ای مبتنی بر شبکه وجود دارند. بیشتر اطلاعات موجود در صفحه نمایش‌ها، تحت نظارت مستقیم خود افراد یا متخصصان فناوری اطلاعات است که وظیفه مدیریت شبکه را برعهده دارند. این موضوع سندیت و اعتبار سوابق دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظارت‌های کافی بر تولید و نگهداری سوابق الکترونیکی وجود ندارد. هر فردی می‌تواند سوابق را تولید و حذف کند؛ اما فقط تعداد محدودی از آنها می‌توانند مدیریت شوند. مدیریت سوابق شامل نظارت بر تولید، نگهداری، استفاده و تعیین تکلیف سوابق است. نمونه‌هایی از نتایج سوءمدیریت سوابق در زیر بیان شده‌اند.

افراد ناآگاه در زمینه نگهداری سوابق می‌توانند تولید آنها را غیررسمی کنند. غالباً این سوابق برای مستند کردن اقدامات دولتی کامل، دقیق و جامع نیستند. برای مثال:

- ممکن است افراد سوابق کاملی (مخصوصاً نامه‌های امضا شده یا گزارش‌های سالانه همراه با گرافیک‌هایی که تکمیل کننده آن هستند) برای افراد دیگر ارسال کنند. احتمال دارد سابقه‌ای که توسط این افراد بازبایی می‌شوند رونوشتی ناقص (مدرک امضا نشده، بدون سربرگ، با تمبری که تاریخ نامه را تغییر می‌دهد؛ یا مدارک مختلف تشکیل دهنده گزارش سالیانه که بعداً اصلاح شده و هنوز هم برای آمارهای جاری کاربرد دارند) که در رایانه شخصی



یا فضای شبکه اشتراکی وجود دارند، باشد.

- مدیر وبگاه اطلاعات نادرستی در وبگاه اداره قرار می‌دهد که به‌شدت شهروندان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بعدها این اطلاعات اصلاح‌شده و مدیر وبگاه نسخه پیش از تغییر و پس از تغییر را روی وبگاه قرار نمی‌دهد. شهروندان در قبال این اشتباه خسارت می‌خواهند.

- یک استاد دانشگاه برجسته با یک استاد دیگر در دانشگاهی که در یک ایالت دیگر واقع شده است در یک پروژه دولتی همکاری می‌کند. آن‌ها اطلاعات خود را از طریق اینترنت به اشتراک می‌گذارند. سوابق با جمع‌آوری داده‌ها در کنار هم به‌وجود آمده و هیچ‌کدام از آن‌ها سابقه را ثبت نمی‌کند.

مدیریت سوابق دشوارتر شده است. برای مثال، ممکن است پیش‌نویس‌های مختلف (مانند پیش‌نویس‌هایی که در بالا به آن‌ها اشاره شد) و خود سابقه در یک مکان نگهداری شوند. احتمال دارد دیگر رونوشت‌ها در نسخه‌های پشتیبان رایانه‌ها، پست‌های الکترونیکی که با پیوست‌های اصلاح‌شده ارسال و دریافت می‌شوند، فلاپی دیسک‌ها و لوح‌های فشرده، در رایانه‌های شخصی، لب‌تاب‌ها، PAD، یا ابزارهای دیگر نگهداری شوند.

این پیش‌نویس‌ها و رونوشت‌ها نام‌های عجیبی دارند که هیچ‌کس به‌جز کاربر نهایی نمی‌تواند آن‌ها را تشخیص دهد. کاربر نهایی پیش از شروع پروژه بعدی، زمانی مشخصی را برای سازماندهی و حذف این پیش‌نویس‌ها و رونوشت‌ها صرف نمی‌کند. در اکثر موارد مطابق با درخواست دسترسی به سوابق آزاد کاربرانی خواستار دسترسی به این سوابق می‌شوند، پست کاربر نهایی عوض شده، رایو‌ها، فلاپی دیسک‌ها یا لوح‌های فشرده را پاک کرده، فردی که متصدی پست جدید می‌شود پرونده‌های اضافی را پاک کرده، متخصصان فناوری اطلاعات از کارمندان بخواهند برنامه‌های قدیمی را حذف کرده و از برنامه‌های جدید استفاده کنند؛ به‌هرحال اطلاعات از بین می‌روند.

مثال‌های بالا برای نشان دادن اهمیت ایجاد مراحل نگهداری سوابق در طراحی سامانه‌های جدید و همچنین ضرورت شرکت مدیران سوابق در تمام مراحل تصمیم‌گیری ارائه شده‌اند که بر سوابق تأثیرگذار هستند. سوابق منابع مهمی هستند که باید بدون در نظر گرفتن آنچه که موجب تشکیل آن‌ها می‌شود به‌طور کارآمد و مؤثر مدیریت شوند. ممکن است برخی از این اطلاعات هرگز به‌شکل فیزیکی وجود نخواهند داشت. برای پشتیبانی از تصمیم‌ها، برنامه‌ها و پاسخ‌گویی سازمان به دولت و عموم مردم، اطلاعات تولیدشده در هر قالب و رسانه باید دسترس‌پذیر، قابل درک و قابل استفاده باشند.

با گسترش تولید و استفاده از سوابق، مدیریت صحیح سوابق الکترونیکی حائز اهمیت فراوان است. استفاده گسترده‌تر از فناوری‌های نوین بدان معناست که مدیران سوابق باید



در چرخه حیات سوابق الکترونیکی حضور فعال‌تری داشته باشند. با گسترش استفاده از رایانش‌های توزیع‌شده^۱ توسط کاربران، مدیران سوابق و متخصصان فناوری اطلاعات به این نکته پی‌برده‌اند که اعمال نظارت بر چرخه حیات اطلاعات تولیدشده در محیط‌های مختص به کاربران نهایی، چالشی بزرگ است.

شاید نوع دیگری از فناوری اطلاعات را به‌خاطر نیاوریم که به سرعت نامه‌های الکترونیکی رشد و گسترش پیدا کرده باشند. یکی از مطالعات اخیر که توسط دانشکده مدیریت اطلاعات و سامانه‌ها در دانشگاه کالیفرنیا-برکلی صورت پذیرفته نشان می‌دهد که روزانه تقریباً ۳۱ میلیون پیام از طریق پست الکترونیکی ارسال می‌شود. این پژوهش پیش‌بینی می‌کند که میزان این آمار تا سال ۲۰۰۶ دو برابر خواهد شد.

برنامه نرم‌افزاری نامه‌های الکترونیکی، که به‌طور عام پست الکترونیکی نامیده می‌شود، به‌عنوان بهترین انتخاب برای برقراری ارتباط در ادارات دولتی و توسط کارکنان آن‌ها تبدیل شده است. پیام‌های الکترونیکی غالباً به‌عنوان جایگزینی برای تلفن و همچنین برای انتقال اطلاعاتی به‌کار گرفته می‌شود که پیش از این توسط سوابق و با استفاده از روش‌های سنتی منتقل می‌شد. ترکیب ارتباط، تولید و نگهداری سوابق موجب ایجاد ابهاماتی برای درنظرگرفتن پست‌های الکترونیکی به‌عنوان سوابق عمومی، شده است.

استفاده از پست الکترونیکی با سرعت شگفت‌آوری در حال افزایش است. برای روشن‌تر شدن این موضوع، مثالی فرضی را شرح می‌دهیم. یک اداره کوچک صد کارمند دارد که هر کدام از آن‌ها روزانه به‌طور میانگین بین بیست تا سی پیام دریافت می‌کنند. این اداره در انتهای سال بین پانصد هزار تا ۷۵۶ هزار پیام خواهد داشت (با درنظرگرفتن ۲۵۰ روز کاری به‌ازای هر سال). متخصصان فناوری اطلاعات در این اداره به‌طور روزانه، هفتگی و ماهیانه از این پیام‌ها نسخه پشتیبان تهیه می‌کنند. نسخه‌های پشتیبان ماهیانه، بازبازی شده و نسخه‌های هفتگی جابه‌جا می‌شوند. حالا این اداره هر سال بین شش میلیون تا ۹ میلیون و ۷۲ هزار پیام در مخازن خود نگهداری می‌کند.

مدیریت پست‌های الکترونیکی که جزو سوابق عمومی قرار می‌گیرند تقریباً تمام فعالیت‌های مربوط به نگهداری از آن‌ها را که در هر اداره صورت خواهد پذیرفت، متأثر خواهد ساخت: حفظ حریم شخصی، اجرا، مدیریت سوابق ضروری، امنیت اجرایی، ممیزی، دسترسی و آرشیو و بایگانی.

شناخت آنچه که باید نگهداری شود

با توجه به سهولت تولید، تکثیر و امحای سوابق، لازم است ادارات خط‌مشی‌هایی تدوین

1. Distributed Computing



کرده و آموزش‌های لازم برای نظارت بر حجم رونوشت‌های تولیدشده از هر سابقه را به کارکنان خود ارائه دهند. رونوشت‌های قانونی سوابق باید در اولین مرحله از چرخه حیات سوابق شناسایی و مشخص شوند. این رونوشت‌های قانونی باید در برنامه زمانی بازبایی و در هر نسخه از سابقه توصیف شوند که برنامه زمانی بازبایی در مورد آن‌ها اعمال می‌شوند. تمام رونوشت‌های دیگر «رونوشت‌های تکثیر» در نظر گرفته شده و باید کارمندان را ترغیب کرد تا آن‌هایی که دیگر موردنیاز نیستند را به سرعت امحا کنند.

سوابق الکترونیکی رسمی باید در مخزن بایگانی مرکزی، سرور بایگانی یا رایانه مرکزی اداره نگهداری شوند که دارای ضریب امنیتی بالایی بوده و به‌طور منظم از آن نسخه‌های پشتیبان تهیه می‌شود. تهیه نسخه کنترل یا روش کنترل تغییر برای سوابق الکترونیکی، ضروری است. این نسخه مشابه همان پرونده‌های مرکزی است که ادارات برای نگهداری سوابق کاغذی خود استفاده می‌کنند. لازم است کارکنان بدانند که نباید سوابق رسمی را در درایوهای شخصی خود نگهداری کنند؛ زیرا از این درایوها به‌طور منظم نسخه پشتیبان تهیه نشده و دارای امنیت کافی نیستند.

تعیین تکلیف صحیح سوابق

تعیین تکلیف، آخرین مرحله در چرخه حیات سوابق بوده و تعیین تکلیف صحیح بخش مهمی از برنامه مدیریت سوابق را تشکیل می‌دهد. تمام سوابقی که یک اداره تولید می‌کند باید در برنامه زمانی بازبایی توصیف شوند. این برنامه مدت زمانی را مشخص می‌کند که سوابق باید بازبایی شوند. معمولاً سوابق دارای ارزش نگهداری دائمی در برنامه‌های بازبایی با عنوان دائمی مشخص شده و تعیین تکلیف آن‌ها شامل انتقال به ساختمان آرشیو است. لازم است ادارات برای دریافت دستورالعمل‌های مناسب برای انتقال سوابق با مؤسسات آرشیوی در تماس باشند. اکثر سوابقی که ادارات تولید می‌کنند، در انتهای چرخه حیاتشان امحا یا حذف می‌شوند. ضروری است تا ادارات اطمینان حاصل کنند که خط‌مشی‌های مناسبی تدوین کرده‌اند که دستورالعمل‌های لازم برای تعیین تکلیف صحیح سوابق را به‌طور خلاصه بیان کرده و نابودی سوابق را به‌عنوان یکی از بخش‌های معمولی انجام کارهای اداری در نظر گرفته است. به عبارت دیگر، نابودی سوابق به‌طور منظم و براساس برنامه زمانی بازبایی و نه به‌صورت اتفاقی، انجام شوند. بهترین زمان برای تعیین تکلیف سوابق در انتهای سال مالی یا تقویمی، انتهای بازرسی‌ها و ممیزی‌ها (پس از انتشار گزارش نهایی)، یا در مورد ادارات دولتی، در هنگام تغییر مدیریت است؛ اما این امر فقط زمانی امکان‌پذیر است که دوره زمانی بازبایی سوابق به اتمام رسیده و مجوزهای قانونی لازم برای امحای سوابق صادر شده باشد. در صورت وجود



اقدامات قانونی یا اجرایی روی سوابق، حتی پس از به‌انجام رسیدن دوره بازیابی آن‌ها، امحای سوابق باید به تعویق افتد.

بسیاری از ایالت‌ها قوانینی دارند که دخالت در امر سوابق دولتی را منع می‌کند. برای مثال، در ایالت آرکانزاس، امحای سوابق دولتی جرم در نظر گرفته می‌شود؛ «اگر فردی با هدف آسیب‌رساندن به خوانایی سوابق دولتی، با آگاهی کامل مطلب را به‌شکل نادرست در سوابق ثبت کرده، سوابق را جابه‌جا کرده، آن‌ها را حذف یا نابود کرده یا از عموم مردم پنهان کند، آن فرد به جرم دخالت در امر سوابق دولتی مجرم شناخته می‌شود». اگر فردی سابقه‌ای که تحت قوانین بازیابی مشخص قرار داشته و امحای آن موجب خارج‌شدن سابقه از دسترس عموم شود را نابود کند، از قانون تخطی کرده است.

یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌های موجود بین سوابق کاغذی و الکترونیکی، روش امحای آن‌هاست. از یک طرف، سوابق الکترونیکی بسیار ضعیف هستند. این سوابق به‌راحتی با فشردن یک کلید نابود شده یا تغییر می‌کنند. از طرف دیگر، سوابق کاغذی بسیار بادوام هستند؛ زیرا امحای آن‌ها به‌دشواری امکان‌پذیر است. تعیین تکلیف در محیط‌های الکترونیکی به‌معنای شناسایی، اعطای مجوز و حذف کامل یک سابقه از سامانه رایانه‌ای است. فشردن کلید «حذف» به‌معنای حذف‌شدن سابقه نیست. فشردن کلید «حذف» فقط به‌معنای حذف نشانگرهای سابقه بوده و به سامانه می‌گوید که این سابقه دیگر موردنیاز نبوده و می‌تواند دوباره نوشته شود. اگر سامانه‌ها به فضای اشغال‌شده توسط این سوابق نیازی نداشته باشند، می‌توان کل سابقه یا بخشی از آن را روی سامانه نگهداری کرد. روش‌های مختلفی برای حذف سوابق از سامانه‌های الکترونیکی وجود دارد. این روش‌ها عبارتند از:

- DoD 5220.22 استاندارد امحای داده‌ها؛

- برنامه‌های نرم‌افزاری که با بازنویسی مجدد رسانه، سوابق را از روی سامانه‌های الکترونیکی حذف می‌کنند؛

- می‌توان برای حذف سوابق، رسانه را مجدداً قالب‌بندی کرده یا پاک کرد؛

- می‌توان رسانه را از سامانه جدا و با ابزارهای دستی آن را به‌صورت فیزیکی نابود کرد. حساسیت یا محرمانگی اطلاعات موجود در سابقه بهترین روش امحای را مشخص خواهد کرد. مثلاً اگر سابقه حاوی اطلاعات حساس نبوده و به‌راحتی از شکل کاغذی بیرون آورده شود، بازنویسی یا قالب‌بندی مجدد رسانه برای حذف سابقه الکترونیکی کافی خواهد بود. البته، اگر سابقه حاوی اطلاعات فوق‌العاده حساس یا محرمانه بوده و جزو آن دسته سابقه‌هایی است که اگر در قالب کاغذی باشد باید ریزش شود، نابودی فیزیکی رسانه ضروری است. مراحل تهیه نسخه پشتیبان که برای اعتبار کلی سامانه موردنیاز است بر پیچیدگی امحای



سوابق الکترونیکی می‌افزاید. تکثیر رونوشت‌های موجود از سوابقی که برای مقابله با بلایا و مراحل پیوستگی اداری روی نسخه‌های پشتیبان روزانه، هفتگی و ماهیانه تولید می‌شوند، نیازمند توجه و مراقبت بیشتر در مرحله امحای سوابق الکترونیکی است. باید دستورالعمل‌هایی برای رسانه و کثرت نسخه‌های پشتیبان سابقه منفرد (مانند پایگاه داده‌ها) و سامانه وجود داشته باشد. علاوه بر این، دستورالعمل‌های موجود برای امحای فیزیکی سوابق رسمی باید شامل روش امحای نسخه‌های پشتیبان هم بوده و با دقت تعداد رونوشت‌هایی که برای تهیه نسخه پشتیبان تولید می‌شوند یا روش امحای فیزیکی رسانه برای اطمینان یافتن از نابودی کامل سوابق را مشخص کند.

در برخی موارد معدود، ممکن است دادگاه یا دیگر مراجع قضایی به ادارات دستور دهند تا سوابق را نابود کنند. نابودی به معنای حذف و امحای مدارک منفرد، تصاویر یا عناصر داده‌ای از سابقه کلی اداره، است. غالباً این مرحله (دستور قضایی متفاوت بین ایالت‌ها و دادگاه‌ها) موجب می‌شود تا خود سابقه یا مدرکی که به موجب آن سوابق نابود شده‌اند در اداره مرتبط باقی نماند. عبارت «نابودی سابقه» به معنای این است که هیچ مستندی از اقدام صورت پذیرفته باقی نماند.

شناخت محرمانگی سوابق و چگونگی انطباق با درخواست دسترسی به سوابق آزاد بدون به خطر انداختن محرمانگی آن‌ها

ادارات باید بدانند که برخی سوابق از دسترسی عموم مردم خارج بوده یا حاوی اطلاعاتی هستند که نباید برای عموم مردم افشا شود و باید پیش از انتشار سوابق برای استفاده عموم، این اطلاعات را جدا کرد. چنین داده‌هایی شامل شماره‌های امنیت اجتماعی، اطلاعات مربوط به وضعیت سلامت جسمانی افراد و دیگر اطلاعات شناسایی مختص به مردم (مانند شماره گواهینامه رانندگی، شماره کارت اعتباری و ...) است. بسیاری از ایالت‌ها قوانینی دارند که نوع سوابق و داده‌هایی که از دسترس عموم خارج شده یا انتشار آن‌ها ممنوع شده است و غالباً به این قوانین با عنوان قانون سوابق آزاد یا قانون آزادی اطلاعات، اشاره می‌شود. ادارات دولتی موظف نیستند این سوابق را در اختیار عموم قرار دهند و هیچ مرجعی به جز حکم قضایی نمی‌تواند آن‌ها را مجبور به انجام چنین کاری کند. نیاز است متولیان سوابق از دیگر قوانین ایالتی و فدرال مانند قانون پاسخ‌گویی به بیمه‌های سلامتی (HIPPA) و قانون حریم خصوصی و قوانین آموزشی فدرال (FERPA) آگاهی داشته باشند که مرتبط با حفظ حریم شخصی و محرمانگی هستند. برای دسترسی به بحث‌های دقیق‌تر درباره تأثیر این قوانین بر چگونگی حفاظت ادارات از حریم خصوصی و محرمانگی، لطفاً به قوانین ایالتی و حریم اطلاعاتی:



توضیحاتی راجع به موضوعات کلیدی (فوریه ۲۰۰۴، نسخه اول)، تهیه شده توسط انجمن ملی رؤسای ارشد اطلاعات ایالتی، مراجعه شود.

در مواردی که درخواست دسترسی به یک پایگاه داده‌ای که هم حاوی اطلاعات محرمانه و هم دربردارنده اطلاعات آزاد است ارائه شد، دستگاه باید اطلاعات محرمانه را از پایگاه داده‌ها حذف کرده و اطلاعات آزاد را در اختیار درخواست‌کننده قرار دهد. جداکردن اطلاعات آزاد از اطلاعات محرمانه جزو وظایف هر دستگاه در نظر گرفته می‌شود. در حین طراحی پایگاه داده‌ها، اطلاعات محرمانه باید در فیلدهای جداگانه قرار داده شوند تا هنگام پاسخ‌گویی به درخواست دسترسی به اطلاعات آزاد، این اطلاعات به راحتی شناسایی و از سایر داده‌های موجود جدا شوند. این شکل کار به راحتی در طراحی پایگاه‌های داده‌ای جدید قابل اجرا است. همچنین لازم است تا دستگاه برای بررسی امکان طراحی مجدد پایگاه‌های داده، پایگاه‌های موجود را ارزیابی کند.

در نظر داشتن نیازهای مدیران سوابق و اصول مدیریت سوابق در هنگام طراحی سامانه‌ها

هیچ دستورالعمل ثابتی برای تدوین خط‌مشی‌ها و راهنماهای مورد نیاز برای مدیریت سوابق در اختیار دستگاه‌ها قرار داده نشده است. مستندات سامانه بیش از روش‌های جمع‌آوری، اشتراک و ذخیره اطلاعات، بر چگونگی نصب نرم‌افزارها تمرکز دارد. هر ایالت باید برای هدایت دستگاه‌ها در امر طبقه‌بندی و نگهداری اطلاعاتی که سابقه در نظر گرفته می‌شوند خط‌مشی‌های مخصوص به خود را منتشر کند. آرشیوداران و متخصصان فناوری ارشد ایالتی باید برای اطمینان یافتن از وجود قالب‌های پایدار برای ذخیره‌سازی بلندمدت داده‌های سازمانی و موارد مورد نیاز در بازیابی اطلاعات، در تدوین استانداردهای آرشیوی سوابق الکترونیکی با هم همکاری کنند.

ایجاد روش‌های صحیح نگهداری سوابق در سامانه‌های جدید ضروری است. مشارکت مدیران سوابق در طراحی سامانه‌های جدید لازم است. مشارکت مدیران سوابق در طراحی سامانه‌ها کمک می‌کند تا از شناسایی سوابق و روش‌های مورد استفاده برای ثبت آن‌ها جهت ارائه شواهد مستندکننده هر فعالیت، اطمینان حاصل شود. مدیران سوابق می‌توانند در تعیین نوع سامانه و قوانین مورد نیاز برای اطمینان یافتن از ثبت و نگهداری سوابق، مدت زمان نگهداری از آن‌ها برای پاسخ‌گویی به نیازهای اداری و دیگر الزامات قانونی، شیوه ذخیره‌سازی سوابق و نحوه دسترسی به آن‌ها، مفید واقع شوند.

قوانین اداری مشخص می‌کند سابقه چیست، سوابق چه زمان و چگونه تولید یا ثبت



خواهند شد، چگونه نگهداری شده و مورد استفاده قرار خواهند گرفت و مدت زمان مورد نیاز برای طراحی سامانه جدید چقدر خواهد بود. اکثر سامانه‌ها بدون وجود الزامات نگهداری سوابق طراحی شده - سوابقی که از حقوق شهروندان محافظت کرده، شواهد مربوط به ممیزی دولتی را ارائه داده و وقایع خاص و حائز اهمیت دولتی را مستند می‌کنند - از بین خواهند رفت. گاهی اوقات نبود چنین الزاماتی باعث می‌شود تا سوابق زودتر از موعد امحا شده و یا مدت زمان طولانی بیش از آنکه واقعاً مورد نیاز باشند، نگهداری شوند. هزینه مدیریت و ذخیره این سوابق موجب تحمیل بار مالی زیاد بر بودجه و سرمایه ارزشمند ملی می‌شود.

برخی از الزامات نگهداری سوابق که باید در هنگام طراحی سامانه جدید در نظر گرفته شوند در زیر بیان شده‌اند:

- چه سوابقی باید تولید یا نگهداری شوند تا فعالیت‌ها/ اقدامات انجام شده در سامانه جدید را مستند کنند؟

- لازم است چه چیزهایی ثبت شوند؟

- چه کسانی از این اطلاعات استفاده خواهند کرد؟

- آیا نیاز است تا سابقه ثابتی از اطلاعاتی که سازمان برای اخذ تصمیم‌های اداری از آن‌ها استفاده کرده است، ارائه شود؟

- آیا نیاز است تا سابقه ثابتی از اطلاعاتی ارائه داد که ذی‌نفعان سازمان یا عموم مردم برای اخذ تصمیم‌های خود از آن‌ها استفاده کرده‌اند؟

- چگونه اعتبار، جامعیت و صحت این اطلاعات پیش از ثبت به‌عنوان سوابق ثابت، تأیید می‌شود؟

- آیا از پیمانکاران خارج از سازمان استفاده شده است (برای دریافت اطلاعات ورودی از ذی‌نفعان که این اطلاعات تبدیل و سپس وارد سامانه جدید می‌شوند)، در صورت مثبت بودن پاسخ:

- آیا لازم است تا داده‌های دریافت شده از ذی‌نفعان ثبت شوند؟

- چگونه اعتبار، جامعیت و صحت این اطلاعات پیش از ثبت به‌عنوان سوابق ثابت، تأیید می‌شود؟

- سوابق دریافت و تولید شده توسط پیمانکاران تا چه زمانی نگهداری شده و در دسترس قرار دارند؟

- تمام الزامات نگهداری سوابق باید در قرارداد منعقد شده با پیمانکاران ثبت شوند.

- چه چیزهایی برای تأمین محتوا، زمینه و ساختار مناسب سوابق پیش از ثبت آن‌ها به‌عنوان سوابق ثابت مورد نیاز است؟



- آیا ابزارهای خودکاری وجود دارند که بتوانند برای ارائه داده‌های مربوط به تولید/دریافت، مالک، اطلاعات طبقه‌بندی (پیش‌نویس، شماره نسخه، آخرین پیشینه رسمی، رونوشت‌های تکثیرشده)، سری سوابق (توانایی ارتباط‌دادن سابقه به برنامه بازیابی مربوط به آن و دیگر سوابق مهم مرتبط با اقدامات اداری مشابه) و محدودیت‌های دسترسی (شامل امکان جداکردن اطلاعات محرمانه از سابقه در هنگام وجود درخواست دسترسی به سوابق آزاد)، و دیگر فراداده‌هایی که اعتبار و سندیت سوابق را تحت‌تأثیر قرار خواهند داد (مانند کلیدواژه‌های مناسب و تأییدشده که در فرهنگ لغات رسمی هر سازمان یافت می‌شوند) را ارائه دهند؟

- برای اطمینان‌یافتن از تغییر آرام در هنگام انتقال داده‌ها به سامانه‌های جدید به چه چیزهایی نیاز داریم؟

- چگونه این سوابق ثبت خواهند شد؟

- در صورت تغییر برنامه بازیابی سوابق، چگونه برنامه جدید در سامانه اعمال خواهد شد؟

- چگونه سوابق در طول دوره زمانی بازیابی نگهداری خواهند شد؟

- چگونه سوابق در مقابل دسترسی‌های غیرقانونی محافظت می‌شوند؟

- چگونه سوابق در مقابل امحا و نابودی غیرقانونی محافظت می‌شوند؟

- در صورت وجود برنامه برای جابه‌جایی سوابق، برای اطمینان از تجدید و به‌روزرسانی

محمل‌ها و اصلاح میزان خطاهای بیتی به‌طور منظم، چه پروتکل‌هایی باید ایجاد شود؟

- برای اطمینان از دسترس‌پذیری سوابق از چه سامانه‌های فهرست‌نویسی استفاده شده است؟

- برای جایگزینی منظم محمل‌ها و تجدید و به‌روزرسانی داده‌ها از کدامیک از راهبردهای

انتقال استفاده می‌شود؟

- برای تبدیل سوابق بدون ایجاد امکان فقدان یا تخریب نسخه‌های جدید یا سامانه دیگر، از

کدامیک از راهبردهای انتقال استفاده می‌کنیم؟

- راهبرد ایجاد نسخه پشتیبان مورد استفاده برای سامانه جدید کدام است:

- چگونه این راهبرد پیوستگی/حفاظت از سوابق ضروری را ارائه خواهد کرد؟

- در صورت بروز خطاهای امنیتی، چگونه این راهبرد اعتبار و سندیت سابقه را تأمین خواهد

کرد؟

- هنگامی که سامانه خاموش است، راهبردهای زمانی چگونه اعمال خواهند شد - چگونه

سوابق در دسترس خواهند بود، چگونه سوابق جدید ثبت خواهند شد و چگونه سوابق

ثبت‌شده پس از ایجاد نسخه‌های پشتیبان و اجرای برنامه وارد سامانه جدید خواهند

شد؟

- باید در سامانه جدید چه سوابقی برای نیل به اهداف ممیزی و حسابرسی تولید شوند؟
- چگونه بارگذاری داده‌ها مدیریت می‌شود تا سامانه‌های مستقل بدون ایجاد الزامات نگهداری سوابق تولید نشوند؟

- چگونه سوابق پس از به اتمام رسیدن دوره بازبایی از سامانه حذف خواهند شد؟
- آیا لازم است سازمان در هنگام حذف سابقه، تمام فراداده‌های مرتبط با آن را هم حذف کند، در غیر این صورت، چه فراداده‌هایی باید باقی بمانند و تا چه زمانی باید نگهداری شوند؟
- چگونه وقتی که محدودیتی برای امحا وجود دارد می‌توان از امحای سوابق جلوگیری کرد؟
- سامانه باید چه مواردی را برای مستند مراحل نگهداری سوابق تولید کند؟
- برای اطمینان یافتن از آگاهی کاربران نسبت به مسئولیت‌های آن‌ها در زمینه نگهداری سوابق، چه آموزش‌هایی باید به کاربران ارائه شود؟

توجه: ممکن است این فهرست جامع نباشد، اما هنگام طراحی، اجرا و یا مدیریت سامانه‌های مدیریت سوابق، اطلاعات الکترونیکی در نظر گرفته شوند.

خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌ها

دستگاه‌های دولتی باید مجموعه‌ای منظمی از خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های موردنیاز را برای مدیریت مؤثر سوابق و اطلاعات تدوین، اجرا و نگهداری کنند. این موضوع در هزاره کنونی که کارکنان نه تنها سوابق الکترونیکی، بلکه سوابق کاغذی، ریزفیلم‌ها و دیگر قالب‌ها را مدیریت می‌کنند، حائز اهمیت فراوان است.

خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های مدیریت سوابق باید موارد زیر را دربرداشته باشد:

- برنامه زمانی بازبایی؛
 - چارتهای سازمانی؛
 - برنامه‌های کاری؛
 - دستورالعمل‌های طبقه‌بندی؛
 - مراحل تهیه نسخه پشتیبان؛
 - مستندسازی سامانه؛
 - جلوگیری از حوادث و مراحل جبران خسارات.
- این خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌ها نباید ایستا باشند؛ این نوشتارها باید در میان تمام کارکنان سازمان توزیع شوند و آن‌ها باید آموزش‌های لازم را برای استفاده صحیح از این دستورالعمل‌ها دریافت کنند. علاوه بر این، به منظور اطمینان یافتن از تأثیر و کارآمدی آن‌ها، این خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌ها باید در دوره‌های زمانی منظم، حداقل سالانه مرور و بازبینی شوند.



آموزش مدیریت سوابق

در گذشته، مسئولیت مدیریت سوابق بر عهده واحد تخصصی مدیریت سوابق و یا کارکنان اجرایی دبیرخانه ادارات دولتی بود. روزهایی که کارکنان دبیرخانه مسئول تایپ، بایگانی و انتقال سوابق برای ذخیره بلندمدت یا امحای آنها به بهترین روش ممکن بودند، گذشته است. هم‌اکنون بخش عظیمی از کارکنان ادارات دولتی روی میزهای خود رایانه‌هایی دارند که از آنها برای تولید، دریافت و ذخیره‌سازی سوابق به‌صورت روزانه و برای چاپ‌کردن و ارسال نامه‌های الکترونیکی استفاده می‌کنند.

زندگی در دنیای دوگانه امروزی، جایی که سوابق به‌صورت الکترونیکی تولیدشده یا برای انتشار و بازیابی تبدیل به نسخه‌های فیزیکی می‌شوند، بسیار دشوار است. هم‌اکنون ادارات دولتی در مرحله ایجاد سامانه‌های مدیریت سوابق الکترونیکی هستند که در این شرایط تولیدکننده سابقه، از همان مراحل ابتدایی در مدیریت سوابق شرکت دارد. بدون آموزش‌های مناسب، سامانه‌های مدیریت سوابق الکترونیکی دچار سندروم «انباشتی اطلاعات» خواهند شد.

کارکنان ادارات نه‌تنها به آموزش درباره اصول اساسی مدیریت سوابق، بلکه به کسب توانایی برای طبقه‌بندی مدارک نیاز دارند. علاوه‌براین، لازم است این کارکنان آموزش لازم را برای کارهایی که نباید انجام دهند، مانند چاپ و انتشار پنج نسخه رونوشت از صورت‌جلساتی را که به‌صورت هم‌زمان رؤیت می‌شوند هم دریافت کنند، در دنیای الکترونیکی فقط یک نسخه از هر مدرک نگهداری می‌شود. مهم‌ترین موضوع این است که کارکنان باید آگاهی‌های لازم درباره محتوای مدارک - که چیزی به‌جز قالب یا رسانه‌ای است که مدارک با استفاده از آنها تولید، دریافت یا بازبینی می‌شود - را دریافت کنند.

نتیجه‌گیری:

سوابق، هنگام انجام کارهای اداری از طریق انجام اقدامات مختلف و در قالب‌های متفاوت، تولید، دریافت و نگهداری می‌شوند. اگرچه روزی تصور می‌شد رایانه‌ها در دنیای «دفاتر بدون کاغذ» کاربرد داشته باشند، امروزه شاهد رشد روزافزون و تکثیر سوابق هستیم. علاوه‌براین، مدیریت سوابق دیگر فقط بر عهده واحد مدیریت سوابق یا کارمندان دبیرخانه نیست. بنابراین، ایجاد برنامه‌های مؤثر مدیریت سوابق که بر پایه خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های آگاهی‌بخش به ما شده‌اند برای دستگاه‌های دولتی لازم و ضروری است: تعریف سوابق، سوابقی که دسترسی عموم مردم به آنها آزاد است و آن‌هایی که محرمانه تلقی می‌شوند، نحوه طبقه‌بندی، سازماندهی و نگهداری سوابق و شیوه امحای صحیح آنها. سرانجام،

ضروری است که طراحی و اجرای سامانه‌های مدیریت اطلاعات و سوابق شامل گروهی از افراد از رشته‌های مختلف با تمرکز بر کار کارمندان واحد مدیریت سوابق باشد. با در نظر گرفتن این توصیه‌ها، ادارات دولتی باید برای مقابله با چالش‌های مدیریت سوابق در قرن بیست و یکم آمادگی کامل داشته باشند.

جایگاه آرشیو ملی جمهوری اسلامی ایران در نقشه‌راه خدمات دولت الکترونیک

آریتا مال میر

چکیده:

مبهم‌بودن جایگاه و نقش سازمان اسناد ملی ایران در دولت الکترونیک منجر شد تا در این پژوهش جایگاه این سازمان در نقشه‌راه خدمات دولت الکترونیک به‌عنوان مهم‌ترین اسناد بالادستی، بررسی و تعریف شود. همچنین با استفاده از اسناد بالادستی در دولت الکترونیک به یافتن جایگاه سازمان اسناد ملی به‌عنوان سازمان مادر در امور اسنادی پرداخته و در این خصوص بازتعریفی از نقش سازمان و طرح پیشنهادها دارد. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای متون و منابع موجود را گردآوری، استخراج، تحلیل و تطبیق اطلاعات می‌کند. یکی از بخش‌های مهم تحقق دولت الکترونیک، تغییر روش ایجاد و نگهداری و گردش مکاتبات اداری از شیوه سنتی به شکل الکترونیکی است. بنابراین کلیه دستگاه‌ها برای صیانت از اسناد ملی، باید بنا به ماده اول قانون سازمان اسناد ملی کشور و تصویب‌نامه هیئت وزیران -در خصوص اقدامات دستگاه‌های اجرایی برای تحقق دولت الکترونیک، تغییر روش ایجاد، نگهداری و گردش مکاتبات اداری از سنتی به الکترونیک (۸۹/۱۱/۲۴)- با هماهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به تولید و حفظ و نگهداری اسناد الکترونیکی اقدام کنند. همچنین این سازمان می‌تواند هماهنگ‌کننده بین دستگاه‌های مختلف برای تولید محتوا و ثبت و نگهداری تبادلات الکترونیکی و جلوگیری از موازی‌کاری بین آن‌ها باشد و با تولید نرم‌افزار ملی اسناد و ایجاد سامانه الکترونیکی، مدیریت یکپارچه اسناد الکترونیکی را که در دستگاه‌های دولتی تولید شده، در یک انبار ساماندهی و نگهداری کند و در پیوستن به دولت الکترونیک کمک‌کننده باشد.

کلیدواژه‌ها

دولت الکترونیک، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، نقشه‌راه خدمات دولت الکترونیک.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴؛ صص: ۵۰-۶۵



جایگاه آرشیو ملی جمهوری اسلامی ایران در نقشه راه خدمات دولت الکترونیک

آزیتا مالمیر^۱

مقدمه:

تحولات سریع در فناوری اطلاعات و ارتباطات، کشورها را به سوی جهانی شدن و اقتصاد مبتنی بر اطلاعات و در نتیجه استفاده از این فناوری ها هدایت می کند. کشورهایی که از این فناوری ها برای توسعه و تقویت ساختار اقتصادی و اجتماعی استفاده می کنند، همیشه یک گام به جلو در حرکت هستند. پیشرفت بسیار سریع و مؤثر اطلاعات که از پایه های توسعه ساختار اقتصادی است، باعث شده بخش های تجاری، آموزشی، مدیریتی و ... سازمان های دولتی مجدداً تعریف شوند و تغییر در ساختار این سازمان ها به مهم ترین مسئله روز تبدیل شده و در دستور کار سازمان ها قرار گیرد و این خود به ظهور مفهومی جدید به نام دولت الکترونیک منجر شده است.

واژگان مختلفی در راستای کاربری کردن فناوری ارتباطات و اطلاعات در دولت مطرح است که از جمله دولت برخط^۲، دولت رقمی^۳ و دولت شبکه ای^۴ ابداع شده اند که در حال حاضر، واژه دولت الکترونیک مورد پذیرش عموم قرار گرفته است (Chan, Lau, & Pan, 2008, p.240).

الگوی جدید به کار رفته با عنوان دولت الکترونیک جایگزین الگوی بروکراتیک سنتی شد که اساس آن بر پایه ارائه خدمات به صورت الکترونیکی است. این الگو با بهره گیری از فناوری ارتباطات و اطلاعات درصدد است به اهداف مورد نظر خود نائل آید. دولت الکترونیک

۱. کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی، کارشناس برنامه ریزی و بررسی اسناد و مدارک کشور، اداره کل ارزشیابی اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

az.malmir@gmail.com

2. Online Government

3. Digital Government

4. Net State



در سال‌های اخیر، برای تغییر و تحول حکمرانی عمومی^۱ در جهت ارتقا و بهبود بهره‌وری دولت و کیفیت خدمات ارائه‌شده تعبیر (Sharma, 2007, p.203) و به‌عنوان ابزاری برای درک و شناسایی بهتر اثربخشی مدیریت به کار گرفته می‌شود. این الگو همچنین باعث بهبود و ارتقای پیشرفت‌ها و اجرای خط‌مشی‌های عمومی می‌شود (CEC, 2003, p.10).

دولت الکترونیک به‌عنوان حلقه مرکزی محسوب می‌شود که رابط بین راهبردها، فرایندها، سازمان و فناوری است تا به‌نحوی مؤثر خدمات را به مشتریان و گروه‌های ذی‌نفع ارائه دهد (Sharifi & zarei, 2004, P.602) و بخش دولتی را در حفظ و نگهداری و تقویت حکمرانی خوب در جامعه دانشی یاری رساند (CEC, 2003, p.10). بنابراین فعالیت و اقدامات دولت الکترونیک بایستی از طریق نائل‌آمدن به اهداف حکمرانی خوب سنجیده شود (Ciborra & Navarra, 2005, p.145). دولت الکترونیک ابزار قدرتمندی است که به ارائه بهتر خدمات عمومی «کاهش زمان انتظار و بهبود اثربخشی هزینه، افزایش بهره‌وری و بهبود شفافیت و پاسخ‌گویی» منجر می‌شود (CEC, 2003, p.4). از سویی دیگر، فناوری برای دولت‌ها دستیابی به بعضی اهداف مهم از طریق وبگاه‌هایی را فراهم می‌کند که اطلاعات موردنیاز و خدمات الکترونیک را برای سهولت و رفاه حال مردم ارائه می‌دهند. به عبارت دیگر، فناوری باعث تمرکززدایی اداره امور دولتی و ارتقا توانایی دولت در انجام فعالیت‌های کلیدی می‌شود (Prybutok, Zhang, & Ryan, 2008, p.143). اگرچه تعریف کاملی از دولت الکترونیک وجود ندارد، اما بعضی از ویژگی‌های آن به این موضوع اشاره می‌کنند که دولت الکترونیک به‌طور بالقوه سعی در قطع مرزهای جغرافیایی، سازمانی و رشته‌ای دارد (Holden, Norris, & Fletcher, 2003, p.5). دولت الکترونیک در واقع فقط به‌معنای استفاده و کاربرد از فناوری ارتباطات و اطلاعات نیست، بلکه روشی برای مهندسی مجدد فرایندها و بهبود ارائه خدمات در سطوح مختلف است.

(Gunter, 2006, p.362; Andersen & Henriken, 2006, p.238)

به نظر می‌رسد که واژه دولت الکترونیک برای اولین بار در ایالات متحده و در سال ۱۹۹۵ به کار گرفته شد (Heeks & Bailur, 2007, p.243). با ظهور شبکه ارتباطاتی جهانی و همچنین نقش فناوری اطلاعات در تحول دولت در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، طبق گزارش مجله عملکرد ملی^۲ در سال ۱۹۹۶، حرکتی به‌سوی دولت بازآفرین^۳ صورت پذیرفت. تصویب برخی قوانین بسیار مهم در طول این دهه از تحول و کاربری فناوری اطلاعات در دولت حمایت و پشتیبانی کرد. در سال ۱۹۹۵، اصلاح قانون کاهش تشریفات اداری (کاغذبازی)^۴ و در سال ۱۹۸۰، رهنمودی برای سرمایه‌گذاری فناوری اطلاعات در دولت به تشویق و ترغیب تسهیم اطلاعات در بین دستگاه‌ها انجامید. قانون آزادی الکترونیکی اطلاعات^۵ در سال ۱۹۹۶، قوانین را برای صدور و دسترسی عموم به آرشیوهای الکترونیکی دولتی هموار کرد. در سال ۱۹۹۶،

1. Popular Government
2. Nation Performance Review
3. Reinventing Government
4. Paperwork Reduction Act
5. Electronic Freedom of Information

«قانون اصلاح فرصت کاری و مسئولیت فردی»^۱ دستگاه‌های خدمات اجتماعی را به آزمون و اجرای تعهدات اجرایی دولت الکترونیک در سطوح بین دولتی ملزم کرد. در سال ۱۹۹۶، قانون تحول مدیریت فناوری اطلاعات^۲ به‌عنوان سرآغازی در جهت ایجاد شرایطی برای مدیران فناوری اطلاعات در سازمان محسوب شد تا در مورد سرمایه‌گذاری فناوری در دولت و یکپارچگی فناوری اطلاعات در فرایندهای برنامه‌ریزی راهبردی اقداماتی صورت گیرد (Yildiz, 2007, p.649).

تمام این اقدامات قانونی برای تصویب قانون دولت الکترونیک در سال ۲۰۰۱، به اوج خود رسید. قانونی که زیرساخت‌های مالی و سازمانی را برای اجرایی کردن دولت الکترونیک فراهم کرد.

دولت الکترونیک با اقشار گوناگون جامعه سروکار دارد و از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به ارائه اطلاعات و خدمات به شهروندان، شرکت‌ها و سازمان‌های بخش خصوصی، کارکنان دولت، سازمان‌های دولتی و در نهایت کسانی می‌پردازد که قصد مهاجرت از سایر کشورها را دارند (Layne & Lee, 2001, p.235).

لام (۲۰۰۵) مؤلفه‌های دولت الکترونیک را به تفکیک کلی زیر تقسیم‌بندی می‌کند:

1. Personal Responsibility and Work Opportunity Reconciliation Act
2. IT Management Reform Act

– GA 2 GA^۳: ارتباط بین دستگاه‌های دولتی با یکدیگر؛

– CG 2 GA^۴: ارتباط بین دولت مرکزی با دستگاه‌های دولتی؛

– GA 2 GU^۵: ارتباط بین دستگاه‌های دولتی با کاربران.

3. Government Agency to Government Agency
4. Central Government to Government Agency
5. Government Agency to Government Users
6. E-Government Readiness Index
7. E-Government Website Assessment Index

خدمات و ذی‌نفعان شامل بخش تجاری، شهروندان، کارکنان، مهاجرین و حتی نهادها و سازمان‌های غیردولتی می‌شود (Lam, 2005, p.522).

8. Telecommunication Infrastructure Index
9. Human Capital Index
10. Emerging
11. Enhanced
12. Interactive
13. Transaction
14. Network
15. Education Index

موفقیت دولت الکترونیک بسته به دو بُعد کلان شاخص آمادگی دولت و شاخص مردم‌سالاری است. شاخص دولت الکترونیک^۶ نیز شامل شاخص‌هایی چون شاخص ارزیابی وبگاه‌های دولت الکترونیک^۷ شاخص زیرساخت ارتباطات از راه دور^۸ و شاخص سرمایه انسانی^۹ می‌شود (Nour et al., 2008, p.7).

زیرشاخص ارزیابی وبگاه، بر پایه سطوح مهارت و آمادگی دولت برای ارائه خدمات برخط به مردم، طی پنج مرحله تکامل می‌یابد: ظهور^{۱۰}، ارتقا^{۱۱}، تعامل^{۱۲}، تراکنش^{۱۳} و شبکه^{۱۴}. زیرشاخص زیرساخت ارتباطات از راه دور در واقع شاخصی از ظرفیت زیرساختی فناوری ارتباطات و اطلاعات هر کشوری است که خود از طریق زیرشاخص‌های تعداد رایانه‌ها و کاربران اینترنت هر یک به‌ازای هر هزار نفر سنجیده می‌شود. زیرشاخص سرمایه انسانی نیز وابسته و مرتبط به شاخص آموزش^{۱۵} است که هر ساله از سوی سازمان ملل منتشر می‌شود.



این شاخص نیز مرتبط با نرخ باسوادی و میزان ثبت‌نام افراد در سطوح آموزشی است. قابل‌تأمل است که شاخص آمادگی دولت الکترونیک ارتباط بسیار نزدیک با شرایط اقتصادی یک کشور دارد؛ زیرا تأمین این زیرساخت‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری اقتصادی دارد (مقیمی و اعلائی اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۳۷).

شاخص مردم‌سالاری نیز با میزان توسعه سیاسی ارتباط دارد و شامل پنج معیار است: فرایند سیاسی، جامعه مدنی، رسانه‌های مستقل، حکمرانی و مدیریت دولتی. از این طریق، کشورها به دو طیف کشورهای دموکراتیک و استبدادی تقسیم‌بندی می‌شوند. استفاده از این دو بُعد کلان این است که به راحتی می‌توان دید کلی از وضعیت دولت الکترونیک در یک کشور را به دست آورد و همچنین پیچیدگی بررسی ابعاد را نیز کاهش داد (Nour et al., 2008, p.5). طی آخرین گزارش منتشرشده از سوی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸، رتبه ایران به لحاظ شاخص آمادگی دولت الکترونیک، ۱۰۸ بوده است. بیشتر خدمات دولت الکترونیک در ایران، مربوط به شهروندان و توجه کمتر به روابط الکترونیک بین سازمانی است. طبق گزارش سازمان ملل، پایین‌ترین امتیاز دولت الکترونیک، مربوط به حوزه زیرساخت‌هاست. در واقع، بخش زیرساخت با توجه به محروم‌بودن بخش عمده‌ای از جمعیت ایران از کالاهای خدمات ICT و ضریب نفوذ پایین آن‌ها، مهم‌ترین نقطه ضعف دولت الکترونیک در ایران است (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۹۹).

شایدین شفیعی^۱ (۲۰۱۶) در مقاله خود با عنوان «دولت الکترونیکی در مالزی و نقش آرشیو ملی مالزی در مدیریت اسناد الکترونیکی» بیان می‌کند که آرشیو ملی مالزی در دولت الکترونیکی سه گام اساسی برمی‌دارد که عبارتند از: ایجاد مدیریت فناوری اطلاعات و اسناد الکترونیکی، اصلاح قانون آرشیو ملی ۱۹۶۶، و پروژه اسپارک^۲ (استراتژی برای حفظ سوابق و بایگانی دولت).

در سال ۲۰۰۳ پروژه اسپارک با هدف برقراری نظام آرشیوی اسناد الکترونیکی برای دولت مالزی آغاز شد. اسپارک (در زبان مالایو، زبان مردم مالزی - اندونزی و برونئی و دارالسلام) مخفف «پروژه مدیریت آرشیو و اسناد دولتی مالزی» است. اسپارک یک پروژه ملی مالزیایی مدیریت اسناد است. این پروژه هم به منظور مدیریت اسناد الکترونیکی و هم برای ایجاد برنامه‌ای آموزشی در دانشگاه‌ها طراحی شده است. هدف این پروژه، تبدیل کردن سازمان اسناد ملی مالزی، به عنوان محور اصلی مدیریت اسناد در کشور است. از دیگر اهداف آن حصول اطمینان از تحقق این موضوع بوده است که دسترسی به اسناد الکترونیکی (e-record) که توسط بخش دولتی تولید می‌شود در هر زمان امکان‌پذیر باشد. اجرای پروژه اسپارک بر اساس اصول پایه و اولیه سند عبارت است از: «سند دلیل وقوع یک تعامل مشخص است».

1. Shaidin Shafie
2. E-SPARK

در یک سند کاغذی اینکه متن (نگارش روی کاغذ) وسیله یا حامل (کاغذ) ساختار (چگونگی ترتیب نگارش روی کاغذ) و مفاد (ارتباط میان بندها و موضوع و رابطه کاری که در آن این تعامل صورت گرفته است) همگی به صورت فیزیکی به هم مربوط هستند، به خودی خود از نظر انسان دلیل تلقی می‌شوند. در مورد اسناد الکترونیکی عناصری که لازم است کنار هم قرار گیرند، تا یک «سند» الکترونیک معنادار ایجاد شود (متن، مفاد و ساختار) همان فضای فیزیکی را اشغال نمی‌کنند. به علاوه آن‌ها بدون واسطه نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری از نظر چشم انسان دلیل محسوب نمی‌شوند (کیانی هفت‌لنگ و شجاعی، ۱۳۸۹). دستاوردهای اسپارک از زمان شروع طرح تاکنون سه دستاورد داشته است که عبارتند از:

۱- استانداردها، سیاست‌ها و رویه‌های آرشیو اسناد الکترونیکی؛

۲- نیازمندی‌ها و مشخصات سامانه آرشیو اسناد الکترونیکی؛

۳- دستورالعمل‌های آموزشی و تحصیلی.

اداره اسناد و آرشیو ملی آمریکا با راه‌اندازی طرح «آرشیو اسناد الکترونیکی» به مدیریت اسناد رقیمی دولتی در دولت الکترونیک می‌پردازد. آرشیو اسناد الکترونیکی ابزار جامع و پویا برای حفاظت اسناد الکترونیکی و بهبود دسترسی به این اسناد است (NARA, 2006-2007).

آرشیو ملی انگلستان با همکاری و مساعدت در مدیریت اسناد الکترونیکی به دولت الکترونیک یاری می‌رساند. آرشیو انگلستان از سال ۱۹۹۹، به طور منظم استانداردهایی را در این زمینه تدوین و بازبینی کرده است. در دستنامه‌های این آرشیو بزرگ، اطلاعاتی درباره اسناد الکترونیکی، نحوه محافظت و ارائه خدمات، آماده‌سازی و تفکیک و راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت، مطالب مبسوطی آمده است.

آرشیو استرالیا نیز در خصوص اسناد الکترونیکی تولیدشده در سازمان‌ها و تشکیلات عمومی و همچنین نحوه نگهداری‌شان و موضوعات مرتبط توصیه‌هایی را بیان کرده است. در این راهنما اسناد الکترونیکی، مانند دیگر قالب‌های اسناد در ثبت فعالیت‌های سازمانی و به جای آوردن مسئولیت‌های سازمانی بسیار حائز اهمیت بوده که به آن اشاره و تصریح شده است. در این راهنما به موارد زیر اشاره شده است:

اهمیت مدیریت و ضرورت یک مدل که بتواند به صورت متمرکز فعالیت کند؛ تولید اسناد الکترونیکی و فراداده‌های مربوط در داخل سامانه مدیریت اسناد الکترونیکی چگونه باید باشد؟؛ چه شرایطی برای حفظ اسناد از آفت‌ها لازم است؟ و همچنین نحوه ذخیره و نگهداری مطمئن و چگونگی تأمین امنیت اسناد الکترونیکی چگونه باید باشد؟؛ دسترسی به اسناد الکترونیکی چگونه محقق می‌شود؟ و کارهای تصفیه و پالایش اسناد به چه طریقی انجام می‌شود؟



(هدایتی خوشمهر، ۱۳۹۰، ص ۳۰۱).

به موازات سایر کشورها، ایران نیز در سال‌های اخیر فعالیت‌های پراکنده و وسیعی در عرصه فناوری اطلاعات انجام داده است. اولین جهت‌گیری برنامه‌ریزی‌شده ایران در این عرصه، در قالب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) پیش‌بینی شد. در همین راستا، در اردیبهشت ۱۳۸۰، دانشگاه علم و صنعت ایران و سازمان منطقه‌ای کیش، با همایشی که تحت عنوان «همایش شهرهای الکترونیکی و اینترنتی جهان» برگزار کردند، سرفصل جدیدی را در مسیر اطلاع‌رسانی توسعه فناوری اطلاعات در ایران آغاز کردند. با ادامه برگزاری سمینارها و همایش‌هایی از این قبیل در سطح کشور، ضرورت سازماندهی و خط‌مشی‌گذاری توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در بلندمدت مورد توجه قرار گرفت، به‌طوری‌که اهداف دولت الکترونیک در شمار اولویت‌های مهم نظام اداری کشور مدنظر قرار گرفتند. اولین اقدام سازمان‌یافته و فراگیر در این زمینه، به ماه‌های آغازین ۱۳۸۱ معطوف می‌شود که طی آن، برنامه اصلاح فراگردها و روش‌های انجام کار و توسعه فناوری اداری، به‌مثابه یکی از برنامه‌های هفت‌گانه ایجاد تحول در نظام اداری کشور تصویب شد.

در همین راستا، طرحی در قالب آیین‌نامه «توسعه کاربرد فناوری اطلاعات» با نام اختصاری «تکفا» به تصویب هیئت‌وزیران رسید. این طرح که با هدف هم‌جهت کردن فعالیت‌های اجرایی در کشور در زمینه فناوری اطلاعات تدوین شده بود، در تاریخ نهم تیر سال ۱۳۸۱، تصویب و برای اجرا به سازمان‌های ذی‌ربط ابلاغ شد. برای مشخص شدن چارچوب اجرای این طرح، در ۱۵ تیر ۱۳۸۱، شورای عالی اداری کشور به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سابق)، طرح توسعه فناوری اطلاعات در نظام اداری کشور (طرح اتوماسیون اداری) (جلالی، ۱۳۹۱) و تحقق دولت الکترونیک کشور را در قالب مصوبه‌ای تأیید کرد. طرح مذکور که اتوماسیون الزامی فعالیت‌های عمومی و اختصاصی دستگاه‌های دولتی را دربرداشت، برای اجرا به کلیه سازمان‌های دولتی ابلاغ شد.

در ادامه، در سال ۱۳۸۳ در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مواردی به‌صراحت پیش‌بینی شد که بر الزام قوه مجریه به برقراری نظام بانکداری الکترونیک، گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقتصاد و بازرگانی، به‌روزر کردن پایگاه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، و ارائه خدمات دستگاه‌های اجرایی در محیط رایانه‌ای و شبکه‌ای دلالت داشتند. همچنین در سال ۱۳۸۶ سند نظام جامع فناوری اطلاعات تدوین شد و به تصویب رسید. در این سند حوزه‌های راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات، اهداف بنیادین، جهت‌گیری‌های راهبردی و همین‌طور راهکارهای تحقق اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی مشخص می‌شد.



در حال حاضر، نیز قانون برنامه پنجم توسعه کشور به طور واضح به مقوله توسعه خدمات الکترونیک و دولت الکترونیک پرداخته است. سلامت الکترونیک، بانکداری الکترونیکی، خدمات الکترونیک، زیرساخت‌های ارتباطی، پایگاه‌های اطلاعاتی دولت و دورکاری، از جمله موارد مهم در این قانون هستند.

با گذشت سال‌ها از آغاز مباحث حکومت الکترونیک در ایران در اواخر سال ۱۳۹۰، نقشه راه خدمات حکومت الکترونیک به تصویب هیئت وزیران رسید. با تصویب، مسئولیت آن رسماً به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور واگذار شده است (رضی و بزرگیان، ۱۳۹۰). در سال‌های اخیر، موضوع حکومت الکترونیک به اندازه‌ای اهمیت پیدا کرد که دولت نهم خود را «حکومت یا دولت الکترونیک» نامید.

علی‌رغم اینکه مبحث رقی‌کردن اسناد و استفاده از اتوماسیون اداری در چندسال گذشته در ایران مطرح شده است؛ اما در تمامی ابعاد آن با مشکل نظری و عملی مواجه است. از یک سو به دلیل تأخیر در کارها، رقی‌کردن اسناد با تأخیری چندساله مواجه بوده است و به علت گرانی دستگاه‌های پویشگر و هزینه بالای پویش اسناد این امر به کندی صورت می‌گیرد. در نهایت، فرایند رقی‌کردن به عنوان فرایند تهیه نسخه پشتیبان اسناد محسوب می‌شود و به مرحله غایی آن که تأثیرگذاری بر جامعه است، اندیشیده نمی‌شود. از سوی دیگر، سازوکارهای اتوماسیون داری با توجه به اهداف و ساختارهای آرشیوی طراحی نشده و برای حل مشکلات جاری و نامه‌نگاری کاربرد دارند و متأسفانه با توجه به عدم وجود دستورالعمل‌های مدون برای ساخت این نرم‌افزارها، سلیقه‌گرایی بر علم‌گرایی غالب شده است.

یکی از مهم‌ترین وظایف آرشیوهای ملی تهیه استانداردهای مدیریت اسناد الکترونیکی و مقیدساختن مجموعه به رعایت آن‌ها است. بررسی کارکرد آرشیوهای بزرگ در دنیا نشان می‌دهد که آن‌ها به صورت فعال در زمینه مدیریت اسناد الکترونیکی اقدام کرده‌اند و بیش از یک دهه است که کلیه ضوابط مرتبط با اسناد الکترونیکی را برای کلیه سازمان‌های دولتی و خصوصی تدوین کرده‌اند. سازمان اسناد ملی می‌تواند به سبب جایگاه خویش در کشور و مأموریت‌هایی که به آن سپرده شده است، به عنوان سازمان متولی در کشور باشد.

متأسفانه نقشه راه خدمات دولت الکترونیک که به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی در این زمینه در نظر گرفته می‌شود، به جایگاه سازمان اسناد ملی ایران به عنوان متولی در کشور اشاره نشده است. مبهم بودن جایگاه و نقش سازمان اسناد ملی ایران در دولت الکترونیک ما را بر آن داشته که دریابیم آیا جایگاهی برای سازمان اسناد ملی ایران در دولت الکترونیک دیده شده است؟ و درغیراین صورت، به طرح پیشنهادها در این خصوص و بازتعریفی از نقش سازمان بپردازیم.

در این پژوهش سعی بر آن است تا با استفاده از اسناد بالادستی و زیرساخت‌ها و الزامات دولت الکترونیک، هویت واقعی، موقعیت و جایگاه سازمان اسناد ملی را به‌عنوان سازمان مادر در امور اسنادی و در دولت الکترونیک بیابد. همچنین به معرفی و ایفای نقش سازمان در ایجاد دولت الکترونیک و دستیابی هرچه سریعتر و همه‌جانبه کشور به اهدافش دست یابد.

پژوهش بر پایه مطالعات و روش کتابخانه‌ای به‌گردآوری، پردازش و ارائه نتایج می‌پردازد. اطلاعات موردنیاز این پژوهش بنا به انتخاب شیوه کتابخانه‌ای با بررسی متون و منابع موجود، به گردآوری، استخراج، تحلیل و تطبیق اطلاعات در این زمینه به‌دست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

مستندات قانونی مرتبط با مأموریت‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز سایر نهادهای مرتبط در رابطه با اجرای طرح مدیریت اسناد الکترونیکی:

- ماده اول قانون سازمان اسناد ملی کشور؛
- به‌منظور جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی ایران در سازمان واحد و فراهم‌آوری شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی از طریق تمرکز پرونده‌های راکد وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و امحای اوراق زائد، سازمانی به‌نام سازمان اسناد ملی ایران وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور تأسیس می‌شود؛

تبصره: اسناد مذکور در ماده فوق عبارت است از کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، میکروفیلم‌ها، نوارهای ضبط‌صوت و سایر اسنادی است که در دستگاه دولت تهیه شده و یا به دستگاه دولت رسیده است و به‌طور مداوم یا غیرمداوم در تصرف دولت بوده و از لحاظ اداری، مالی، علمی، اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، فنی و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران، ارزش نگهداری دائمی داشته باشند.

با ذکر این نکته که در بخشنامه معاون اول محترم ریاست‌جمهوری درباره اسناد الکترونیکی تسری قانون فوق به اسناد الکترونیکی دولتی نیز تصریح شده است.

- تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در خصوص اقدامات دستگاه‌های اجرایی برای تحقق دولت الکترونیک، تغییر روش ایجاد، نگهداری و گردش مکاتبات اداری از سنتی به الکترونیک (۸۹/۱۱/۲۴).

- تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در خصوص اقدامات دستگاه‌های اجرایی برای تحقق دولت الکترونیک، تغییر روش ایجاد، نگهداری و گردش مکاتبات اداری از سنتی به الکترونیک

معاون اول رئیس‌جمهور تصویب‌نامه شماره ۳۸۹۵۱/۲۶۰۹۶۹ مورخ ۸۸/۱۲/۲۶ را به شرح زیر به کلیه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و استانداری‌های سراسر کشور اعلام کرده است:

نظر به وظایف قانونی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در تعیین تکلیف اسنادی که به انحای مختلف در دستگاه‌های دولتی تولید و یا نگهداری می‌شوند و از آنجا که یکی از بخش‌های مهم تحقق دولت الکترونیک، تغییر روش ایجاد، نگهداری و گردش مکاتبات اداری از شیوه سنتی به شکل الکترونیکی است. لذا به منظور صیانت از اسناد ملی لازم است کلیه دستگاه‌ها نسبت به رعایت موارد زیر با هماهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران اقدام کنند:

- ۱- شمول کلیه قوانین و مقررات مربوط به اسناد ملی به اسناد الکترونیک؛
 - ۲- مشاوره و استفاده از نظرات کارشناسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در به‌کارگیری از نرم‌افزار اتوماسیون اداری و چگونگی تهیه نسخ ثانوی و بایگانی اسناد الکترونیک؛
 - ۳- تعیین تکلیف سوابق اداری الکترونیک (امحا و یا انتقال به آرشیو ملی) با راهنمایی کارشناسان سازمان مذکور و دریافت مجوزهای قانونی؛
 - ۴- کلیه دستگاه‌ها مکلفند نسبت به تعیین تکلیف اسناد راكد موجود در بایگانی‌های خود اقدام کرده و در صورت نیاز ضمن تهیه نسخه دیجیتال از اسناد، اصل آن را به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تحویل دهند.
- ماده ۱۳۱، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸) مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱.

به قوه قضاییه اجازه داده می‌شود:

الف- بر اساس آیین‌نامه‌ای که وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه کرده و به تأیید رئیس قوه قضاییه می‌رسد، اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی را که نگهداری سوابق آن‌ها ضروری است، با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحای آن‌ها اقدام کند؛ مشروط بر آنکه حداقل سی سال از مدت بایگانی قطعی آن‌ها گذشته باشد. اطلاعات و اسناد تبدیلی در کلیه مراجع قضایی و اداری سندیت داشته و قابل استناد خواهد بود.

بر این اساس، سازمان اسناد ملی به‌عنوان متولی در امر جمع‌آوری و حفظ و نگهداری اسناد دولتی کشور و اشاعه آن‌ها شناخته شده و می‌توان بیان کرد سازمان نقش مهمی در مدیریت اسناد الکترونیکی ایفا می‌کند. کلیه دستگاه‌ها در این مورد مکلف به همکاری با سازمان اسناد



و کتابخانه ملی ایران هستند و این سازمان موظف است دائماً بهترین و جدیدترین استانداردها و ابزارهای تبدیل و نگهداری اسناد را تهیه کند و آن‌ها را مطابق با مقتضیات، تغییرات و پیشرفت‌های فناوریانه تغییر دهد. در کلیه مراحل توجه به اصل تغییر در سامانه‌های الکترونیکی جدی است و سازمان مطابق با مقتضیات جدید راه‌حل‌های لازم را ارائه و پیشنهاد می‌کند.

نقشه‌راه خدمات دولت الکترونیک:

در فهرست طرح‌های مشترک لازم برای تحقق معماری مطلوب دولت الکترونیک در کشور: بند ۱- تعریف و تدوین استانداردهای اقلام اطلاعاتی و شماره‌گذاری آن‌ها و تعیین سطح دسترسی (به‌ویژه اقلام اطلاعاتی مشترک و عمومی) (GIF)؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند به‌سبب جایگاه خویش در کشور و مأموریت‌هایی که به آن سپرده شده است به‌عنوان سازمان متولی در کشور در تعریف و تدوین استانداردهای اسناد الکترونیکی که بخشی از اقلام اطلاعاتی در دولت الکترونیک است و شماره‌گذاری آن‌ها (شماره‌شناسه شمس) و تعیین سطح دسترسی به آن‌ها نقش اساسی و تعیین‌کننده داشته باشد.

بند ۷- ایجاد سامانه الکترونیکی مدیریت یکپارچه تبادلات اطلاعاتی و استعلامی بین نرم‌افزارهای دستگاه‌های دولتی (GSB)؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند با ایجاد سامانه الکترونیکی مدیریت یکپارچه اسناد الکترونیکی، اسناد الکترونیکی تولید شده توسط دستگاه‌های دولتی در یک انبار ساماندهی و نگهداری کند.

بند ۱۳- ایجاد سرویس زیرساخت ملی اطلاعات مکان‌محور در بخش ۱۳-۲ «نهایی‌سازی استانداردهای ذخیره‌سازی، تبادل و تولید اطلاعات» و در بخش ۱۳-۳ «نهایی‌سازی استانداردهای ابر داده‌های لازم و تولید آن‌ها»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند در زمینه استانداردهای ذخیره و ابر داده در حوزه اسناد الکترونیک فعالیت کند.

بند ۱۴- تأمین تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و امنیتی خاص مورد نیاز در بخش ۱۴-۷ «نرم‌افزار تبادل بر خط اطلاعات، بین انواع منابع داده‌ای مختلف (فایل و پایگاه داده) برای برقراری ارتباط خدمات الکترونیکی و نرم‌افزارها و بانک‌های اطلاعاتی داخلی»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند با تولید نرم‌افزار ملی اسناد در پیوستن به دولت الکترونیک یاریگر باشد.

بند ۱۷- تدوین سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها، ضوابط و استانداردهای مورد نیاز و به‌روزرسانی مستمر آن‌ها در بخش ۱۷-۱۲ «تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به ساختارهای ابر داده‌ها و اطلاعات دولت الکترونیک»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند به تهیه و تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به ثبت و نگهداری تبادلات الکترونیکی بین سازمان‌های دولتی و تولید اسناد الکترونیکی و ساختارهای ابر داده‌ها بپردازد.



بند ۱۸- تدوین زیرساخت‌های حقوقی موردنیاز دولت الکترونیک، در بخش ۱۸-۲ «تدوین و تصویب قانون رکوردهای الکترونیکی (تولید، نگهداری و حفاظت)» و ۱۸-۵ «تدوین و تصویب قانون استنادپذیری اسناد الکترونیکی مرتبط با اسناد الکترونیکی»؛ سازمان اسناد ملی به‌صورت سازمان همکار با معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور می‌تواند در تدوین این قوانین مساعدت و همکاری کند.

بند ۱۹- ایجاد هماهنگی در اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و آموزش در سطح دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش ۱۹-۳ «تدوین برنامه دوره‌های آموزشی برای کارکنان سازمان‌ها در مورد دولت الکترونیکی و خدمات الکترونیکی» و بخش ۱۹-۴ «برگزاری همایش‌های مختلف در حوزه دولت الکترونیکی و خدمات الکترونیکی»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند به تدوین برنامه دوره‌های آموزشی برای کارکنان سازمان‌ها دربارهٔ ثبت و نگهداری تبادلات الکترونیکی و تولید اسناد الکترونیکی بین سازمان‌ها و برگزاری همایش -برای تبادل افکار، نظرات و آرا با سازمان‌ها جهت برطرف کردن مسائل در زمینه اسناد الکترونیکی- بپردازد.

بند ۲۰- توسعه نهاد راهبری و مدیریت مرکز دولت الکترونیک، در بخش ۲۰-۱ «هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف در مورد اجرای طرح‌های چند دستگاهی در قالب سیاست‌ها و جلوگیری از موازی کاری»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند به‌عنوان هماهنگ‌کننده بین دستگاه‌های مختلف برای تولید محتوا و ثبت و نگهداری تبادلات الکترونیکی بین آن‌ها باشد و از موازی کاری بین آن‌ها جلوگیری کرد.

بند ۲۰- توسعه نهاد راهبری و مدیریت مرکز دولت الکترونیک، در بخش ۲۰-۱۰ «ارائه خدمات مشاوره‌ای به دستگاه‌های دولتی در حوزه خدمات الکترونیکی»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند به‌عنوان مشاور دستگاه‌های دولتی برای تولید محتوا و ثبت و نگهداری تبادلات الکترونیکی بین خود یاری کند.

بند ۲۰- توسعه نهاد راهبری و مدیریت مرکز دولت الکترونیک، در بخش ۲۰-۱۵ «تهیه ساختارهای داده‌ای لازم برای تبادل اطلاعات دستگاه‌های دولتی»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند به تهیه ساختارهای داده‌ای لازم برای تبادلات و مکاتبات اداری دستگاه‌های دولتی بپردازد.

بند ۲۰- توسعه نهاد راهبری و مدیریت مرکز دولت الکترونیک، در بخش ۲۰-۱۶ «جمع‌آوری مستندات و تجربیات مربوط به طرح‌های حوزه خدمات الکترونیکی و به اشتراک‌گذاری آن‌ها»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند به جمع‌آوری مستندات و تجربیات مربوط به طرح‌های حوزه اسناد الکترونیکی و به اشتراک‌گذاری آن‌ها بپردازد.

بند ۲۰- توسعه نهاد راهبری و مدیریت مرکز دولت الکترونیک در بخش ۲۰-۱۹ «تعامل فعال با نهادهای بین‌المللی در حوزه دولت الکترونیک»؛ سازمان اسناد ملی می‌تواند تعامل فعال



با نهادهای بین‌المللی در حوزه اسناد الکترونیکی داشته باشد.

قابل ذکر است که در جدول طرح‌های سرویس مشترک دولت الکترونیک در مورد (۱) تعریف و تدوین استانداردهای اقلام اطلاعاتی و کدگذاری آن‌ها و تعیین سطح دسترسی و (۷) ایجاد سامانه الکترونیکی مدیریت یکپارچه مبادلات اطلاعاتی و استعلامی بین نرم‌افزارهای دستگاه‌های دولتی (GSB) و (۱۷) تدوین سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها، ضوابط و استانداردهای مورد نیاز، سازمان اسناد ملی باید به‌عنوان همکار در اجرای طرح معرفی شود.

نتیجه‌گیری:

در دولت الکترونیکی، جریان سریع و قابل اطمینان اطلاعات بین سازمان‌ها و واحدهای وابسته شرط اصلی و نیاز اساسی است. اجرای موفقیت‌آمیز این شیوه‌ها علاوه بر توسعه معنای خدمت‌رسانی در سازمان‌ها، موجب صرفه‌جویی قابل توجهی می‌شود.

یکی از بخش‌های مهم تحقق دولت الکترونیک، تغییر روش ایجاد و نگهداری و گردش مکاتبات اداری از شیوه سنتی به شکل الکترونیک است. بنابراین به‌منظور صیانت از اسناد ملی، کلیه دستگاه‌ها باید بنا به ماده اول قانون سازمان اسناد ملی کشور و تصویب‌نامه هیئت وزیران در خصوص اقدامات دستگاه‌های اجرایی جهت تحقق دولت الکترونیک، تغییر روش ایجاد، نگهداری و گردش مکاتبات اداری از سنتی به الکترونیک (۸۹/۱۱/۲۴)، با هماهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به تولید و حفظ و نگهداری اسناد الکترونیکی اقدام کنند. متأسفانه در این نقشه به جایگاه سازمان اسناد ملی ایران به‌عنوان متولی در کشور اشاره نشده است.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان متولی در امر جمع‌آوری و حفظ و نگهداری اسناد دولتی کشور و اشاعه آن‌هاست و می‌تواند نقش مهمی در مدیریت اسناد الکترونیکی ایفا کند.

پیشنهاد پژوهش:

پیشنهاد می‌شود برای شناخت بهتر از جایگاه سازمان، دیدگاه صاحب‌نظران در خصوص جایگاه سازمان اسناد ملی ایران در نقشه راه خدمات الکترونیکی و دولت الکترونیکی سنجیده شود.

منابع:

- پورعزت، علی‌اصغر و دیگران (۱۳۹۳). مدیریت ایران، کشورداری الکترونیک. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.



- جلالی، علی اکبر (۱۳۹۱). جایگاه دولت الکترونیک در سیاست‌های کلی تحول در نظام اداری. مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- رضی، علی؛ بزرگیان، محمد (۱۳۹۰). نقشه جامع حکومت الکترونیک جمهوری اسلامی ایران (نقشه راه خدمات حکومت الکترونیک). معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور.
- کیانی هفت‌لنگ، کیانوش؛ شجاعی، محمد (۱۳۸۹). طرح مدیریت اسناد الکترونیکی در مالزی، بازیابی ۲۱ تیر ۱۳۹۵، از: <http://www.modiriyar.com/index-management/cultural/librarianship/3594-1389-06-26-14-44-08.htm>
- معاونت نوسازی و تحول اداری امور توسعه دولت الکترونیک، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری (۱۳۹۰). نقشه جامع دولت الکترونیک جمهوری اسلامی ایران (نقشه راه خدمات دولت الکترونیک ۱۳۹۰-۱۳۹۴). بازیابی ۲۱ تیر ۱۳۹۵، از: <http://ict.mrud.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=b6fcec16-8e73-4040-891a-caadef9bcd0>
- مقیمی، محمد؛ اعلایی اردکانی، مصطفی (۱۳۸۸). دولت الکترونیک کلید حکمرانی خوب. تهران: عترت‌نو.
- هدایتی خوشمهر، عزیز (۱۳۹۰). پیش‌نویس الگوی مرجع اسناد ملی مدیریت اسناد الکترونیکی و اسناد آرشیوی. مدیریت اسناد الکترونیکی (مجموعه مقاله‌های نخستین همایش ملی آرشیوی ایران. اردیبهشت ۱۳۸۸. تهران: کتابدار، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- Andersen, K.V., Henriksen, H.Z. (2006). "E-Government Maturity Models: Extension of The Layne and Lee Model". Government Information Quarterly, Vol. 23, pp. 236- 248.
- Chan, C.M.L., Yi Meng Lau, Shan L. Pan, (2008). "E-Government Implementation: A Macro Analysis of Singapore's E-Government Initiatives". Government Information Quarterly, Vol. 25, pp. 238-255.
- Ciborra C. (2005). "Interpreting E-Government and Development, Efficiency, Transparency or Governance at a Distance?". Information Technology & People, Vol.18, No.3, pp. 260-279.
- Commission of European Communities (2003). "The Role of E-Government for Europe's Future".
- Gunter, B. (2006). "Advances in E-Democracy: Overview". New Information Perspectives". Vol. 58, No. 5, pp. 361-370.
- Heeks, R. (2002). "Failure and Success of Information System Project in Developing



Countries”. Working Paper, No.11, ISPDM, University of Manchester, Manchester.

- Heeks, R., Bailur, S. (2007). “Analyzing E-Government Research: Perspectives, Philosophies, Theories. Methods, and Practice”. Government Information Quarterly, Vol. 24, pp. 243-265.

- Holden, S.H., D.F. Norris and P.D. Fletcher (2003). “Electronic Government at the Local Level”. Public Performance and Management Review Journal, Vol. 26, No. 4, June.

- Layne, k. and J.W. Lee (2001). “Developing Fully Functional: A Four Stage Model”. Government Information Quarterly, Vol.18.

- Lam, W. (2005). “Barriers to E-Government Integration”. The Journal of Enterprise Information Management, Vol. 18, No. 5, pp. 511-530.

- National Archives and Records Administration’s (NARA) Implementation of the E-Government Act of 2002 – Report for FY 2006, Brief overview of agency’s implementation of the Act, including a description of an internal agency-specific E-Government initiative, accessed 25 july 2016, from <http://www.archives.gov/about/plans-reports/e-gov/2006annual-e-gov-report.pdf>

- National Archives and Records Administration’s (NARA) Implementation of the E-Government Act of 2002 – Report for FY 2007, Section 1. Implementation of Electronic Government Initiatives, accessed 25 july 2016, from <http://www.archives.gov/about/plans-reports/e-gov/2007annual-e-gov-report.pdf>

- Nour, Mohamad A., AbdelRahman and Adam Fadlalla (2008). “A Context-Based Integrative Framework for E-Government Initiatives”. Government Information Quarterly, July 2008, pp.448-461.

- Prybutok, V., Zhang,W., Ryan, S. (2008). “Evaluating Leadership, IT Quality, and Net Benefits in an E-Government Environment”. Information & Management, Vol.45, pp. 143-152.

- Sharifi, H., zarei, B. (2004). “An Adaptive Approach for Implementing E-Government in I.R.Iran”. Journal of Government Information, Vol. 30, pp. 600-619.

- Shafie, Shaidin (2016). “E-Government Initiatives in Malaysia and the Role of the National Archives of Malaysia in Digital Records Management”, accessed 25 july. 2016, from <http://www.archives.go.jp/english/news/pdf/MrShaidin.pdf>



- Sharma, S. D. (2007). "Democracy, Good Governance, and Economic Development". Taiwan Journal of Democracy, Vol.3. No.1, pp.29-62.
- Yildiz, M. (2007). "E-Government Research: Reviewing the Literature, Limitations and Ways Forward". Government Information Quarterly, Vol. 24, p. 649.



تجزیه و تحلیل محتوایی مهریه در عقدنامه‌های دوره ناصری با تکیه بر اسناد آرشیو ملی

رقيه شكری

چکیده:

نکاح‌نامه‌ها - به عنوان زیرمجموعه اسناد شرعی - دارای چارچوب مشخص و اصول کلی معین در نگارش هستند. این اسناد معتبر اجتماعی که غالباً توسط کاتبان به رشته تحریر درمی‌آمد، دارای ارزش ادبی، هنری و تاریخی هستند. مسئله مهم در این پژوهش، شناسایی رابطه تعیین صدق طبقات اجتماعی در دوره قاجار است که مشخص می‌کند هر چقدر نوع طبقات اجتماعی بالاتر باشد، میزان و نوع مهریه نیز متفاوت است. هدف از این پژوهش نشان دادن ابعاد و تحلیل محتوای ساختاری نکاح‌نامه‌های عصر ناصری با توجه به ارتباط تنگاتنگ آن با نوع مهریه در مناطق مختلف است که از نظر موقعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین و به دلیل فرهنگ‌های مختص هر منطقه متفاوت می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای، تجزیه و تحلیل کمی و کیفی نکاح‌نامه‌ها و استنساخ اسناد مرتبط با آن خواهد بود و در انتها بر اساس بررسی‌های انجام شده، در خصوص تفاوت در میزان و نوع مهریه‌ها به نتیجه منطقی خواهیم رسید.

کلیدواژه‌ها

نکاح‌نامه، قاجار، اسناد، مهریه، ازدواج، خانواده.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴؛ صص: ۶۶-۹۸



تجزیه و تحلیل محتوایی مهریه در عقدنامه‌های دوره ناصری با تکیه بر اسناد آرشیو ملی

رقیه شکری^۱

مقدمه:

نکاح‌نامه به دلیل قداست ازدواج جزو آن دسته اسنادی است که پیوندی ناگسستنی با دین دارد. اعتقادات و باورهای دینی در شکل‌دهی به چارچوب و ساختار کلی سند مؤثر هستند؛ همچنان که نکاح‌نامه‌های مربوط به زردشتیان، یهودیان و مسیحیان تفاوت‌هایی با نکاح‌نامه‌های اهل اسلام دارد، جغرافیا و قومیت نیز از مؤلفه‌های تغییر در اسناد است. اما در جاهایی که زبان رسمی وجود دارد از شدت این تغییرات کاسته و به یک‌دستی و وحدت مفاهیم اسناد افزوده می‌شود. تغییرات سندی در حوزه قبایله‌های ازدواج دوره ناصری به دلیل شمولیت زبان فارسی، جغرافیا و قومیت را تحت‌شعاع قرار داده و سبک و سیاق عقدنامه‌ها به یک شکل است. در جاهایی تفاوت‌های مذهبی با تفاوت در ادعیه و آغازیه نکاح‌نامه‌ها همراه است، و گرنه کلیت و قالب همه نکاح‌نامه‌های این دوره در شکلی واحد به لحاظ محتوایی نمایان می‌شوند.

قلمرو اصلی مباحث و اطلاعات این پژوهش، تاریخ دوره ناصری است که توزیع قدرت در دست شاه بود و دولت، شاه و دربار مقولاتی تفکیک‌ناپذیر بودند. در چنین ساختاری، امکان رشد طبقات اجتماعی بیرون از حکومت وجود نداشت. تا اینکه ورود افکار متجددانه و شکل‌گیری مشروطه، نخستین تلاش‌ها برای انجام اصلاحات در ایران عصر قاجار را به وجود آورد. از سوی دیگر با رشد شتابان تجارت خارجی، برخورد فزاینده تجار ایرانی با غرب، سفرهای خارجی و آشنایی با دستاوردهای تمدن غرب، موجب آگاهی آن‌ها نسبت به منافع طبقاتی خود در برابر حکومت قاجار شد.

۱. کارشناسی‌ارشد تاریخ ایران اسلامی،
کارشناس اداره کل خدمات آرشیوی،
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری
اسلامی ایران؛

ro.shokri49@gmail.com



این پژوهش سعی دارد که عقدنامه‌های دوره ناصری را مورد بررسی قرار دهد. قباله‌های ازدواج هر چند که با گذشت قرن‌ها دیگر اهمیت حقوقی خود را از دست داده‌اند اما به دلیل قرار گرفتن در زمره اسناد شجرنامه اطلاعات فراوانی در زمینه راه و رسم زندگی و اندیشه مردم در قرون گذشته را بازگو می‌کند. برای بررسی موضوع مورد نظر لازم است ابتدا تعریف مختصری از نکاح‌نامه‌ها و مشتقات آن داده شود و سپس به بررسی محتوایی اسناد در جداول و نمودار پرداخته شود.

تعریف لغوی و اصطلاحی نکاح

در لغت‌نامه دهخدا نکاح به معنی: زن گرفتن، عقد زناشویی بستن، کابین کردن، شوهر کردن، عقدی که میان زن و شوهر بندند، عقدی که به موجب آن علاقه زناشویی بین زن و مرد ایجاد شود، می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۲۶۸۵).

نکاح در لغت به معنی تقابل است، و در زبان عرب هرگاه دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گرفته باشند گفته می‌شود: تناکح الجبلان، یعنی: دو کوه در مقابل هم واقع شده‌اند. از نظر اصطلاح در اینکه آیا این لفظ دلالت بر «وطی» می‌کند یا «عقد»، یا میان هر دو مشترک لفظی است، اختلاف نظر وجود دارد. معروف و مشهور آن است که نکاح در لغت به معنی «وطی»، و شرعاً به مفهوم «عقد» است. به نظر می‌رسد که منظور از عقد (مفهوم شرعی نکاح) نه تنها صیغه، بلکه مراد حاصل از آن است که در فارسی به «زن گرفتن» و «شوهر کردن» تعبیر می‌شود. بنابراین نکاح چنین تعریف می‌شود: نکاح رابطه‌ای است حقوقی-عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند؛ و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است (میرداماد، ۱۳۶۵، ص ۲۲).

این تعریف شامل هر دو قسم نکاح یعنی دائم و منقطع است. بعضی از حقوق دانان جدید نکاح را طوری تعریف کرده‌اند که فقط شامل نکاح دائم می‌شود؛ به این شرح: «نکاح رابطه‌ای است بین زن و شوهر برای تشکیل خانواده». این تعریف نکاح منقطع را در بر نمی‌گیرد؛ و از این جهت ناقص است. در حالی که از نظر فقهی و قانون مدنی نکاح منقطع نیز مسلماً مشمول عنوان کلی نکاح است و لذا می‌توان گفت که به احتمال قوی تعریف فوق از حقوق کشورهای دیگر استنتاج گردیده، زیرا در سیستم حقوقی اغلب کشورها فقط نکاح دائم به رسمیت شناخته شده است (میرداماد، ۱۳۶۵، ص ۲۳).

تعریف لغوی و اصطلاحی مهریه

تعریف لغوی مهریه: در لغت‌نامه دهخدا آمده است: مهر، کابین، آنچه دهد داماد عروس را برای نکاح. دست‌پیمان، شیربها (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹۰۷). در قرآن مجید واژه مهر به کار نرفته است و از لغات معادل آن استفاده شده است، مانند: (الصَّدَاق، الصَّدَاقَةُ، حِلِّه، الْأَجْر، الْفَرِيضه، الطُّول) (سوره نسا آیه: ۴-۲۴-۲۵).

در قرآن کریم آیاتی در خصوص تشریح و پرداخت مهریه آمده است. مانند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ... (ای پیامبر، (فعلاً هفت طایفه از زن‌ها را) بر تو حلال کردیم: آن همسران را که مهر آن‌ها را پرداخته‌ای (...)) (سوره احزاب، آیه ۵۰). «فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ». (آن‌ها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید)، (سوره نساء، آیه ۲۵). «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا» (و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟) (سوره نساء آیه: ۲۰).

مهر بر اساس تعریف اصطلاحی عبارت است از مالی که به مناسبت عقد نکاح مرد ملزم به دادن آن به زن می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷).

در ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی آمده است:

مهر عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن است. الزام مربوط به تملیک مهر، ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد. به همین جهت، سکوت دو طرف در عقد و حتی توافق بر اینکه زن مستحق مهر نباشد، نمی‌تواند تکلیف مرد را در این زمینه از بین ببرد. درست است که انعقاد نکاح به تراضی طرفین است ولی آثار آن را زن و شوهر به وجود نمی‌آورند. همین که زن و مرد، با پیوند زناشویی موافقت کردند در وضع ویژه‌ای قرار می‌گیرند که به ناچار باید آثار و نتایج آن را متحمل شوند. بنابراین مهر، نوعی الزام قانونی است که بر مرد تحمیل می‌شود و فقط زوجین می‌توانند هنگام بستن عقد یا پس از آن، مقدار مهر را به تراضی معین سازند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷).

وضعیت اجتماعی نهاد خانواده در عهد قاجاریه

نکاح‌نامه‌ها یکی از اسناد حقوقی و قضایی مربوط به نهاد خانواده هستند که آیین‌های از رفتار روزمره مردم و رابطه قاعده‌مند آنان با یکدیگر را نشان می‌دهند. بررسی رویکرد اجتماعی و فرهنگی دوره قاجار نسبت به زنان و راهکارهای عملی برای دستیابی به مطالبات آنان در



متن سند حقوقی نکاح‌نامه‌ها موضوع پژوهش است.

جامعه ایران در دوره قاجار از گروه‌هایی نظیر: قبیله، عشیره، دهکده، یا گروهی از علما، صنف و غیره تشکیل شده بود. افراد در دوره قاجار به کمک حامیان یا واسطه‌ها می‌توانستند وضع خود را بهبود دهند و شاهد اجرای عدالت باشند. با تعلق داشتن به یک گروه صنفی، شخص می‌توانست به وجهه سیاسی و قضایی دست یابد و فرصت گسترش روابط اجتماعی و دریافت منافع اقتصادی داشته باشد (فلور، ۱۳۶۵، ص ۲۰). افراد در طبقات پایین چون به حکومت دسترسی نداشتند به برخی از علما که با اهل دیوان سر و کار داشتند متوسل می‌شدند. علما نیز در دوره قاجار از اهمیت بسیار برخوردار بودند (فلور، ۱۳۶۵، ص ۲۲).

معاملات تجاری، محاکمه دآوری و غیره، علما و بازاریان را به هم نزدیک می‌کرد. بسیاری از اعضای صنف ملا بودند در میان سه طبقه شهرنشین اعضای صنف به طبقات پایین تعلق داشتند تحرک اجتماعی آن‌ها کم بود و در جامعه پیشرفت چندانی نداشتند و در مورد ازدواج فقط کسانی با هم ازدواج می‌کردند که از لحاظ مقام اجتماعی حتی تمکن، مذهب، تحصیلات و قدرت سیاسی با هم برابر باشند. زیرا ازدواج عامل ایجاد اتحاد بین افراد یک خانواده بزرگ محسوب می‌شد. خانواده توسعه یافته، واحد اصلی در زندگی اجتماعی محسوب می‌شد و تعهدات و علایق دو جانبه بین خویشاوندان از هر نوع تعهد اجتماعی مهم‌تر بوده است و هدف آن کلیه فعالیت‌های اصلی در جهت خدمت به خانواده بود (فلور، ۱۳۶۵، ص ۲۴).

ایرانیان طرفداری از خویشاوندان را یک کار مثبت می‌شمردند و بدون داشتن پیوندهای خانوادگی کسی در جامعه ارجی نداشت. برجسته‌ترین بخش زندگی اقتصادی از آن اصناف بود (فلور، ۱۳۶۵، ص ۲۵).

دختر ناصرالدین شاه، تاج السلطنه در خاطرات خود می‌نویسد:

در مسافرت تبریز در تمام عرض راه و دهات، زن و مرد را با یکدیگر بدون حجاب مشغول کار می‌دیدم. در تمام یک ده، یک نفر بیکار دیده نمی‌شد. یک نفر مستخدم من خواستم در راه برای خود بگیرم؛ هیچ یک از این دهاقین راضی نشدند و زندگانی آزاد صحرایی خود را فروخته، تمام این دهاقین و زارعین، مردمان با شرف و افتخاری هستند. بعد از عروسی هم، بالمشارکه، در تمام روز و شب با هم مشغول زراعت و رعیتی هستند. پاسبان و نگاهبان زن، شوهرش و مصاحب و مونس شوهر، زن است. تمام آن محبت‌ها و صمیمیت‌ها و سادگی زندگانی را درباره یکدیگر مصرف و همیشه خوشبخت و شادکام زندگانی می‌کنند و اولاد اعقاب با شرف و با افتخار از خود به یادگار می‌گذارند. اخلاق دهاقین و صحرانشینان بهتر از اخلاق مردمان شهرست (اتحادیه و سعدوندیان، ۱۳۶۱، ص ۱۰۱-۱۰۲).



در عهد قاجار رسیدگی به اوضاع قضایی جامعه به دو شکل قوانین شرعی و عرفی بوده است. قوانین شرعی غالباً پیرو احکام قرآن و سنت حضرت رسول اکرم (ص) به صورت مدون شکل گرفته بود اما در قوانین عرفی در بیشتر موارد به صورت سلیقه‌ای رفتار می‌شد و گاه طبق میل حاکمان بوده است و فقط در موارد بسیار مهم به عرض شاهان می‌رسیده است (نجمی، ۱۳۷۰، ص ۵۹۷-۵۹۸). روشنفکران ایرانی گروه اجتماعی بودند که بیشتر دغدغه قانون و حقوق اساسی و استقرار حکومت مشروطه را داشتند. آنان به پادشاهان قاجار اعتقادی نداشتند و آنان را موانع مهم ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دینی جامعه ایرانی را، ساختار قدرت می‌دانستند (ربانی‌زاده و لطفی، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

وضعیت اجتماعی زنان در عهد قاجاریه

وظایف زنان در خانواده بستگی به وضعیت اقتصادی خانواده داشت و هرچه قدرت اقتصادی خانواده پایین‌تر بود میزان وظایف زنان افزایش می‌یافت. عروسان جوان در سال اول ازدواج خود ملزم به انجام کارهای منزل نبودند و وظیفه مادرشوهر در خانه، آشناسازی آنان با وظایف خانه‌داری بود (ویلس، ۱۳۶۶، ص ۱۲۳).

در طبقات مرفه و اعیان جامعه، کار تعلیم و تربیت به‌عهده معلمان سرخانه بود و تنها در این طبقه و قشر محدود روشنفکران شهری تعلیم و تربیت به شیوه گسترده‌تر علمی مبنی بر اشراف بر زبان عربی، فارسی و گاه فرانسه، تاریخ، جغرافی، حساب، نجوم و تا حدی پزشکی می‌گشت. در چنین خانواده‌هایی به تعلیم و تربیت دختران نیز تا حدی توجه می‌شد. زیرا آنچه در آن روزگار مقبول بود، مهجوری و مستوری بود نه علم و دانش. زن خوب، عفیف، فروتن و فرمانبردار، زنی بود که دستورات شوهرش را بی هیچ چون و چرا اجرا می‌نمود. کدبانویی زنان تنها از طریق تربیت خانوادگی میسر بود و نیازی به مدرسه و کتاب نداشت (صدیق، ۱۳۱۹، ص ۳۲۲).

در دوره قاجار، زنان در تولیدات اقتصادی فعال بودند. مثلاً در نواحی شمالی کشور زنان نقش مهمی را در خانواده ایفا می‌کردند و هم‌دوش مردان خود در کار کشاورزی به آن‌ها کمک می‌کردند. زنان طبقه عامه معمولاً به تولید فرش، مواد غذایی و کارهای خانه مشغول بودند. اکثر زنان نقش مادر بودن و رسیدگی به امور خانه را به عهده داشتند و مراقبت از همسر پس از بازگشت او از محل کار، مراقبت از فرزندان و الگو برای آنان به عنوان یک شخصیت اخلاقی، تا بتواند محیطی آرام و راحت را برای اعضای خانواده فراهم نماید.



وضعیت اجتماعی مردان و ازدواج آنان در عهد قاجاریه

در ایران ازدواج دو شکل صورت می‌گیرد یکی ازدواج واقعی و دائم است که مرد می‌توانست چهار زن عقدی داشته باشد و به‌جز انجام طلاق قابل‌گسستن نیست. دوم ازدواجی است که معروف به صیغه می‌باشد و به‌هیچ‌وجه محدودیتی از نظر تعدد زوجات ندارد. فرزندان زن‌های صیغه معمولاً با بچه‌های زنان عقدی در شرایط مساوی زندگی می‌کنند مگر آنکه یکی از زن‌ها استثنائاً متعلق به خانواده قاجار باشد و یا از طبقه‌ای به‌شمار آید که بر شوهرش برتری فراوان داشته باشد. مردها معمولاً زن‌های عقدی خود را از خانواده‌های هم‌تراز انتخاب می‌کنند درحالی‌که زن‌های صیغه را از طبقات پایین بر می‌گزینند تا در ضمن، سمت خدمتکاری زن‌های عقدی را هم داشته باشد (حجازی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷).

چگونگی ازدواج و عقد نکاح در جامعه عهد قاجاریه

آداب ازدواج در دوره قاجاریه بین طبقات بالاتر و درباریان با طبقات پایین‌تر جامعه با هم تفاوت داشت. معمولاً هر طبقه با هم‌مسلك خویش ازدواج می‌کرد و ازدواج به‌دلیل خارج‌نشدن ثروت از درون خانواده صورت می‌گرفت. تشریفات ازدواج به دو مرحله تقسیم می‌شد: عقد و عروسی. در مراسم اول، مسئله دارایی و پیشنهادات طرفین حل و فصل می‌شده و در مرحله دوم بستگی به خود طرفین و تمکن مالی آن‌ها برای انجام مراسم داشت. سیاحان نیز به این موضوع اشاره داشته‌اند، در مواردی میان دو خانواده که دختر و پسر داشتند از کودکی قراردادهایی را بین خود می‌بستند و ازدواج بدون واسطه انجام می‌شد. اما ازدواج از طریق واسطه‌ها، اول برادر و یا یکی از اقوام را برای در میان گذاشتن موضوع با پدر دختر به نزد او راهی می‌کردند تا در صورت موافقت، ازدواج را تصویب کنند (منصوربخت و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹-۱۲۰).

ازدواج دختران معمولاً در سنین زیر سیزده و پسران در سنین شانزده یا هفده سالگی اتفاق می‌افتاد و گاه پیش می‌آمد که به‌دلیل تمکن مالی، دختران بسیار جوان را به عقد مردان مسن در می‌آوردند. همچنین ازدواج‌های قبل از بلوغ مانع رشد طبیعی دوشیزگان است و به‌واسطه فشار خانه‌داری و تعذیات شوهران در این دوره که زنان را ملک مطلق خود می‌دانستند غالباً کدورت و کسالت‌های روحی به زن‌ها عارض می‌کرد و نشاط جوانی آن‌ها را از میان می‌برد و خیلی زود به ضعف و فرسودگی مبتلا می‌شدند (حجازی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸).

در دوره ناصری تشریفات عقدکنان کمتر شده بود. دیگر از زیر فرشی که بساط عقد روی آن پهن می‌شد خبری نبود. سوزنی ترمه‌ای می‌انداختند و در اتاق مجاور، ملا مشغول خواندن خطبه عقد می‌شد، عروس رو به قبله و آئینه قدی و یک جفت جار دو سه الی پنج شاخه [گل/نبات؟] که از خانه داماد با خوانچه اسفند و رنگ و حنا روی ترمه می‌گذاشتند. جلو عروس



جانماز ترمه یا مخمل مرواریددوز که عروس‌ها جزو چهارشان داشتند می‌انداختند و قرآنی که جزو مهر آن‌ها بود می‌گذاشتند. برای اینکه عروس نزد داماد شیرین و مطبوع شود، یکی از خانم‌های سفیدبخت خانواده، دو پارچه قند را در دست می‌گرفت و خانم سفیدبخت دیگری پارچه سفیدی بر سر عروس می‌انداخت و خانم اولی سرقندهای خود را بر سر عروس می‌سایید. آخوندهایی که صیغه عقد را جاری می‌کردند بعد از خواندن صیغه می‌رفتند تا یکی دو ساعت مجلس ادامه پیدا می‌کرد (مستوفی، ۱۳۴۱، ص ۳۳۹-۳۴۲).

روز قبل از عروسی از خانه عروس با قاطر و خوانچه‌ای که برای بردن چهار لازم بود، با دسته موزیک و نقاره‌چی از خانه داماد به خانه عروس روانه می‌شدند. فرش و رختخواب در مفرش‌های قالیچه‌ای، لباس دوخته و ندوخته، طاقه‌های نبریده، مسینه‌آلات از قبیل دیگ، بادیه مسی، بلورآلات، اسباب چراغ، متکاها و پشته‌های زری، ترمه مفتول و مرواریددوزی، تزئینات در و دیوار مانند: پرده، طاقچه‌پوش، سماور، اسباب چای، ظرف چینی و غیره در خوانچه‌هایی که کف آن‌ها را پارچه سفید انداخته و مقدار نقل در آن می‌پاشیدند به خانه داماد می‌آوردند و همراه چهار از نوکرهایی که از خانه عروس آمده بودند، صورت چهار را به همان ترتیبی که در خوانچه‌ها چیده شده بود، تحویل بستگان داماد می‌دادند. این نوع عروسی‌ها در طبقه اعیانی صورت می‌گرفت. در دهات، عروسی‌ها بیشتر در فاصله بین برداشتن خرمن و بذر کاری انجام می‌شد تا دعوت‌شدگان از دهات دیگر بتوانند بیایند (مستوفی، ۱۳۴۱، ص ۳۴۴-۳۴۵).

تحلیل و جمع‌بندی محتوای صدق نکاح‌نامه‌ها در مناطق مختلف

بر اساس گزارش آماری به‌دست‌آمده در اصفهان پول رایج مملکت ۴۶٪، خانه ۳۶٪، اثاثیه ۹٪، کلام‌الله مجید ۹٪ می‌باشد که نشانگر این است که پول و خانه بیشتر از سایر اقلام در اصفهان مورد توجه بوده است.

در یزد نیز پول رایج مملکتی ۲۷٪، خانه ۱۸٪، طلا ۱۸٪، اثاثیه ۲۳٪، زمین ۵٪ و قنات ۴٪ می‌باشد که نشانگر این است علاوه بر پول، طلا، اثاثیه، زمین و قنات نیز حائز اهمیت هستند.

در همدان اقلام مهریه پول رایج مملکتی ۴۳٪، خانه ۲۶٪، اثاثیه ۱۴٪ و طلا و باغ هر کدام ۷٪ می‌باشد که نشانگر آن است که پول و خانه نسبت به سایر اقلام جزو مهریه قرار می‌دادند.

در گیلان نیز پول رایج ۵۰٪، کلام‌الله مجید ۱۷٪، خانه ۹٪، جاریه، طلا و زمین هر کدام ۸٪ می‌باشد که نشانگر این است که پول نسبت به سایر اقلام مهریه بیشتر مورد توجه این منطقه بوده است.



بر اساس گزارش آمار به‌دست آمده از شهرهای اصفهان، یزد، همدان و گیلان، پول رایج در گیلان و اصفهان نسبت به سایر شهرها بیشتر است اما در همه شهرها پول از سایر اقلام بیشتر می‌باشد. خانه در اصفهان و همدان به نسبت اقلام دیگر بیشتر است. جاریه فقط در گیلان یک مورد است و بقیه اقلام مهریه مانند طلا، زمین، باغ، آب، اثاثیه، کلام‌الله مجید نیز به‌عنوان مهریه آورده شده است.

در طبقات بالا به‌دلیل وضعیت مالی، دلایل فرهنگی و نزدیکی به طبقه حاکمه علاوه بر پول رایج کشور، سکه اشرفی، طلا، ملک و آب نیز صورت اقلام مهریه است. در بعضی از نکاح‌نامه‌ها موارد متعددی از اراضی باغ و آب به‌عنوان مهریه ثبت شده است. نکاح‌نامه «عیسی‌خان با فاطمه خانم به صدق یک جلد کلام‌الله مجید ده تومان، مبلغ یکصد و پنجاه دانه اشرفی هیجده نخود وزن و مقدار یکصد و پنجاه مثقال طلای خالص غیرمسکوک صیرفی و دو نفر کنیز و غلام قیمت هر دو شصت تومان و تمامی چهارده شعر و دو ثلث یک شعر مشاع از یک دانگ و نیم مفروز از شش‌دانگ قریه (اسلیه) در تاریخ ۱۲۷۲ق. می‌باشد (ساکما، ۱۶۹۰۷-۲۹۶). اما در طبقات متوسط علاوه بر پول رایج از مسینه‌آلات، رخت ملبوس، ترمه، فرش، نمد، رختخواب، گلیم، ابریشم، صندوق و غیره مهریه قرار می‌دادند. در شهرهای مانند یزد صدق عروس هم وجه نقد و هم ملک بوده که به‌صورت عندالمطالبه پرداخت می‌شد. در مناطق روستایی برای مهریه باغ، جزئی از آب قنات و زمین نیز دیده شده است. نکاح‌نامه آقا حسن ولد عبدالله با خاتون خانم بنت اکبر به صدق مبلغ پانزده تومان رایج ناصرالدین‌شاهی دانه سیزده نخودی و موازی هفت مثقال و نیم طلا حمراء و موازی دو من و نیم به وزن شاه مسینه‌آلات ساخته و پرداخته که مقوم بوده باشد به مبلغ پنج تومان یک‌دست رختخواب چیت بروجرد به مبلغ سه تومان یک دست فرش اتاق که مشتمل است بر یک تخته خالی میان فرش مع یک زوج نمد دو تشک که مقوم باشد به مبلغ چهار تومان موصوف و همگی و تمامی یک دانگ و نیم خانه از جمله شش‌دانگ مشاعاً واقع در محله نقویانه یک فقره باغ مشجیر واقع در محله چهارباغ» در تاریخ ۱۲۸۱ق. می‌باشد (ساکما، ۲۴۰۴۲-۲۹۶).



جدول شماره ۱- مشخصات نکاح‌ها در آرشیو ملی

تاریخ تحریر سند	تذهیب	شکل سند	طبقات اجتماعی زوجین	منطقه جغرافیایی	صداق	مشخصات زوجه	مشخصات زوج	شناسه سند	ردیف
۱۲۶۶ ق.	ندارد	طومار	کسبه	یزد	به صداق همگی و تمامی یک‌دانگ ^۱ مشاع از کل یک باب خانه واقع در محله ابوالمعالی، مبلغ پنجاه تومان ریال ۸ نخودی عددی یک هزار و دویست و پنجاه دینار، یک جام آینه، چادر، فرش، مس مصنوع، پنج مثقال طلای صیبرفی احمر، هشت مثقال نقره، دوازده تومان نقد	فاطمه خانم صبیبه اسماعیل خیاطا	زین العابدین خلف حسین بن نصیر	۹۹۹-۳۷۲۵۳	۱
۱۲۷۴ ق.	دارد	طومار	کسبه	یزد	به صداق مبلغ شصت تومان از قرار ۲۸ نخود یک هزار دویست و پنجاه دینار و خانه‌ای واقع در محله ابوالمعالی با انضمام یک هزار دینار رخت و سه تومان فرش و سه تومان مس و پنج تومان یک زوج گوشواره چادر پانزده هزار دینار آینه چهارده هزار دینار و غیره	فاطمه نساء	غلامرضا ولد بابایی یزدی	۹۹۹-۳۷۲۸۵	۲

ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	صداق	منطقه جغرافیایی	طبقات اجتماعی زوجین	شکل سند	تذهیب	تاریخ تحریر سند
۳	۱۷۶۶۲-۲۹۵	رضا قلی خان فرزند محمد حسین ابرقویی	شاهزاده خانم (سیده) نساء عالمیان	به صداق مبلغ بیست و دو تومان و پنج هزار ریال می‌بایند که عبارت از مواری دویست و بیست و پنج عدد روپیه بیست و شش نخودی بوده باشند مناکحه دائمه الاسلامیه و بعد تحقیق المزاجه مصالحه فرمودند زوجه مجله شاهزاده معظمه با زوج معظم خود از تمامیت بیست و پنج عدد روپیه از مهر خود را به مال المصلحه مبلغ مقین یک هزار و یک صد و هشتاد تومان رایج خزانه سلطانیه که عبارت مواری یک هزار و یک صد و هشتاد عدد اشرفی ^۲ هجده نخودی مسکوک به سکه مبارک ناصرالدین‌شاهی خلدالله ملکه که صیفه شرعیه جاری شد	ابرقو	زوج از طبقه خوانین و زوجه طبقه شاهزادگان	طومار	ندارد	۱۲۷۹ق.

تاریخ تحریر سند	تذهیب	شکل سند	طبقات اجتماعی زوجین	منطقه جغرافیایی	صداق	مشخصات زوجه	مشخصات زوج	شناسه سند	ردیف
۱۲۸۱ق.	ندارد	طولمار	کسبه	یزد	چهل تومان (به این تفصیل ده تومان از قرار ریال ناصرالدین شاهی عددی (؟) هشت نخودی عددی یک هزار و دویست و پنجاه دینار و پنج تومان رخوت به ریال موصوف و مقدار دو من به وزن شاهعباسی، فرش، صندوق، آینه خاتم، چهار گرم طلا خالص، نقره ده مثقال	سیده فاطمه خورثی	حسن ولد علیرضا خیاط	۹۹۹-۲۲۲۱۵	۴
۱۲۸۵ق.	ندارد	طولمار	کسبه	یزد	چهل تومان (به این تفصیل ده تومان از قرار ریال ناصرالدین شاهی عددی (؟) هشت نخودی عددی یک هزار و دویست و پنجاه دینار و پنج تومان رخوت به ریال موصوف و مقدار دو من به وزن شاهعباسی، فرش، صندوق، آینه خاتم، چهار گرم طلا خالص، نقره ده مثقال	سیده فاطمه خورثی	حسن ولد علیرضا خیاط	۹۹۹-۲۲۲۵۱	۵



ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجة	صداق	منطقه جغرافیایی	طبقات اجتماعی زوجین	شکل سند	تذهیب	تاریخ تحریر سند
۶	۹۹۹-۲۲۲۹۴	سید علی اکبر	سلطان بیگم صبیحه ابراهیم دلال	تمامی سدس مشاع از کل یک باب خانه واقع در محله شاه عبدالقیوم، ثلث مشاع از کل یک درب باغ در قریه مجموعه: یک دست فرش، نقد، مس، آینه، رخت، طالای مصنوع	رضوانشهر	کسبه	طومار	ندارد	۱۳۰۴ق.
۷	۹۱-۲۸۰-۲۷۶	عباس بیگ خلف عبدالله بیگ	شهربانو خانم بنت علی محمد بیگ	ده تومان نقد ریال جدیدالضرب چرخ۳ دانه یک مثال وزن و یک دست رخت خواب مقوم به چهار تومان و یک درب اطاق سفید کار که در طرف جنوبی عمارت ناکح واقع است با قهوه خانه و یک تخته قالی (عالی) سرانداز مشخص فی مابین زوج و زوجة و هشت (یا نه) باغ معذب و مشجر از باغچه طرف جنوبی اندرونی و غیره	همدان	کسبه	طومار	ندارد	۱۳۹۷ق.

ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجة	صداق	منطقه جغرافیایی	طبقات اجتماعی زوجین	شکل سند	تذهیب	تاریخ تحریر سند
۸	۹۱-۲۸۰-۲۷۶		خدیجه بنت کرلایی مصطفی	هشتاد عدد ریال ناصرالدین شاهی ۲۶ نخودی مع یک دست رختخواب و یک دست آفتابه و لکن به قیمت ده عدد ریال و غیره	همدان	کسبه	طومار		ندارد
۹	اسناد همدان	آقا محمدمهدی	سیده خدیجه سلطان خانم	به صداق یک‌دازگ از شش‌دازگ خانه واقع در محله جولان و چهل تومان نقد رواج و ده متقال طلای غیرمسکوک	همدان	شاهزادگان	طومار	دارد	۱۲۹۲ق.
۱۰	۹۱-۲۸۰-۷۲۷	آقا محمود خائف کرلایی هادی	معصومه خانم صبیحه مشهدی میرزا	دویست و پنجاه عدد ریال سفید چرخي ده عدد یک تومان به انضمام یک‌دازگ از شش‌دازگ خانه محدود به خانه کرلایی‌ها و به خانه مشهدی محمدصادق و به باغچه ورثه مرحوم حاج علی‌اصغر	همدان	کسبه	طومار	دارد	۱۳۰۰ق.



ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	صداق	منطقه جغرافیایی	طبقات اجتماعی زوجین	شکل سند	تذهیب	تاریخ تحریر سند
۱۱	اسناد همدان	آقا محمد مهدی خلف حاج طبیب	خدیجه سلطان خانم صبیبه مرحوم حاج محمود	به صداق یک‌دنگ از شش‌دنگ خانه واقع در محله جولان و چهل تومان وجه نقد و ده مثقال طلا غیر مسکوک	همدان	شاهزادگان	طومار	دارد	۱۳۱۱ ق.
۱۲	۹۱-۲۸۰-۵۰۰	آقا نوروز ولد مرحوم کر بلائی	کشور سلطان خانم بنت مرحوم آقا علی اکبر	بیست و هفت تومان ریال سفید چرخ ناصرالدین شاهی، یک مثقال صبرفی وزن ده عدد یک تومان رواج که مبلغ پنج تومان	همدان	کسبه	طومار	دارد	۱۳۱۲ ق.
۱۳	۲۹۴-۱۸۴۷۴	آقا اسمعیل	راضیه خانم ساکن رو دبار	مبلغ معین بیست پنج تومان وجه ناصرالدین شاهی بر ذمه ناکح باقیست.	رو دبار	کسبه	طومار		۱۳۸۱ ق.
۱۴	۲۹۴-۱۱۴۶۵	میرزا محمد صادق	فاطمه بیگم خانم	مبلغ معین یکصد و پنجاه و یک تومان تبریزی ریال ۶ نخودی	لنگرود	روخانیون	طومار	دارد	۱۳۸۷ ق.

ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجه	صداق	منطقه جغرافیایی	طبقات اجتماعی زوجین	شکل سند	تذهیب	تاریخ تحریر سند
۱۵	۲۹۶-۱۱۴۶۵	شهدی میرزا	محمومه خانم	به صداق دویست و یک تومان ریال جدیدالضرب ناصرالدین شاهي به انضمام یک نفر جاریه قیمتا مبلغ پنجاه تومان	لنگرود	روخانین	طومار	دارد	۱۲۹۷ ق.
۱۶	۲۹۶-۷۵۱۱	آقا میرزا خلف آقا ابرهیم منشی	سیده حلیمه خانم صبیه آقا سیدعلی دلایسته لنگرودی	به صداق چهار صد و پنج تومان وجه نقد ریال ناصرالدین شاهي، ده عددی یک تومان، حالان کلام المجید	لنگرود	دیوانی	برگ	ندارد	۱۲۹۷ ق.
۱۷	۲۹۶-۱۶۱۵۹	حاجی میرزا محمدحسین ملک الکتاب	مرضیه ملقب به شاهزاده گلین	دو هزار و یکصدی تومان وجه قران جدیدالضرب ده عددی یک تومان عددی بیست و چهار نخودی وزن مسکوک بهسکه مبارکه سلطان ایران خلداله ملکه و سلطانیه که یک صد تومان از این وجه بازاء هدیه، یک جلد کلام الله مجید و تمام وجه مسطور این است بر ذمه و رقبه ناکح المعظم اله که ان شاء الله تعالی عندالقدره و الاستغاعه با مطالبه مخدیره	لنگرود	دیوانی و زوجه شاهزادگان	دفترچهای	دارد	۱۳۰۸ ق.





ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجة	صداق	منطقه جغرافیایی	طبقات اجتماعی زوجین	شکل سند	تذهیب	تاریخ تحریر سند
۱۸	۹۹۸-۱۴	معمداالسلطان آقا میرزا محمدخان آقامیرزا مصطفی مستوفی گرگانی	آسیه خانم دختر میرزا رفیع خان مستوفی گرگانی	مبلغ سیصد و پنج تومان وجه رائج ناصرالدین شاهی عبارت است از سه هزار نخود ده ریال عددی بیست چهار نخود نقره	ناشخص	دیوانی	دفترچهای	دارد	۱۳۱۳ ق.
۱۹	۹۹۹-۲۷۱۴۵	آخوند ملا عبدالکریم خلف حاج ابوالقاسم	فاطمه سلطان صبیبه میرزا حسینی مستوفی نوری	چهل تومان تبریزی فسی رائج خزانه عامره سلطان یک روپیه جدیدالضرب ناصرالدین شاهی بیست و هشت نخودی وزن عددی هزار دینار	اصفهان	زوج از طبقه روحانیون روجه طبقه دیوانی	طومار	دارد	۱۲۷۱ ق.
۲۰	۹۹۹-۲۷۱۴۴	محمدحسن	کوچکسلطان صبیبه محمد ضیاع	صداق بیست و دو تومان و پنج هزار دینار که عبارت از موازی دویست و بیست پنج عدد ریال دانه بیست و هشت نخود بوده باشد و مصالحه نیم دانگ از جمله شش دانگ یک باب خانه در محله جولایه اصفهان از طرف زوجة به همسر خود	اصفهان	کسبه	طومار	دارد	۱۲۷۱ ق.

تاریخ تحریر سند	تذهیب	شکل سند	طبقات اجتماعی زوجین	منطقه جغرافیایی	صداق	مشخصات زوجه	مشخصات زوج	شناسه سند	ردیف
۱۲۹۷ق.	دارد	طومار	کسبه	اصفهان	به صداق چهل تومان عددی نخود وزن عددی یک هزار دینار رواج سلطانی که مبلغ ده تومان آن نقد به منکوحه، رسیده و مابقی سی تومان به ضمیمه یک جلد قرآن بر ذمه ناکح موقوف است	زهر سلطان بنت حاجی بابا اصفهانی	مشهدی عبدالله ولد مرحوم مشهدی اسدالله اصفهانی	۱۷۲۳۴-۲۹۵	۲۱
۱۳۰۵ق.	دارد	طومار	کسبه	اصفهان	مبلغ چهارده تومان تبریزی فسی که عبارت است یکصد و چهل عدد ریال ۳۴ نخود وزن و مصالحه دو دانگ از شش دانگ (مصرفی) خانه قدیم و غیره	ماهسلطان	محمدعباس ساکن، قریه کریکندری برخوار	۲۲۲۶۷-۲۹۵	۲۲





ردیف	شناسه سند	مشخصات زوج	مشخصات زوجة	صداق	منطقه جغرافیایی	طبقات اجتماعی زوجین	شکل سند	تذهیب	تاریخ تحریر سند
۲۳	۹۹-۹۰	آقا میرزا عباسقلی کرگانی	صاحب خانم	به صداق معلوم سه دانگ یک باب از خانه و عمارت (اثنیاعی) از عبدالله بیک خوئی که واقع است در محله سرچشمه در کوچه معروف قراول خانه و محدود است به این حدود مسطوره که حد آن به خانه دختر ننه اصفهانی و حدی به خانه پسر نقیب و حد دیگر آن به شارع عام یک جلد کلام مجید فرقان مبین	اصفهان	دیوانی	دفتر چاپی	دارد	۱۳۱۰ ق.
۲۴	۲۳۲۶۹-۲۹۴	محمد حسن فرزند محمد هاشم کارلادانی	فاطمه سلطان فرزند آخوند ملا محمد حسین	مبلغ چهار صد تومان رایج خرانه وجه فقی به رویه یک مثقالی ده عدد یک تومان، موازی یک ربع مشاع از یک دانگی شایع از کل شش دانگی یک باب خانه واقعه در قریه کارلادان، در حاشیه سند مهر و نوشته شهود آمده	اصفهان	زوج از طبقه دیوانی و زوجة طبقه روحانیون	دفترچه ای	دارد	۱۳۱۱ ق.

جدول شماره ۲- محتوای صداق نکاح‌نامه‌ها در یزد

ردیف	منشاء سند	شهر	سال سند	نوع صداق								
				نقد	چاق	طلا	قند	زمن	زبد	آب	کلام الله	جاریه
۱	۹۹۹-۲۷۲۵۳	یزد	۱۲۶۶ق.	✓	✓	✓						✓
۲	۹۹۹-۲۷۲۸۵	یزد	۱۲۷۴ق.	✓	✓	✓						✓
۳	۲۹۶-۱۷۶۶۲	ابرکو	۱۲۷۹ق.		✓							
۴	۹۹۹-۲۷۲۱۵	یزد	۱۲۸۱ق.		✓	✓						✓
۵	۹۹۹-۲۷۲۵۱	یزد	۱۲۸۵ق.	✓	✓			✓	✓	✓		✓
۶	۹۹۹-۲۷۳۹۴	رضوانشهر	۱۳۰۴ق.	✓	✓	✓						✓

* اثاثیه که در نکاح‌نامه‌های موجود ذکر شده شامل: رختخواب، فرش، آینه، چادر، رخت و لباس، ترمه، ابریشم، گلیم عربی، چادر عربی، صندوق، انگشتر، نمد، سرانداز، مسینه‌آلات، یک عدد پی‌سوز، آینه خاتم، آفتابه و غیره.

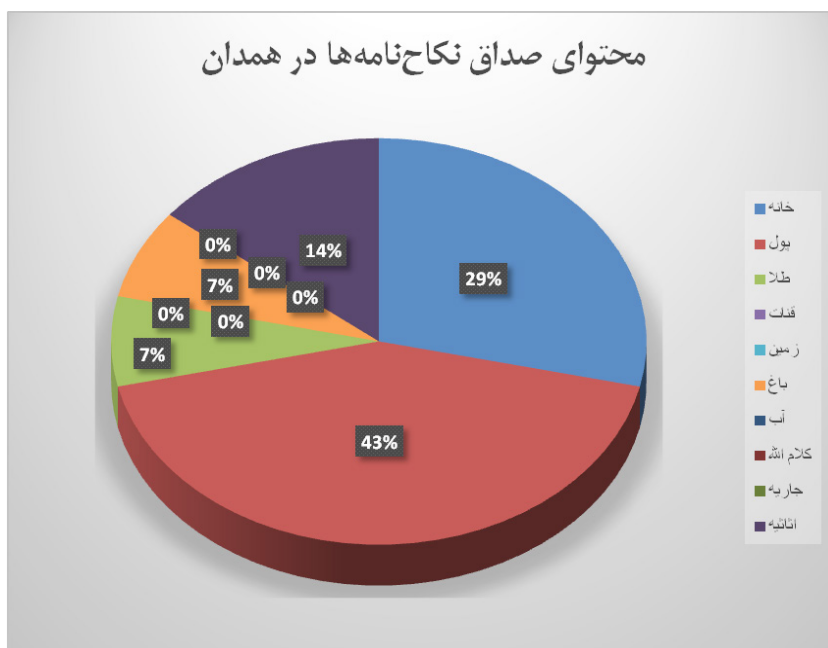
نمودار شماره ۱- فراوانی محتوای صداق نکاح‌نامه‌ها در یزد



جدول شماره ۳- محتوای صداق نکاح نامه ها در همدان

ردیف	منشاء سند	شهر	سال سند	نوع صداق						
				خدا	پول	طلا	قلنت	زمین	زین	آب
۱	۲۷۶-۲۸۰-۹۱	همدان	۱۲۹۷ق.	✓	✓				✓	
۲	۲۷۶-۲۸۰-۹۱	همدان	۱۲۹۱ق.		✓					
۳	اسناد همدان	همدان	۱۲۹۲ق.	✓	✓	✓				
۴	۷۳۷-۲۸۰-۹۱	همدان	۱۳۰۰ق.	✓	✓					
۵	اسناد همدان	همدان	۱۳۱۱ق.	✓	✓					
۶	۵۰۰-۲۸۰-۹۱	همدان	۱۳۱۲ق.		✓					

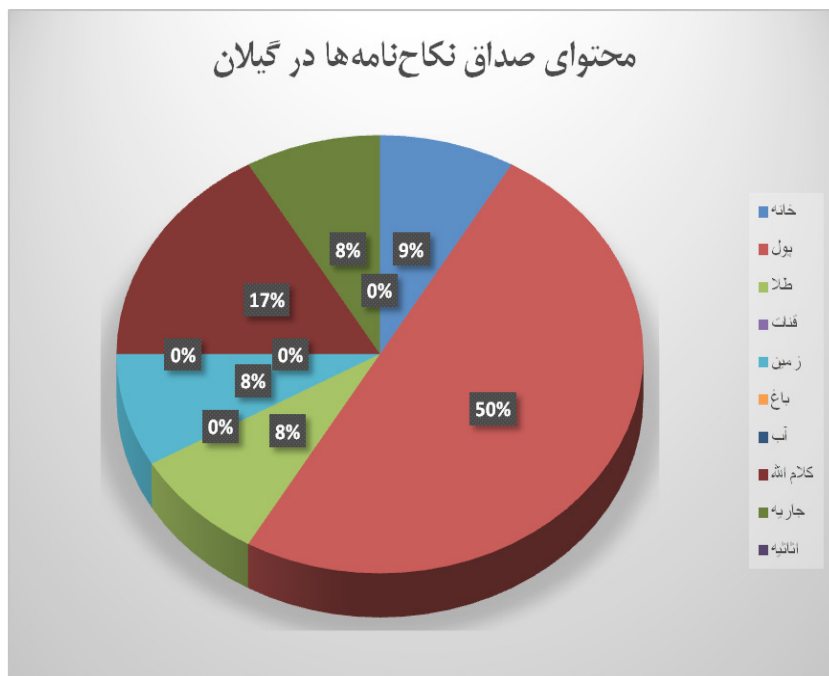
نمودار شماره ۲- فراوانی محتوای صداق نکاح نامه ها در همدان



جدول شماره ۴- محتوای صداق نکاح‌نامه‌ها در گیلان

ردیف	منشاء سند	شهر	سال سند	نوع صداق						
				خانه	بول	طلا	قنات	زمین	باغ	آب
۱	۱۸۶۷۴-۲۹۶	رودبار	۱۲۸۱ق.	✓						
۲	۱۱۴۶۵-۲۹۶	لنگرود	۱۲۸۷ق.	✓						
۳	۱۱۴۶۵-۲۹۶	لنگرود	۱۲۹۷ق.	✓						✓
۴	۷۵۱۱-۲۹۶	لنگرود	۱۲۹۷ق.	✓		✓				
۵	۱۶۱۵۹-۲۹۶	لنگرود	۱۳۰۸ق.	✓						
۶	۹۹۸-۱۴	لاهیجان	۱۳۱۳ق.	✓				✓		

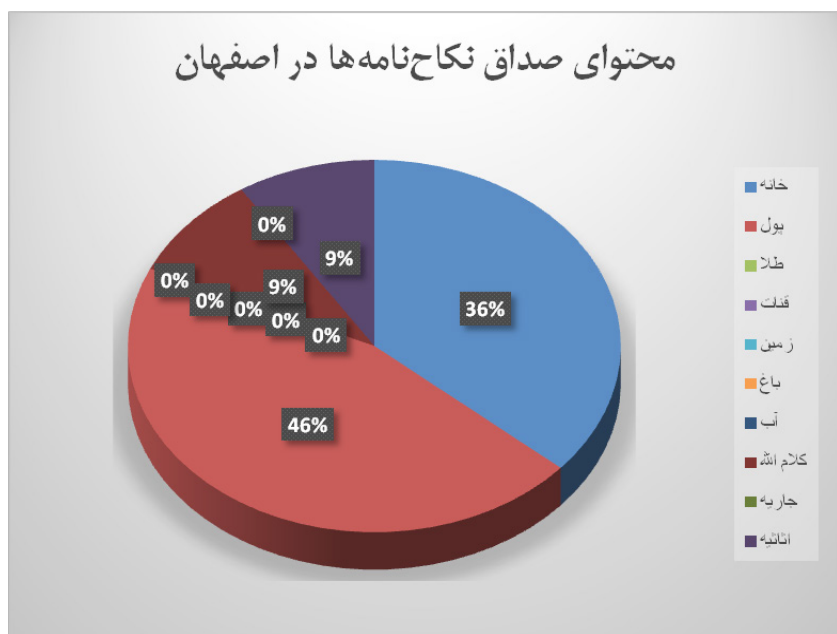
نمودار شماره ۳- فراوانی محتوای صداق نکاح‌نامه‌ها در گیلان



جدول شماره ۵- محتوای صداق نکاح‌نامه‌ها در اصفهان

ردیف	منشاء سند	شهر	سال سند	نوع صداق						
				کلام الله	جاریه	اثاثیه	طلا	قنقن	زین	آب
۱	۹۹۹-۲۷۱۴۵	اصفهان	۱۲۷۱ق.							
۲	۹۹۹-۲۷۱۴۴	اصفهان	۱۲۷۱ق.							
۳	۲۹۶-۱۷۲۳۴	اصفهان	۱۲۹۷ق							
۴	۲۹۶-۲۳۲۶۷	اصفهان	۱۳۰۵ق							
۵	۹۹۹-۹۰	اصفهان	۱۳۱۰ق							
۶	۲۹۶-۲۳۲۶۹	اصفهان	۱۳۱۱ق							

نمودار شماره ۴- فراوانی محتوای صداق نکاح‌نامه‌ها در اصفهان



نتیجه‌گیری:

این پژوهش برای مقایسه نوع مهریه در دوره ناصری انجام شد که به روش کمی به صورت جدول و نمودار تهیه شده است. نکاح‌نامه از جمله اسناد شرعی محسوب می‌شود که در آن شرح عقد ناکح و منکوح و میزان صداق در آن ثبت می‌شود. همچنین از لحاظ ظاهری، نکاح‌نامه به سه شکل کتابچه‌ای، طوماری و برگ می‌باشد که آرایه‌ها و عناصر زیبایی‌شناختی در ظاهر آن‌ها پیداست که این عناصر مانند تذهیب، رنگ، سرلوح، شمشه، جدول کمند در آن دیده می‌شود. این تزئینات بیشتر در نکاح‌نامه‌های طوماری و دفترچه‌ای دیده می‌شود که به صورت‌های مختلف چون نقوش اسلیمی، گیاهی، هندسی و غیره است.

در نکاح‌نامه‌ها صفحه رویه سند به موضوع ازدواج، تسمیه، تحمیدیه، مقدمه، پیش‌نیاز، معرفی زوجین، مهریه، دعای خاتمه، تاریخ عقد، مهر و امضاء شهود تعلق دارد که از نظر محتوایی نکاح‌نامه‌ها با هم متفاوت هستند. در بعضی تسمیه، تحمیدیه و مقدمه طولانی‌تر و دارای سطرهای بیشتر است که به طبقات بالاتر جامعه تعلق دارد اما در بعضی از آن‌ها فاقد تحمیدیه، مقدمه طولانی و غیره می‌باشد، اما اسامی زوجین و پدران‌شان، مهریه، شهود، تاریخ وقوع عقد و شاهدان در همه نکاح‌نامه‌ها وجود دارد. در بعضی از نکاح‌نامه‌ها شرایط ضمن عقد، حق مسکن و طلاق برای زوجه آورده شده که از دیدگاه حقوقی حائز اهمیت بوده و نیز در حاشیه‌سندها و یا در ظهریه سند مصالحه‌نامه‌ها نیز آمده است. در ظهریه بعضی از نکاح‌نامه‌ها صورت چهار به صورت خط سیاق نوشته شده است.

از بررسی نکاح‌نامه‌های مورد بررسی این پژوهش می‌توان چنین استنباط کرد که اسناد یادشده از جهت‌های مختلف تاریخی مانند جنبه‌های حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و آداب و رسوم حائز اهمیت هستند. چنانکه در بررسی ۲۴ سند نکاح‌نامه دوره ناصری این‌طور استنباط می‌شود که هر قدر طبقات اجتماعی بالاتر باشد (شاهزادگان، دیوانیان، روحانیون و تجار) مهریه آن‌ها بیشتر است و نکاح‌نامه‌های آن‌ها دارای تسمیه، تحمیدیه، مقدمه با اشاره به آیات قرآنی، احادیث به زبان عربی و ابیات و اشعار ادبی، استفاده از القاب برای نشان‌دادن موقعیت اجتماعی پدران زوجین، خطوط پیچیده پر طمطراق در بعضی موارد برای نشان‌دادن اهمیت آن با رنگ قرمز نگارش یافته و دارای تذهیب و نقوش بیشتر و به شکل طومار و دفترچه‌ای می‌باشد. اما در طبقه عامه به صورت برگ و بدون موارد ذکر شده فوق، سند نکاح‌نامه به ثبت رسیده است.

بعضی از نکاح‌نامه‌ها دارای نقوش تزئینی هستند که در آن‌ها از تذهیب، نقوش‌های ترنج، اشکال هندسی و طرح‌های اسلیمی، گل و برگ‌های ختایی، جدول‌کشی، رنگ‌های متنوع، شمشه و غیره دیده می‌شود. بیشتر این نکاح‌نامه‌ها مربوط به طبقات شاهزادگان، روحانیون،

دیوانی و حکومتی، تجار هستند که بیانگر این است این خانواده‌ها از تمکن مالی بیشتری برخوردار هستند. بعضی از نکاح‌نامه‌ها بدون تسمیه، تحمیدیه، مقدمه و بدون تذهیب هستند که این نکاح‌نامه‌ها بیشتر به طبقه کسبه و عادی تعلق دارد.

در نکاح‌نامه‌های بررسی‌شده از نظر نوع طبقات اجتماعی زوجین بر اساس القابی که قبل از نام زوجین و مشاغلی که بعد از نام پدران آن‌ها آمده است می‌توان گفت بیشتر نکاح‌نامه‌ها در یک طبقه اجتماعی قرار دارند اما در بعضی از آن‌ها زوج و زوجه در یک طبقه اجتماعی قرار ندارند از جمله: زوج از طبقه دیوانیان و زوجه طبقه شاهزادگان، زوج از طبقه روحانیون و زوجه از طبقه دیوانیان، زوج از طبقه خوانین و زوجه طبقه شاهزادگان، زوج از طبقه خوانین و زوجه طبقه کسبه، زوج از طبقه شاهزادگان و زوجه طبقه دیوانی، زوج از طبقه دیوانیان و زوجه طبقه روحانیون می‌باشد و نوع مهریه‌ها در آن‌ها متفاوت است.

در بررسی مهریه‌ها هم به نوع معیشت خانواده‌ها بستگی دارد و اینکه در طبقات بالاتر جامعه علاوه بر پول طلا، ملک، زمین، آب به دلیل تمکن مالی جزو اقلام مهریه قرار داده شده است. مهریه‌ها چون از اهمیت حقوقی برخوردارند از نکات مهم نکاح‌نامه‌ها محسوب می‌شوند و به همین دلیل با خطوط نزدیک نوشته می‌شوند و در بالای نوع جنس، وزن و قیمت مهریه به شیوه عددنویسی یا سیاق نوشته می‌شد.

مهریه هم به لحاظ ساختار ادبی، و هم به جهت محتوا و مندرجات با دیگر قسمت‌های نکاح‌نامه تفاوت اساسی دارد. در این بخش، از آن ادبیات تغزلی، استعاری و تشبیهی و لطافت‌های شاعرانه خبری نیست، بلکه در عوض با متنی دقیق و جدی، با اقلام و ارقام مشخص روبه‌رو هستیم. اقلام مهریه با دقت هر چی تمام‌تر، با وزن تعداد و قیمت مشخص شده‌اند.

بررسی نکاح‌نامه‌ها نشان می‌دهد که اسناد متعلق به جوامع شهری و روستایی هستند. در بعضی از نکاح‌نامه‌ها نام شهر و یا روستای محل سکونت آورده شده است، اما در بعضی از آن‌ها نام شهر و محل روستا مشخص نشده است و نمی‌توان دقیق بیان کرد. نکاح‌نامه‌های موردبررسی مربوط به شهرهای یزد، اصفهان، همدان، رودبار و لنگرود است. به همین دلیل آمار مقایسه‌ای از منظر نوع مهریه به روش تحلیل کمی صورت گرفته است. در این شهرها نوع صداق نشان می‌دهد که مناطق مختلف جغرافیایی با توجه به سابقه آن شهر به لحاظ فرهنگی و تاریخی در تعیین نوع مهریه دخیل بوده است و در بعضی از مناطق مثل همدان و گیلان بیشتر پول به عنوان مهریه تعیین شده است؛ در شهرهای اصفهان، یزد و همدان علاوه بر پول رایج، ملک و در شهر یزد علاوه بر پول رایج، طلا، آب و قنات بیشتر به عنوان مهریه بوده است و جاریه (کنیز) فقط در گیلان در نکاح‌نامه‌ها ذکر شده است. پول نسبت به سایر اقلام مهریه در همه نکاح‌نامه‌ها دیده می‌شود.



از آمار به دست آمده از نکاح‌نامه‌ها در بخش مهریه پول رایج مملکتی، خانه، زمین بیشتر از سایر اقلام مهریه می‌باشد. در گیلان «پول» ۵۰٪، اصفهان ۶٪، همدان ۴۳٪ و یزد ۲۷٪ می‌باشد و همین‌طور «خانه» در اصفهان ۳۶٪، همدان ۲۶٪، یزد ۱۸٪ و گیلان ۹٪ می‌باشد. اثاثیه و وسایل زندگی که شامل رختخواب، فرش، آینه، چادر، رخت و لباس، ترمه، ابریشم، گلیم عربی، چادر عربی، صندوق، انگشتر، نمد، سرانداز، مسینه‌آلات، آینه خاتم و غیره که وسایل زندگی هستند در بعضی از نکاح‌نامه‌ها دیده می‌شود.

منابع

کتاب‌ها

- اتحادیه، سعدوندیان (۱۳۶۱). *خاطرات تاج‌السلطنه*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۸). *تاریخ خانمها*. تهران: قصیده‌سرا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. ج ۱۴. تهران: دانشگاه تهران. چاپ دوم.
- شهبازی فراهانی، داریوش (۱۳۸۰). *تاریخ سکه (دوران قاجار)*. تهران: بوره‌کاهی (مرکز نشر پژوهش‌های ایران‌شناسی).
- صدیق، عیسی (۱۳۱۹). *تاریخ مختصر آموزش و پرورش*. تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. ج ۲، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: نشر توس.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). *حقوق مدنی خانواده*. چاپ سوم، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محقق میرداماد، سیدمصطفی (۱۳۶۵). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: نشر علوم اسلامی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۷). *شرح زندگانی من تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. چاپ دوم، تهران: زوار.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۰). *ایران عهد ناصری*. تهران: چاپخانه دنیا.
- ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۶). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجار*. به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: طلوع.

مقالات

- ربانی‌زاده، سید محمد؛ لطفی، لطف‌الله (۱۳۹۴). ساختار قدرت در ایران عصر ناصری. *پژوهشگاه علوم/انسانی و مطالعات فرهنگ*.
- منصوریخت، قباد؛ حسینی، معصومه، (۱۳۹۴). آداب ازدواج ایرانیان در دوره قاجار از منظر سفرنامه‌ها. *خردنامه*، شماره ۱۵، پاییز و زمستان.



اسناد

ساکما: ۲۷۲۵۳-۹۹۹	- ساکما: ۱۸۶۷۴-۲۹۶
ساکما: ۲۷۲۸۵-۹۹۹	- ساکما: ۱۱۴۶۵-۲۹۶
ساکما: ۱۷۶۶۲-۲۹۶	- ساکما: ۱۱۴۶۵-۲۹۶
ساکما: ۲۷۲۱۵-۹۹۹	- ساکما: ۷۵۱۱-۲۹۶
ساکما: ۲۷۲۵۱-۹۹۹	- ساکما: ۱۶۱۵۹-۲۹۶
ساکما: ۲۷۳۹۴-۹۹۹	- ساکما: ۱۴-۹۹۸
ساکما ۲۷۶-۲۸۰-۹۱	- ساکما: ۲۷۱۴۵-۹۹۹
ساکما: ۲۷۶-۲۸۰-۹۱	- ساکما: ۲۷۱۴۴-۹۹۹
ساکما: استاد همدان	- ساکما: ۱۷۲۳۴-۲۹۶
ساکما: ۷۳۷-۲۸۰-۹۱	- ساکما: ۲۳۲۶۷-۲۹۶
ساکما: استاد همدان	- ساکما: ۹۰-۹۹۹
ساکما: ۵۰۰-۲۸۰-۹۱	- ساکما: ۲۳۲۶۹-۲۹۶









بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي لم يخدعنا به
ولا ولدنا من الكناج خالفه طرقتا
منشدنا والصلاة والصلاة والصلاة
على محمد وآله الطاهرين ساجدا على الشا
هد يد ومخلفه من سدا

بعد فعل سوس الدارم الوالد على الزوج ولو كتبه الله
اعنه في المداكر على الصداق ما ذكره كل منهما وما بينهما

وَعَلَى الْكَافِرِينَ أَصْحَابُ

الحمد والصلوة

[illegible]

۱۰۰۰
 ۹۰۰
 ۸۰۰
 ۷۰۰
 ۶۰۰
 ۵۰۰
 ۴۰۰
 ۳۰۰
 ۲۰۰
 ۱۰۰
 ۵۰
 ۲۰
 ۱۰
 ۵
 ۲
 ۱

فصلنامه آرشیو ملی، شماره ۱۴

رساله‌ای در قواعد و احترامات نظامی

دوره قاجار

سحر الیاسی

چکیده:

سیر مدرن‌سازی نظامی ایران در دوره قاجار با اصلاحات عباس‌میرزا، نایب‌السلطنه، آغاز شد. تا پیش از این قوای نظامی ایران از ترتیبات و آموزش‌های نوین نظامی برخوردار نبود. با تلاش‌های وی و استخدام مستشاران نظامی خارجی، قوای نظامی ایران نیز در مسیر قاعده‌مندی قرار گرفت. اصلاحات و تعابیر نظامی نوین رفته‌رفته جای خود را به تعابیر سنتی و قواعد فرسوده داد. قاعدتاً، در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار به دلیل ارتباطات گسترده با غرب و ترجمه آثار غربی‌ها، دانش نظامی نیز تحولی اساسی یافت. بنابراین تحول مذکور فقط به پایتخت محدود نشد و در ایالت‌ها و ولایت‌های ممالک محروسه نیز تسری یافت. یکی از جلوه‌های آموزش نظامی در این دوره تدوین کتاب فنون نظامی به دستور بهجت‌الملک امیرتومان در کردستان است که شخصی به نام احمد کردستانی آن را در سال ۱۳۱۲ هجری قمری، به رشته تحریر درآورد. این پژوهش سعی دارد تا به بازخوانی این نسخه ارزشمند بپردازد. کتابچه حاضر اصطلاحات و شیوه‌های نظم و حرکات مخصوص به نظامیان را آموزش می‌دهد. بررسی نسخه‌هایی از این دست می‌تواند سیر تحول آموزش نظامی در ایران را به نمایش بگذارد و دستمایه تحقیقات گسترده‌ای قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

فنون نظامی، بهجت‌الملک امیرتومان، احمد کردستانی، قاجار، کردستان.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴؛ صص: ۱۰۰-۱۱۹



رساله‌ای در قواعد و احترامات نظامی دوره قاجار

سحر الیاسی^۱

مقدمه:

رساله قواعد فنون نظامی که در این مقاله از آن با عنوان قواعد و احترامات نظامی دوره قاجار یاد شده است کتابچه‌ای مختصر درباره تقسیم‌بندی ستون‌ها و صفوف گروهان و شیوه احترامات نظامی است که احمد کردستانی به دستور بهجت‌الملک امیرتومان به رشته تحریر درآورده است.

اسدالله بهجت‌الملک امیرتومان دولو از فرماندهان نظامی ایران در دوره قاجار است که در منابع رجالی او را متولد ۱۸۶۰م. دانسته‌اند؛ (چرچیل، ۱۳۶۹، ص ۵۷) هر چند در خصوص تاریخ فوت وی منبع مشخصی یافت نشد. بهجت‌الملک اصالتاً از طوایف کرد دنبلی آذربایجان بود که بعدها والی کرمان، فرمانده قشون آذربایجان، پیشکار و جانشین عبدالحسین میرزا فرمانفرما، فرمانده لشکر کرمان و نایب‌الحکومه کرمانشاه و کردستان شد. (چرچیل، ۱۳۶۷، ص ۵۷؛ عاقلی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۶ و ۳۴) این نسخه خطی را می‌توان برآیند زمان تصدی وی در مقام نایب‌الحکومه کردستان دانست.

کتابچه قواعد فنون نظامی در زمره نسخ نایاب به‌شمار می‌آید که دچار لک‌زدگی و موربانه‌خوردگی نیز شده است. نسخه حاضر در ۲۴ برگ، ۱۲ سطر با اندازه سطور ۶۵×۱۳۵ و در قطع ۱۰۵×۱۶۵ در مخزن نسخ خطی کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. از کاغذ فرنگی آبی و خط نستعلیق برای نگارش کتابچه بهره گرفته‌اند.

۱. کارشناس فهرست‌نویسی اسناد؛

sahar69.elyassi@gmail.com



مشخصه اصلی این کتابچه پرداختن جزء به جزء قواعد نظامی مرسوم در گروهان است که ماحصل نوسازی در بدنه قشون دوره قاجار است. نسخه حاضر بدون مقدمه و بیان اهمیت موضوع مورد نظر وارد مبحث اصلی می شود؛ این امر مشخص می کند رساله حاضر یک دستورالعمل کاربردی برای آموزش مشق نظامیان بوده است؛ بنابراین به حواشی نپرداخته و مستقیماً اصل موضوع را به شیوه آموزشی بیان کرده است. او با پرداختن به تشکیلات و ساختار گردان و فوج موضوع خود را آغاز می کند. مشق نظامی و قواعد حاکم بر آن مسئله اصلی نویسنده این کتابچه است. او سعی دارد با تصویر صورت بندی های نظامی و بیان اصطلاحات آن، چارچوبی تدوین کند که آرایش های نظامی و جایگاه هر کدام از دسته ها و مقامات در آن مشخص و هویدا باشد. نویسنده بیشترین تأکید را بر دو نوع صورت بندی ستونی و خطی دارد که در آن جزئیات و مشخصات نحوه استقرار نظامیان را در هر دو شیوه بیان می کند. او با پرداختن به مفاهیم و اصطلاحات نظامی، تصویری روشن از میدان مشق و اجزاء آن ارائه می دهد. نویسنده همچنین بعد از این امور به شیوه سلام دادن گروهان ها در مقابل فرمانده و نحوه رژه رفتن و قواعد آن پرداخته است.

در باب قشون و آموزش نظامی در دوره قاجار نسخ خطی خوبی شناسایی و بعضاً منتشر شده اند. نمونه این آثار کتاب «آموزش نظامی در دوره قاجار با تکیه بر متون خطی و سنگی» حوریه سعیدی است که بحث خود را با پرداختن به زمینه تاریخی تشکیلات نظامی ماقبل قاجار آغاز و با ساختار نظامی دوره قاجار بسط می دهد. نویسنده در این کتاب تعداد زیادی از نسخ خطی موجود در آرشیوهای داخلی را فهرست و توضیحاتی مختصر درباره آنها داده است. نسخه مورد بازخوانی این مقاله در این فهرست دیده نشد (سعیدی، ۱۳۹۵، ص ۹۸-۱۰۶). همچنین در باب نشان ها و درجات نظامی در این دوره نیز رسالاتی به چاپ رسیده است. علی بوذری در مقاله نشان قشون، رساله مصور در معرفی البسه قشون دوره قاجار که به بازخوانی آن پرداخته است در حقیقت به معرفی تصویری یونیفرم های قشون سپاه تحت فرماندهی ظل السلطان توجه کرده است. رساله هایی از این دست بسیار ارزشمند و محل اعتنا هستند (بوذری، ۱۳۹۱، ص ۲۴۷-۲۹۰).

رساله ای در آداب جنگ و قانون مشق نظام در ایران دوره قاجار تألیف سرهنگ علیرضا یکانلو مرندي، به کوشش یوسف بیگ باباپور و مینا آقازاده که در یک مقدمه و پنج باب به شرح زیر تدوین شده است از دیگر آثار این حوزه است. مقدمه: در بیان آداب معلم و صاحب منصبان؛ باب اول: در بیان قاعده مشق تفنگ؛ باب دوم: در بیان قاعده و قانون قراول و آداب آن؛ باب سوم: در بیان ترتیب و حرکت یک فوج؛ باب چهارم: در ذکر قواعد مختلف قلعه و ستون؛ باب پنجم: در آداب اردو انداختن و چادر زدن.



با وجود این و با توجه به عناوین فوق، رساله حاضر مورد بررسی این مقاله نمونه خوب و مختصر آموزش نظامی نگارش یافته در بیرون از دارالخلافه است. هر چند شباهت‌هایی در کلیات بعضی از این رساله‌ها وجود دارد اما هر کدام ویژگی‌های منحصر به خود را دارند. رساله قواعد فنون نظامی که در ادامه بازخوانی آن خواهد آمد از جمله آثاری است که به زبان ساده قواعد اولیه مشق نظامی در حوزه گردان و فوج را آموزش می‌دهد این در حالی است که نسخ دیگر به صورت تخصصی‌تر قواعد استفاده از تفنگ، توپخانه و جنگ را آموزش می‌دهند.

بسم الله الرحمن الرحيم

قاعده کلیه در تقسیمات مشق باطالین^۱ و رژیمان^۲

یک باطالین، مرکب از چهار گروهان و گاهی نیز صورت بسته می‌شود از سه گروهان؛ این قسمت همیشه در تحت فرمان یک یاور^۳ است. همیشه فرمانده باطالین با قسمتی است که مهم‌تر است. دو جور فرمانده در آنجا لازم‌تر است و گروهان را نیز به همین قاعده حرکت می‌دهند و آن را نصف باطالین می‌نامند.

در صورت بندی‌ها^۴، مشق^۵ باطالینی بر دو فقره تقسیم می‌شود: فقره اول گفت‌وگو می‌کند در صورت بندی‌های خطی، و فقره دوم در صورت بندی‌های ستونی.

هرگاه گروهان‌ها در پهلوی یکدیگر واقع شده باشند آن را صورت بندی خطی گویند، و اگر در عقب سر یکدیگر واقع شوند صورت بندی ستونی نامند.

ستون فراز^۶، خط ستون [و] خط دشتبان^۷

ستون فراز: در این صورت بندی گروهان‌ها به حالت ستون، به فاصله سه قدم در پهلوی یکدیگر قرار دارند.

خط ستون: در این صورت بندی، گروهان‌ها به حالت ستون یا به حالت دو به دو یا به حالت ستون قطار در پهلوی یکدیگر در روی یک خط به فاصله، که به جهت دشتبان بستن کفایت کند، به علاوه سه قدم فراز می‌کردند.

خط دشتبان: در این صورت بندی، گروهان‌ها به ترتیب نمرة خودشان، به حالت دشتبان در روی یک خط قرار دارند به فاصله سه قدم.

در صورت بندی‌های خطی

اسم گروهان‌ها از این قرار است: گروهان‌های طرفین را گروهان سمت چپ و گروهان سمت راست، و آن دو گروهان که مرکز است؛ آنکه در سمت راست واقع شده، گروهان مرکز

۱. Bataliyan.:: گردان

۲. Režiman.:: فوج

۳. سرگرد

۴. آرایش نیروها

۵. تمرین حرکات نظامی

۶. حالت استقرار دسته‌های هر گروهان

پشت سر هم

۷. خطی راست، عمود بر سمت هدف،

که واحدها در امتداد آن و در یک سمت

معین قرار می‌گیرند. (مدرسی و دیگران،

۱۳۸۰، ۲۴۳)



سمت راست، و اینکه در سمت چپ واقع است، گروهان مرکز سمت چپ می نامند. دو گروهان سمت راست را نیم باطالیان سمت راست، و دو گروهان سمت چپ را نیم باطالیان سمت چپ می گویند و نیم باطالیان سمت راست را ستون سمت راست می گویند، و نیم باطالیان سمت چپ را ستون سمت چپ می نامند.

هرگاه چنانچه صف دوم به پیش باشد، اسم گروهان ها تغییر نمی کند، و به همچنین جوانب. در این صورت بندی همیشه نظام از مرکز است. ستون سمت راست، از چپ و ستون سمت چپ، از راست نظام می گیرد. هرگاه صف دوم هم جلو باشد نظام از روی همین قاعده، مجری و معمول است. همیشه دیرکسیون^۱ با سمت چپ است و ستون سمت راست، از چپ نظام می گیرند.

در ابتدای هر صورت بندی، گروهان ها موافق نمره خودشان از راست به چپ قرار می گیرند. در صورت بندی های خطی بیرق دار در طرف نظام، نظام در رسد^۲ اول جای خواهد گرفت. کلیه جای طبال و شیپورچی در تمام صورت بندی های خطی و ستونی، در عقب سر رسد دوم، در هر گروهان پشت سر فیل سمت چپ، به فاصله یک قدم در یک صف قرار می گیرند؛ مگر وقت دفیله که در جلو باطالیان به فاصله معین قرار خواهند گرفت. جای آجودان باطالیان به فاصله یک قدم در سمت چپ پشت سر فرمانده باطالیان است؛ به استثنای دو موقع، یکی در وقت سلام دادن به شخص بزرگ که آجودان باید طرفی را اختیار کند که بزرگ در آن سمت باشد؛ دیگر، هنگام دفیله که هر سمتی شخص بزرگ ایستاده، آجودان، طرف مخالف آن حرکت می کند.

وضع قرار گرفتن یک باطالیان

پس از حاضر شدن باطالیان، هر فرمانده گروهان راپورت^۳ حاضری گروهان خود را داده؛ بعد در پهلوی نماینده رسد اول سمت راست به فاصله یک قدم قرار خواهد گرفت. هرگاه فرماندهان گروهان سواره باشند به قسمی قرار گیرند که سر اسب با خط سربازان نظام داشته باشد. فرمانده باطالیان باید به قسمی حرکت کند که بتواند مقصود خود را به تمام فرماندهان گروهان یا یکی از آن ها بفهماند؛ [این عمل را] به واسطه تمام گروهان ها به عمل آورد یا بعضی اوقات به واسطه یکی از آن ها موافق خواهش خودش. همیشه باید فرمانده باطالیان مقصود خودش را واضح و آشکار بیان کند که فهمیده شود.

بیانات در صورت بندی ستونی: ستون، ستون باز [و] ستون قطار

ستون: در صورتی که گروهان ها به فاصله نه قدم پشت سر یکدیگر قرار داشته باشد، آن را ستون نامند.

۱. Direction: سمت، جهت و راستا.

۲. نیم دسته

۳. Report: گزارش.



ستون باز: هرگاه فاصله ما بین قسمت‌ها به قدری باشد که اگر بخواهند با یکی از طرفین، دشتبان بسازند ممکن شود، آن را ستون باز گویند.

ستون قطار: هرگاه سربازان در حالت چهار به چهار به فاصله یک قدم در عقب سر یکدیگر قرار داشته باشند، آن را ستون قطار خوانند.

ستون گروهان یا نیم‌گروهان ساخته می‌شود در وقتی که اسم برده شود.

اسامی گروهان‌ها در ستون

گروهانی که در ستون قرار دارد، گروهان سر و گروهانی که در عقب گروهان سر قرار دارد، گروهان مرکز می‌نامند. گروهانی که پشت سر گروهان مرکز است، گروهان جلوی آخر گویند و گروهانی که در آخر قرار دارد، گروهان ته خوانده می‌شود. دو گروهانی که در ابتدا قرار دارند، نیم‌باطالیان سر و دو گروهانی که در آخر قرار دارند، نیم‌باطالیان ته گویند.

وضع حرکت دادن باطالیان

تعیین راه و مقصد و همچنین صورت‌بندی که از جهت آتش باید استعمال شود، فرمانده باطالیان باید معین کند. پس در این صورت همیشه دیرکسیون به واسطه او داده می‌شود. بعد از فرمان، پیش‌فرماندهان گروهان باید صبر کنند که دیرکسیون داده شود، بعد شروع به حرکت کنند. فرمانده باطالیان جمیع احکامات خودش را به واسطه صدا مجری می‌دارد و در صورت لزوم هم می‌تواند به واسطه آجودان احکامات خود را به بعضی از گروهان‌ها برساند. جمیع احکامات خود را باید از روی فرمان و قاعده نظامی بدهد. همیشه مطلب را به‌طور واضح و آشکار بیان کند. در ستون فراز، اخبار شروع در حرکت همیشه با فرمانده باطالیان است. هرگاه به واسطه مجری‌داشتن بعضی حرکات یا تغییر دادن فرونت^۱ لازم باشد، یک‌یکی از گروهان‌های جناح حرکت کنند، آن وقت به واسطه حکم فرمانده باطالیان، گروهان آن حرکت را مجری خواهد داشت. وقتی که گروهان‌ها متفرق هستند، به واسطه بعضی حوادث یا در جنگ که صدا به ایشان نرسد. در آن هنگام فرمانده باطالیان حکم خود را به علامت شیپورچی مجری خواهد داشت و از جهت گروهان حکم مخصوص است. آن علامت همان صدای ساده است؛ اگر یکی زد گروهان اول اگر دو تا زد، گروهان دوم الی گروهان آخر. بعد از آنکه به واسطه این علامات گروهان مقصود ملتفت شد، آن وقت علامت حرکت زده خواهد شد. هر وقت فرمانده باطالیان بخواهد حواس فرماندهان گروهان را جمع کند، نشان خبردار یا علامت خبردار یا شیپورچی می‌زنند. جمیع فرمان و احکامات فرمانده باطالیان مجری داشته می‌شود به واسطه فرماندهان گروهان طبال^۲. باطالیان همیشه باید به فرمان فرمانده باطالیان شروع به زدن کند.

۱. پیشروی به صف اول.

۲. طبل‌زن.



در صورت‌بندی‌های خطی همیشه طبال گروهان شروع به زدن می‌کند. الی آخر طبال حق ندارد بیشتر از یک مشق بزند. از جهت نظام‌دادن یا درست‌کردن فواصل، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «نظام بر فلان گروهان»؛ و در این فرمان، گروهان مشخص‌شده نظام می‌گیرد از طرف معین؛ سایرین فواصل و نظام خود را درست می‌کنند. فرماندهان باید کمال دقت را در خصوص نظام‌گرفتن و فاصله درست‌کردن گروهان خود به‌عمل آرند؛ در صورتی که بخواهند تغییر فرونت بدهند، فرمان «طرف چپ‌گرد» یا «طرف چپ‌فرونت» خواهند داد و این حرکت به فرمان فرماندهان گروهان مجری خواهد شد. به جهت اینکه تغییر فرونت دهند و همچنین اطراف را، فرمان مختلف «مرش»^۱ استعمال شود. بعد، هر فرمانده گروهانی حرکت را مجری می‌دارد. هرگاه بخواهند فرونت را تغییر بدهند به یکی از طرف گروهانی که نزدیک‌تر به آن طرف واقع است، به حکم فرمانده باطالیان تبدیل فرونت کرده، برای خط جدید می‌آید. بعد فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «تبدیل فرونت به‌راست یا به‌چپ». بعد هر فرمانده گروهان از راهی که آسان‌تر و بهتر است، گروهان خود را به‌روی خط جدید آورده، منظم خواهد ساخت. هرگاه این حرکت از خط دشتبان مجری شود، بهتر این است که فرماندهان گروهان -سواى گروهانی که اول تبدیل فرونت کرده- سایرین ستون بسازند؛ پس از رسیدن به‌روی خط جدید، فرمان «فرونت‌به‌پیش» بدهند. ممکن است تبدیل فرونت، بر یکی از گروهان‌های مرکز مجری شود؛ آن وقت گروهان‌های اطراف این‌قدر به پیش و عقب حرکت می‌کنند تا بر روی خط جدید برسند. فرماندهان گروهان،^۲ هنگام‌رسیدن به روی خط جدید، [باید] فواصل معینه ایشان کم‌وزیاد نباشد؛ همیشه دیرکسیون و فرونت به‌جای خود است و تغییر نمی‌کند، مگر به‌واسطه حکم فرمانده. فرمانده باطالیان هر حرکتی را مجری می‌توان داشت، در روی هر گروهان دور هر دو طرف در حالت ایستاده و در حالت مرش. در حالت اخیر همیشه باید نقطه از حرکت بازداشتن را مشخص کند یا اینکه خود در وقت لزوم فرمان «هالت»^۳ به گروهان معین شده بدهد؛ چنانچه صف دوم نیز به پیش باشد این حرکات به قسم مذکور معمول و مجری خواهد شد.

در ستون در حالت صف‌دوم‌به‌پیش، اسامی تغییر نمی‌کند؛ مثلاً گروهان ته گروهان و بالعکس خواهد شد. در ستون جای بیرق‌دار در گروهان سر در رسد اول خواهد بود.

ستون‌فراز

حرکاتی که از ستون‌فراز مشتق می‌شود از این قرار است: خط‌دشتبان، ستون‌به‌پیش، ستون‌به‌عقب [و] ستون‌به‌راست.

۱. Marš: مارش یا مرش به عمل راه

رفتن فرد یا واحد پیاده به جلو و عقب یا چپ و راست با شکل و ریتم خاص اطلاق می‌شود.

۲. اصل: فرماندهان گروهان، باید وقتی که هنگام‌رسیدن به روی خط جدید ...

Halt: متوقف‌شدن.



ستون به چپ

خط ستون: هرگاه خواسته باشند از ستون فراز، خط ستون بسازند، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «خطستون بر فلان گروهان». گروهان معین شده می‌ایستد و سایر گروهان‌ها چهار به چهار، به‌راست راست یا چهار به چهار، به‌چپ چپ می‌کنند؛ که علاوه بر سه قدم فاصله دشتبانی به‌دست بیاورند. بعد حالت کرده، به چپ یا به راست فرونت می‌کنند؛ اگر این حرکت در راه باشد به‌جای «چهار به چهار» «نیم به‌راست راست و نیم به‌چپ چپ» فرمان می‌دهند.

خطدشتبان

هرگاه بخواهند از ستون فراز، خطدشتبان بسازند، اول خطستون ساخته، بعد فرمان «فرونت به‌پیش» داده، خطدشتبان می‌سازد.

ستون به پیش

اگر بخواهند از ستون فراز، حرکت «ستون به‌پیش» را مجری بدارند، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «ستون به‌پیش بر فلان گروهان». در این فرمان، گروهان معین شده به پیش حرکت کرده، سایر گروهان‌ها چهار به چهار، به‌راست راست یا چهار به چهار، به‌چپ چپ حرکت می‌کنند. هر کدام به‌جای گروهان مشخص شده اول که رسیدند، به‌راست یا به‌چپ فرونت کرده، به‌پیش حرکت می‌نمایند. اول گروهانی که در سمت راست هستند حرکت می‌کنند و بعد گروهان‌های چپ؛ این حرکت نیز مانند حرکت «ستون به‌پیش» است، مگر اینکه گروهان تعیین شده طرف چپ گرد کرده به عقب حرکت می‌نماید و سایرین نیز همین که به‌جای آن گروهان رسیدند، به‌راست یا به‌چپ فرونت کرده، به‌عقب حرکت می‌نمایند.

هرگاه خواسته باشند این دو حرکت را در بین راه رفتن مجری دارند، گروهان مشخص شده به‌پیش حرکت کرده و سایر گروهان‌ها می‌ایستند تا اینکه هر گروهان بگذرد. بعد سایرین، موافق نمره خودشان چهار به چهار، به‌راست راست یا چهار به چهار، به‌چپ چپ کرده، به‌پیش حرکت می‌کنند. همین که در امتداد گروهان معینه رسیدند، به راست یا به چپ فرونت کرده، حرکت می‌نمایند.

حرکت پنجم: ستون به‌راست؛ هرگاه بخواهند از ستون فراز، ستون به‌راست بسازند، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «ستون به‌راست بر فلان گروهان». گروهان معین شده، بازو چپ پیش داده می‌ایستد؛ در فرمان مرش، باطالیان شروع به حرکت می‌نماید؛ همین که در امتداد معینه رسید، به فرمان فرمانده گروهان به‌پیش حرکت می‌کند. سایر گروهان‌ها هر یک به‌ترتیب خود «بازو چپ پیش» کرده در عقب گروهان سر حرکت می‌نمایند. ابتدا گروهانی که در سمت این



گروهان هستند حرکت می کنند، بعد گروهان سمت چپ.
[حرکت] ششم ستون به چپ: هرگاه بخواهند از ستون فراز، ستون به چپ بسازند، حرکت مجری می شود از قرار قاعده که به جهت ستون به راست مذکور شد؛ تفاوت اینکه به جای فرمان «بازو چپ پیش»، فرماندهان گروهان فرمان «بازو راست پیش» می دهند.

خط ستون

حرکاتی که از خط ستون مشتق می شود از این قرار است: خط دشتبان، ستون فراز، ستون به پیش، ستون به عقب، ستون به راست [و] ستون به چپ.

ستون فراز

هرگاه بخواهند از خط ستون، ستون فراز بسازند، فرمانده باطالیان فرمان می دهد «ستون فراز فلان گروهان». گروهان معین شده می ایستد. سایر گروهان ها «چهار به چهار» «به راست راست» یا «چهار به چهار» «به چپ چپ» کرده، پیش حرکت می نمایند تا اینکه هر گروهان سه قدم فاصله از گروهان زیر دست خودش گرفته، به چپ یا به راست فرونت کرده، بعد از آن که حالت کرده، مجری می دارد.

خط دشتبان

هرگاه خواسته باشند از خط ستون، خط دشتبان بسازند، فرمانده باطالیان فرمان می دهد «خط دشتبان». در این فرمان هر فرمانده گروهان چنانچه در مشق ذکر شد، فرمان فرونت به پیش می دهد.

ستون به پیش

هرگاه بخواهند از خط ستون، حرکت ستون به پیش را مجری دارند، فرمان می دهند «ستون به پیش بر فلان گروهان». گروهان مشخص شده به پیش حرکت می نمایند. سایر گروهان ها بعد از آنکه، نیم به راست و نیم به چپ کردند، حرکت می کنند. هر گروهان، موافق نمره خودش همین که به امتداد گروهان معین شده رسیدند، نیم به راست یا نیم به چپ کرده، در همان امتداد به پیش حرکت خواهد کرد.

ستون به عقب

بعد از استماع فرمان، تمام باطالیان همان حرکت ستون به پیش را مجری می دارند؛ فرق این



است که در این حرکت اول طرف چپ گرد می‌نمایند و بعد حرکت «ستون به پیش» را معمول می‌دارند.

ستون به راست

هرگاه بخواهند از خطستون، حرکت ستون به راست را مجری دارند، فرمانده باطالیاں فرمان می‌دهد «ستون به راست». در این فرمان، هر فرمانده گروهان «بازو چپ پیش» کرده، همین که تمام گروهان‌ها در یک امتداد واقع شدند، به پیش حرکت می‌نمایند. فرمانده گروهان اول، اینقدر قدم خود حرکت می‌کند تا اینکه سایر گروهان‌ها فواصل خود را درست بکنند.

ستون به چپ

نیز از روی همین قاعده مجری و معمول می‌شود جز اینکه فرمانده گروهان عوض «بازو راست پیش»، «بازو چپ پیش» می‌نماید.

خطدشتبان

حرکاتی که از خطدشتبان مشتق می‌شود: خطستون، خط ستون به پیش، ستون به راست [و] ستون به چپ.

خطستون

هرگاه بخواهند از خطدشتبان، خطستون بسازند، فرمانده باطالیاں فرمان می‌دهد «خطستون». بعد هر فرمانده گروهان موافق قاعده که در شق گروهان ذکر شد، گروهان ستون می‌سازد.

خط ستون به پیش

هرگاه بخواهند از دشتبان این حرکت را مجری دارند، فرمانده باطالیاں فرمان می‌دهد «خط ستون به پیش». هر فرمانده گروهان بعد از استماع فرمان، موافق قاعده [ای] که در شق گروهان گفته شد، ستون به پیش می‌سازند. گروهان‌ها اینقدر به پیش حرکت می‌نمایند تا اینکه گروهان دیرکسیون «هالت» [بدهد]؛ پس از آنکه گروهان فرمان «هالت» داد، سایر گروهان‌ها در روی همان خط هالت می‌کنند.

ستون به راست

هرگاه بخواهند از خطدشتبان، حرکت ستون به راست را مجری دارند، فرمانده باطالیاں فرمان



می‌دهد «ستون به راست». در این فرمان، هر فرمانده گروهان، موافق قاعده که در شق گروهان ذکر شد، ستون به راست می‌سازند. بعد از آنکه هر گروهان فواصل خود را به دست آورد، سواً گروهان معینه نیز سایر گروهان‌ها اینقدر به پیش حرکت می‌کنند که فاصله نه قدم را از گروهان برمی‌گیرند.

ستون به چپ

ستون به چپ به عینها موافق همین قاعده رفتار می‌کند جز اینکه فرماندهان گروهان به عوض ستون به راست، ستون به چپ می‌سازند.

در تغییر صورت‌بندی‌های ستونی بدون ستون

حرکاتی که از ستون مشتق می‌شود از این قرار است: خط ستون به پیش، خط دشتبان به پیش، ستون فراز، خط ستون به راست، خط دشتبان به راست، خط ستون به چپ [و] خط دشتبان به چپ.

خط ستون به پیش

هرگاه بخواهند از ستون، «خط ستون به پیش» بنا نمایند، فرمانده باطالان فرمان می‌دهد «خط ستون به پیش». از این فرمان گروهان سر، حالت می‌کند و گروهان مرکز چهار به چهار، به راست راست و دو گروهان دیگر چهار به چهار، به چپ چپ می‌نماید. گروهان مرکز پس از آنکه چهار به چهار، به راست راست کرده، به قدری پیش روی خودش حرکت می‌کند؛ فاصله دشتبانی از گروهان سر بگیرد و بعد به چپ فرونت کرده، حرکت می‌کند تا اینکه در امتداد گروهان سر رسیده حالت می‌نماید و آن دو گروهان دیگر بعد از چهار به چهار، به چپ چپ کردن، به قدری پیش روی خود حرکت می‌کند تا اینکه هر یک فاصله دشتبانی خود را از گروهان بالادست خود بگیرند. بعد به راست فرونت کرده، پیش حرکت می‌نمایند. همین که در امتداد گروهان سر رسیدند، حالت می‌کند. همیشه نقطه دو گروهان سر، حالت می‌کند. فرمانده باطالان تعیین نماید، امکان دارد که این حرکت را در حین راه مجری بدارند، آن وقت گروهان [ها]ی که در عقب سر واقع هستند، به جای چهار به چهار، به راست راست یا به چپ چپ، نیم به راست راست یا نیم به چپ چپ بکنند.

هرگاه بخواهند از ستون، حرکت خط دشتبان به پیش مجری شود، فرمانده باطالان فرمان می‌دهد «خط دشتبان به پیش». بعد از استماع این فرمان گروهان مرکز چهار به چهار، به راست راست می‌کند و به قدری پیش حرکت می‌نماید تا اینکه دست چپ گروهانش با سه قدمی سمت راست گروهان جلو محاذی^۱ شود. بعد فرمان می‌دهد «فرونت به پیش و به راست».

۱. موازی، مقابل، روبه‌رو.



بعد از آنکه فرمان موافق قاعده را که در شق گروهان ذکر شد، رفتار می‌نمایند. دو گروهان دیگر، بعد از آنکه چهار به چهار، به‌چپ کرده، به‌قدری به‌پیش حرکت می‌نمایند تا اینکه راست هر یک از این گروهان محاذی شود با سه‌قدمی دست‌چپ گروهان بالادست خودش. آن وقت «فرونه‌به‌پیش و به‌چپ» فرمان می‌دهد، بعد حرکت را معمول می‌دارد. هرگاه این حرکت را بخواهند در بین راه رفتن مجری بدارند، نقطه [ای] که باید گروهان سر، هالت کند، تعیین با فرمانده باطالیان است.

ستون فراز

اگر بخواهند از ستون فراز، ستون بسازند فرمان می‌دهند «ستون فراز». در این فرمان گروهان سر، در جای خود می‌ایستد. گروهان مرکز چهار به چهار، به‌راست راست و این دو گروهان دیگر چهار به چهار، به‌چپ‌چپ می‌کند؛ به‌قدری به‌پیش حرکت می‌نمایند تا اینکه دست‌چپ آن گروهان محاذی با دست راست گروهان سر شود به اضافه سه‌قدم دست‌چپ گروهان بالادست خودش. بعد به‌راست فرونت نموده، به‌قدری حرکت می‌کند تا اینکه در امتداد گروهان سر واقع شوند و هالت نمایند. گاهی اتفاق می‌افتد که فرمانده باطالیان تعیین می‌نماید سه گروهانی که در عقب واقعند به‌طرف چپ گروهان سر یا راست گروهان سر بروند. این حرکت از روی قاعده که سابق ذکر شد، مجری و معمول می‌شود به استثنای اینکه فرمانده باطالیان به‌عوض اینکه فرمان «ستون فراز» [بدهد] فرمان خواهد داد «ستون فراز به‌پیش و به‌چپ یا به‌پیش و به‌راست».

در خط ستون به‌راست

خط ستون به‌راست وقتی بخواهند از ستون، خط ستون به‌راست بسازند، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «خط ستون به‌راست». هر فرمانده، گروهان خود را بازو چپ پیش کرده، از گروهان دیرکسیون نظام و فاصله خود را خواهد گرفت. آن حرکت را ممکن است در حین راه رفتن مجری دارند.

خط ستون به‌چپ

به‌عین‌ها از روی همین قاعده رفتار می‌شود مگر اینکه فرماندهان گروهان به‌عوض بازو چپ پیش، بازو راست پیش نموده، گروهان خود را نظام و فاصله خود را از گروهان دیرکسیون به‌دست می‌آورد.



خط دشتبان به راست

هرگاه بخواهند این حرکت را معمول بدارند، فرمانده باطالیان، اول «ستون باز» فرمان می‌دهد. پس از اینکه ستون باز ساخته شد، فرمان خواهد داد «خط دشتبان به راست». در این فرمان، هر فرمانده گروهانی فرمان می‌دهد «دشتبان به راست»؛ تکالیف فرماندهان رسد از قراری است که در شق گروهان ترقیم یافت.

خط دشتبان به چپ

حرکاتش به عینها همین‌طور است جز آنکه فرماندهان گروهان فرمان «دشتبان به چپ» خواهند داد.

در باب ستون قطار و ستون دوه‌دو

و این حرکت را از صورت‌بندی می‌توان مجری داشت. هرگاه این حرکت را از صورت‌بندی خطی بخواهند مجری دارند، بر یکی از گروهان‌های مرکز، مجری می‌دارند. به جهت اجرای این حرکت، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «ستون قطار یا ستون دو به دو به راست یا دو به دو به چپ». در این فرمان، فرماندهان گروهان فرمان می‌دهند چهار به چهار یا دو به دو، به راست راست یا به چپ چپ. بعد فرمانده باطالیان اخبار مرش می‌دهد. فرماندهان گروهان هرکدام موافق ترتیبی که دارند در امتداد قسمت اول به حالت دو به دو یا چهار به چهار، خواهند شد. هرگاه این صورت‌بندی بر یکی از گروهان‌های مرکز مجری شود، بعد از آن گروهان بلافاصله گروهان‌ها که در سمت راست آن گروهان هستند، در امتداد آن گروهان حرکت می‌کنند. بعد از آن، گروهان‌های سمت چپ، حرکاتی که از ستون قطار مشتق می‌شود از این قرار است: ستون باز، ستون دسته [و] ستون گروهان.

ستون

هرگاه بخواهند از ستون قطار، ستون بسازند، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «ستون». در این فرمان گروهان هر کدام گروهان خود را موافق قاعده که در شق گروهان ذکر شد، گروهان خود را ستون می‌سازند؛ بعد گروهان سر با قدم‌های کوتاه حرکت می‌کند و سایر گروهان‌ها با قدم پیش حرکت می‌کنند. بعد از اینکه هر گروهان فاصله نه قدم از گروهان پیش روی خودش گرفت، فرمانده باطالیان فرمان «قدم پیش» می‌دهد. در این فرمان، تمام باطالیان با قدم پیش حرکت می‌کنند.



ستون باز

این حرکت مجری می‌شود مثل قاعده [ای] که در فوق ذکر شد. به جهت ستون، فرقی که دارد فاصله مابین رسدها را در گروهان کم نمی‌کنند.

ستون دسته

این حرکت به عینه مثل حرکت ستونست. فرقی که دارد این است، به جای اینکه هر رسد، ستون بسازد هر دسته، ستون می‌سازد.

ستون گروهان

این حرکت هم موافق قاعده که به جهت ستون ذکر شد مجری می‌شود؛ به استثنایی اینکه عوض هر رسد، هر گروهان، ستون می‌سازد. تمام این حرکت را می‌توان مجری داشت درحالی که صف دوم به پیش بیفتد، ولی فرماندهان جزء باید مخصوصاً لفظ «دویم» را بر فرمان خود ملحق نمایند.

بیانات در باب متعلقات مشق باطالیان

هرگاه فرمانده باطالیان بخواهد باطالیان خود را از یک تنگه بگذرانند، ابتدا باید باطالیان، ستون دو به دو یا ستون قطار بسازد و بعد از در تنگه عبور نماید. آجودان خود را در طرف دیگر تنگه قرار باید بدهد و به او بگوید صورت‌بندی [ای] که گروهان‌ها باید در طرف دیگر تنگه داشته باشند. آجودان پس از آنکه از فرمانده خود حکم دریافت کرد، در طرف دیگر تنگه رفته، می‌ایستد. هر گروهانی که از تنگه می‌گذرد، به رئیس آن گروهان می‌فهماند صورت‌بندی [ای] را [که باید اختیار نماید به جهت آنکه باطالیان به پیش حرکت کند. فرمانده باطالیان همیشه باید [بر] نقطه دیرکسیون^۱ عمود باشد بر خط فرونت. هرگاه عمود نباشد، پیش از حرکت باید تبدیل فرونت کرد تا آنکه آن نقطه عمود گردد یا خط فرونت به جهت اینکه نقطه دیرکسیون به تحقیق گرفته نشود، مرش درست نخواهد شد؛ پس فرمانده باطالیان مجبور است تا اینکه نقطه دیرکسیون را به تحقیق نشان بدهد. به جهت تحقیق نقطه دیرکسیون، فرمانده باطالیان در عقب سر گروهان دیرکسیون رفته، نقطه دیرکسیون را تعیین می‌کند. بعد فرماندهان گروهان ...^۲ جزئی که باید به سمت آن نقطه حرکت کند، نشان می‌دهد، فرمانده باطالیان می‌تواند عوض آنکه خودش برود نقطه دیرکسیون، آجودان خود را بفرستد.

۱. اصل: دیرکسیون همیشه باید

عمود باشد بر خط فرونت.

۲. کلمه به خاطر جوهرپاشیدگی ناخواناست.

فرمانده باطالیان بعد از آنکه نقطه دیرکسیون را تعیین کرد، امر «مرش» می‌کند. در فرمان مرش، گروهان دیرکسیون به سمت نقطه دیرکسیون حرکت می‌کند و سایر گروهان‌ها



هم در همان لحظه حرکت می‌کنند. گروهان‌هایی که در سمت راست گروهان دیرکسیون واقع شده‌اند، نظام از چپ می‌گیرند. گروهان‌هایی که در سمت چپ گروهان دیرکسیون واقع شده‌اند، نظام از راست می‌گیرند. هرگاه در حین حرکت یکی از گروهان‌ها مانعی برسد، فرمانده گروهان جهت گذشتن از آن مانع دوباره گروهان خود را در خط سایر گروهان‌ها می‌آورد. به‌جهت اینکه قدر باطالیان را به‌طرف راست یا چپ حرکت دهد، فرمانده باطالیان فرمان نیم‌به‌راست‌راست یا نیم‌به‌چپ‌چپ می‌دهد. ولیکن این حرکت به‌جهت فاصله کم^۱ می‌شود. هرگاه بخواهند باطالیان مقدار زیادی به‌راست یا به‌چپ حرکت کنند، فرمانده باطالیان «چهار به چهار، به‌راست‌راست یا به‌چپ‌چپ» فرمان می‌دهد.

هرگاه بخواهند باطالیان را از حرکت باز دارد، فرمان «هالت» داده بعد «به‌چپ به‌راست یا به‌چپ فرونت» فرمان می‌دهد. در این حرکت همیشه دیرکسیون با گروهانی است که در سر اتفاق می‌افتد. هرگاه در این حرکت، به‌واسطه فاصله، نظام از دست برود [بعد] از گذشتن از آن، هر فرمانده گروهان فاصله و نظام گروهان خود [را] از گروهان دیرکسیون می‌گیرد. هرگاه در حین حرکت، فرمانده باطالیان بخواهد نقطه دیرکسیون را تغییر دهد، فرمان «بازو راست یا بازو چپ پیش» می‌دهد تا آنکه دست راست گروهان در گروهان دیرکسیون مقابل نقطه جدید شود. بعد فرمانده باطالیان فرمان «پیش» می‌دهد؛ سایر گروهان‌ها نیز نظام و فاصله خود را از گروهان دیرکسیون می‌گیرد.

در استعمال آتش‌ها

در صورتی که فرمانده باطالیان بخواهد آتش معمول دارد، ابتدا باطالیان خود را به هر صورت‌بندی که هست به صورت‌بندی خط‌دشتبان می‌آورد و بعد اخبار آتش می‌دهد. همیشه آتش به‌میل فرمانده باطالیان معمول می‌شود. هیچ‌یک از فرماندهان گروهان حق ندارند به میل خود آتش کنند، مگر اینکه پیش از وقت، اذن از فرمانده باطالیان گرفته باشند. همیشه فرماندهان گروهان باید دقت کنند که آتش در زمینی معمول شود که مانع نداشته باشد. همیشه صف اول باید به زانو و صف دوم ایستاده آتش کنند. وقتی که فرمانده باطالیان بخواهد آتش را موقوف کند، فرمان «آتش‌بس» می‌دهد یا به علامت شیپور اخبار آتش‌بس می‌دهد. هر فرمانده گروهان فرمان آتش‌بس را تکرار کند، هرگاه علامت شیپور زده شد، شیپورچی هر گروهان علامت را تکرار کند. اول تکلیف سرباز در وقت تیراندازی این است که اول قراول را درست کند و حتی‌الامکان در فشنگ خود صرفه‌جویی نماید.

وضع ایستادن یک باطالیان در وقت سلام

تمام حرکاتی که در وقت مشق به‌واسطه فرمان فرماندهان گروهان مجری می‌شود، در وقت

۱. معمول.



سلام به واسطه فرمان فرمانده باطالیان مجری می‌شود. همیشه فرمانده باطالیان به جهت اینکه تمام باطالیان به فرمان او حرکت نماید، لفظ «باطالیان» را به فرمان خود ملحق می‌نماید. مثلاً اگر بخواهد تمام باطالیان به فرمان خودش پیش حرکت نماید، فرمان می‌دهد «باطالیان مرش» یا «باطالیان هالت». هر وقت باطالیان در نقطه باید حاضر بشود به جهت سلام‌دادن، بعد از آنکه در آن نقطه باطالیان حاضر شد، پیش از آمدن بزرگ فرمانده باطالیان، باطالیان خود را فرمان می‌دهد. نظام بر دو قسم است: نظام‌دادن [به] پیش [و] نظام‌دادن به عقب.

نظام‌دادن به پیش

به جهت اجرای این حرکت، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «نظام، نماینده به خط». در این فرمان، وکیل دست‌راست و دست‌چپ هر گروهان به پیش حرکت می‌کند تا اینکه فرمانده باطالیان فرمان «هالت» بدهد. بعد از آن، فرمانده باطالیان فرمان می‌دهد «به راست یا به چپ». تمام وکیلانی که همانجا ایستاده‌اند، به راست‌راست یا به چپ‌چپ می‌کنند. بعد از آن فرمانده باطالیان می‌رود روبه‌روی وکیلی که در سر واقع است، به فاصله پانزده یا بیست قدمی بایستد. به واسطه حرکت شمشیر تمام وکیلان را از وکیل اول نظام می‌دهد، بعد مقابل فرونت رفته، فرمان «نظام به راست یا نظام به چپ» می‌دهد. در این فرمان، تمام باطالیان به پیش حرکت می‌کند در همان هنگام تمام وکیل‌ها به چپ یا به راست فرونت می‌کنند. همین که باطالیان نزدیک نماینده‌ها رسیدند، با قدم‌های کوتاه داخل خط نظام می‌شوند، تمام سربازان سر را می‌گردانند به طرف راست یا به طرف چپ، موافق آنکه «نظام به راست یا به چپ» فرمان داده شده باشد. در این هنگام، فرمانده باطالیان به راست یا به چپ باطالیان رفته به واسطه حرکت شمشیر خود تمام باطالیان را نظام می‌دهد. بعد از نظام‌دادن مقابل فرونت رفته، فرمان «خبردار» خواهد داد در فرمان «خبردار» تمام سربازان رو را می‌گردانند به سمت پیش.

نظام‌دادن به عقب

نظام‌دادن به عقب به عینها مثل نظام‌دادن به پیش است. فرق این است عوض آنکه فرمانده باطالیان فرمان بدهد «نظام، نماینده به خط»، فرمان می‌دهد «نظام باطالیان به عقب مرش». در فرمان «مرش»، وکیلان طرفین گروهان در جای خود می‌ماند و سایر سربازان آنقدر به عقب حرکت می‌کنند که فرمانده باطالیان فرمان «هالت» بدهد و سایر اعمال مثل «نظام‌دادن به پیش» است در حالتی که باطالیان در یکی از صورت‌بندی‌های خطی باشد به غیر از خط دشتبان. آن وقت از گروهان وکیل دست‌راست و دست‌چپ هر دو، پیش حرکت می‌کنند و نظام می‌گیرد. در «نظام به راست» یا «نظام به چپ» از هر گروهان رسد سر، نظام گرفت. فرمانده باطالیان به



فرماندهان گروهان حکم داده فرمانده هر گروهان سه رسد دیگر را پشت سر رسد اول منظم می‌دارد. در صورتی که یک رژیم یا چند رژیم بخواهند نظام بدهند، ابتدا از هر باطالان دو نفر نماینده سمت راست و چپ باطالان در خط نظام می‌آیند بعد از آنکه فرمانده کل آن‌ها را نظام داد، حکم به فرماندهان باطالان می‌دهد. هر فرمانده باطالان، سایر نماینده‌های باطالان را در روی خط می‌آورد و به آن دو نفر نماینده، نظام می‌دهد. بعد از آن فرمانده باطالان نظام به راست یا نظام به چپ داده، باطالان خود را نظام خواهد داد. همیشه هنگامی که باطالانی در نقطه به جهت سلام دادن به بزرگی مهیا می‌شود، باید به حالت ستون فراز یا دشتبان بایستند. طبال و شیپورچی در وقت سلام دادن در عقب سر گروهان دیرکسیون به حالت جمع به فاصله شش قدم قرار می‌گیرد، به طوری که طبال در صف اول و شیپورچی باید در صف دوم و صاحب منصب جزء طبال و شیپورچی باید در دست راست قسمت خود بایستد، به طوری که با فیل اول سمت راست گروهان دیرکسیون نظام داشته باشند. هرگاه دسته [ای] از موزیکانچی حاضر باشد، در وقت سلام در طرفی که بزرگ می‌آید به فاصله شش قدم در پهلوی صاحب منصب جزیی که در آن سمت واقع است، قرار خواهد گرفت. آجودان باطالان پهلوی فرمانده گروهان سواره باید طوری بایستد که سر اسب با سربازان نظام داشته باشد و همیشه فرماندهان گروهان در آن سمت گروهان خود بایستند که شخص بزرگ از آن سمت می‌آید. در صورتی که باطالان به حالت دشتبانی قرار گرفته باشد، فرمانده باطالان در مقابل باطالان خود در مرکز به فاصله چهل قدم قرار خواهد گرفت.

در ستون فراز به فاصله بیست قدم، در وقتی که صاحب منصبان بالاتر از فرمانده باطالان حضور داشته باشد، هنگام سلام دادن بزرگ، آن اشخاص در طرفی قرار خواهند گرفت که بزرگ از آن سمت می‌آید؛ به طوری که اشخاص بالاتر به طرف سلام و اشخاص پایین تر زیر دست ایشان بدون آنکه شمشیر بکشند، آجودان‌های ستون با اشخاص پشت سر خودشان در صف دوم قرار می‌گیرند. هرگاه موزیکانچی حاضر باشد، کسانی که منصبشان تا درجه سرتیپی است، در فاصله [ای] که مابین موزیکانچی و سربازان و سربازان واقع است، قرار گرفته، اشخاصی که از سرتیپ بالاتر هستند در سمت دیگر بالادست موزیکانچی‌ها خواهند ایستاد و هرگاه یک باطالان پیشتر به جهت سلام حاضر نشده باشند، ولی جمیع سرداران و سرتیبان را اخبار داده در آن نقطه حاضر نموده باشند. در این صورت، تمام سرداران و سرتیبان به ترتیب مناصب خود در یک صف الی هر چند صفی که لازم شود قرار خواهد گرفت. چنانچه از همان باطالان چند نفر صاحب منصب اضافه باشد، آن‌ها در طرف مقابل، یعنی مخالف سمت سلام، خواهد ایستاد و همیشه یک قسمت موافق ترتیبی که ذکر شد، به جهت سلام آماده می‌شود. همین که بزرگ از در نمایان شد، فرمانده باطالان فرمان «خبردار» می‌دهد. در این فرمان اشخاصی که در آنجا حاضرند، به حالت خبردار می‌ایستند. وقتی که بزرگ به سی قدمی آن قسمت رسید، فرمانده آن قسمت فرمان «نظر به راست



یا نظربه‌چپ سلام فشنگ» می‌دهد. بیدق‌دار تکلیف خود را به‌جا آورده، طبال و موزیکان چیان سلام می‌زنند و مادامی‌که بزرگ در جلو صف می‌گذرد، فرمانده آن قسمت باید همراه آن بزرگ در عقب سر باشد؛ به‌طوری‌که بتواند فرمایشات بزرگ را استماع کند و جواب دهد. اگر آن شخص بزرگ سرتیپ یا از سرتیپ بالاتر باشد، فرمانده باطالیان در آن مدت زمانی که همراه او حرکت می‌کند باید قداره خود را به وضع سلام نگاه دارد. فرمانده باطالیان تا آخر قسمت خود با آن بزرگ همراهی می‌نماید. هرگاه آن بزرگ نسبت به او حکمی دارد، حکم را دریافت کرده، به‌جای اولی خود مراجعت می‌کند و فرمان «خبردار به دوش فنگ» می‌دهد. تمام صاحب‌منصبان که انتظار آمدن بزرگ را داشتند، پس از اینکه از ایشان گذشت، آن‌ها هم در عقب سر بزرگ حرکت خواهند کرد و سایر صاحب‌منصبان که در طرف دیگر بودند می‌ایستند تا بزرگ از ایشان بگذرد؛ یک‌دفعه با دست سلام خواهند داد و بعد از آنکه آن شخص بزرگ گذشت، آجودان فرمانده باطالیان راپورت نوشته به آجودان آن بزرگ می‌دهد. هرگاه در وقت سلام بیشتر از یک باطالیان باشد، یعنی یک رژیمان حاضر شود، آن وقت فرماندهان باطالیان در جای خود می‌ایستند تکالیفی که به جهت فرمانده باطالیان ذکر شده فرمانده رژیمان به‌عمل می‌آورد در صورتی‌که قسمت مخصوص مانند مخبران یا مهندس یا توپخانه یا یک فوجی که جزء آن رژیمان نباشد در خط سلام بوده باشد، فرمانده‌اش در خط سایرین می‌ایستد ولی بعد از سلام‌دادن خودش پیش می‌رود و راپورت حاضری باطالیان خود را می‌دهد به آن شخص بزرگ همراهی می‌نماید.

وضع دفیله کردن^۱

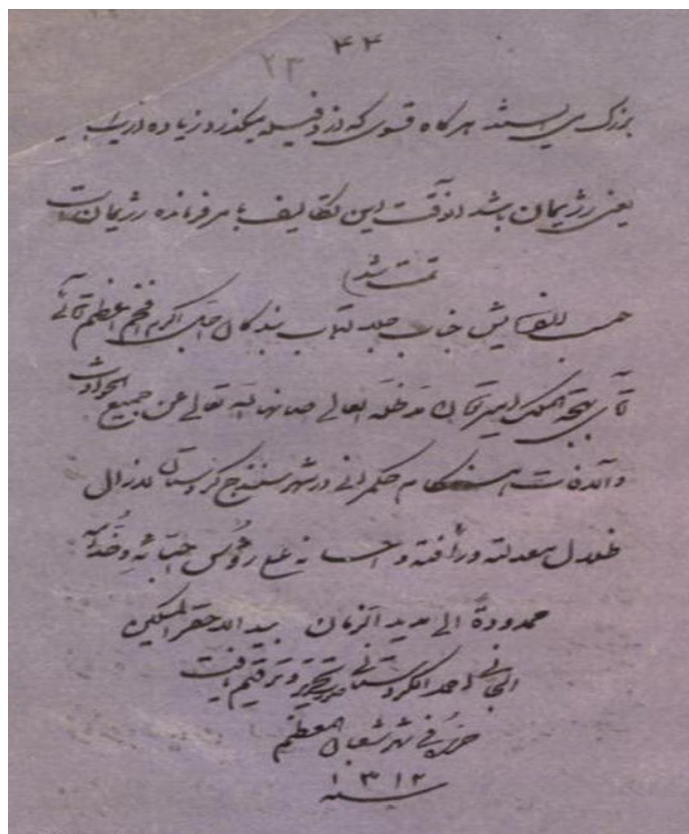
هرگاه فرمانده قسمتی خواسته باشد قسمت خود را از پیش‌روی بزرگ به‌طور دفیله بگذرانند، اول قسمت خود را ستون می‌بندد و بعد اگر بزرگ به‌طرف راست واقع است، فرمان «سلام‌به‌راست» و اگر در طرف چپ واقع باشد «سلام‌به‌چپ» خواهند داد؛ در این فرمان تمام طبالان با قدم که از طرف مخالف سلام حرکت کرده در جلو باطالیان خود به فاصله بیست [و] چهار قدم قرار می‌گیرند. طبال در صف اول، شیپورچی در صف دوم و طبال‌بازی در وسط صف طبالان [با] یک‌قدم فاصله قرار می‌گیرد. اگر هنوز موزیکانچی هم موجود باشد، یک‌قدم جلو طبال قرار خواهد گرفت. فرمانده گروهان به فاصله شش قدم جلو گروهان خود قرار می‌گیرد. هرگاه نقطه دیرکسیون تعیین نشده باشد، آجودان باطالیان می‌رود به‌طرف دیگر فرونت، رو به باطالیان، مقابل وکیل دست‌راست با دست‌چپ رسد، اول می‌ایستد. اگر نقطه دیرکسیون مشخص شده باشد، آن وقت آجودان در سمت مخالف دفیله، پهلوی قسمت اول می‌ایستد و هنگام گذشتن از جلو [ی] بزرگ با دست سلام می‌دهد. فرمانده باطالیان به فاصله دوازده قدم جلو [ی] گروهان اول قرار خواهد گرفت. در وقت حرکت موزیکان چیان باید [به] قسمی حرکت نمایند که مقابل

۱. رژه رفتن.

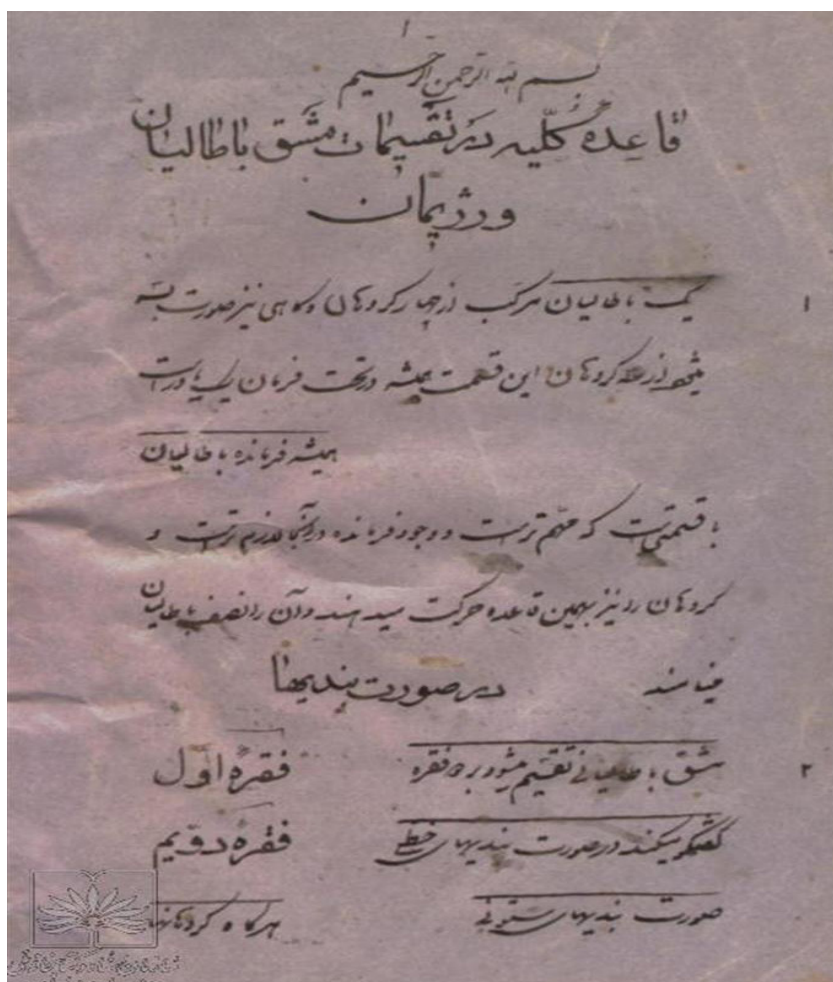


آن شخص بزرگ واقع شوند. همین که فرمانده باطالیان به سه قدمی بزرگ رسید، سلام می‌دهد. در همان وقت، فرمانده گروهان اول نیز سلام خواهد داد. همین که ده قدم از بزرگ گذشت فرمانده باطالیان می‌آید، در پشت سر بزرگ می‌ایستد و آجودان باطالیان نیز خواهد آمد و آنقدر توقف می‌کند که تمام باطالیان در دفیله بگذرد. صاحب منصبانی که در وقت دفیله، فرمانده ندارند، در عقب سر شخص بزرگ می‌ایستند هرگاه قسمی که از دفیله می‌گذرد زیاده از یک یعنی رژیمن باشد، آن وقت این تکالیف به امر فرمانده رژیمن است.

حسب الفرمایش جناب جلالت مآب بندگان اجل اکرم افخم اعظم الآقائی آقای بهجت الملک امیر تومان مد ظله العالی صانها الله تعالی عن جمیع الحوادث و الآفات، هنگام حکمرانی در شهر سنج کردن لال لال معدله و رأفته و احسانه علی رؤس احبائه خدامه ممدوده الی مدیدالزمان، به ید الاحقر المسکین الجانی احمد الکردستانی صورت تحریر و ترقیم یافت. حرره فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۱۲ق [ساکما، شماره بازیابی ۱۳۲۱/۶۸۳].



صفحه اول نسخه خطی قواعد فنون نظامی



صفحه آخر نسخه خطی قواعد فنون نظامی

منابع:

- بوذری، علی (۱۳۹۱). نشان قشون رساله مصور در معرفی البسه قشون دوره قاجار. پیام بهارستان، ش. ۱۶.
- چرچیل، جورج پ. (۱۳۶۹). فرهنگ رجال قاجار. ترجمه و تألیف غلامحسین میرزا صالح. تهران: زرین.
- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران). شماره بازیابی: ۱۳۲۱/۶۸۳.
- سعیدی، حوریه (۱۳۹۵). آموزش نظامی در دوره قاجار با تکیه بر متون خطی و سنگی. تهران: کانی مهر.
- عاقلی، باقر. (۱۳۸۴). روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: نامک.
- یکانلو مرندی، علیرضا. (۱۳۹۲). رساله در آداب جنگ و قانون مشق نظام در ایران دوره قاجار. به کوشش یوسف بیگ باباپور و مینا آقازاده، پیام بهارستان، شماره بیست و یکم.



مهاجرت و همزیستی قومیت‌ها در تهران دوره قاجار

نوبوآکی کوندو

ترجمه: ناثوفومی آبه و امید رضائی

چکیده:

بعد از اینکه در دوره قاجار تهران پایتخت ایران شد، این شهر در طول قرن نوزدهم با سرعت چشمگیری توسعه پیدا کرد. هرچند کتاب‌ها و مقاله‌هایی درباره تهران دوره قاجار موجود است، اما کمتر تحقیقاتی از این میان درباره ترکیب جمعیتی، اصلیت سکنه و اقلیت‌های قومی و مذهبی این شهر نوشته شده است. تا به حال، هیچ تحقیقی موفق نشده است که ترکیب سکنه یک شهر ایران را قبل از قرن بیستم بررسی کند. در این پژوهش آمارهای جمعیتی و ابنیه و ترکیب قومی و مذهبی سکنه براساس پایگاه‌داده‌ها بررسی می‌شود. از این میان، چهار آمار درباره تهران دوره قاجار مدنظر قرار می‌گیرد: صورت عددخانه‌ها و سایر بناهای دارالخلافه طهران سال ۱۸۵۳ (برابر با ۱۲۶۹ق.) و تعیین و ثبت محاط خندق شهر دارالخلافه سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰ (برابر با ۱۳۱۷ق.)، تشخیص نفوس دارالخلافه سال ۱۸۶۸ (برابر با ۱۲۸۵ق.) (نجم‌الدوله، ۱۳۵۳، ص ۳۴۹-۳۶۳؛ سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸، ص ۳۴۳-۳۵۵؛ سعدوندیان، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱-۱۱۴)، و کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه ۱۸۸۴.

کلیدواژه‌ها

قاجار، تهران، ترکیب جمعیتی، سکنه، اهلیت‌های قومی و مذهبی.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴، صص: ۱۲۰-۱۴۴



مهاجرت و همزیستی قومیت‌ها در تهران دوره قاجار^۱

نوبوآکی کوندو^۲

ترجمه: نائوفومی آبه^۳ و امید رضائی^۴

مقدمه:

بعد از اینکه تهران پایتخت ایران در دوره قاجار شد، این شهر در طول قرن نوزدهم با سرعت چشمگیری توسعه پیدا کرد. هرچند کتاب‌ها و مقاله‌هایی درباره تهران دوره قاجار موجود است، اما کمتر تحقیقاتی از این میان درباره ترکیب جمعیتی، اصلیت سکنه و اقلیت‌های قومی و مذهبی این شهر نوشته شده است.^۵ بنابراین سؤال من بسیار ساده و مقدماتی است: سکنه تهران از کجا آمده‌اند و چه مردمی در چه مناطقی از این شهر سکونت داشته‌اند؟ تا به حال، هیچ تحقیقی موفق نشده است که ترکیب سکنه یک شهر ایران را قبل از قرن بیستم بررسی کند. در این پژوهش آمارهای جمعیتی و ابنیه و ترکیب قومی و مذهبی سکنه، بر اساس پایگاه‌داده‌ها بررسی می‌شود. از این میان، چهار آمار درباره تهران دوره قاجار مدنظر قرار می‌گیرد: صورت عددخانه‌ها و سایر بناهای دارالخلافه طهران سال ۱۸۵۳^۶ (برابر با ۱۲۶۹ق.) و تعیین و ثبت محاط خندق شهر دارالخلافه سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰ (برابر با ۱۳۱۷ق.)، تشخیص نفوس دارالخلافه سال ۱۸۶۸ (برابر با ۱۲۸۵ق.) (نجم‌الدوله، ۱۳۵۳، ص ۳۴۹-۳۶۳؛ سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸، ص ۳۴۳-۳۵۵؛ سعدوندیان، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱-۱۱۴)، و کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه ۱۸۸۴.^۸ علت اصلی رشد جمعیت مهاجرت از ولایات دیگر

1. Nobuaki Kondo, "Migration and Multiethnic Coexistence in Qajar Tehran". In Hidemitsu Kuroki, ed. Human Mobility and Multiethnic Coexistence in Middle Eastern Urban Societies 1: Tehran, Aleppo, Istanbul, and Beirut (Tokyo: Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa, Tokyo University of Foreign Studies, 2015), pp.5-26.

۲. مؤسسه مطالعات فرهنگ‌ها و زبان‌های آسیایی و آفریقایی، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو؛

۳. دکترای تاریخ ایران، استادیار دانشگاه اوچانومیزو؛ توکیو

abe.naofumi@ocha.ac.jp

۴. کارشناسی‌ارشد تاریخ، کارشناس پژوهشی سازمان اوقاف و امور خیریه؛

rezaionmid@gmail.com

۵. در مورد نگاه کلی تحولات جمعیتی تهران دوره قاجار مراجعه کنید به:

Mansoureh Ettehadieh, "Patterns in Urban Development; the Growth of Tehran (1852-1903)". In Edmond Bosworth and Carole Hillenbrand, ed. Qajar Iran:



بود. آمار سال ۱۸۵۳ اصلیت و تعداد مهاجران از ولایات و توابع تهران را آشکار می‌سازد. به‌علاوه، ما می‌توانیم تاریخ اجتماع غیرمسلمانان همانند کلیمیان، ارامنه و زرتشتیان را به‌دست آوریم. در این پژوهش همزیستی اقوام در تهران دوره قاجار بحث می‌شود.

تحولات جمعیتی و توسعه شهر

آنچنان‌که پژوهشگران مختلفی اشاره کرده‌اند، جمعیت تهران در طول قرن نوزدهم رشدی سریع داشته است. الیویر، جهانگر فرانسوی، حدس زده است که نفوس تهران در سال ۱۷۹۶م. (۱۲۱۰ق.)، حدود پانزده هزار نفر است (Olivier, 1807, p.61). دوازده سال بعد، دوبره، یکی دیگر از جهانگردان فرانسوی، که در سال ۱۸۰۸م.، به تهران سفر کرد نفوس این شهر بین ۴۵ الی ۵۰ هزار نفر تخمین زده است (Dupre, 1819, p.186). بنابراین در حفاصل این مقطع جمعیت سه برابر شده است. بیش از چهار دهه پس از این در سال ۱۸۵۱م. (۱۲۶۷ق.)، یک جهانگرد انگلیسی به‌نام بینینگ اشاره کرده که نفوس شهر تقریباً هشتاد الی نود هزار نفر بود (Binnig, 1857, p.215). بریتانیایی دیگری به‌نام ایستویک، نفوس تهران را در سال ۱۸۶۰م. حدود صد هزار نفر گفته است (Eastwick, 1864, p.217).

منابع دولتی ایران بعد از سال ۱۸۶۰م. (۱۲۷۶ق.) اطلاعاتی در مورد این شهر ارائه می‌دهند، ولی این اطلاعات گنج‌کننده است. برای مثال، در تشخیص نفوس دارالخلافه سال ۱۸۶۸ تعداد سکنه ۱۵۵۷۳۶ نفر است (نجم‌الدوله، ۱۳۵۳، ص ۳۵۳). در سالنامه دولت ایران نفوس تهران در سال ۱۸۷۳، دویست و پنجاه هزار نفر و در سال ۱۸۷۴، دویست و هشتاد هزار نفر بود (سالنامه ایران، ۱۲۹۰، ص ۷۲؛ ۱۲۹۱، ص ۴۱). علاوه‌براین، در روزنامه ایران نوشته شده که در سال ۱۸۷۷م.، نفوس شهر به ۳۰۰ هزار نفر رسید (۱۲۹۴، ش ۳۱۸)، همین روزنامه در سال ۱۸۸۴م.، نفوس تهران را ۳۶۱۱۳۱ نفر اعلام کرده، ولی تعداد سکنه کل خانه‌ها و ابنیه دیگر در آمار به ۱۰۶۹۴۴ نفر رسیده است.^۱ ممکن است اکثر این ارقام شامل سکنه توابع تهران باشد؛ زیرا آمار ۱۹۳۲-۱۹۳۳ نشان می‌دهد که تعداد جمعیت شهر ۳۱۰۱۳۹ نفر است (سعدوندیان، ۱۳۸۰، ص ۳۱۵).

می‌توان گفت که در اواخر قرن نوزدهم میلادی، تعداد منطقی نفوس شهر تهران بیش از دویست هزار نفر بوده است؛ زیرا این تعداد نفر در هر دو گروه منابع ایرانی و اروپایی دیده می‌شود: در اثری اروپایی به‌نام المانخ دی گوتا منتشره در سال ۱۸۹۱م. (۱۳۰۸ق.) از ۲۱۰ هزار نفر (Almanach de Gotha, 1891, p.977)؛ و در اثری از عبدالغفار نجم‌الدوله منتشره در سال ۱۸۹۱ از ۲۵۰ هزار نفر (نجم‌الدوله، ۱۸۹۱)؛ و در اثر کرزن منتشره در سال ۱۸۹۲ از ۲۰۰ الی ۲۲۰ هزار نفر (Curzon, 1892, p.333)؛ و در اثر ای. اف. استهال منتشره در سال ۱۹۰۰ از

Political, Social and Cultural Exchange (Edinburg: Edinburgh University Press, 1983), 199-122; John Gurney, "The Transformation of Tehran in the Later Nineteenth Century," In Chahryar Adle and Bernard Hourcade, ed. Téhéran:Capitale bincentenaire (Paris/Tehran: Institut Français de Recherche en Iran, 1992), pp.54-58.

با آنکه مجموعه مقالات برجسته خانم اتحادیه درباره تهران دوره قاجار است، اما در مورد ترکیب جمعیتی چندان بحث نشده است. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به (اتحادیه، ۱۳۷۷).

6. Şuorat-i 'Adad-i Khānahhā-yi va Sāyir-i Bināhā-yi Dār al-khilāfah-i Tehrān. MS.Cambridge University. E.G. Browne Collection. Or Ms. K9 (9).

این منبع تاریخی در اثر منتشرشده‌ای به اسم آمار دارالخلافه تهران موجود است (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸، ص ۳۵-۳۴۵). با وجود این، اینجانب از نسخه اصلی استفاده کرده‌ام.

۷. حسن اخضر علی‌شاه، تعیین و ثبت [ابنیه] محاط خندق شهر دارالخلافه باهره. نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ادبیات ۲۰ ب. این منبع تاریخی در اثری به اسم آمار دارالخلافه تهران منتشر شده است: (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸، ص ۳۵۱-۶۵۱)؛ ولی اینجانب از نسخه اصلی استفاده کرده‌ام.

۸. کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه طهران. ... کتابخانه ملی ایران. برای معرفی از این آمارها مراجعه کنید به سعدوندیان، ۱۳۷۹. برای استفاده از نسخه خطی فوق بر خود لازم می‌دانم از آقای سعدوندیان تشکر کنم.

۱. کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه طهران. ممکن این تضاد به‌دلیل نقصان صفحاتی از نسخه خطی باشد، ولی این نظری قطعی نیست.



جمعیت ۲۵۰ هزاری نفری برای تهران یاد کرده است (Stahl, 1900, p.53). اگر این ارقام درست بوده باشند، جمعیت تهران در مقایسه با سال ۱۷۹۶م. (۱۲۶۹ق.) در دوره‌ای قریب به یک قرن، سیزده برابر شده است. همچنان که گیلبار متذکر شده است توسعه تهران نسبت به سایر شهرها بزرگ ایران در قرن نوزدهم میلادی بیشتر چشمگیر بوده است (Gilbar, 1976, p.150)^۱. بنابراین، در طول قرن نوزدهم جمعیت تهران بسیار سریع رشد کرد. علت چنین رشدی البته مهاجرت مردم از ولایات دیگر بوده است. علاوه بر این، محدوده شهری تهران در قرن نوزدهم گسترش یافت تا اواسط این قرن حصار شهر پابرجا بود، حصارهای که در طول روزهای قرن شانزدهم بنا شده بود. طول شهر از شمال تا جنوب ۲٫۷ کیلومتر و عرض آن از شرق تا غرب ۱٫۸ کیلومتر بود. محدوده شهر به پنج محله تقسیم شده بود: ارگ، عودلاجان، سنگلج، بازار و چال میدان. به دلیل رشد جمعیت دولت در ماه دسامبر سال ۱۸۶۷م. (رمضان ۱۲۸۴ق.) طرح گسترش دادن شهر را پیاده کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ص ۱۰۴). محدوده جدید شهر در نتیجه عرض شهر از شرق تا غرب ۳٫۳ کیلومتر و طول آن از شمال تا جنوب ۳٫۶ کیلومتر شد. در سال ۱۸۸۱م. (۱۲۹۹ق.)، پنج محله جدید به نام‌های دولت، عودلاجان، سنگلج، بازار و چال میدان ایجاد شد (سالنامه ایران، ۱۲۹۸، ص ۱۸) که هر محله خارج حصار سابق را نیز شامل می‌شد.

مهاجرت از ولایات

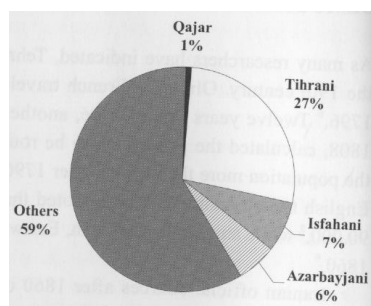
مهاجرت از ولایات در آمار جمعیت ۱۸۶۸م. تأثیر گذاشته است. بر اساس این منبع، تهرانی‌هایی که خودشان را تهرانی‌الاصل می‌دانند ۳۹۲۴۵ نفر از کل جمعیت ۱۴۷۲۵۶ نفری بوده‌اند که برابر با ۲۶٫۷ درصد از کل سکنه شهر را شامل می‌شده‌اند، گفتنی است در این آمار تعداد سربازان نیامده است (نجم‌الدوله، ۱۳۵۳، ص ۳۵۳-۳۵۴). به عبارت دیگر، حدود سه چهارم کل سکنه، خود را غیرتهرانی می‌دانسته‌اند.

گروه‌های دیگری که در این آمار معرفی شده‌اند عبارتند از اصفهانی‌ها (۹۹۵۵ نفر برابر با ۶٫۷ درصد)، آذربایجانی‌ها (۸۲۰۱ نفر برابر با ۵٫۶ درصد)، قاجارها یعنی طایفه قوم حکومتگر (۲۰۰۸ نفر برابر با ۱٫۴ درصد) بودند (نجم‌الدوله، ۱۳۵۳، ص ۳۵۴). تصور ما این است که تعداد آذربایجانی‌های ساکن تهران که ترک‌زبان هستند امروزه بیشتر از این باشد؛ اما چنین تصویری در قرن نوزدهم درست نیست، به طوری که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

علاوه بر این، این آمار می‌گوید که بقیه ۸۷۸۴۷ نفر سکنه دیگر از اهالی مناطق دیگر بوده‌اند؛ مانند کاشانی‌ها، شیرازی‌ها و عراقی‌ها (از اهالی مرکز ایران)، ولی در این میان کاشانی‌ها از نظر نفوس بیشتر بوده‌اند (نجم‌الدوله، ۱۳۵۳، ص ۳۵۳-۳۵۴). روشن است که مردم از ولایات

۱. می‌توان این ارقام را با حدس و گمان هم‌ری درباره تعداد نفوس سایر شهرها در اوایل قرن نوزدهم میلادی مقایسه کرد. مراجعه کنید به: (Hambly, 1964, pp.72-73).





نمودار ۱- خاستگاه مهاجرت در سال ۱۸۶۸ م. (۱۲۸۵ ق. / ۱۲۴۷ ش.)

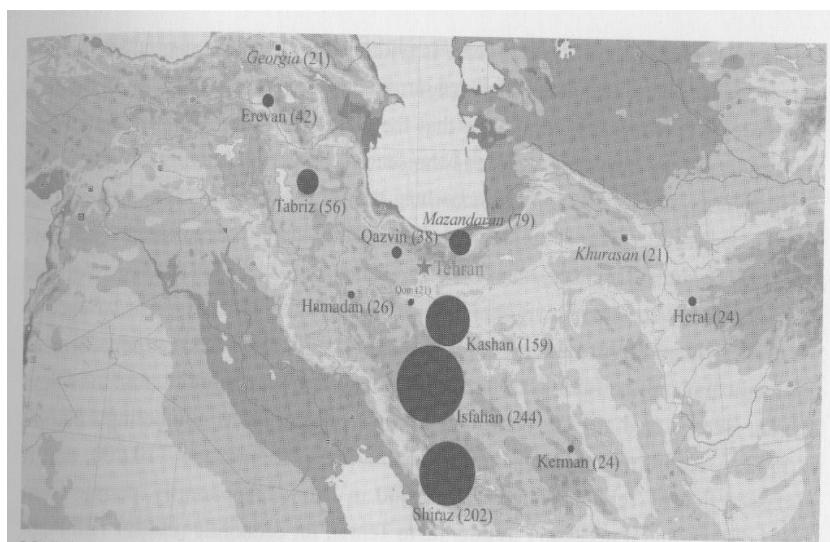
مختلف به تهران مهاجرت داشته‌اند؛ اما با استفاده از این آمار امکان بررسی بیش از وجود ندارد. بنابراین نسبت‌های اصلیت در «صورت اعداد خانه‌ها در سال ۱۸۵۳» بررسی می‌شود. در این آمار تعداد ۱۳۱۸۲ بنا همراه با اسامی مالکان آن‌ها آمده است. بر اساس یافته‌های این بررسی اسامی ۶۶۴۵ نفر صاحبان آن ابنیه مشخص شد و نسبت‌های آن‌ها بررسی شد، که از آن میان فقط ۱۵۸۲ اسم پسوند مکانی دارند همانند تهرانی و اصفهانی و ۴۱۲ نفر از مالکان پسوند طایفه‌ای دارند، مانند افشار و قاجار که خود جمعاً ۱۹۹۴ نفر برابر با سی درصد کل از مالکان را دربرمی‌گیرد که برای بررسی مهاجرت از ولایات این تعداد از نظر آماری کافی است (جدول ۱). بر اساس داده‌ها که در جدول ۱ آمده است، ۲۶ پسوند مکانی مالکان وجود دارد که کمترین پسوند حداقل برای ده نفر استفاده شده است، به عبارتی، حداقل ۶۹ جا و مکان هست که خودشان یا اجدادشان به تهران مهاجرت کرده بودند. در این جدول نه فقط شهرهایی از مرکز ایران (اصفهان، قم و کاشان)، بلکه شهرهایی از ولایات شمال غرب (تبریز)، ولایات غرب (همدان، کرمانشاه، هرسین، گلپایگان، بروجرد و تفرش)، ولایات شمالی (مازندران، نور و گرگان)، ولایات جنوب (شیراز)، ولایات جنوب شرق (یزد و کرمان) هم پیدا می‌شود. در این جدول ولایات خراسان نیز هست. ولی متأسفانه از مشهد کسی وجود ندارد؛ زیرا اسم مشهد معمولاً قبل از اسم به‌عنوان پیشوند زیارتی افتخارآمیز استفاده می‌شده است. بنابراین، دشوار است که کسی که چنین پیشوندی دارد معلوم نیست مشهدی‌الاصل بوده یا زائر مشهدالرضا، گرجستان، ایروان و هرات در دوره صفویه بخشی از ایران بود، که در دوره قاجار این مناطق از دایره حکومت آن‌ها جدا شد. این آمار مالکان ابنیه را به دو دسته تقسیم کرده است: نخست، نوکرها که مستخدم حکومت یا لشکر بوده‌اند و دیگری، رعایا یا همان تجار، اهالی اصناف و کسبه. با وجود این، قاجاریه برخلاف عثمانی نظام طبقات اجتماعی نداشتند؛ ولی در این آمار ابنیه برای صاحب‌خانه‌ها این تقسیم‌بندی دوگانه در نظر گرفته شده است.

جدول ۱- اصلیت و نسبت مکانی صاحب‌خانه‌ها و مالکان خانه‌ها در تهران سال ۱۸۵۳م. (۱۲۶۹ق./۱۲۳۲ش.)

اصلیت	تعداد نفوس	نوک‌ر	رعیت	غیره
تهران	۳۰۲ (۱۵٫۱ درصد)	۱۷	۲۷۷	
اصفهان	۲۴۴ (۱۲٫۲ درصد)	۱۲	۲۱۲	جهود ۱
شیراز	۲۰۲ (۱۰٫۱ درصد)	۲۵	۱۶۶	جهود ۳
کاشان	۱۵۹ (۸ درصد)	۱۰	۱۴۱	
مازندران	۷۹ (۴ درصد)	۲۸	۴۶	
تبریز	۵۶	۲۳	۲۷	
ایروان	۴۲	۳۲	۶	
قزوین	۳۸	۱۲	۲۴	
سمنان	۳۴	۲	۲۹	
هرات	۲۹	۲۳	۲۷	
همدان	۲۶	۶	۱۹	ارمنی ۱
کرمان	۲۴	۲	۱۹	
خراسان	۲۱	۲	۱۶	
قم	۲۱	۴	۱۰	
گرگی	۲۱	۱۴	۷	
تفرش	۱۹	۸	۹	
نور	۱۷	۱۳	۲	
یزد	۱۶	۰	۱۶	
گلپایگان	۱۵	۱	۱۲	
خرقان	۱۳	۳	۱۰	
گرگان	۱۲	۸	۳	
بروجرد	۱۲	۲	۹	
کرمانشاه	۱۱	۵	۵	
هرسین	۱۱	۱	۱۰	
لواسان	۱۰	۰	۱۰	
شمیران	۱۰	۱	۸	
۴۴ مکان دیگر	۱۳۸	۳۷	۹۴	



از میان مالکان این جدول، تهرانی در رتبه اول، اصفهانی در مقام دوم و شیرازی در جایگاه سوم قرار دارند. اصفهان و شیراز پایتخت‌های صفویه و زندیه بودند. بعضی از منابع اروپایی به‌طور اغراق‌آمیزی گفته‌اند که اصفهان در اوایل قرن نوزدهم بیش از دویست هزار نفر جمعیت داشته است. برای نمونه، چهارصد هزار نفر (Morier, 1812, p.171)؛ و دویست هزار نفر (Kinneir, 1813, p.111; Quseley, 1819, p.24). باوجوداین، مشخص است که تعداد زیادی از سکنه این شهر پس از سقوط صفویه این شهر را ترک کردند و یا ممکن است که بعضی از سکنه با روی کارآمدن قاجاریه به تهران مهاجرت کرده باشند. معروف است که وقتی آقا محمدخان برای اولین بار در پاییز ۱۷۸۵ م. (۱۱۹۹ ق.) به تهران وارد شد و تعداد زیادی از اصناف و معماران را از اصفهان با خود برد (ساروی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ چولاوی، ش ۴۱۶۱). این ماجرا ممکن است برای شیراز نیز اتفاق افتاده باشد، به‌ویژه برای دیوانسالاران. حداقل می‌دانیم که حاجی ابراهیم شیرازی که در خدمت زندیه بود به تهران آمد و اولین وزیر اعظم قاجاریه شد. معلوم می‌شود که تعداد نوکران شیرازی از نوکران تهرانی و اصفهانی بیشتر است.



نقشه ۱- مهاجرت از ولایات

ظاهراً، بعضی پیشه‌ها مخصوص اصفهانی‌ها و شیرازی‌ها بود. برای مثال، هشت نجار و شش زرگر از اصفهان آمده بودند؛ ولی بنا به داده‌های این تحقیق هیچ نجار و زرگری نسبت تهرانی نداشت و همچنین هیچ نجاری شیرازی نبود و فقط دو زرگر شیرازی بودند. از میان

شیرازی‌ها، پانزده نفر خباز، هفت نفر تنباکوفروش و شش نفر قاطرچی بودند که این پیشه‌ها را در میان مردم سایر شهرها به‌ندرت می‌توان دید.

بعد از اصفهان و شیراز، نسبت به دیگر شهرها، بیشتر مردم اهل کاشان بودند. فاصله بین کاشان-تهران، نسبت به شهرهای اصفهان و شیراز از تهران نزدیکتر است. این شهر در فاصله دویست کیلومتری از پایتخت واقع شده است. بنا به گفته اولیویه با آنکه کاشان یکی از مراکز تجاری و صنعتی محسوب می‌شد در دوره صفویه بالغ بر ۱۵۰ هزار نفر سکنه داشت؛ اما این جمعیت در سال ۱۷۹۶م. (۱۲۱۰ق.) به سی هزار نفر رسید (Olivier, 1807, vol 6, p.180). از میان کاشی‌ها، نه نفر بنا و نه نفر بقال و نه نفر بزاز بودند؛ ولی چنین پیشه‌هایی در میان تهرانی‌ها و اصفهانی‌ها نیز وجود داشت^۱. تنها پیشه‌ای که در میان کاشی‌ها وجود دارد که در میان مردمان دیگر شهرهای بزرگ دیده نمی‌شود پیشه «مقتی» است، که پنج نفر مقتی از کاشان هستند. این سه شهر (اصفهان، شیراز و کاشان) قبل از قرن نوزدهم رونق داشتند. اما در اوایل قرن نوزدهم تا حدی دچار رکود شدند. لذا، طبیعی است که مردم از این شهرها به پایتخت جدید آن زمان مهاجرت کنند.

مردم مازندرانی، تبریزی و ایروانی نیز چنین وضعیتی داشته‌اند. درصد نوکری مردم این مناطق بیش از تهرانی، اصفهانی، شیرازی و کاشی بود. به عبارت دیگر، مستخدم حکومت و لشکر بیشتر از آن مناطق بودند.

مازندران ولایتی در شمال تهران در کنار دریای کاسپین است و اکثر مناطق این ولایت با پایتخت فقط ۲۰۰ کیلومتر فاصله دارند. در بدو قدرت قاجارها مازندران اولین ولایتی بود که تصرف شد. از این رو، می‌توان حدس زد که قاجارها نوکران خود را از آنجا تأمین کرده باشند. به عنوان یک مثال خوب، می‌توان از دومین صدراعظم قاجار یاد کرد. او میرزا محمدشفیع مازندرانی است. از میان مازنی‌ها، دو نفر منشی، یک نفر لشکرنویس، یک نفر میرزای فراشخانه، یک نفر پیشکش‌نویس بوده‌اند. قصبه نور متعلق به مازندران است که سیزده نفر از اهالی آن در طبقه نوکرها داخل شده‌اند.

تبریز به عنوان مرکز ولایت آذربایجان در قلب شمال غرب کشور قرار دارد که سکنه آن در اواسط قرن نوزدهم میلادی بیش از تهران بود. آقای برزین در سال ۱۸۵۲م. (۱۲۶۸ق.) سکنه این شهر را ۱۲۰ هزار نفر تخمین زده است (Berezin, 1852, p.178). به گفته تامسون تبریز در سال ۱۸۶۸م. (۱۲۸۵ق.) جمعیتی بالغ بر ۱۱۰ هزار نفر داشته است که بیشتر از تهران ۸۵ هزار نفری بوده است (Thomson, 1867, p.249). ظاهراً، تبریزی‌ها به دلیل مسائل اقتصادی در خود نیازی برای مهاجرت به پایتخت احساس نمی‌کردند. با اینکه امروزه ما با تعداد زیادی آذری و ترک‌زبان در خیابان این شهر روبه‌رو می‌شویم، ولی داده‌های ما تعداد آن‌ها را ناچیز نشان

۱. در این آمار ۱۰ بنای تهرانی و ۹ نفر بنای اصفهانی آمده است. از میان بزازها ۱۰ نفر اصفهانی و ۹ نفر تهرانی دیده می‌شود. ۹ بقال تهرانی نیز در این آمار گزارش شده است.



می‌دهد؛ اما تعداد نوکرهای آن منطقه نشان می‌دهد که آن‌ها به‌علت مسائل سیاسی و دیوانی به پایتخت رفتند. معروف است که محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قبل از تاج‌گذاری و مهاجرت به تهران، به‌عنوان صاحب‌اختیار در تبریز اقامت داشتند. وقتی که آن دو نفر بعد از مرگ پادشاه سابق به پایتخت مهاجرت کردند نزدیکان و خدمه خود را با خود از تبریز بیرون بردند. در این آمار از میان تبریزی‌ها، نه نفر فراش، یک نفر منشی و یک نفر لشکرنویس بوده‌اند.

ایروانی به‌معنی «مردی از ایروان» و امروزه پایتخت جمهوری ارمنستان است. بعد از دومین جنگ ایران و روس در سال‌های ۱۸۲۶-۱۸۲۸ م. (۱۲۴۱-۱۲۴۳ ق.) بود که این منطقه از خاک ایران به روسیه منتقل شد. اسامی افراد آشکار می‌سازد که ایروانی‌ها به‌عنوان لشکر مسلمان محسوب می‌شده‌اند که بعد از جنگ از آنجا مهاجرت کردند. از میان آن‌ها، سه نفر سواره‌نظام و سه نفر توپچی پیدا می‌شود.

قزوین و سمنان شهرهایی متوسطی هستند^۱ که در فاصله تقریباً دویست کیلومتری از تهران واقع هستند. هرات در آن‌سوی مرزهای ایران است. حکومت قاجار ادعا داشت که هرات بخشی از ایران است. بنابراین دوبار با حمله نظامی به آن شهر سعی کردند آن را از افغانستان جدا کنند، که اقدام آن‌ها با موفقیت همراه نبود. باین‌حال، داده‌های آماری نشان می‌دهد که تهران ارتباط خود را با آن شهر که خود کانون رفت‌وآمدهای منطقه‌ای بود به‌خوبی حفظ کرده بود. هراتی‌ها اکثراً، رعیت محسوب می‌شدند: یک نفر دلال، یک نفر خیاط و یک نفر دالان‌دار. یکی دیگر از مناطق مهمی که مهاجران زیادی به تهران داشت گرجستان قفقاز است. همانند صفویه، قاجارها نیز گرجی‌ها را به‌عنوان غلام به خدمت می‌گرفتند. آن‌ها اکثراً، دین اسلام را پذیرفتند. از میان ۲۱ نفر گرجی، سه نفر از آن‌ها شهرت «حاجی»، سه نفر عنوان «خان» و هشت نفر عنوان «بیگ» داشته‌اند. چهارده نفر از آن‌ها در طبقه نوکری حساب می‌شده‌اند؛ زیرا اغلب اکثر آن‌ها را قاجارها به تهران برده بودند. لذا آنان با حکومت و دولت رابطه‌ای مستحکم داشتند^۲.

آن‌چنانکه پیش از این گفته شد مردم از کل مناطق و حتی بیرون از مرزها به تهران مهاجرت کرده‌اند. ولی نمی‌توان کسانی را که از حومه به داخل شهر مهاجرت کردند نادیده گرفت همانند شمیران (۱۰ نفر)، لواسان (۱۰ نفر)، دولا ب (۸ نفر)، شهریار (۷ نفر)، طالقان (۷ نفر)، فشند (۳ نفر)، دماوند (۳ نفر)، کن (۲ نفر)، فیروزکوه (۲ نفر)، نجم‌آباد (یک نفر) و شاه‌عبدالعظیم (یک نفر). کلاً مهاجران این مناطق ۵۴ نفر است که کمی کمتر از تبریزی‌هاست. اکثر آن‌ها در دسته «رعیت» و فقط سه نفر از آن‌ها نوکر بوده‌اند. طبیعتاً، مردم از مناطق روستایی به پایتخت مهاجرت کرده‌اند.

۱. به‌نظر تامسون در سال ۱۸۶۸ جمعیت قزوین ۲۵ هزار نفر، و به‌نظر کرزن در سال ۱۸۹۲ جمعیت سمنان ۱۶ هزار نفر بوده است

(Thomson, 1867, p.249; Curzon, 1892, vol 1, p. 291).

۲. درباره زندگی یک آقاسی ارمنی از اهالی گرجستان مراجعه کنید به:

(Kondo, 2005, p. 227-244).



شهر چند قومیتی

در ایران قرن نوزدهم کسانی که نسبت عشیره‌ای یا طایفه‌ای داشته‌اند در منابع مختلف نه وابستگی جغرافیایی آن‌ها بلکه بر اساس نسبت طایفه‌ای‌شان معرفی شده‌اند. جدول دوم که بر اساس صورت عدد خانه‌ها در سال ۱۸۵۳ نشان می‌دهد که چه تعداد از صاحب‌خانه‌ها از طوایف بوده‌اند.

جدول ۲- صاحب‌خانه‌های طایفه‌ای در تهران سال ۱۸۵۳ م. (۱۲۶۹ ق. / ۱۲۳۲ ش.).

گروه قبایل	صاحب‌خانه	نوکر	رعیت	غیره
افشار	۸۰ (۴٪)	۳۵	۱۶	
قاجار	۶۳ (۳٫۱٪)	۵۸	۳	
عرب	۵۷	۱۳	۳	
ترکمن	۴۳	۲		ترکمن ۴۰
خلج	۳۸	۱۳	۲۱	
کردیچه	۳۵		۲	
شاهسون	۲۵	۱۸	۵	
بختیاری	۲۳	۲	۲۰	
ترک	۱۷	۸	۶	
گندشلو	۱۱	۳	۸	
کرد	۶	۳	۳	
ترک مافی	۵	۵		
گروسی	۲			

بزرگ‌ترین گروه از طوایف در تهران افشارها بوده‌اند. افشارها ترک‌زبان‌هایی بودند که در مناطق مختلف ایران همانند ارومیه، زنجان، قزوین، خوزستان، کرمان، خراسان، فارس و مازندران پراکنده بودند. برخی از افشارها از حومه به داخل شهر تهران وارد شدند (Dupre, 1819, vol 2, p.457). حداقل، نهصد چادر و خانه متعلق به افشار در منطقه بین تهران و قزوین در اواسط قرن نوزدهم میلادی وجود داشته است (Sheil, 1856, p.397). ۵۴ نفر صاحب‌خانه افشار در محله سنگلج پیدا می‌شود که خانه هجده نفر از آن‌ها در کوچه افشارهاست (uorat-I Ādad-I Khānahhā, ff 95b-97a.۵). در نقشه



۱۸۵۸م. دو کوچه به اسم افشار وجود دارد، که علاوه بر محله سنگلج، دیگری در محله چال میدان است. معروف‌ترین شخص از این طایفه، سلیمان خان افشار قزوینی است که در اواسط قرن نوزدهم بود که به عنوان یک سردار مستخدم حکومت موفق شد چندین شورش را سرکوب کند (مراجعه کنید به: بامداد، ۱۳۶۳، ص ۱۱۶-۱۱۸). از میان افشارها، سوای چهار نفر سواره، پیشه‌های دیگری همانند یک نفر بقال، یک نفر کلاهدوز، یک نفر تنباکوفروش هم موجود است.

دومین گروه از طوایف، قاجارهایی که از استرآباد آمدند، بودند. خاندان سلطنتی از این گروه بودند. می‌توان این داده‌ها را با داده‌های آماری تشخیص نفوس دارالخلافه سال ۱۸۶۸م. مقایسه کرد.

در صورت عددخانه‌های سال ۱۸۵۳ قاجارهای صاحب‌خانه در محله عودلاجان، خاصه در نزدیک دروازه شمیران منزل داشته‌اند. جدول ۳ نشان می‌دهد که توزیع قاجارها در داخل شهر با داده‌های آماری تشخیص نفوس دارالخلافه سال ۱۸۶۸ منطبق است. اکثر این صاحب‌خانه‌ها به دسته نوکرها یعنی مستخدمان حکومت تعلق داشتند. ۳۸ نفر از آن‌ها عنوان خانی داشتند.

جدول ۳- خانه و جمعیت قاجارها

خانها	ارگ	عودلاجان	بازار	سنگلج	چال میدان	خارج از شهر	جمع
در آمار ۱۸۵۳م.	۵	۵۶	۹	۲	۱۷	۰	۸۹
جمعیت در آمار ۱۸۶۸م.	۷۰	۱۲۶۸	۳۵۸	۱۰۴	۹۱	۱۱۷	۲۰۰۸

سومین گروه، عرب‌ها بودند. آن‌ها باید از گروه‌های مختلفی همانند عرب‌های خوزستان و مهاجران عرب عراقی تبار تشکیل شده باشند؛ ولی اکثر ساکنان تهران شاید از حومه این شهر آمده باشند. ده هزار چادر و خانه در اطراف تهران به اینها تعلق داشته است. بعضی از آن‌ها در دماوند سکونت داشتند (Sheil, 1856, p.397). آن‌ها به جای عربی، دیگر به فارسی سخن می‌گفتند با وجود این، خود را عرب معرفی می‌کردند.^۱ در شهر تهران دو محله بود که عرب‌ها بیشتر در آنجا سکونت داشتند: یکی، محله عرب‌ها در عودلاجان و دیگری، کوچه و گذر

۱. چنان‌که دویره گفته است چند خانوار عرب‌بسطامی در تهران سکونت داشته‌اند (Dupre, 1819, vol 2, p.466).

عرب‌ها در چال میدان. آن‌ها اکثراً، در دسته رعیت یعنی مردم عادی محسوب می‌شدند. از میان دسته نوکرها، سربازهای عرب هم دیده می‌شود. در دسته رعایای عرب، یک نفر دست‌فروش، یک نفر دلاک و یک نفر گاودار بودند.

ترکمن‌ها در مرزهای شمال شرقی، خاصه استرآباد سکونت دارند. آقامحمدخان به‌عنوان گروگان برخی از خانواده‌های وابسته به طوایف ترکمن یموت و گوکلان به تهران فرستاد. علاوه‌براین، او را بعضی از ترکمن‌ها در قالب «سوار» همراهی کردند (ساروی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۳).^۱ آن‌ها اکثراً در ارگ و سنگلج سکونت داشتند. آمار خانه‌ها آشکار می‌سازد که آن‌ها به دسته رعیت و نوکر تعلق نداشته‌اند، زیرا به احتمال زیاد سنی بوده‌اند. بنا به آمار ۲۰۷ خانوار در ۱۱ خانه واقع در کوچه ترکمن‌ها در سنگلج سکونت داشته‌اند (uorat-I Ādad-I Khānahhā, f.122b). در نقشه ۱۸۵۸ م. محله ترکمن‌ها در سنگلج مشخص شده است.

سه گروه بعدی، خلیج‌ها، کردبچه‌ها و شاهسون‌ها نیز از طوایف اطراف تهران بودند. خلیج‌ها ترک‌زبان‌هایی بودند که در جنوب تهران حوالی قم و ساوه مستقر بودند (Dupre, 1819, vol 2, p.463). در صورت عدد خانه‌های سال ۱۸۵۳ از کوچه خلیج‌ها یاد شده است (uorat-I Ādad-I Khānahhā, ff.118b-119a). در نقشه سال ۱۸۵۸ محله خلیج‌ها در منطقه بازار قرار دارد. بنا به آمار مذکور بعضی از خلیج‌ها لشکری بودند. آن‌ها شامل سه نفر توپچی، دو نفر قورخانه‌چی و از میان مردم عادی، دو نفر سقا و دو نفر تیرفروش بوده‌اند. کردبچه‌ها که لک و کرد بودند در چهارصد چادر در حومه تهران می‌زیستند (Sheil, 1856, p.397).^۲ آن‌ها در سنگلج ساکن بودند و کوچه‌ای به اسم این طایفه در آنجا موجود است (uorat-I Ādad-I Khānahhā, f.121a-b). شاهسون‌ها نیز ترک‌زبان بودند با اینکه امروزه شاهسون به آذربایجانی شهرت دارد (درباره این طایفه مراجعه کنید به: Tapper, 1997)؛ ولی در اواسط قرن نوزدهم در حوالی تهران، قم، قزوین و زنجان با نه هزار چادر پراکنده بودند (Sheil, 1856, p.397). اکثر آن‌ها در دسته نوکرها بودند. از میان شاهسون‌ها، از یک نفر سرتیپ و پنج نفر غلام در آمار مزبور نام برده شده است. اینها محله‌ای به نام خود نداشتند.

بختیاری‌ها یکی از بزرگ‌ترین گروه طوایف ایران را تشکیل می‌دهند که امروزه در کوه‌های زاگرس می‌زیند و لهجه خاص خود را دارند که از گروه زبان‌های ایرانی است (درباره بختیاری‌ها در قرن ۱۹ میلادی مراجعه کنید به: Garthwaite, 1983; Khazeni, 2010). اما بختیاری‌هایی که در آمار مذکور دیده می‌شود شاید مستقیماً از محل اصلی خودشان به تهران نیامده بودند. در سال ۱۷۶۴ کریم‌خان زند بختیاری‌های هفت‌لنگ را به قم و ورامین کوچ داد (Perry, 1979, p.111). بنابراین بختیاری‌های تهران از بازماندگان آن‌ها هستند. در آمار مذکور اکثر بختیاری‌ها در دسته رعیت محسوب شده‌اند، یعنی به‌عنوان مردم عادی. از میان آن‌ها دو

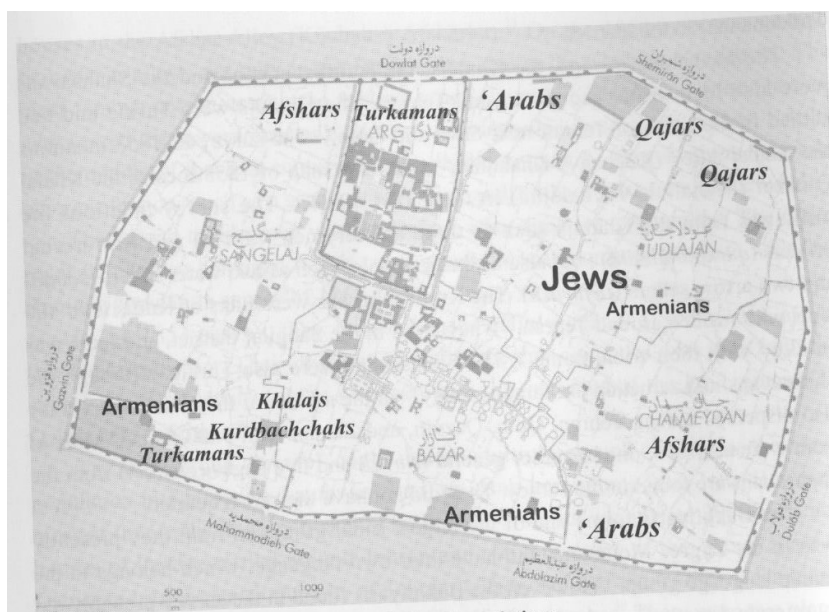
۱. چهل بچه از بچه‌های بزرگان گوکلان به‌عنوان غلام در خدمت قاجار درآمدند و ۵۰۰ نفر طایفه گوکلان به‌صورت اسب‌سوار به لشکر قاجار پیوستند (ساروی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۶).

۲. همان‌طوری که منوچهر ستوده اشاره کرده اجتماع کردبچه‌ها در دماوند، رودهن و خوار وجود داشته است (۱۳۸۵، ص ۳۹۳).



نفر قصاب، سه نفر بقال، یک نفر تاجر و یک زرگر دیده می‌شود. ممکن است که آن‌ها آداب و رسوم طایفه خود را از دست داده بودند.

یکی دیگر از گروه‌های قومیتی در آمار مزبور، برده‌های سیاه‌پوستی هستند که آفریقایی‌الاصل بوده‌اند. برای معرفی آن‌ها فقط از کلمه «سیاه» استفاده شده است. در صورت عدد خانه‌های سال ۱۸۵۳م، فقط، سه نفر صاحب‌خانه «سیاه» وجود دارد. در داده‌های آماری تشخیص نفوس دارالخلافه سال ۱۸۶۸ از ۷۵۶ نفر خواجه و غلام سیاه (۰٫۵ درصد) و ۲۵۲۵ نفر کنیز سیاه (۱٫۷ درصد) جمعاً ۳۲۸۱ نفر که ۲٫۲ درصد از جمعیت کل تهران را شامل می‌شد (نجم‌الدوله، ۱۳۵۳، ص ۳۵۴) که تعداد آن‌ها نسبت به گروه‌های دیگر غیرمسلمان بیشتر بود. چنانکه ملاحظه شد گروه‌های مختلف طوایف شامل ترک‌زبان‌ها، ایرانی‌ها، عرب‌ها و کردها در شهر تهران سکونت داشته‌اند. در سال ۱۸۵۳ اکثر گروه‌ها محلی خاص خود داشتند که داخل و در جوار حصار شهر بود. ولی معلوم نیست که آیا آن‌ها در سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۰ همچنان در همان محله‌های خاص سکونت داشته‌اند یا نه؟ به‌علاوه، تعداد زیادی از برده‌ها در این شهر زندگی می‌کردند که جمعیت‌شان بیشتر از تعداد نفوس گروه سلطنتی قاجارها و دیگر اقلیت‌های مذهبی می‌شد. با توجه به این تهران آن دوره شهری چند قومیتی محسوب می‌شده است.



نقشه ۲- پراکندگی و توزیع جمعیت طوایف و اقلیت‌های مذهبی

۱. ریکس و فلور قبلاً به این داده‌ها اشاره کرده‌اند، ولی هر دو تعداد کنیزها را غلط اعلام کرده‌اند. آن‌ها به‌جای ۲۵۲۵ عدد ۳۰۱۴ را گفته‌اند. آقای ریکس تعداد برده‌های سفیدپوست را ۱۱۷۷ نفر برشمرده است، اما شمارش او بدون هیچ پایه و اساسی است. در آمار نفوس هیچ سخنی دربارهٔ بردهٔ سفیدپوست به میان نیامده است (Ricks, 2001, p.413-414; Floor, 2012, p.263-264).

۲. در آمار سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۰ کوچهٔ قاجارها در عودلاجان و کوچهٔ قاجار در سنگلج همچنان وجود دارند، ولی فقط یک صاحب‌خانه اسم این طایفه را داشت. در محلهٔ عرب‌ها در کوچهٔ ترکمن‌ها در دولت چند نفر ترکمن در یک خانه زندگی می‌کردند. در چال میدان فقط یک صاحب خانه اسم عرب داشته است. در این آمار اسم کوچهٔ کردیچه‌ها هست، ولی شخصی با اسم این طایفه وجود ندارد. مراجعه کنید به: اخضر علیشاه، تعیین و ثبت، چال میدان، ص ۲-۵، ۶۴-۶۱؛ عودلاجان، ص ۱۲-۱۷؛ دولت، ص ۷۳-۷۵؛ سنگلج، ص ۶۵-۶۶.

اقلیت‌های مذهبی

داده‌های آماری تشخیص نفوس دارالخلافه سال ۱۸۶۸ نشان می‌دهد که تعداد اندکی از غیرمسلمانان یعنی کلیمیان با ۱۵۷۸ نفر برابر با ۱٫۱ درصد، ارامنه با ۱۰۰۶ نفر برابر با ۰٫۷ درصد، زرتشتیان با ۱۱۱ نفر برابر با ۰٫۱ درصد و فرنگی‌ها با ۱۳۰ نفر برابر با ۰٫۱ درصد - که احتمالاً اکثر آن‌ها مسیحی بودند- در تهران سکونت داشته‌اند. بنابراین، جمعاً، اجتماع غیرمسلمان‌ها بالغ بر ۲۸۲۵ نفر برابر با ۲ درصد می‌شد.

با وجود اینکه، تعداد آن‌ها نسبتاً کم است؛ اما نقش کمرنگی در تهران قاجاریه نداشتند و آن‌ها بیش از قاجارها بودند. آنچنان که در منابع مسلمانان اشاره کرده‌اند ظاهراً با اقلیت‌ها به‌طور علنی با آن‌ها به‌صورت تبعیض‌آمیز برخورد نمی‌شده و تحت فشار نبوده‌اند، برخلاف نظر برخی پژوهشگران امروزی که از منابع اقلیت‌ها استفاده کرده‌اند. با آنکه شناسایی براساس نسبت در کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه سال ۱۸۸۴ و تعیین و ثبت محاط خندق شهر دارالخلافه سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰ امکان‌پذیر نیست، ولی می‌توان جمعیت غیرمسلمانان را به این شیوه هویدا کرد. در ادامه، تحولات هر یک از اقلیت‌ها را بنا به آمارها بررسی خواهد شد.

الف- کلیمیان

در میان پژوهش‌های اقلیت‌های مذهبی مربوط به ایران دوره قاجار، تحقیقات در مورد کلیمیان نسبتاً زیاد است (لاوی، ۱۳۳۴، ج ۳، ص ۵۰۶-۸۱۶؛ Tsadik, 2005, Levy, 1999, p.365-466; idem, 2007; Yeroushalmi, 2010, p.275-282). این تحقیقات مخصوصاً براساس منابع اروپایی و یا خود کلیمیان انجام شده است که هیچ‌کدام از آن‌ها از آمارهای تهران بهره نبرده‌اند.

محله یهودی‌ها در مرکز عودلاجان واقع بود. بنا به داده‌های آماری صورت عدد خانه‌های سال ۱۸۵۳ همه ۱۲۱ خانه کلیمیان در محله یهودی‌ها با هفت معبد و یک حمام قرار داشت. آمار مذکور اسم کدخدای کلیمی‌ها را معرفی کرده است. علاوه‌براین، ۱۶ کلیمی با عنوان «ملا» معرفی شده‌اند که شاید آن‌ها از علوم دینی بهره‌مند بوده‌اند. در آمار مذکور پیشه ۳۸ نفر کلیمی ذکر شده است: ۸ نفر زرگر، ۷ نفر پیله‌ور، ۶ نفر تیزآب‌گر، ۳ نفر جواهری، ۳ نفر قصاب، ۲ نفر دلاک، ۲ نفر چرختاب، ۲ نفر خاک‌شور، ۲ نفر شیرک‌چی، یک نفر دلال، یک نفر بقال و یک نفر حکاک. آن‌ها در این محله ۱۸ دکان داشته‌اند: ۱۲ دکان زرگری، ۴ دکان قصابی و ۲ دکان بقالی (S. 40b-41b, ff. 40b-41b, uorat-I Ādad-I Khānahhā, ff. 40b-41b). گفتنی است فقط در بازار بزرگ تهران در این حدود دکان زرگری (۱۳/۵ دکان) وجود داشت. بنابراین، محله یهودی‌ها یکی از دو مرکز خرید و فروش طلا در این شهر بود. بنجامین دوم نوشته است که «حتی در خیابان‌های محله خودشان اینان اجازه نداشتند دکانی باز کنند» (Benjamin II, 1859, p.211).



ولی حداقل چنین عقیده‌ای در تهران صحیح نیست. نظری که بر اساس داده‌ها می‌توان مطرح کرد با وصف فسرده حبیب لوی در مورد محله موردنظر که آنجا را حلبی‌آباد (ghetto) نامیده، شباهت ندارد (لاوی، ۱۳۳۴، ج ۳، ص ۶۷۶-۶۸۳؛ Levy, 1999, p.438-442). حداقل، بنا به گزارش چند نفر از اروپاییان، اوضاع کلیمیان تهران، بهتر از هم‌کیشان آن‌ها در اصفهان و شیراز بوده است (Joseph, 1837, p.198). در سال ۱۸۶۸ (۱۲۸۵ ق.) تامسون در گزارشی در باب کلیمیان تهران چنین آورده است: «مالیات بسیار اندک است. یهودیان تحت ستم نیستند» (Thomson, 1867, p.257).

از داده‌های آماری کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه سال ۱۸۸۴ می‌توان متوجه شد که اجتماع کلیمیان تهران با چندان تحولی مواجه نشده است. آنان در عودلاجان سکونت داشتند و خاصه در مرکز. علاوه‌براین، در نقشه سال ۱۸۹۱ محله یهودی‌ها و کوچه به‌نام آن‌ها وجود دارد که در آنجا ۲۷۶ مرد، ۳۲۱ زن و ۴۵۰ بچه در ۱۰۸ خانه متعلق به این قوم سکونت گزیده بودند (کتابچه تعداد نفوس، ۵۱ الف - ب، ۶۳ الف، ۶۷ الف - ب). به‌طور میانگین ۹٫۷ نفر در یک خانه زندگی می‌کردند. تعداد خانه‌ها نسبت به آمارهای سابق کمی کمتر شده است. ولی ممکن است که این تغییر به‌دلیل بروز اشتباه در کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه سال ۱۸۸۴ باشد. متأسفانه، در آمار اخیر پیشه اکثر کلیمیان ثبت نشده است. فقط یک نفر ملا، یک نفر جواهری، یک نفر عطار و یک نفر مال‌فروش بازگو شده است. به‌هرحال، یک تغییر قابل‌توجه این است که دو کاروان‌سرای یهودی‌ها در سنگلج وجود داشته است که یکی غیرمسکونی و در دیگری ۵۵ نفر سکونت داشته‌اند (کتابچه تعداد نفوس، ۲۷ ب، ۳۱ الف). معلوم نیست که کل کاروان‌سرا مورد استفاده آن‌ها بوده است یا نه؟ ولی ممکن است که چند نفر از آن‌ها در آنجا کار می‌کرده‌اند.

یروشلمی گزارش جالبی در سال ۱۸۷۵ م. (۱۲۹۲ ق.) در پاریس منتشر کرده است. این گزارش را رئیس خاخام‌ها به رئیس انجمن اسرائیلیان جهان نوشته است. در این گزارش چنین آمده است:

اولاً، درباره کلیمی‌هایی که امروز در تهران زندگی می‌کنند، اینها از شهرهای شیراز، اصفهان، یزد، دماوند و همدان آمده‌اند و پیشه آنها دوره‌گردی و سرزدن به خانه‌های مسلمانان برای خرید البسه کهنه است تا آنها را به تجار مسلمان بفروشند. آن‌ها غیر از این راهی برای معیشت ندارند. زیرا علمای اسلام اجازه نمی‌دهند که کلیمیان در بازار بنشینند و به داد و ستد بپردازند (Yeroushalmi, 2010, p 246; Tsadik, 2005, p.119-120).

این گزارش به‌خوبی نشان می‌دهد که کلیمیان همانند مسلمانان از ولایات مختلف به تهران مهاجرت می‌کرده‌اند؛ اما در این گزارش، اعرافی نیز مشهود است. زیرا قصد نویسنده این



بوده که از آن انجمن کمک دریافت کند. به عبارت دیگر، در صورت عدد خانه‌های سال ۱۸۵۳ و کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه سال ۱۸۸۴ چند مورد از پیشه‌های کلیمیان ثبت شده است. بنابراین کلیمیان تهران از آنچه رئیس خاخم‌ها ادعا کرده موفق‌تر بوده‌اند.

داده‌های آماری تعیین و ثبت محاط خندق شهر دارالخلافه سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰ تحولات گسترده‌ای را در اجتماع کلیمیان آشکار می‌سازد. محل سکونت آن‌ها در عودلاجان به سه پاطوق تقسیم شده است. محله یهودی‌ها که شامل ۶۷ باب خانه می‌شد در پاطوق نایب محمدصادق واقع بود. این پاطوق دارای ۴۹ باب دکان و یک تیمچه وجود داشت که به کلیمی‌ها اختصاص داشت. در پاطوق نایب اسماعیل، کوچه یهودی‌ها قرار داشت که در آنجا یک معبد و ۸۹ باب خانه و ۳۸ باب دکان متعلق به کلیمی‌ها وجود داشت. بنا به همین آمار در پاطوق نایب حیدر «خانه یهودی‌ها» شامل ۷۶ باب است. ظاهراً اکثر خانه‌ها در کوچه یهودی‌ها و «خانه یهودی‌ها» تحت مالکیت آن‌ها بوده است. خلاصه اینکه کلیمیان در عودلاجان ۸۷ باب دکان و یک تیمچه داشته‌اند که این تعداد دکان تقریباً پنج برابر بیشتر از دکان‌های آن‌ها در سال ۱۸۵۳ م. است.

به هر حال، تحول دیگری در مسکن کلیمیان رخ داد. از میان ۶۷ باب خانه در محله یهودی‌ها حداقل چهار باب تحت مالکیت مسلمانان درآمد. به علاوه، یک تکیه که برای مراسم شیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد در محله یهودی‌ها به وجود آمد. به عبارت دیگر، این محله دیگر خاص کلیمیان نبود. جمعیت آن محله دیگر به صورت یکدست به کلیمیان اختصاص نداشت. به علاوه، در همین آمار ۲۲ باب خانه یهودی‌ها در گذر حسن پلیس در پاطوق نایب محمدصادق ثبت شده است. در این گذر ۱۱۲ باب خانه دیگر متعلق به مسلمانان بود که نشان می‌دهد جمعیت مسلمانان در آنجا بیشتر بوده است. یک خانه هم به اسم جدیدالاسلام ثبت شده است.

نسبت به داده‌های آمارهای سابق، در داده‌های آماری تعیین و ثبت محاط خندق شهر دارالخلافه سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰ تعداد بیشتری از خانه‌ها و دکان‌های کلیمیان در خارج عودلاجان قرار دارد. چنان که پنج باب خانه در سنگلج و یک باب خانه در دولت در این آمار آمده است. به علاوه، چهار قطعه باغ در سنگلج و ۲۶ باب دکان و دو باب کاروان سرا در دولت به اسم کلیمیان ثبت شده است. همچنین از «تاجر» کلیمی در این زمان نام برده شده که در آمارهای سابق چنین پیشه‌ای برای آن‌ها گزارش نشده است. او یک باب خانه در سنگلج داشته است. فعالیت اقتصادی کلیمیان در خارج از عودلاجان هم ادامه داشته است (اخضر علیشاه، تعیین و ثبت، سنگلج، ص ۳-۴، دولت، ص ۶۶ و ۷۰).

تسادیک (Tsadik) نوشته است: «مسلمانان اغلب قدغن کرده‌اند که کلیمیان در بازارهای



شهر دکانی باز کنند این وضعیت تا سال ۱۹۰۴ [برابر با ۱۳۲۲ق.] در شیراز و تهران ادامه داشت» (Tsadik, 2005, p.277; 2007, p.10). حال آنکه قبل از این تاریخ یعنی در اواخر قرن نوزدهم میلادی، کلیمیان توانسته‌اند دکان‌ها و کاروان‌سراهایی در خارج از محله یهودی‌ها و کوچه یهودی‌ها داشته باشند. به علاوه، در محله یهودی‌ها، سی درصد خانه‌ها به مسلمانان اختصاص داشته است. در گذر حسن پلیس که محله‌ای مسلمان‌نشین بود شانزده درصد خانه‌ها در مالکیت کلیمیان بوده است. لذا از قرار معلوم مسلمانان و کلیمیان تا اواخر قرن نوزدهم میلادی به طور در هم آمیخته‌ای با هم می‌زیسته‌اند.

ب- ارامنه و مسیحیان

در ایران دوره قاجاریه جمعیت مسیحیان بیش از کلیمیان و زرتشتیان بوده است. بنا به گزارش تامسون – که در سال ۱۸۶۸ منتشر شده – جمعیت اقلیت‌های مذهبی در ایران به قرار زیر است: نسطوریان ۲۵ هزار نفر؛ ارامنه ۲۶۰۳۵ نفر؛ یهودیان ۱۶۰۳۰ نفر؛ زرتشتیان ۷۱۹۳ نفر (Thomson, 1867, p.225-258). به‌هرحال، مسیحیان تهران در دوره قاجار بیشتر ارمنی بودند. تعداد جمعیت آن‌ها اندکی کمتر از کلیمیان بود. بر اساس گزارش تامسون در تهران ۸۰۰ نفر ارمنی زندگی می‌کرده‌اند که کمتر از اهالی ارمنی شهرهای تبریز (۲۲۰۰ نفر) و جلفای اصفهان (۲۰۰۰ نفر) و در روستا همانند فریدون (۶۵۰۰ نفر)، کمره (۲۴۵۰ نفر) و ارومیه – سلماس (۲۴۱۵ نفر) بوده است (Thomson, 1867, p.266). احتمالاً تعداد اندک ارامنه در تهران باعث شد تا پژوهشگران جدید به جمعیت ارامنه در تهران توجهی چندانی نداشته باشند (Amurian et al. 1998; Bournoutian, p.57).

در صورت عدد خانه‌های سال ۱۸۵۳ ارامنه در سه منطقه یعنی عودلاجان، بازار و سنگلج سکونت داشته‌اند. در عودلاجان کل سیزده باب خانه آن‌ها با «میخانه» بوده است. بر اساس آمار مذکور در آن زمان غیر از اینها میخانه‌ای در تهران ثبت نشده است. لذا، این منطقه برای شراخیواران بسیار اهمیت داشته است (uorat-I Ādad-I Khānahhā, f.40aṣ). «کوچه ارمنی‌ها» در سنگلج ۴۲ باب خانه داشت. هرچند این آمار اشاره نمی‌کند که قدیمی‌ترین کلیسای تهران یعنی «کلیسای سنت جورج»^۱ در سال ۱۷۹۵ (۱۲۰۹ق.) بنا شده است (ملکومیان، ۱۳۸۰، ص ۹۶-۹۷). کدخدای آن‌ها در کوچه ارمنی‌ها منزل داشت. علاوه‌براین، ۶ باب خانه ارمنی پشت باغ خسروخان وجود داشت که بقیه پنجاه باب خانه دیگر به مسلمانان اختصاص داشت (uorat-I Ādad-I Khānahhā, ff.121b-123aṣ). به عبارت دیگر، ارامنه توانستند که در منطقه مسلمان‌نشین سکونت کنند.

کوچه دیگری به اسم ارمنی‌ها در محله بازار وجود داشت که در آن یک کلیسا^۲ و ۲۷ باب

1. Surp Gevurk

۲. در آمار اسم این کلیسا ثبت نشده است. ولی اسم آن تادئوس باروتوگیموس (Bartuqimivus) است که در سال ۱۸۰۸ ساخته شد. مراجعه کنید به: (ملکومیان، ۱۳۸۰، ص ۹۶-۹۸).

خانه وجود داشت که یک کدخدا هم در آنجا زندگی می‌کرد. ارامنه در خارج از این کوچه در محله بازار هفت باب خانه و دو باب داشتند. مالکان این خانه‌ها در دسته نوکرها قرار داشتند. دو نفر از آن‌ها عنوان خانی داشتند (uorat-I 'Adad-I Khānahhā, ff.58a, 61b, 67b, 68a, 69b, 70b, 80a).^۱ یک کاروان‌سرا به اسم «کاروان‌سرای ارامنه» در بازار وجود داشته است. با اینکه این کاروان‌سرا متعلق به یک خانم مسلمان بوده، اما ارامنه در آنجا فعالیت اقتصادی داشتند (Suorat-I 'Adad-I Khānahhā, f.172b).^۲ میرزا یعقوب که مترجم سفارت روسیه و معلم خصوصی شاهزاده‌های قاجار بود در محله ارگ یک باب خانه داشت (Suorat-I 'Adad-I Khānahhā, f.72 b). متأسفانه در آمار مذکور پیشه ارامنه را کمتر ثبت کرده‌اند: یک نفر شیشه‌بر، یک نفر زرگر، یک نفر آشپز.

درحالی‌که در صورت عدد خانه‌های سال ۱۸۵۳ برای ارامنه از کلمه «ارمنی» استفاده شده، در کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه سال ۱۸۸۴ دو کلمه «ارمنی» و «مسیحی» به کار رفته است. هرچند معلوم نیست که چرا در سال ۱۸۸۴ از این دو کلمه به‌طور جداگانه استفاده شده‌است، یک گروه مسیحی جدید با نام میسیونرهای پرسبیتری^۳ بعد از سال ۱۸۷۲ به تهران وارد شد. در سال ۱۸۷۶ کلیسای پرسبیتری با دوازده عضو در تهران تأسیس شد: یازده نفر ارمنی و یک نفر مسلمان از دین برگشته^۴ سال ۱۸۸۲ (۱۲۹۹ق.) این کلیسا ۲۹ عضو داشت و در سال ۱۸۸۳ آن‌ها قرب دروازه شمیران قدیم کلیسای جدیدی را بنا کردند (Waterfield, 1890, p 168-241, p. 246).

براساس کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه سال ۱۸۸۴ ارامنه در آن سال هنوز در محله‌های سنگلج و بازار که در آن‌ها کلیساهایی داشتند تجمع داشتند. تعداد جمعیت آن‌ها در سنگلج بطور تقریبی همان تعداد سال ۱۸۵۳ میلادی باقی مانده بود. یعنی در ۴۱ باب خانه ارامنه، ۹۶ مرد، ۱۰۱ زن و ۱۰۹ بچه سکونت داشتند. به‌علاوه، یک باب خانه مسیحی هم در سنگلج که یک مرد، یک زن و دو بچه در آن زندگی می‌کردند وجود داشت. خانه‌هایی ارامنه و مسیحیان در این محله پراکنده بوده‌اند (کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه طهران، ۱۲ الف - ۱۴ الف، ۱۹ الف، ۳۲ ب - ۳۳ الف، ۳۵ ب - ۳۶ الف، ۳۷ الف - ب، ۳۹ الف، ۴۵ الف).

در کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه سال ۱۸۸۴ نه باب خانه در کوچه ارمنی‌ها در محله بازار به ثبت رسیده که ۱۵ نفر مرد و ۲۲ نفر زن در آنجا سکونت داشتند. البته، ارامنه و مسیحیان در خارج از کوچه ارمنی‌ها در همان محله می‌زیسته‌اند. شانزده باب خانه مسیحی و یک باب خانه ارمنی در داخل حصار قدیمی وجود داشت. ده باب خانه ارمنی‌ها نیز بیرون از دروازه شاه عبدالعظیم بود (۱۰۴ ا، ۱۲۰ ب).

تجمع ارامنه در عودلاجان که خانه‌های آن‌هایی می‌خانه‌دار بود قبل از سال ۱۸۸۴ کاملاً،

۱. در سال ۱۸۷۷ م. یک مسیحی به نام سطراک اتفاقی در آن کاروان‌سرا داشت. مراجعه کنید به (شیخ‌رضائی و آذری، ۱۳۷۰، ص ۵۴۱).

2. Peresbyterian Mission

3. Converted Muslim



از بین رفت. غیر از این تجمع مسیحی‌ها در حومه شمال شهر قدیم پیدا می‌شود که بعدها محله دولت نامیده شد. این تجمع بیشتر از اجتماع سنگلج و بازار بود. در دولت ۵۱ یک باب خانه مسیحی، دو باب خانه ارمنی، ۱۳۳ نفر مرد و ۱۱۱ نفر زن را شامل می‌شد. شاید میسیونرهای پرسبیتی نیز داخل این تعداد بوده‌اند. ولی نمی‌توان گفت که همه ۲۴۴ نفر پرسبیتی بوده‌اند یا نه؟ «کدخدای مسیحی» دو باب خانه در این محله داشت (کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه طهران، ۱۲۲ب، ۱۲۳ب، ۱۲۵الف-ب، ۱۳۱الف-ب، ۱۳۵ب-۱۳۶الف، ۱۳۸ب، ۱۴۴ب).

جمع کل ۱۳۱ باب خانه، ۳۲۴ نفر مرد و ۲۹۹ نفر زن در مقایسه با داده‌های آمارهای سابق تناسب دارد. متأسفانه، در آمار نفوس سال ۱۸۸۴ فقط یک مسگر و یک خیاط به‌عنوان پیشه مسیحیان ثبت شده است.

در نقشه سال ۱۸۹۱ تحول دیگری در اجتماع ارامنه در سنگلج دیده می‌شود. با اینکه کلیسای سنت جورج و کوچه ارمنی‌ها در داخل شهر قدیم وجود داشت، ولی خیابان ارمنی‌ها در خارج از حصار شهر قدیم ساخته شده است. به‌علاوه، این نقشه نشان می‌دهد که در سنگلج «خانه‌های مسیحی، ارمنی و مسلمانان» و یک مدرسه ارمنی وجود داشته است. در واقع، قبل از سال ۱۸۹۱م. اجتماع ارامنه در سنگلج از حصار شهر قدیم فراتر رفته، گسترش یافته است. برخلاف کلیمیان، مسیحیان و ارامنه با سرعت توسعه شهر هماهنگ بودند و اجتماعات جدیدی به‌وجود آوردند.

در تعیین و ثبت محاط خندق شهر دارالخلافه سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰م. توسعه بیشتر اجتماعات ارامنه و مسیحیان را می‌توان دید. در محله سنگلج ۷۹ باب خانه ارامنه و یک باب خانه مسیحی، یک نمازخانه ارامنه، یک مدرسه، یک حمام عمومی و یک قبرستان وجود دارد. اما خانه‌های ارامنه در این محله پراکنده بودند. به‌عبارت دیگر، محله خاص ارامنه وجود نداشت. مثلاً، ۱۳ باب خانه ارامنه در گذر محمدحسین کر، در پاتوق نایب رمضان در سنگلج قرار داشت. به‌هرحال، ۱۰۵ (?) باب خانه شامل پنج باب خانه زرتشتیان و ۹۷ باب خانه مسلمانان بود. با توجه به دین، این گذر بسیار در هم آمیخته بود. به‌علاوه، در گذر مشهدی یوسف پلیس که کلیسا و حمام در آنجا واقع بود، فقط دو باب خانه از آن ارامنه بود و مابقی ۳۹۵ باب خانه دیگر به مسلمانان اختصاص داشت (اخضر علیشاه، تعیین و ثبت، سنگلج، ص ۱۴-۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۳-۳۷، ۴۷، ۵۹، ۶۴، ۶۸، ۷۹، ۸۱-۸۲، ۹۰).

از سوی دیگر، اجتماع ارامنه در محله بازار در داده‌های آماری سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰ خیلی مبهم است به‌طوری‌که فقط یک کلیسای ارامنه و یک محله ارامنه آمده است. به‌هرحال در این آمار نه باب خانه مسیحی و سه باب خانه ارمنی ثبت شده است (اخضر علیشاه، تعیین و ثبت،

بازار، ص ۳۶، ۳۸-۳۹، ۶۷، ۷۶). ممکن است در محلهٔ ارمنی‌ها آماربرداری صورت نگرفته باشد. البته امکان دارد هیچ‌یک از ارامنه در آنجا ساکن نبوده‌اند.

روشن است که ارامنه در بازار بزرگ هنوز فعالیت اقتصادی داشته‌اند. کاروان‌سرای ارمنی‌ها به «سرای زرتشتی‌ها» تغییر نام یافته است. نمی‌دانیم ارامنه همچنان با آن سرا در ارتباط بوده‌اند یا نه؟ ولی در آمار ۱۸۹۹-۱۹۰۰ «تیمچهٔ ارمنی‌ها» و «دالان ارمنی‌ها» در بازار بزرگ ثبت شده‌اند. نیکولا یوآحیم^۱ تاجری ارمنی کاروان‌سرای به نام «سرای عالم شکن» داشت (اخضر علیشاه، تعیین و ثبت، بازار، ص ۸۰، ۸۵). براساس گزارش کارگزار انگلیس از میان ۲۸ تاجر معروف در تهران، ۵ نفر از آن‌ها ارمنی بوده‌اند، که یوآحیم یکی از آن‌ها بوده است (Picot, pp.63-38). مشخص است که ارامنه در اواخر قرن نوزدهم از موفقیت‌های تجاری بهره‌مند شدند.

در محلهٔ دولت ۵۹ باب خانهٔ ارامنه و ۴۴ باب خانهٔ مسیحی وجود داشت که از آن میان در «پاطوق حاجی عباس» ۲۵ باب خانه و سیزده باب دکان به ارامنه اختصاص داشت. کدخدای ارامنه «پاطوق نایب آقا بابا» که در آنجا ارامنه شانزده باب خانه و چهار باب دکان داشتند. «خیابان پروتستانی‌ها» و «نمازخانهٔ پروتستانی‌ها» در «پاطوق نایب عزیز» واقع بود. در خیابان مزبور ۳۷ باب خانه و ۸ باب دکان متعلق به مسیحیان قرار داشت که اکثراً، به پروتستانی‌ها اختصاص شد. در این خیابان به‌طور کلی ۲۱۳ باب خانه و یک مسجد برای مسلمان وجود داشت، به‌استثنای یک باب خانهٔ یهودی و یک باب خانهٔ زرتشتی (اخضر علیشاه، تعیین و ثبت، دولت، ص ۱۶، ۲۴-۲۹، ۳۸-۴۲، ۴۶، ۴۹، ۵۲-۵۹، ۶۱-۶۴، ۶۸-۶۹). به عبارت دیگر، ارامنه و مسیحیان در این محله سکونت داشتند؛ ولی یک محله منحصر به خود نداشتند. در این محله قومیت‌ها و مذاهب مختلف با هم می‌زیستند. همانند کلیمیان، ارامنه و مسیحیان تا اواخر قرن نوزدهم با مسلمانان در هم آمیخته بودند.

ب- زرتشتیان

گروه سوم زرتشتیان هستند که به زبان فارسی «گبر» نامیده می‌شدند که نسبت به کلیمیان و مسیحیان تهران کمتر بودند. در صورت عدد خانه‌های سال ۱۸۵۳ فقط یک زرتشتی به نام بهرام گبر ثبت شده که در محلهٔ بازار دو باب خانه داشته است (Suorat-I Adad-I, f.69a). او یکی از این خانه‌ها را به یک آهنگر مسلمان اصفهانی‌الاصل اجاره داده بود. بنا به گزارش مانکجی هاتاریا^۲، یک پارسی اهل سورت^۳ هندوستان، که در سال ۱۸۵۴ به ایران سفر کرد، پنجاه نفر زرتشتی در تهران ساکن بوده‌اند. زرتشتیان، اکثراً، در یزد (۶۶۵۸ نفر) و کرمان (۴۵۰ نفر) سکونت داشته‌اند (Boyce, 2001, p.210). بنا به گفتهٔ خانم شیل (Sheil)

1. Nicola Joachim
2. Manekji Hataria
3. Surat



تعدادی از گبرها در حدود دویست نفر در باغ سفارت انگلیس در تهران سکونت داشته‌اند (Sheil, 1856, pp.135-136).

چنانکه اشاره شد در تشخیص نفوس دارالخلافه سال ۱۸۶۸، ۱۱۱ نفر زرتشتی ثبت شده است. اما در روزنامه ایران جمعیت آن‌ها در آوریل سال ۱۸۷۷، چهارصد نفر اعلام شده است (۱۲۹۴، ش ۳۱۸، ص ۶). در کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه سال ۱۸۸۴ اطلاعات و داده‌ها در مورد زرتشتیان اندک است. فقط چهار باب خانه زرتشتی‌ها در محله سنگلج وجود داشت که در آن هفت نفر مرد، پنج نفر زن و ده نفر بچه ساکن محل سکونت داشته‌اند (کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه طهران، ۱۲ الف-ب). در روزنامه ایران در ماه می سال ۱۸۸۴ زرتشتیان تهران اکثراً پیشه باغبانی داشته و در حومه شهر نزدیک به باغ‌ها ساکن بوده‌اند. آن‌ها اول بار در حدود سال ۱۸۵۸ از یزد به تهران مهاجرت کردند تا به‌عنوان باغبان در باغ دولتی سلطنت‌آباد کار کنند (۱۳۱۰، ش ۵۴۴، ص ۲). آمارهای مذکور زرتشتیان را به‌خوبی دنبال نشده است؛ زیرا آن‌ها در حومه شهر زندگی می‌کردند و در محدوده آمارگیری قرار نداشت.

در تعیین و ثبت محاط خندق شهر دارالخلافه سال ۱۸۹۹-۱۹۰۰ جمعاً ۴۵ باب خانه زرتشتیان ثبت شده است. از میان آن‌ها ۲۵ باب خانه و پنج باب دکان در محله دولت واقع بود. در محله سنگلج پانزده باب خانه و سه درب باغ از آن زرتشتیان وجود داشت. در محله مذکور، «کوچه گبرها» در «باطوق نایب رمضان» قرار داشت. ولی در آنجا فقط پنج باب خانه از آن زرتشتیان بود. در باطوق مزبور ارامنه دو باب خانه و مسلمانان هم یازده باب خانه داشتند (اخضر علیشاه، تعیین و ثبت، سنگلج، ص ۲۳، ۲۸-۳۰، ۴۲). علاوه بر این، به اسم زرتشتیان پنج باب خانه در محله بازار ثبت شده است. در بازار بزرگ تهران «سرای گبرها» و «دالان گبرها» وجود داشت (اخضر علیشاه، تعیین و ثبت، بازار، ص ۴۵-۴۶، ۷۸، ۸۰). در فهرست تجار سرشناس تهران نام یک تاجر زرتشتی آمده است (Picot, p. 64). گویا، زرتشتیان تا اواخر قرن نوزدهم در فعالیتهای اقتصادی تا حدی موفق بوده‌اند.

نتیجه‌گیری:

تهران دوره قاجار، شهر مهاجران بود. حدود سه‌چهارم کل جمعیت از ولایات دیگر -بیشتر از اصفهان، شیراز و کاشان- به آنجا آمده بودند. آن سه شهر در زمان گذشته رونق زیادی داشتند، ولی در قرن نوزدهم روبه افول نهادند. مهاجران از مازندران، تبریز و ایروان بودند که شامل تعداد زیادی نوکر می‌شدند. گویا به دلایل کسب مقامات سیاسی و دولتی به تهران مهاجرت کرده باشند. علاوه بر این، اهالی هرات هم که خارج از ایران دوره قاجار محسوب می‌شد به این شهر آمدند. از خارج کشور گرجی‌ها و برده‌های آفریقایی نیز به این شهر آورده شدند.



حقیقتاً، تهران در این دوره شهری چند قومیتی بود. اقوام ترک، اکراد و عرب‌ها نیز در این شهر سکنی گزیدند. نه فقط شهرنشینان، بلکه عشایر نیز به این شهر آمدند. بعضی از عشایر و طوایف کوچه و محلی خاص خود داشتند که نام خود را بر آن محل می‌نهادند همانند کوچه افشار، محله عرب‌ها، محله ترکمن‌ها. علاوه بر این، غیرمسلمانان همانند کلیمیان و ارامنه، محلی برای خود داشتند. زرتشتی‌ها در اواخر قرن نوزدهم در اولین فرصت کوچه مخصوص به خود را ایجاد کردند. برخلاف استانبول دوره عثمانی، درصد جمعیت غیرمسلمان در این شهر اندک بود؛ ولی با وجود این، قلیت‌های مذهبی در تهران با مسلمانان همزیستی داشته‌اند. تا اواخر قرن نوزدهم کلیمیان و ارامنه کم‌کم از محله خود بیرون آمدند. ارامنه در بازار بزرگ تهران امکاناتی برای فعالیت تجاری به دست آوردند. از سوی دیگر، کلیمیان در محله دولت دکان‌ها و کاروان‌سراهایی داشتند. ولی به هر حال، در محله اصلی آن‌ها تعداد زیادی مسلمان وارد شد. در کوچه‌ها و محله‌های طایفه‌ای و عشایری جمعیتی زیادی از آن‌ها ساکن نبودند. بنابراین می‌توان گفت تا اواخر قرن نوزدهم جمعیت شهر تهران در حال آمیختگی بوده است. به عبارت دیگر، تهران همانند کوره‌ای برای مردمان مختلف از جغرافیا، اقوام و مذاهب گوناگون بود. در طول قرن بعد، این حالت ادامه پیدا کرد. به طوری که شهر به شدت وسعت پیدا کرد و کلان‌شهری با بیش از هشت میلیون نفر شد.

منابع:

- اخضر علیشاه، حسن (۱۳۱۷). تعیین و ثبت، سنگلج / بازار.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار*. به کوشش ایرج افشار. تهران.
- بامداد، مهدی (۱۳۶۳). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری*. تهران.
- چولاوی، میرزا علی قلی اقبال. تاریخ ملوک آرا. نسخه خطی. کتابخانه ملک. شماره ۴۱۶۱، ۱۱۷ الف.
- روزنامه ایران (۱۲۹۴ق). ش ۳۱۸. ۹ ربیع‌الثانی، ص ۶.
- روزنامه ایران (۱۳۱۰). ش ۵۴۴. ۱۸ ربیع ۲، ص ۲.
- ساروی، محمد فضل‌الله (۱۳۷۱). *تاریخ محمدی/حسن التواریخ*. به کوشش غلامحسین طباطبایی مجد. تهران: امیرکبیر.
- سالنامه ایران (۱۲۹۰ و ۱۲۹۱).
- ستوده، منوچهر؛ مؤمنی، خورشید (۱۳۸۵). *نامنامه ایلات و عشایر و طوایف*. تهران: دائرة المعارف اسلامی.
- سعدوندیان، سیروس (۱۳۷۹). *درآمدی بر جمعیت‌شناسی تاریخی ایران در عصر قاجار*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سعدوندیان، سیروس (۱۳۸۰). *عدد/بنیه، شمار نفوس از دارالخلافه تهران ۱۲۳۱-۱۳۱۱*. تهران: وزارت



فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- سعدوندیان، سیروس؛ اتحادیه، منصوره (۱۳۶۸). *آمار دارالخلافه طهران*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- شیخ‌رضائی، انیس؛ آذری، زهرا (۱۳۷۰). *گزارش‌های نظمیه از محلات طهران*. تهران، سازمان اسناد ملی.
- کتابچه تعداد نفوس محلات دارالخلافه طهران.
- لاوی، حبیب (۱۳۳۴-۱۳۳۹). *تاریخ یهود ایران*. ج ۳. تهران.
- ملکومیان، لینا (۱۳۸۰). *کلیساهای ارامنه ایران*. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نجم‌الدوله، عبدالغفار (۱۸۹۱). *نقشه دارالخلافه ناصری طهران*. طهران.
- نجم‌الدوله، میرزا عبدالغفار (۱۳۵۳). *تشخیص نفوس دارالخلافه*. به کوشش ناصر پاکدامن. تهران: بی‌نا.
- Almanach de Gotha 128 (1891). Gotha.
- Amurian, A. and Kasheff, M. q.v. (1998). Armenians of Modern Iran, Encyclopaedia Iranica; in Cosroe Chaqeri, "Introduction to the Armenians of Iran: A Historical Perusal," in Cosroe Chaqeri ed. The Armenians of Iran. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Benjamin II, J. J. (1859). Eight Years in Asia and Africa from 1846 to 1855.
- Berezin, I. (1852). Puteshestvie po severnoj Persii. Kazan.
- Binnig, Robert B. (1857). A Journal of Two Years' Travel in Persia, Ceylon etc. London.
- Bournoutian, George A. "Armenians in Nineteenth-Century Iran," in Chaqeri ed. The Armenians, 57.
- Boyce, Mary (2001). Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices. London: Routledge.
- Curzon, George N. (1892). Persia and the Persian Question. London.
- Dupre, A. (1819) Voyage en Perse fait dans les années 1807, 1808. Et 1809. Paris.
- Eastwick, Edward B. (1864). Journal of a Diplomat's Three Years' Residence in Persia. London.
- Floor, Willem (2012). "The Trade in and Position of Slaves of Southern Iran, 1825-1925," Studia Iranica 41: 263-264.
- Garthwaite, Gene R. (1983). Kans and Shahs: a Documentary Analysis of the Bakhtiari in Iran. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gilbar, Gad. G. (1976). "Demographic Developments in Late Qajar Persia' 1870-1906".



Asian and Africa Studies 11.

- Hambly, Gavin (1964). "An Introduction to the Economic Organization of Early Qajar Iran," Iran 2: 72-73.
- Idem (2007). *Between Foreigners and Shi'is: Nineteenth-Century Iran and its Jewish Minority*. Stanford: Stanford University Press.
- James Basset (1890). *Persia: Eastern Mission*. Philadelphia.
- Khazeni, Arash (2010). *Tribes and Empire on the Margins of Nineteenth-century Iran*. Seattle: University of Washington Press.
- Kinneir, John Macdonald (1813). *A Geographical Memoir of the Persian Empire*. London.
- Kondo, Nobuaki (2005). "The Waqf and Religious Patronage of Manuchihr Khan Mu'tamad al-Dawlah". Robert Gleave ed. *Religion and Society in Qajar Iran*. London: Routledge Curzon, 227-244.
- Levy, Habib (1999). *Comprehensive History of the Jews of Iran*, ed. Hooshang Ebrami, trans. George W. Masckhe. Costa Mesa, CA: Mazda Publishers. 365-466.
- Morier, James (1812). *A Journey through Persia, Armenia, and Asia Minor to Constantinople, in the Years 1808 and 1809*. London.
- Olivier, G. A. (1807). *Voyage dans l'Empire Othoman, L'Égypte et la Perse*. Paris.
- Perry, Jone R. (1979). *Karim Khan Zand: a History of Iran, 1747-1779*. Chicago: University of Chicago Press.
- Picot, H. "Persia: Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notables, Merchants and Clergy," National Archives, U.K., FO 881/7023, 63-68.
- Quseley, William (1819-1823). *Travels in Various Countries of the East, More Particularly Persia*. London.
- Ricks, Thomas (2001). "Slaves and Slave Trading in Shi'i Iran, AD 1500-1900," *Journal of African Studies* 36: 413-414.
- Sheil, Lady (1856). *Glimpses of Life and Manners in Persia*. London
- Stahl, A. F. (1900). "Teheran und Umgegend" Dr. A. Petermanns Mitteilungen aus Justus Perthes' geographischer Anstalt 46.
- *Šuorat-I Īdad-I Khānahā-yi va Sāyir-I Bināhā-yi Dār al-khilāfah* - I Tehrān.



- MS. Cambridge University. E.G. Browne Collection. Or Ms. K9 (9).
- Tapper, Richard (1997). *Frontier Nomads of Iran: a Political and Social History of the Shahsevan*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Thomson (1867-1868). "Report by Mr. Thomson, Her Majesty's Secretary of Legation, on the Population, Revenue, Military Force, and Trade of Persia". Dated April 20, 1868, in *British Parliamentary Papers*, Vol. LXIX, Account and Papers 30, 249.
 - Tsadik, Daniel (2005). "Nineteenth-Century Iranian Jewry: Statistics, Geographical Setting, and Economic Basis," *Iran* 43: 275-282.
 - Waterfield, Robin E. (1973). *Christians in Persia*. London: George Allen and Unwin.
 - Wolff, Joseph (1837). *Researches and Missionary Labours among the Jews, Mohammedans, and other Sects*. Philadelphia.
 - Yeroushalmi, David (2010). *The Jews of Iran in the Nineteenth Century: Aspects of History, Community, and Culture*. Leiden: Brill.

تحلیل نشانه‌های خطی کتیبه‌های ایلامی و ارتباط آن با خطوط لایقرایی در اسناد دوره اسلامی

دکتر حسین عابد دوست

چکیده:

خط در خاور نزدیک قدیم، برای ثبت فعالیت‌های اقتصادی اختراع شد. مدارکی دربارهٔ مراحل اولیه خط در شوش، چغامیش، گودین تپه در غرب ایران، اوروک و نینوا در بین‌النهرین و تل برک در شمال سوریه به‌دست آمده است. بیشتر آن‌ها را می‌توان تا اواخر هزارهٔ چهارم قبل از میلاد، تاریخ‌گذاری کرد. پرسش اصلی این پژوهش این است که نشانه‌های خطی کتیبه‌های ایلامی کدام است؟ و شکل‌های تطوریافتهٔ آن، در اسناد خطی دورهٔ اسلامی را چگونه می‌توان شناسایی کرد؟ هدف از پژوهش حاضر آشنایی با خطوط ایلامی به‌عنوان ریشه و اساس بسیاری از نشانه‌های خطی در دوران پس از آن و چگونگی نمود آن‌ها بر اسناد دورهٔ اسلامی است که به روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌شود. روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای از طریق فیش‌برداری و تصویرخوانی است. براساس نتایج تحقیق می‌توان گفت اگرچه با تحولات خطوط و پیدایش خط میخی، نشانه‌های خط مخطط ایلامی در نگارش متون به‌کار نرفته‌اند، اما تداوم حیات این نشانه‌ها را در متون طلسمین ایرانی می‌توان نشان داد. در این اسناد حداقل ۳۸ نشانهٔ مشترک وجود دارد که شباهت آن‌ها با نشانه‌های ایلامی غیرقابل انکار است. اندک تفاوتی میان نشانه‌های لایقرایی با نشانه‌های ایلامی وجود دارد و آن افزوده‌شدن علائمی، مانند نقطه یا خط است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اساس طراحی برخی از حروف خطوط لایقرایی، خطوط کهن پیشایلامی و مخطط ایلامی است.

کلیدواژه‌ها

نشانه‌های خطی، کتیبه‌های ایلامی، خطوط لایقرایی، اسناد دورهٔ اسلامی.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴، صص: ۱۴۶-۱۶۶



تحلیل نشانه‌های خطی کتیبه‌های ایلامی و ارتباط آن با خطوط لایقرایی در اسناد دوره اسلامی

دکتر حسین عابد دوست^۱

مقدمه:

خطوط تصویری و ایده‌نگار را می‌توان تلاش بشر برای انتقال مفاهیم ذهنی تلقی کرد. مفاهیمی که برگرفته از طبیعت است و صورت‌هایی انتزاعی و ذهنی یافته‌اند. سرزمین ایلام خاستگاه پیدایش مجموعه‌ای علائم و نشانه‌های خطی است. خطوط کهن ایلامی را می‌توان در سه بخش کلی مطرح کرد خط پیشایلامی^۲، خط ایلامی باستان که والتر هینتس آن را مخطط ایلامی می‌نامد^۳ که از پیشایلامی به‌دست آمده بود و در نیمه هزاره سوم قمری به‌کار می‌رفت. این خط تا اندازه‌ای رمزگشایی شده است و بیشتر آن به‌دست والتر هینتس بوده است. پس از خط مخطط ایلامی، خط میخی^۴، از خط میخی سومری گرفته شد. تحلیل حاضر سعی دارد ابتدا به بررسی نشانه‌های خطوط پیشایلامی و مخطط ایلامی پردازد و تداوم برخی از نشان‌های آن را بر صخره‌نگاره‌های دوره هخامنشی نشان دهد و در نهایت مقایسه نشانه‌های خطی ایلامی، پیشینه حضور نشانه‌های لایقرایی موجود در اسناد خطی دوره اسلامی به‌ویژه ادعیه و متون طلسمی را بررسی کند. ایجاد پل ارتباطی میان خطوط کهن ایرانی متعلق به هزاره سوم و متون متعلق به دوره اسلامی از اهداف پژوهش حاضر است. خوانش نشانه‌های ایلامی بر اساس نظریات والتر هینتس انجام شده است.

پیشینه تحقیق

در حوزه خطوط کهن به‌ویژه خط ایلامی، منابعی در دسترس قرار گرفت. در این منابع بیشتر به

۱. استادیار گروه گرافیک، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران؛ habeddost@guilan.ac.ir

2. poroto Elamite

3. Strichschrift

4. Cuneiform



تحلیل خطی الواح، دسته‌بندی نشانه‌های موجود در الواح مانند سر نشانه‌ها، نشان‌های ایده‌نگار و نشان‌های شمارشی پرداخته‌اند. برائیس^۱ به این شیوه نشانه‌های خطی الواح پیشایلامی را بررسی کرده است.

برائیس به بررسی نظام نوشتار پیشایلامی در شوش پرداخته است (Brice, 1962). اینگلدن، روبرت نیز نظام نوشتاری الواح کشف‌شده از تپه^۲ یحیی را مورد مطالعه قرار داده است (Englund, 2001). دهل در مورد نظام ساختاری پیچیده خطوط ایلامی مقاله‌ای را نگاشته است (Dahl, 2005). در این تحلیل بسیاری از نشانه‌های خطوط، دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. برخی از پژوهش‌ها نیز به طلسم و طلسم‌شکنی در ادبیات و فرهنگ ایران پرداخته‌اند؛ اما شکل‌شناسی حروف لایق‌رایی را توجه نکرده‌اند. امیرعباس عزیزی به بررسی طلسم و طلسم‌شکنی در قصه‌ها و باورهای عامیانه پرداخته است (۱۳۹۲). محمد محبت نقش طلسم و جادو را در داستان‌های هزار و یک شب تحلیل کرده است (۱۳۹۲).

مبانی نظری تحقیق ایلام

در دشتی زیبا با مناطق کوهستانی و در تلاقی دو دنیای متفاوت، ایلام کهن به‌وجود آمده است که به‌منزله دروازه^۳ نجد ایران بر سر راه غرب و درعین حال، امتداد طبیعی بین میان‌دورود سفلی در شمال خلیج فارس بوده است. چنین تصور می‌رود که سوزیان^۴ (شوش) با بیلاقات حاصلخیزی که گرداگردش را احاطه کرده بود، قلب مجموعه^۵ مختلطی را تشکیل می‌داد که شامل نواحی مرتفعی مشرف بر دشت دجله و فرات بود. بنابراین تمدن ایلامی را هم‌ردیف تمدن سومر و سپس بابل دانست (آمی، ۱۳۴۹، ص ۱۷). در ایلام باستان، خط به موازات سومر گسترش یافت. الواح اوروک و جمدت نصر^۶ به‌عنوان سرآغاز نگارش در سومر توجه و بررسی می‌شوند. الواح شوش نیز به‌عنوان نخستین نمونه‌های زبان هنوز خوانده‌نشده ایلامی در نظر گرفته می‌شوند (واکر، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

تصویرنگار: تصویرنگاره‌های روی کهن‌ترین الواح، آشکارا تصاویری طبیعت‌گرایانه‌اند؛ ولی با بررسی تکامل آن‌ها در طول زمان، روشن می‌شود که این تصاویر در مرحله‌ای تا ۹۰ درجه چرخیده‌اند، به‌طوری که بر پشت خوابیده‌اند (واکر، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

اندیشه‌نگار: در این مرحله بشر با نهادن گامی به‌سوی خلاصه‌کردن و کاهش دادن تصاویر زیاد در خطوط تصویرنگار، اقدام به خلق عناصری خاص برای انتقال مفاهیم کرد (قادر، ۱۳۸۸، ص ۴).

لایق‌رایی: در دوره^۷ اسلامی در کنار حروف ابجد برای طلسم و رمل از حروف و نشانه‌های

1. Brice

2. Susian

۳. جمدت نصر یک ناحیه باستان‌شناسی در عراق امروزی است. این نام همچنین برای یک تمدن دوره^۸ مفرغ آغازین در جنوب میان دو رود نیز به‌کار می‌رود.

دیگری استفاده شده است. این حروف که برای عوام قابل خواندن نیست، بیشتر مورد استفاده رمالان، دغانویسان و عالمان علوم ریتمی^۱ و سیمیا^۲ قرار می گرفت و حروف لایق رایی که به معنی غیر قابل خواندن است، نامیده می شد (تناولی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

ساختار پژوهش: تحلیل حاضر ابتدا به معرفی خطوط پیشایلامی و مخطط ایلامی می پردازد، سپس مطالعه تطبیقی نشانه های خط ایلامی را با خطوط لایق رایی بیان خواهد کرد.

خط در ایلام

سرزمین ایلام در جنوب غربی فلات ایران قرار داشت و خاستگاه یکی از کهن ترین تمدن های جهان بود. این تمدن در حدود ۳۲۰۰ تا ۶۴۰ قبل از میلاد، شکوفا بود و مناطقی چون خوزستان، ایلام، کهگلوپه و بویراحمد و بخش هایی از استان فارس، بوشهر، لرستان، چهارمحال و بختیاری و کرمانشاه را دربر می گرفت (کریمیان، ۱۳۹۱، ص ۶۰). ایلامیان نام سرزمین خود را هالتامتی^۳ می خواندند. بنابر نظر زبان شناسان، هال^۴ به معنی سرزمین و تامپتی^۵ به معنای سرور است. بنابراین ایلامیان سرزمین خود را سرزمین سرور یا سرزمین خداوند می دانستند (کریمیان، ۱۳۹۱، ص ۶۱). نام امروزی ایلام، برگرفته از «êlam» در زبان سومری و اِلامتو در زبان اکدی است. این واژه ها در واقع صورت دیگر هالتامتی هستند (کریمیان، ۱۳۹۱، ص ۶۱). ژاک دمرگان در حفريات خود در شوش با الواحی روبه رو شد که روی آن ها به خط ایلامی مقدم یا پیشایلامی نوشته شده بود. الواحی با نوشته هایی به همین خط در مناطق دیگر ایران همانند تپه سیلک، تپه یحیی در شهداد، کنار صندل و شهر سوخته به دست آمده است. برخی بر این عقیده اند که گسترش نگارش در ایلام به موازات سومر صورت گرفته است (Lawrence, 2012, p.1). شکل بومی از خط تصویرنگاره ای موسوم به ایلامی مقدم تقریباً از زمان کهن ترین متون مربوط به اوروک (۲۷۰۰ - ۳۱۰۰ ق.) در شوش پدیدار شده است. از محتوای این متون برمی آید که جامعه نگارنده آن ها همانند همسایگان سومری خود پیشرفته بودند. متون را به وسیله مقایسه علائم تصویری با نظایر مربوط به اوروک و به وسیله تجزیه و تحلیل ریاضی می توان فهمید، اما آن ها را هنوز به عنوان یک زبان نمی توان قرائت کرد، چنانکه در اوروک، خط از صورت صرفاً تصویرنگاره ای به صورت هایی تکامل یافته است. در زمان سلسله اکد کاتبان شوش خط سومری را برای نوشتن کتیبه های یادبود اقتباس کردند، اما پوزور این شوشیناک نوعی محلی از خط ترسیمی را بر مبنای حروف خط ایلامی مقدم ابداع کرد. هرچند یک متن دوزبانه مکتوب به خط ایلامی مقدم و هم خط اکدی قدیم در دست است، اما خط ترسیمی (مخطط ایلامی) تاحدی رمزگشایی شده است. این خط عمری کوتاه داشت و طی شش سده بعدی اسنادی که از ایلام باقی ماندند به زبان سومری یا بابلی نوشته شدند. فقط چهار سند

۱. نوعی شعبده.

۲. علم طلسم و جادو.

3. hal-ta-am-ti

4. hal

5. tampti



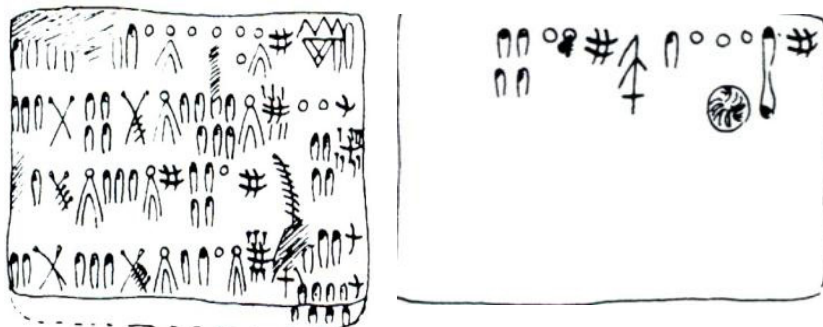
از این دوره شناخته شده که به خط میخی و به زبان ایلامی نوشته شده است. در این مرحله ایلامی‌ها مجموعه محدودی از علائم وام‌گرفته‌شده از سرزمین بابل را برای نگارش خط ایلامی آوایی همراه با چند واژه‌نگار به کار برده‌اند. بیشتر متون بر آجرها یا یادبودهای سنگی مربوط به شوش یا دور-اونتش (چغازنبیل) نگاشته شده است؛ اما دسته‌ای از متون اقتصادی در حفاری‌های آمریکایی‌ها در تل ملیان یافت شده‌اند. هرچند تاریخ متون ایلامی بیش از ۲۵۰۰ سال را دربرگرفته است، نخستین دسته از الواحی که می‌توان آن‌ها را به آسانی فهمید، بایگانی اقتصادی جدیدالانتشار شاهان ایرانی هخامنشی در تخت جمشید مربوط به قرن پنجم قبل از میلادی است. زبان ایلامی غیرسامی است و با هیچ‌یک از زبان‌های خاور نزدیک خویشاوندی مستقیم ندارد. رمزگشایی آن طبیعتاً به کمک کتیبه‌های سه‌زبان شاهان هخامنشی صورت گرفت، اما از آن‌رو که کتیبه‌های موجود فقط مجموعه محدودی از موضوعات را دربرگرفته‌اند، اطلاع ما از این زبان هنوز محدود است (واکر، ۱۳۸۶، ص ۶۳). هخامنشیان یا پارس‌ها مدت چند قرن در سوماش، همجوار شوشیان در خوزستان زندگی می‌کردند و پادشاهی شاه ایلام را پذیرفته بودند. سوماش در حوالی میان جعفرآباد کنونی و بهبهان بوده است. پس از کوچ به فارس و ساختن شهر انشان و پس از آن پاسارگاد، همان خط میخی ایلامی را برگزیدند و به آن آواهایی که در زبان ایلامی نبود و ویژه پارس‌ها بود، افزودند.

ویژگی‌های خط پیشایلامی

از آغاز حفاریات شوش و تا به امروز در حدود ۱۴۵۰ قطعه الواح ایلامی مقدم چاپ و منتشر شده است. تمامی این متون روی الواح گلی نوشته شده و بدون استثنا نوعی مدرک اداری، مانند رسید و بارنامه انتقال غلات، دام، کارگر و متون مربوط به جیره و مراودات است (مجیدزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۱۲). کهن‌ترین نظام خطی ایرانی که از زمان کشف آن در شوش، ایلامی مقدم خوانده شده، تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری خط میخی مقدم در میان‌رودان پدیدار شد. اگر تاریخ‌گذاری قراردادی خط میخی مقدم حدود ۳۱۰۰-۳۲۰۰ قبل از میلاد به دوره اوروک درست باشد، ابداع خط ایلامی مقدم باید در دوره اندکی جدیدتر جمدت‌النصر - اوروک III تا دوره اول سلسله‌های قدیم در میان‌رودان، یا به لایه‌های ۱۴-۱۶ در اکروپل شوش حدود ۲۹۰۰-۳۰۵۰ قبل از میلاد تعلق داشته و استفاده از آن در دوره کوتاهی بوده باشد، این کهن‌ترین نظام خط بومی در سرزمین ایران به عکس خط سومری مقدم که علائم منحنی‌شکل دارد، از خطوط و دایره‌ها تشکیل شده است. اگرچه پژوهش‌های اولیه متمرکز بر مقایسه تک‌نشانه‌های این دو خط، شباهت‌هایی را میان تعداد اندکی از علائم خط ایلامی مقدم و علائم خط سومری مقدم نشان می‌دهد، تاکنون هیچ‌دلیلی بر اقتباس یکی از آن‌ها از دیگری یا شباهت‌های معنایی



آن‌ها به دست نیامده است. به نظر می‌رسد تمامی متون ایلامی مقدم، اسناد حسابداری بوده، اما به دلیل نبود متون دو زبانی این خط تاکنون رمزگشایی نشده است (مجیدزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۱۲) (تصویر ۱ و ۲).



تصویر ۱- تپه جنوبی سیلک، دوره چهارم، گل‌نشته‌ها به خط پیشایلامی (گیرشمن، ۱۳۷۹، ص ۲۷۰)

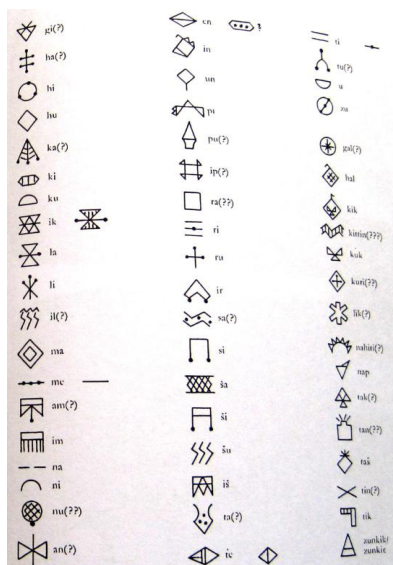
1	21	41	61	81
2	22	42	62	82
3	23	43	63	83
4	24	44	64	84
5	25	45	65	85
6	26	46	66	86
7	27	47	67	87
8	28	48	68	88
9	29	49	69	89
10	30	50	70	90
11	31	51	71	91
12	32	52	72	92
13	33	53	73	93
14	34	54	74	94
15	35	55	75	95
16	36	56	76	96
17	37	57	77	97
18	38	58	78	98
19	39	59	79	99
20	40	60	80	100

14	35
----	----

تصویر ۲- ۱۰۰ نمونه رایج‌ترین نشانه‌های پیشایلامی و برخی از شکل‌های مرکب دو نشانه‌ای از خط

پیشایلامی (Brice, 1962, p.34)

خط ایلامی مخطط



تصویر ۳- به خط مخطط ایلامی، جام سیمین

متعلق به سده ۲۳ ق.

www.Mahboubiancollection.com

تصویر ۴- نشان‌های خط مخطط ایلامی،

فهرست‌نویسی از والتر هیتس

(هیتس، ۱۳۸۶، ص ۵۸)

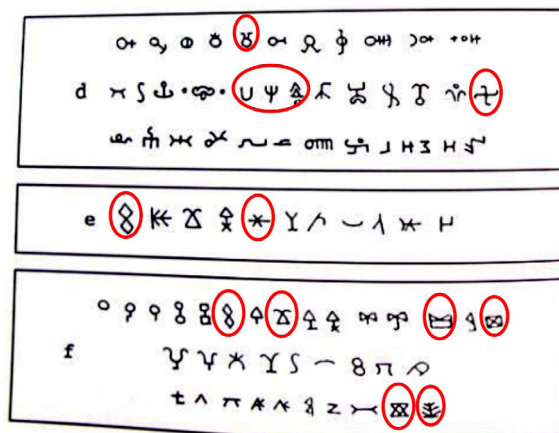
در ایلام نیز مانند سومر یک خط مخطط به‌وجود آمد (تصویر ۳ و ۴). چنین نبود که این خط صرفاً برای ثبت امور اقتصادی به‌کار رود، بلکه مسائل فرهنگی همچون امور خصوصی، سیاسی، تاریخی و دینی نیز با آن بیان می‌شد (هیتس، ۱۳۸۵، ص ۳۹). احتمالاً خط مخطط ایلامی در همان میانه هزاره سوم قبل از میلاد منسوخ شده بوده است. آنچه به ما رسیده از سده ۲۲ قبل از میلاد است و آن هم کلاً مشتمل بر پنج تکه گِل‌نبشته و یازده سنگ‌نبشته است (هیتس، ۱۳۸۵، ص ۴۰). کوتیک این شوشینک پس از آنکه به پادشاهی ایلام دست یافت، به استفاده از خط ایلامی در نوشتن زبان ایلامی تشویق کرد، اما عمر نظام خط مخطط ایلامی در شوش بسیار کوتاه و منحصر به بیست سال زمامداری پوزور این شوشینک بود؛ زیرا بلافاصله پس از درگذشت این پادشاه و افتادن ایلام به‌دست گوتی‌ها، استفاده از این خط در ایلام متوقف و به فراموشی سپرده شد و ایلامی‌ها یک‌بار دیگر به خط میخی روی آوردند و از آن تاریخ به مدت نهصد سال دیگر تمامی متون خود را به خط میخی بین‌النهرینی اکدی یا بابلی نوشتند (مجیدزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲). در مرحله پایانی احتمالاً خط مخطط ایلامی حدود

هشتاد نشانه داشته است. از این هشتاد نشانه تاکنون ۴۴ نشانه در سنگ‌نبشته‌ها دیده شده است. این خطوط معمولاً از بالا به پایین نوشته می‌شد، اما گاهی عکس آن هم پیش می‌آمد. سطرها گاه از گوشه سمت چپ آغاز می‌شوند و گاه از گوشه راست، حتی گاه در یک ستون. چون نشان‌های خط مخطط ایلامی در مواردی از همان خط سومری برآمده‌اند، برخی از نشانه‌ها در هر دو خط ظاهری همانند دارند (هینتس، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

همه نبشته‌هایی که به خط مخطط ایلامی روی سنگ باقی مانده است از آن شاهی در حدود ۲۲۵۰ قبل از میلاد است. این نبشته‌ها در سال ۱۹۶۱ میلادی بازخوانی شدند؛ اما پیش از آن در سال ۱۹۰۵ بُرک^۱ مدعی شده بود که یکی از این سنگ‌نبشته‌ها روایت ایلامی متنی بابلی است که در بالای آن آمده است (بهزادی، ۱۳۶۸، ص ۶۴۶). والتر هینتس از جمله کسانی است که تلاش‌های بسیاری در خوانش این خط داشته است. وی پس از خوانش جام سیمین متعلق به سده ۲۳ قبل از میلاد در مجموع ۵۸ نشانه از خط مخطط ایلامی را شناسایی و فهرستی از خوانش این علائم را منتشر کرد (تصویر ۴).

مجموعه نشان‌های کشف‌شده از تخت جمشید و سایر محوطه‌های باستانی ایران

تصویر شماره ۵ مجموعه‌ای از نشان‌های متنوع کشف‌شده از تخت جمشید را نشان می‌دهد. این نشان‌ها شباهت زیادی با خطوط کهن پیش از هخامنشیان دارد. برای این نشان‌ها تاکنون خوانشی صورت نگرفته است، اما شباهت آن‌ها با خطوط پیشایلامی و ایلامی مخطط، نشان از تداوم این نشانه‌های کهن است (تصویر ۵).



تصویر ۵- الف: نشانه‌های موجود بر دیواری از تل تخت پاسارگاد.

تصویر ۵- ب: نشان‌هایی بر نقش برجسته‌ای از آپادانا، تخت جمشید.

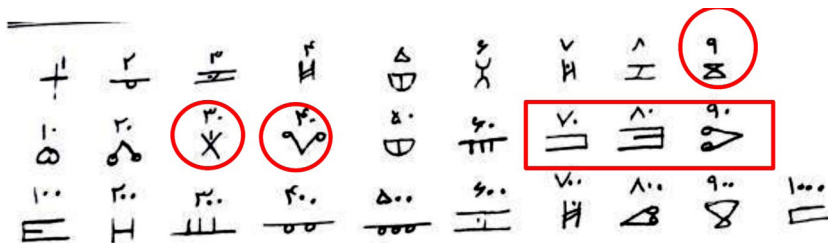
تصویر ۵- ج: نشانه‌های موجود بر گنجینه‌ای از آثار کشف‌شده از تخت جمشید.

(Boardman, 2000, p. 119) نشان‌های مشخص شده با حاشیه قرمز، شبیه خط ایلامی است (نگارنده).

1. Bork

خطوط لایق‌رایی در دوره اسلامی و تشابه آن با نشانه‌های الواح ایلامی

حروف لایق‌رایی خود چند نوع است و هر یک القای مخصوص به خود را دارد. دسته اول از حروف طلسمی مانند حروف ابجد ۲۸ حرف و یا ۲۸ شکل است. این اشکال همیشه با همزاد خود که معادلات عددی آن‌هاست، همراه‌اند و به‌ترتیب زیر نگاشته می‌شوند (تناولی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).



تصویر ۶- تحلیل برخی از الواح انتخابی از شوش، ایلامی مقدم (Brice, 1962, p.36)

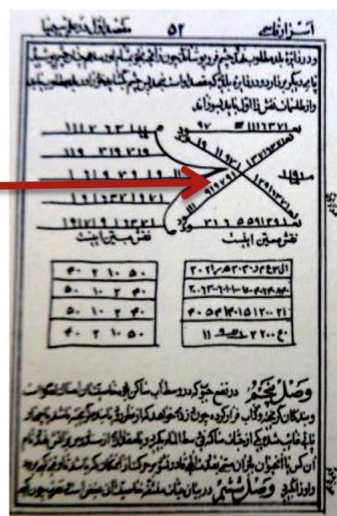
مقایسه تطبیقی میان این دسته از نشانه‌ها با نشانه‌های کتیبه‌های خطی حاکی از شباهت این دو گروه از نوشتار است. نشان پروانه‌مانند که معادل عدد ۹ است، در کتیبه‌های پیشا ایلامی و مخطط ایلامی به چشم می‌خورد. تصویر ۷ بخشی از کتیبه پیشا ایلامی را نشان می‌دهد که این نشان را دربرمی‌گیرد.

تصویر ۸ بخشی از کتیبه متأخرتر، مخطط ایلامی را به تصویر می‌کشد. این نشان با افزوده یک خط در مرکز آن توسط والتر هینتس «لا» (La) به معنی حضور ربانی ترجمه شده است (هینتس، ۱۳۸۶، ص ۳۵۹). این نشان به صورت نقطه‌دار یا شرابه‌دار در کتیبه‌های مخطط ایلامی حضور دارد (تصویر ۸).



تصویر ۷- نمونه‌هایی از نشان پروانه‌ای در خطوط مخطط ایلامی (هینتس، ۱۳۸۶، ص ۵۷).
نشان لا را هینتس حضور ربانی ترجمه کرده است.

تصویر ۸- نمونه‌هایی از نشان پروانه‌ای در خطوط مخطط ایلامی (هینتس، ۱۳۸۶، ص ۵۷).
نشان لا را هینتس حضور ربانی ترجمه کرده است.



تصویر ۹- برگه طلسم از اسرار قاسمی (تلاوی،
تصویر ۱۰- نشانی از خط مخطط ایلامی
(هینتس، ۱۳۸۵، ص ۵۷)
۱۳۸۷، ص ۶۳) نشان پروانه‌ای را در طلسم
نشان می‌دهد.

دو مثلث روبه‌روی هم که پروانه یا پاپیونی را تشکیل می‌دهد در طلسمی از کتاب اسرار قاسمی به کار رفته است. در تصویر آن را «نقش معین» نامیده است (تصویر ۱۰) و «این طلسم برای کسی است که از جای معین به جای مشخص (مبین) برود» (تلاوی، ۱۳۸۷، ص ۶۳). در متن طلسم آسان شدن راه و سریع رسیدن به مقصد شرح داده شده است. این نشان هم مشابه نشانه‌های خطی ایلامی است (تصویر ۱۰).

تفاوت نشان عدد ۳۰ که به صورت ضربدری است که خط عمود کوچکی بالای آن قرار گرفته با خطوط مخطط و پیشایلامی، فقط همان خط عمود کوچک است (تصویر ۱۱). والتر هینتس شکل ضربدرمانند را در خط مخطط ایلامی احتمالاً «تین» (Tin) تلفظ کرده است (۱۳۸۶، ص ۵۸) و مشابه آن در الواح سیلک دیده می‌شود.



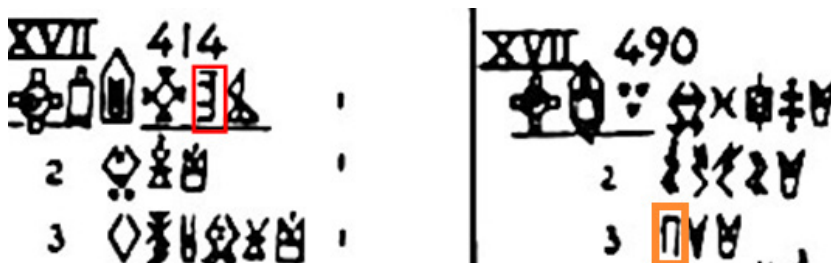
تصویر ۱۱- الف



تصویر ۱۱- ب

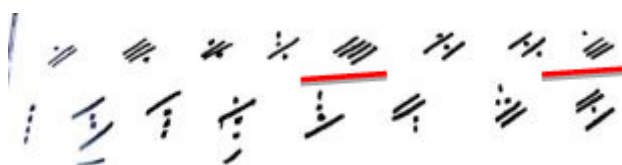
تصویر ۱۱- الف نشان عدد ۳۰ در خطوط لایق‌رایی تصویر ۱۱- ب، نشانی از تپه جنوبی سیلک، دوره چهارم، گل نبشته‌ها به خط پیشایلامی (گیرشمن، ۱۳۷۹، ص ۲۷۰)

نشان عدد ۷۰ در حروف طلسمین شکلی شبیه حرف «U» البته بر خط زمینه خوابیده است و نشان عدد ۸۰ نیز در این حروف نیز مانند حرف «E» معکوس است. شبیه این دو نشان را می‌توان در کتیبه‌های پیشایلامی بررسی کرد (تصویر ۱۲).

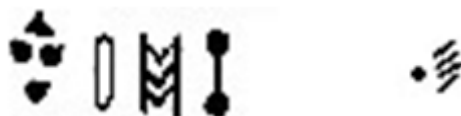


تصویر ۱۲- برخی از الواح انتخابی از شوش، ایلامی مقدم (Brice, 1962, p.39) نشانه‌های قرمز با علائم عدد ۷۰ و ۸۰ در خطوط لایق‌رایی شباهت دارد.

اساس دسته دوم از حروف طلسمی، بر نقطه و خط استوار است: ۱- خانه؛ ۲- حال و نفس؛ ۳- مال و معاش؛ ۴- برادران و خواهران؛ ۵- پدر و جد؛ ۶- فرزند و معشوق؛ ۷- بیماری و حمل زنان؛ ۸- دشمنان و ازدواج؛ ۹- خوف و خطر؛ ۱۰- سفر و علم؛ ۱۱- جاه و جلال؛ ۱۲- دوستان قدیم؛ ۱۳- چهارپایان؛ ۱۴- موفقیت و شکست؛ ۱۵- مقاصد؛ و ۱۶- حاکم و قاضی و جمیع کارهای زشت و زیبا با این نشانه‌ها همراهند (تناولی، ۱۳۸۷، ص ۶۳) (تصویر ۱۳). این نشانه‌های نوشتاری نیز که از تکرار خطوط مورب در ترکیب با نقطه ایجاد می‌شود در کتیبه‌های ایلامی به کار می‌رود (تصویر ۱۳ و ۱۴).

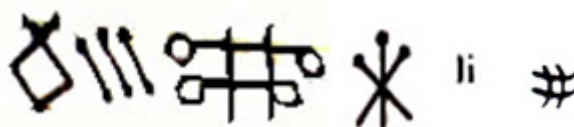


تصویر ۱۳- ارقام رمل، (تناولی، ۱۳۸۷، ص ۵۲)



تصویر ۱۴- برخی از الواح انتخابی از شوش، ایلامی مقدم (Brice, 1962, p.39)

دسته سوم از حروف طلسمی، ریشه در خط عربی-فارسی دارد. اغلب این حروف با کشوقوس‌هایی همراهند و اغلب آن‌ها اشکال تصویری را می‌سازند، به‌همین جهت این دسته را حروف شکلی نامیده‌اند (تناولی، ۱۳۸۷، ص ۲۷). شباهت این حروف و علائم و نشانه‌های خطی ایلامی، تداوم حیات نشان‌های خطی کهن را تا عصر حاضر به‌صورت نشان‌های رمزگونه نشان می‌دهد (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵- الف: ردیف بالا کتیبه به خط پیشایلامی است (هیئتس، ۱۳۸۶، ص ۵۷).



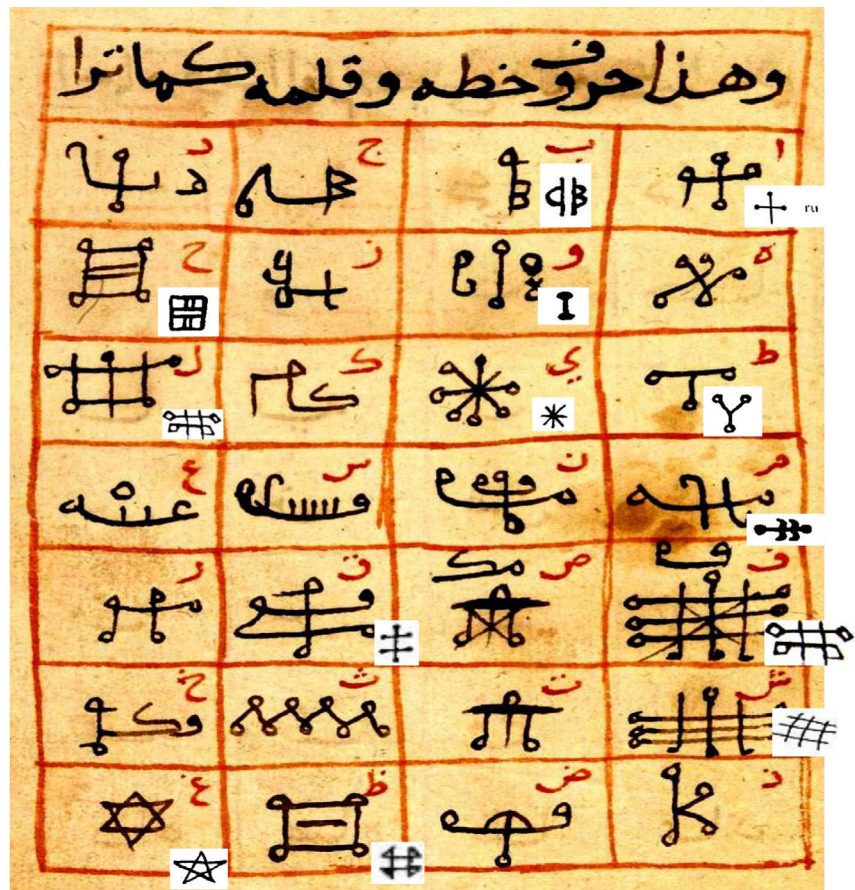
تصویر ۱۵- ب: حروف شکلیه، حروف طلسمی (تناولی، ۱۳۸۷، ص ۲۷) نشانه‌های قرمز حروف مشابه نشان‌های خطی ایلامی را نشان می‌دهد.

طلسمی از کتاب کنزالحسینی، کاربرد نشان مثلث با رأس رو به پایین را بر صفحه طلسم نشان می‌دهد: «مثلث که نماد اصل مؤنث است و در خطوط کهن به کار رفته است» (رو، ۱۳۶۹، ص ۷۵). در این طلسم مزین به نوشتاری ظاهراً در باب احضار کردن اجنه و به کمک گرفتن آن‌هاست (تصویر ۱۶).



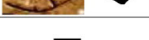
تصویر ۱۶- طلسمی از کنزالحسین

(تناولی، ۱۳۸۷، ص ۶۳) نماد مثلث با رأس رو به پایین در طلسم به کار رفته است.



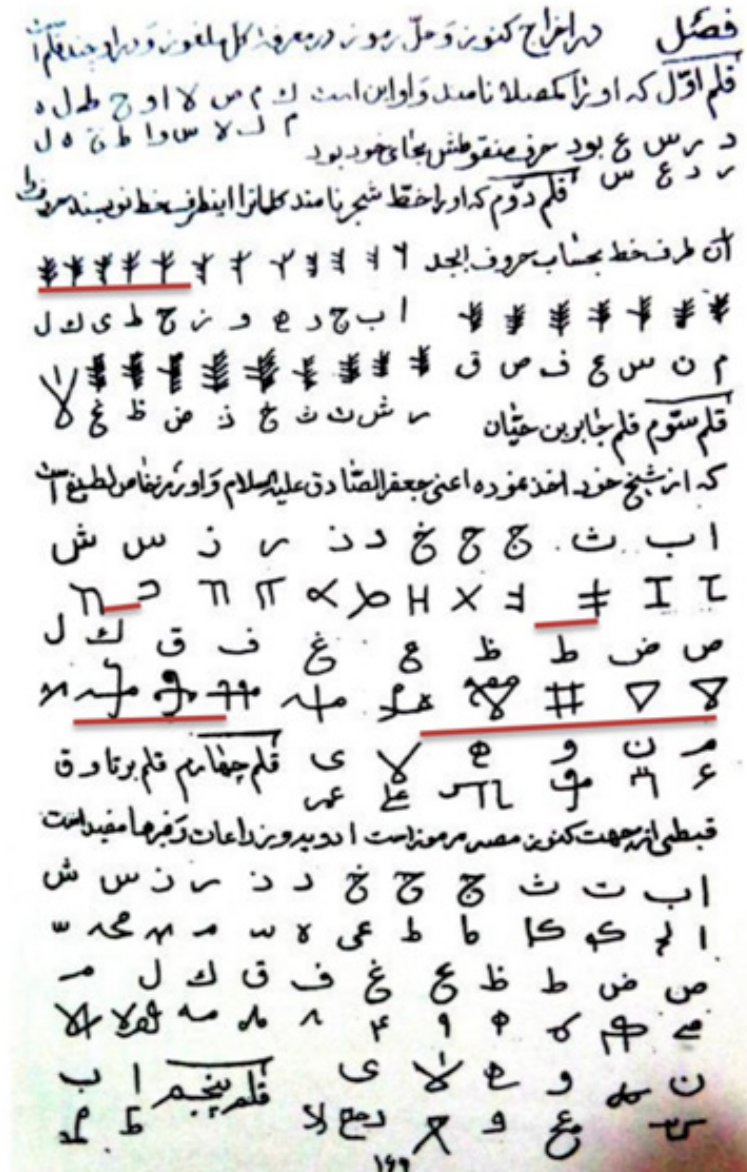
تصویر ۱۸- مقایسه حروف لایقراپی بر یک متن دوره اسلامی با نشانه‌های پیشایلامی (آرشیو نگارنده).
در این متن ۱۳ نشان تقریباً مشابه دیده می‌شود.

جدول تطبیقی ۱- مقایسه خطوط ایلامی با صفحه جدول حروف مشرفه تصویر ۱۷

خطوط پیشا ایلامی	خطوط مخطط ایلامی	خطوط لایقراپی
		
	—	
		
	—	
		
	 si	
		
—		
—		
	 an (?)	
	—	
		
	 ip (?)	
—		
—	 tin (?)	
		
	—	
	—	
		
	—	
	—	
	—	



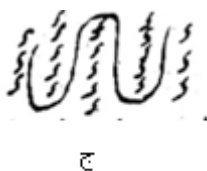
در تصویر ۱۹ نیز برخی از نشانه‌های مشابه خطوط ایلامی در برگه از کتاب طمطم هندی شناسایی شد.



تصویر ۱۹- حروف لایق‌رایی از کتاب طمطم هندی (تناولی، ۱۳۸۷، ص ۲۷) نشانه‌های قرمز رنگ شبیه نشانه‌های خطی ایلامی است.



برخی از نشانه‌های طلسمین که از نظر فرم شبیه نشانه‌های خطی ایلامی است، محدوده و ساختار نوشتار طلسم را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که صفحه‌آرایی نوشتار براساس شکل کلی نشان طلسمین شکل گرفته است (تصویر ۹ و ۱۶). نمونه‌هایی از طلسم‌های عشق، گشایش، احضار، نشانه‌هایی را مصور کرده که از نظر فرم، مشابهت‌های زیادی با نشانه‌های خطی ایلامی دارد و ساختار نوشتاری سایر حروف و نشانه‌های لایق‌رایی را تشکیل داده است (تصویر ۲۰).



ج

تصویر ۲۰-ج: احتمالا طلسم
احضار



ب

تصویر ۲۰-ب: طلسم عشق



الف

تصویر ۲۰-الف: طلسم
گشایش

(سکاکی، ص ۹۸، ۱۲۵، ۱۲۶). اشکال شبیه نشانه‌های ایلامی (۲۰ د، ر) ساختار چیدمان سایر نشانه‌های نوشتاری را تشکیل داده است.

مقایسه تطبیقی ۲- نشان‌های موجود در خطوط ایلامی، محوطه‌های باستانی و طلسم‌ها و خطوط لایق‌رایی

خطوط لایق‌رایی در طلسم‌ها و رمل	تخت سلیمان و سایر محوطه‌های تاریخی	تخت جمشید (حدود ۵۰۰-۷۰۰ ق.م)	ایلامی زنجیره‌ای (نیمه اول هزاره سوم ق.م)	مخطوط ایلامی (۲۲۰۰ ق.م)	خط پیشا ایلامی (۳۱۰۰-۲۷۰۰ ق.م) واکر ۱۴۵۰ لوح منتشر شده است
-	𐎶𐎶𐎶	sz m n	-	sa (?) su	𐎶𐎶
𐎶𐎶𐎶	=	-	-	𐎶𐎶𐎶𐎶	𐎶𐎶
𐎶𐎶𐎶	فرهات‌تراش تخت سلیمان	𐎶𐎶	𐎶𐎶	zunkik nap	𐎶𐎶
𐎶𐎶𐎶	-	𐎶𐎶	-	an (?)	𐎶𐎶
x	-	تخت پاسارگاد	xox	tin (?)	الواح سیلک
𐎶𐎶	𐎶𐎶	𐎶𐎶	-	𐎶𐎶	𐎶𐎶
𐎶𐎶	𐎶𐎶	تخت پاسارگاد	𐎶𐎶	ni si	الواح سیلک
𐎶𐎶	-	-	-	ha (?)	𐎶𐎶
𐎶𐎶	-	𐎶𐎶	-	𐎶𐎶	𐎶𐎶
𐎶𐎶	-	-	-	lik (?) li	𐎶𐎶
𐎶𐎶	-	𐎶𐎶	-	ik	-
𐎶𐎶	تخت سلیمان دریند	پاسارگاد	-	-	𐎶𐎶
𐎶𐎶	-	-	-	nu (??)	-
𐎶𐎶	𐎶𐎶	𐎶𐎶	-	ru	𐎶𐎶
𐎶𐎶	-	-	-	𐎶𐎶	𐎶𐎶



نتیجه گیری:

سرزمین ایران مهد یکی از پیشرفته‌ترین تمدن‌های کهن جهان است که در حدود ۳۲۰۰ قبل از میلاد، صاحب خط و نگارش بوده و این خطوط و نشانه‌های تصویری را روشی برای انتقال معانی و مفاهیم قراردادی به کار می‌برده است. نشانه‌ها به سبک هندسی و انتزاعی ترسیم می‌شدند. ایلام به عنوان خاستگاه خطوط تصویری و انتزاعی، ویژگی‌های فرهنگی قابل توجهی داشته است. بررسی خطوط ایلامی نشان می‌دهد، خط پیشایلامی و مخطط ایلامی مجموعه نشان‌های هندسی متنوعی را دربرمی‌گیرد. خط پیشایلامی شباهت‌هایی با خطوط سومری داشته است و خط مخطط ایلامی نیز از نشانه‌های منفردی برگرفته از خط پیشایلامی تشکیل شده است که تحت قوانین ویژه‌ای با یکدیگر ترکیب شده و نشانه‌های جدید را به وجود آورده‌اند. با وجود اینکه دوران کاربرد این خط با حضور تأثیرات خط میخی و به دلیل تغییر حاکمیت‌های سیاسی در هزاره سوم قبل از میلاد به پایان رسید، اما علائم و نشانه‌های این خطوط در دوران پس از آن در هنر ایران ظهور می‌یابد که قابل بررسی است. یکی از نمودهای تداوم حیات این نشانه‌های خطی را می‌توان در متون طلسمین، کیمیا و علوم غریبه پیگیری کرد. در این متون نشانه‌های خطی ایلامی هم به صورت یک حرف تکامل یافته لایق‌رایی ظاهر شده‌اند و هم یک نشانه مستقل شبیه خطوط ایلامی، ساختار هندسی ادعیه و نوشتارهای فارسی را تشکیل داده است؛ به گونه‌ای که نشانه مشابه ایلامی ساختار صفحه‌آرایی نوشتار فارسی را تشکیل داده است. این نشان‌ها غیر از منابع مکتوب در اشیای طلسمین و سایر چشم‌زخم‌ها نیز به کار می‌رود که قابل بررسی است. در اسناد بررسی شده حداقل ۳۸ نشانه مشترک وجود دارد که شباهت آن‌ها با نشانه‌های مخطط ایلامی غیرقابل انکار است. رابطه هر دو نظام نوشتاری را می‌توان تفصیلی تعریف کرد و این به معنای آن است که به علائم ایلامی اگر جزئیاتی افزوده شود خط و نوشتار طلسمین لایق‌رایی به دست می‌آید. افزوده شدن علائمی مانند نقطه یا خط در بیشتر نشانه‌ها دیده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد اساس طراحی برخی حروف لایق‌رایی، خطوط کهن پیشایلامی و مخطط ایلامی است.

منابع:

- آمیه، پیر (۱۳۴۹). تاریخ عیلام. ترجمه شیرین بیانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهزادی، رقیه (۱۳۶۸). قوم‌های کهن ایلام (قومیت، خط و زبان). مجله چیستا. ش ۶۵ ص ۶۴۲-۶۵۲.
- بهزادی، رقیه (۱۳۸۴). قوم‌های کهن در قفقاز، ماورای قفقاز و هلال حاصلخیز. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۷). طلسم گرافیک سنتی ایران. تهران: نشر بنگاه.
- رو، ژرژ (۱۳۶۹). بین‌النهرین باستان. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: آبی.



- سکاکی، محمدبن سراج‌الدین (بی‌تا). *ختومات و تسخیرات جن و اعمال قرطاس و علوم غریبه*. مکتبه العربیه.
- عزیزی‌فر، امیرعباس (۱۳۹۲). *بررسی و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی*. مجله متن‌شناسی ادب فارسی. ش ۱.
- قادر، حسن (۱۳۸۸). *نخستین گام‌های مدیریت نوشتار*. تهران: علم.
- کریمیان، عباس جداری (۱۳۹۱). *ایلام گاهواره تمدن*. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ش ۱۷۸، ص ۶۰-۶۵.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹). *سیلک کاشان*. ترجمه اصغر کریمی. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۹۲). *الواح جیرفت و خاستگاه نظام خط ایلامی*. از مجموعه مقالات باستان‌شناسی حوزه هلیل‌رود همایش بین‌المللی تمدن حوزه هلیل‌رود جیرفت. به‌کوشش یوسف مجیدزاده و محمدرضا میری. تهران: مؤسسه ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- محبت، محمد (۱۳۹۲). *نقش طلسم و جادو و برخی صنایع غریبه در داستان هزار و یک شب*. مجله ادب و زبان. ش ۱۶.
- محبوبیان، هوشنگ. مجموعه شخصی www.Mahboubiancollection.com/Elamite.
- محمدپور، علیرضا (۱۳۸۳). *علائم حجاری‌شده بر سنگ‌های تخت سلیمان*. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران، حوزه شمال‌غرب. به‌کوشش مسعود آذرنوش. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث‌فرهنگی.
- مقدم، آژیده (۱۳۹۲). *هندسه باستان نگارش، هنر، ریاضیات*. از مجموعه مقالات باستان‌شناسی حوزه هلیل‌رود همایش بین‌المللی تمدن حوزه هلیل‌رود جیرفت. به‌کوشش یوسف مجیدزاده و محمدرضا میری. تهران: مؤسسه ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- واکر، کریستوفر (۱۳۸۶). *تاریخ خط میخی*. ترجمه نادر سعیدی. تهران: نشر ققنوس.
- هینتس، والتر (۱۳۸۵). *یافته‌های تازه از ایران باستان*. ترجمه پرویز رجبی. تهران: ققنوس.
- هینتس، والتر (۱۳۸۶). *شهریاری ایلام*. ترجمه پرویز رجبی. تهران: ماهی.
- Boardman, John (2000). "Persia and the west, an archaeological investigation of the Genesis of Achaemenidart". Thames&Hudson. First published.London.
- Brice,William c. & Ernst Grumach (1962). "The writing system of the Proto -Elamite account tablets of Susa". Studies in The Structure of some ancient scripts. Lecturer in Geography in university of Manchester. The Johan Rylands Library. P.57-150.
- Dahl, Jocobl (2005). "complex Graphemes in Proto -Elamite". Center national la recherché scientifique. Paris: Cuniform Digital library, Jornal 3.
- Damerow, Peter (1989). The Proto-Elamite Texts from Tape Yahya. Harvard university



press.

- Englund, Robert (2001). "The state of decipherment of proto-Elamite". Max-Planck institute For wissenschaftsgeschichte. MaxplanckInstitut for the history of science, 21, p.1-43.
- Lawrence, lo (2012). Elamite inscription, www/ancient scripts.com.
- Nissen, J. Hans; Damerow, peter; Englund, Robert K. (1993). Archaic Bookkeeping, early writing and Techniques of economic administration in the ancient near east. Chicago and London: The university of Chicago press.

معرفی اسنادی دربارهٔ مطالبه سنوات خدمت مهام‌الدوله موجود در آرشیو ادارهٔ کل اسناد و امور مترجمان رسمی قوة قضاییه

زهرا فریدی

چکیده:

اسناد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی، اهمیت زیادی در پژوهش‌های تاریخی در یک دوره یا برههٔ زمانی دارد و در مواردی نه‌تنها شواهد حکایت‌کننده از تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره بوده، بلکه برخی از اسناد بیانگر احوال شخصیه افراد نیز است. شرح زندگی برخی از رجال در دوره‌های مختلف تاریخی بنا به دلایل گوناگون در منابع ذکر نشده یا به‌صورت پراکنده آمده است. در این میان، برخی از اسناد موجود در آرشیو پرونده‌های مهم و ملی قوة قضاییه می‌تواند راهگشای ما در ارائهٔ شرح‌حالی هرچند مختصر از پیشینیانی باشد که در کتب به شرح زندگی و آثار آنان پرداخته نشده است. اسناد آرشیوی قوة قضاییه در واقع حاصل فعالیت‌های روزانهٔ سازمانی است که در گذر زمان و با مختومه‌شدن پرونده‌های جاری آنان تبدیل به گنجینه‌ای از اسناد به وسعت تمامی ابعاد زندگی اجتماعی و فردی اعضای جامعه شده است. علت این وسعت و تنوع اسناد در دستگاه قضا که مرجع رسیدگی به دعاوی است از همین کارکرد ناشی می‌شود؛ زیرا گاهی اشخاص جهت احقاق حق انواع مختلفی از اسناد همچون فرامین شاهان (مورد استناد مهام‌الدوله در پژوهش حاضر) را ضمیمهٔ پروندهٔ خود کرده که باعث تمایز و منحصر به فرد شدن نوع اسناد قوة قضاییه از سایر مراکز اسنادی باشد.

کلیدواژه‌ها

اسناد، محمدعلی شاه قاجار، احمدشاه قاجار، مهام‌الدوله، مترجم، سفارت.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴، صص: ۱۶۸-۱۸۳



معرفی اسنادی دربارهٔ مطالبه سنوات خدمت مهام‌الدوله موجود در آرشیو ادارهٔ کل اسناد و امور مترجمان رسمی قوهٔ قضائیه

زهرا فریدی^۱

مقدمه:

اسناد از هر نوع که باشند —سلطانیات، دیوانیات یا اخوانیات، مالی و قضایی— روایتگر حقایق و عناصر ارزشمند تاریخ نگاری‌اند. در میان اسناد تاریخی، اسنادی چون فرامین سلطنتی و رقم‌ها، مکاتبات اداری و دیوانی، نامه‌های نیمه‌رسمی و شخصی در کنار قبale جات و وقف‌نامه‌ها و عقدنامه‌ها و غیره، با دو گونهٔ ارزش اداری یا استنادی و تحقیقی، از مهم‌ترین منابع مکتوب پژوهشی به‌شمار می‌آیند. در این پژوهش، سه سواد فرمان از محمدعلی‌شاه و احمدشاه قاجار معرفی می‌شود. این اسناد در خصوص اشتغال به کار و اعطای نشان به میرزااحسین‌خان کریمی‌زند (مهام‌الدوله) به‌عنوان منشی و مترجم در وزارت امور خارجه است. از آنجا که از نظر حقوقی سند یکی از وسایل اثبات حق است، مهم‌الدوله نیز فرامین شاهان قاجاری را جهت احقاق حق خود مستند قرار داده و از وزارت امور خارجه به دیوان عالی تمیز (دیوان عالی شور) شکایت می‌کند.

میرزااحسین‌خان مهمام‌الدوله از رجال سیاسی عصر قاجار و از مترجمان شاغل در وزارت امور خارجه بود که به سال ۱۳۰۶ش. اقدام به طرح شکایتی از آن وزارتخانهٔ دائر به نقض ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری^۲ و تقاضای صدور تعرفه خدمت و تصدیق سوابق خدمتی در وزارت امور خارجه را می‌کند. وی این شکایت را در دیوان عالی تمیز (دیوان عالی شور)^۳ طرح می‌کند؛ زیرا مطابق اصل ۸۸ متمم قانون ساسی سال ۱۳۲۴ق.، تنها مرجع صلاحیت‌دار

۱. کارشناسی ارشد تاریخ، کارشناس بررسی اسناد و مدارک قوه قضائیه.

faridi-z@yahoo.com

۲. ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۰۱ش.؛ اشخاصی که سابقاً مشاغل دولتی به‌عهده داشته و در تاریخ شروع اجرای این قانون خدمتی را متکفل نیستند، در صورتی منتظر خدمت محسوب می‌شوند که از تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ به این طرف پنج سال متوالی یا هشت سال متناوباً و به‌موجب فرمان همایونی یا حکم وزارتخانه مصدر شغل رسمی بوده باشند.

۳. دیوان عالی کشور تا سال ۱۳۱۸ به دیوان عالی تمیز موسوم بود.



برای رسیدگی به اختلافات ادارات و مشاغل دولتی مرجع مذکور بود (مجموعه قوانین موقتی، قسمت قانون اصول محاکمات حقوقی، ص ۳۳). به همین دلیل مهمام الدوله به عنوان شاکی از وزارت امور خارجه، با مستنداتی چون دو دستخط از محمدعلی شاه و احمدشاه قاجار که حاوی اطلاعاتی در خصوص اشتغال وی در سفارت اتریش و مجارستان است، شکایت خود را به دیوان عالی تمیز ارائه می‌دهد.

در این مقاله هدف آن است پس از تدوین شرح مختصری از زندگی و فعالیت‌های اداری (منشی‌گری و مترجمی) مهمام الدوله در وزارت امور خارجه و نیز فعالیت‌های سیاسی او، فرامین استنادی وی از شاهان قاجار و نیز آرای دیوان عالی تمیز موجود در اداره کل اسناد و امور مترجمان قوه قضاییه بازخوانی و معرفی شود.

در باب تأسیس وزارت امور خارجه

دوره قاجار را می‌توان آغازگر مناسبات رسمی خارجی در تاریخ سیاسی ایران قلمداد کرد. این دوره که به دنبال تحولات بعد از فروپاشی قدرت صفویه و دوران گذار دو سلسله افشاریه و زندیه بر صحنه تاریخ ایران پدیدار شد، آستان تحولات شگرفی در روابط و مناسبات سیاسی ایران با دول خارجی است. افزایش روابط سیاسی، بروز بحران‌های متعدد اجتماعی-سیاسی و شکست ایران در جنگ‌های روسیه باعث گسست جامعه قاجار از اندیشه سنتی و بروز گرایش‌های نوظهور شد که این امر در واقع پیامد یک خودآگاهی انتقادی بود که رخ نمود. به همین دلیل احساس نیاز برای دستیابی به علوم و فناوری‌های جدید به جهت پیشرفت و افزایش آگاهی‌های اجتماعی ضرورتی تردیدناپذیر می‌کرد که جامعه ایران را به سوی الگوبرداری از غرب سوق می‌داد و این امر تحقق نمی‌یافت مگر در پرتوی ارتباط هر چه بیشتر با کشورهای اروپایی با استفاده از ابزار زبان. می‌توان گفت زبان و ترجمه ابزار اصلی ارتباطات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی میان ایران و سایر کشورها و نیز آشناسازی ایرانیان با اندیشه‌های نو، مکتب‌های فکری و روندهای ادبی و از مؤلفه‌های لازم حرکت به سوی تجددگرایی بوده است. از سوی دیگر همین احساس نیاز به برقراری روابط سیاسی با سایر کشورها فکر تأسیس وزارتخانه یا سازمانی را به وجود آورد که این مراودات و ارتباطات خارجی را مدیریت کند. وزارت امور خارجه از جمله قدیمی‌ترین وزارتخانه‌هایی است که در این راستا در ایران تأسیس شد. این وزارتخانه از ابتدای تأسیس در اوایل سلطنت فتحعلی شاه قاجار مرجع مخصوص برای مراجعات مأموران خارجی و بیگانگان بود و نام خاصی نداشت، گاهی دفترخانه غربا و زمانی دفتر امور خارج اطلاق می‌شد و مدتی هم امور دول خارجی نام‌گذاری شده بود. افزایش روزافزون مناسبات سیاسی بعد از فتحعلی شاه و در دوران محمدشاه جایگاه وزارت خارجه را



به ثباتی نسبی رساند، اما موجد دواير و ادارات منظمی برای وزارت خارجه نشد. روند مزبور در دوره ناصرالدین شاه قاجار تحول چشمگیری یافت. ناصرالدین شاه در محرم ۱۲۷۵ ق. در جهت اصلاح و تعدیل نظام سیاسی، دیوانی و قضایی کشور وزارتخانه‌های دهگانه‌ای را تأسیس کرد که وزارت امور خارجه از جمله آن‌ها بود. در سال ۱۳۰۰ ق. سازمان وزارت امور خارجه به شرح اداراتی، چون اداره تحریر نامجات و فرامین، اداره متعلقه به سفارت روس، اداره متعلقه به سفارتخانه‌های فرانسه، آلمان، اتریش و آتازونی (یونانی دنیا)، اداره متعلقه به سفارت عثمانی، اداره متعلقه به سفارت انگلیس، اداره محاکمات تجاری، اداره دفتر، ترجمه، خطوط رمز، اداره دفتر تشریفات، اداره دفتر ثبت و ضبط، اداره دفتر تذکره و طبع تشکیل یافته بود (شمیم، ۱۳۷۹، ص ۳۵۴). با این تشکیلات وزارت امور خارجه نقش مهمی را در مناسبات و روابط سیاسی با سایر کشورها عهده‌دار بود که به طبع آن می‌بایست مترجمان توانمندی در این ادارات به‌عنوان حلقه ارتباط میان دو کشور به کار گماشته می‌شدند. از جمله این مترجمان، میرزا احسین خان کریمی زند (مهام‌الدوله) است که سال‌ها در سفارت اتریش-مجارستان مشغول به خدمت بود.

پیشینه میرزا حسین خان مهام‌الدوله

در خصوص احوال شخصیه و زندگی مهام‌الدوله اطلاعات کاملی در دست نیست؛ اما طبق آنچه در منابع و پرونده شکایت استخدامی وی به دست آمده می‌توان گفت میرزا احسن خان در سال ۱۳۲۵ ق.، به استخدام وزارت امور خارجه درآمده و در سال ۱۳۲۷ ق.، طبق فرمان محمدعلی شاه قاجار به مدیریت اداره دول اتریش، آلمان و بلژیک منصوب شد. مطابق شرح حال ارائه شده مهام‌الدوله به کمیسیون وزارت امور خارجه، از صفر ۱۳۲۷ تا ربیع‌الاول همان سال (۱۲۸۷ ش.) در اداره تحریرات مشغول به خدمت بوده است و پس از آن طبق مراسله خصوصی سعدالدوله وزیر خارجه وقت به سفارت اتریش^۱ منتقل شده و مدت پانزده سال در آنجا سمت منشی‌گری و مترجمی را داشته است (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶، ص ۲۸۱).^۲ گویا مدت زمان خدمت وی در سفارت اتریش آنقدر طولانی بود که در برخی منابع از وی به میرزا احسین خان اطریشی نام برده می‌شود (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶، ص ۲۸۱). همچنین در خاطرات میرزا ابوالقاسم کحال زاده می‌خوانیم که او در سال ۱۳۳۶ ق. (۱۲۹۷ ش.) در مراسم تشییع جنازه کنت لگوتی وزیر مختار اتریش در تهران به‌عنوان یکی از اعضای سفارت اتریش و هنگری با سمت منشی اول آن سفارتخانه حضور یافته است (کحال زاده، بی‌تا، ص ۳۸۰).

فعالیت‌های سیاسی او در دورانی بود که ایران تحت تأثیر تبعات جنگ جهانی اول و دوم و در نهایت ضعف و ناتوانی بود. وی در دوران استبداد محمدعلی شاه قاجار از نزدیکان سعدالدوله رئیس‌الوزرا بود (بزرگ‌امید، ۱۳۳۵، ص ۱۸۵). در دوران حکومت احمدشاه قاجار نیز

۱. محل استقرار سفارت اتریش در آن سال‌ها در خیابان سعدی نزدیک به چهارراه سید علی بوده است (کحال زاده، بی‌تا، ص ۳۸۰).

۲. کد شماره ۶۳۹ از بانک اسناد مهم و ملی اداره کل اسناد و امور مترجمان قوه قضاییه.



به سال ۱۳۳۶ ق. (۱۲۹۶ ش.) به عضویت حزب تازه تأسیس سوسیال رولسیونر^۱ در تهران درآمد (مردوخ‌کردستانی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۸). حزبی که بر ضد کابینه صمصام‌السلطنه قیام کرد و مدعی شد که او لیاقت مقام وزارت، اداره مملکت و نجات مردم از قحطی و مجاعه را ندارد. آنان به همراه علما و اهل بازار و نیز گروهی از دموکرات‌ها در مسجد شاه تهران علیه صمصام‌الدوله تجمع کردند (مردوخ‌کردستانی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۹). کابینه‌ای که پس از مدتی به دنبال الغای کلیه عهدنامه‌ها با دولت شوروی و سپس صدور تصویب‌نامه در زمینه الغای کاپیتولاسیون سقوط کرد (شمیم، ۱۳۷۹، ص ۶۰۸). در قسمتی از خاطرات سیدمحمد کمره‌ای از اعضای فعال حزب دموکرات در خصوص حوادث سال ۱۳۳۷ به دستگیری مهمام‌الدوله و برخی از رفقای دموکرات اشاره شده است (کمره‌ای، ۱۳۸۲، ص ۸۰۶-۸۰۷، ۸۳۹).

در سال ۱۳۳۹ هجری قمری (۱۳۰۰ ش.) نیز که سید ضیاء‌الدین به دنبال کودتای حوت ۱۲۹۹ به قدرت رسید، عده‌ای از رجال سرشناس و مخالفان سیاسی خود را توقیف و زندانی کرد (شمیم، ۱۳۷۹، ص ۶۴۶). از جمله کسانی که دستگیر و روانه زندان شد، مهمام‌الدوله بود. روزنامه ایران به تاریخ ۱۳۰۰/۳/۳۰ در خصوص دستگیرشدگان می‌نویسد: «امروز هیئت محبوسین کودتا تظلم‌نامه‌ای را توسط قوام‌الدوله و حاجی امین‌الضرب و ممتازالملک به هیئت دولت دادند ...»، خواسته‌های این گروه محبوس افتتاح فوری مجلس شورای ملی، تعقیب اعوان و همدستان ظاهری و باطنی داخلی و خارجی سید ضیاء، تشخیص دزدی‌ها و مأخوذات مشارالیه و رسیدگی به حساب و مواخذة از او به نام مشروطیت و قانون اساسی، تهیه وسایل برای جبران خسارات اقتصادی وارده به تمام طبقات عنوان شده بود (فراهانی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵، به نقل از: روزنامه ایران ۱۳۰۰/۳/۳۰).

مطابق آنچه در منابع آمده است او دارای سه فرزند به نام‌های میرزا موسی،^۲ میرزا عیسی^۳ و فصیح‌الملوک^۴ است.

در خصوص شکایت او از امور خارجه با توجه به پرونده قضایی موجود در اداره کل اسناد و امور مترجمان قوه قضاییه، مهمام‌الدوله مدعی است که طبق فرمان محمدعلی شاه قاجار مشغول به خدمت در اداره دول اتریش، آلمان و بلژیک وزارت امور خارجه شده است؛ اما پس از چندی بنا به دستور سعدالدوله وزیر امور خارجه وقت به سفارت اتریش منتقل می‌شود. او در این پرونده قضایی پس از رد درخواستش در کمیسیون وزارت امور خارجه مبنی بر صدور تعرفه سنوات خدمت مشارالیه در وزارت امور خارجه، موضوع را در دیوان عالی تمیز مطرح می‌کند. کمیسیون مزبور صدور تعرفه خدمتی مشارالیه را ناممکن می‌داند؛ زیرا فرمان محمدعلی شاه در وزارت امور خارجه ثبت نشده و مراسله سعدالدوله وزیر امور خارجه را نیز یک مراسله خصوصی دانسته که سوادی از آن جهت اطلاع وزارت امور خارجه ارسال شده است. همچنین کمیسیون اعلام

۱. رولسیون در لغت به معنای شورش و طغیان است.

۲. موسی که به سال ۱۲۷۵ شمسی متولد شد سمت‌هایی چون دادستان اصفهان، وزارت پست و تلگراف، شهردار مشهد، شهردار تهران و استاندار آذربایجان را داشت که در سال ۱۳۴۰ تحت تعقیب دیوان کیفر قرار گرفت و مدتی زندانی بود تا این‌که در سال ۱۳۴۳ درگذشت (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۵۶۹).

۳. کد شماره ۶۳۹ از بانک اسناد مهم و ملی اداره کل اسناد و امور مترجمان قوه قضاییه.

۴. فصیح‌الملوک شاعر و خطاط، فارغ‌التحصیل مدرسه فرانکو‌پرسان و دارای تحصیلات عالی در رشته زبان خارجه از دانشکده ادبیات پاریس بود که در تأسیس دارالمعلّیات مرکز تهران همکاری می‌کرد و از خوشنویسان دبیرخانه شورای عالی فرهنگ به‌شمار می‌آمد (حاج سید جواد، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۰۶).

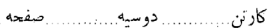


می‌دارد که در دفاتر وزارت امور خارجه نوشتجاتی به امضای ایشان ندارد.

مهام‌الدوله پس از طرح دعوی در دیوان‌عالی تمیز باز هم به نتیجه نرسید. دیوان‌عالی تمیز شکایت مهمام‌الدوله از وزرات امور خارجه دایر بر نقض ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری را رد کرد. این مرجع با استناد به این که ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری اشخاصی را منتظر خدمت محسوب داشته که از تاریخ جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ به بعد، پنج‌سال متوالی و یا هشت‌سال متناوب به موجب فرمان همایونی و با حکم وزارتخانه مصدر شغل رسمی بوده‌اند و نیز با استناد به این که آقامیرزا حسین خان برای اثبات عملی شدن فرمان مرحوم محمدعلی شاه مورخه ۱۳۲۷ دایر به واگذاری اداره تحریرات دول اتریش، آلمان و بلژیک به مشارالیه و تصدی خود به شغل مزبور گذشته از آن که دلیلی اقامه نکرده است، بلکه وزارت امور خارجه نیز اشتغال ایشان را تکذیب کرده است و سایر اوراق منضمه به شکایت مشارالیه نیز هیچ‌یک حاکی از تصدی مشارالیه به یکی از خدمات رسمی دولت نیست، این شکایت را نپذیرفت. در رأی دیوان آمده است که استناد مرقومه سعدالدوله وزیر امور خارجه وقت به این که ادامه خدمت در سفارت اتریش با اجازه دولت و حفظ مقام مشارالیه در وزارت خارجه بوده و جزء مدت خدمت مشارالیه محسوب است موجه نیست، چه گذشته از این که مراسله مزبور خصوصی و دارای رسمیت اداری و قابل استناد نیست، بلکه تصدی آقا میرزا حسین خان به شغلی که به موجب فرمان به مشارالیه واگذار شده است مستند به دلیلی نیست تا آن که مراسله خصوصی وزیر خارجه وقت مؤثر بوده و مقام مشارالیه در وزارت خارجه محفوظ باشد و با صرف نظر از مراتب فوق‌الذکر مطابق صریح ماده ۱ قانون استخدام کشوری، خدمت رسمی عبارت است از: دارابودن شغل ثابت در یکی از وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی بنابراین نمی‌توان مدتی را که شاکی در خدمت سفارت اتریش بوده است، خدمت رسمی دولت محسوب داشت. بنا بر جهات مذکور دیوان‌عالی تمیز شکایت مهمام‌الدوله را غیر وارد تشخیص و رد کرده است. پس از اعتراض مهمام‌الدوله، این رأی به تأیید هیئت دیوان‌عالی تمیز رسید.^۱

۱. کد شماره ۶۳۹ از بانک اسناد مهم
و ملی اداره کل اسناد و امور مترجمان
قوه قضاییه.





سواد مورخه ماه ۱۳

انکہ جن صاحبزادہ عین الدین تبرہم دشت اول نہایت بہیم طریش و باریت ان عرغور و آرمی علم بردار

عفو ابیہ نیت در دہکے رقبے در لبت مرف و عقدہ تر خندہ لب
و ہند و جہدے زن دانہ دہن غلط حقوت آج لچے عواران بہ ہنر استوار

مگر دایہ و امرا در حق بنی در تصفیہ ہا دیکھتہ فتنہ سے مامور میں ہا ارا
 فہرہ جہ منع ہو گئی ہے دانہ دانہ خود اپنے فکر و امور ساز و بساز

مقتدر اور آجائے اراکین، غیور و سنجیدہ۔
معتد بہت معتد ہو جان سے معتد ہوں

عظیم مزاج فیاض و جلیل، کرامت و انوار منوریت، ضعیف نمبر در علم خستہ نیز قلم

[نشان شیر و خورشید]

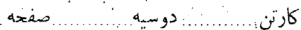
کارتن — دوسیه — صفحه

وزارت عدلیه

سواد — مورخه — ماه — ۱۳

[محل] مهر محمدعلی شاه

آنکه چون جناب میرزا حسین خان مترجم و منشی اول سفارت بهیه اطیش [اتریش] و مجارستان عمر خود را در تحصیل علم خارجه و تنقیح قوانین دول متمدنه مصروف و محیط به امورات و اصول سیاسی و متبحر به دقایق در امورات دیپلوماسی و همواره اوقات خود را با سرمایه لیاقت و درستی و مواظبت صرف حل و عقد مسائل اختلافیه بین اتباع داخله و خارجه و بین قانون دانی و مهمام شناسی حافظ حقوق اتباع دولت علیه ایران بوده و محض استظهار و تشویق مشارالیه شمه از عواطف ملوکانه و شرانه از تفقادات خسروانه درباره مشارالیه مشمول و به لقب جلیل مستشار حقوق ملقب و سرافراز فرمودیم که بین الامانی والاقربان مباحی و سربلند بوده زائد علی ماسبق موجب مزید دلگرمی و امیدواری او شود بیش از پیش در تصفیه مهمات و تسهیل اختلافات حاصله بین اهالی ایران با خارجه جهت بلیغ و حسن کفایت و امانت و دیانت حضور را به منصفه ظهور و شهود رساند و به هیچ وجه در رتق و فتق امور اتباع ایران به خارجه دریغ ننماید المقرر آنکه مقرب الخاقان معتمدی السلطان مستوفیان عظام بشرح فرمان جهان مطاع مبارک را در دفاتر [ناخوانا] ثبت و ضبط نموده در عهده می باشد شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۶



سواد مورخه ماه ۱۳۰۳

[illegible]

سفر در ایام قیام از اربعه و ۱۴۱۳ هـ

[نشان شیر و خورشید]

کارتن _____ دوسیه

وزارت عدلیه

_____ صفحه

سواد _____ مورخه _____ ماه _____ ۱۳

[محل] مهر محمدعلی شاه

بملاحظه خدمات صادقانه و حسن نیت خالصانه فخامت اکتساب میرزا حسین خان منشی سفارت دولت
اطریش [اتریش] و مجارستان در طهران الطاف مهر اتصاف شاهانه شامل احوال او گردیده به تصویب
مستطاب اجل اشرف امیراکرم افخم مشیرالسلطنه صدراعظم و استدعای جناب مستطاب اجل امجد
اکرم سعدالدوله وزیر امور خارجه مبلغ چهارصد تومان بدون رسوم از بابت محل ضبط مقرری سفارت
ایتالیا [ایتالیا] برای مدد معاش و صرف تحصیل مقربی الخاقان میرزا عیسی خان و میرزا موسی خان
پسران مشارالیه بعینه بموجب مرحمتی و برقرار فرمودیم که همه ساله وجه مزبور را بالسویه دریافت
داشته مشغول تحصیل باشند مقرر آنکه مستوفیان عظام شرح فرمان مبارک را ثبت نموده در عهده
شناسند شهر محرم پیچی ثیل ۱۳۲۷

[حاشیه سمت راست:] مستوفی وزارت خارجه حاشیه نوشته در جزو بودجه وزارت خارجه منظور دارد

[امضا]

[حاشیه سمت چپ:] صحه ملوکانه



ورقه استنطاق دیوانخانه عدلیه

تاریخ	مدعا به	نشان شیر و خورشید	مدعی علیه	مدعی	تاریخ و محل
۲۸ خرداد ۱۳۰۶	خدمت دولتی علم تصدیق		وزارت خارجه امور خارجه	میرزا حسین خان (مهام الدوله)	

به تاریخ بیست و هشتم خرداد ۱۳۰۶ آقای میرزا حسین خان (مهام الدوله سابق) از وزارت امور خارجه دائر بر نقض ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری درباره مشارالیه عرض حال شکایت به دیوان عالی تمیز تقدیم داشته و مستدعی رسیدگی شده به تاریخ پانزدهم بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق دوازدهم شعبان ۱۳۰۶ جلسه رسمی شعبه ثالثه دیوان عالی تمیز مرکب از آقایان مرقومه الاسامی تشکیل و پس از آقای حاج سید نصرالله رئیس آقای میرزا طاهر تنکابنی مستشار آقای عبدالمهدی طباطبایی مستشار قرائت راپورت آقای میرزا عیسی خان علی آبادی که در اینخصوص عضو ممیز بوده‌اند و قرار قبول عرضحال و قرائت نظریات کتبی آقای صدرا لاشراف معاون اول مدعی العموم کل دیوان عالی تمیز که بر رد شکایت بوده مشاوره نموده چنین رأی میدهند: شکایت آقامیرزا حسین خان (مهام الدوله سابق) از وزارت امور خارجه دائر بر نقض ماده ۷۱ قانون استخدام کشوری درباره مشارالیه غیر وارد است چه ماده فوق الذکر اشخاصی را منتظر خدمت محسوب داشته که از تاریخ ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۲۴ به بعد پنج سال متوالی و یا هشت سال متناوب بموجب فرمان همایونی و با حکم وزارتخانه مصدر شغل رسمی بوده‌اند و آقا میرزا حسین خان برای اثبات عملی شدن فرمان مرحوم محمدعلی شاه مورخه صفر ۱۳۲۷ دائر بواگذاری اداره تحریرات دول اطریش و آلمان و بلژیک بمشارالیه و تصدی خود به شغل مزبور گذشته از اینکه دلیلی اقامه ننموده وزارت امور خارجه بشرح مراسله مورخه ۱۲ تیرماه ۱۳۰۶/ به نمره $\frac{3787}{66}$ اشتغال مشارالیه را بشغل مزبور باستناد دلائلی که در مراسله فوق ذکر شده است تکذیب نموده و سایر اوراق منضمه بشکایت نامه هیچیک حاکی از تصدی مشارالیه به یکی از خدمات رسمی دولت نیست و استناد شاکی به مرقومه سعدالدوله وزیر امور خارجه وقت به اینکه ادامه خدمت در سفارت اطریش با اجازه دولت و حفظ مقام مشارالیه در وزارت خارجه بوده و جزو مدت خدمت مشارالیه محسوب است موجه نیست چه گذشته از اینکه مراسله مزبور خصوصی و دارای رسمیت اداری و قابل استناد نیست به طوریکه فوقاً اشعار شد تصدی آقامیرزا حسین خان به شغلی که بموجب فرمان به مشارالیه واگذار شده است مستند به دلیلی نیست تا آنکه مراسله خصوصی وزیر خارجه وقت موثر بوده و مقام مشارالیه در وزارت خارجه محفوظ باشد و با صرف نظر از مراتب فوق الذکر مطابق صریح ماده ۱ قانون استخدام کشوری خدمت رسمی عبارت است از دارا بودن شغل ثابت در یکی از وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و بنابراین مدتی را که شاکی در خدمت سفارت اطریش بوده نمیتوان خدمت رسمی دولت محسوب داشت بنا بر جهات مذکوره شکایت آقامیرزا حسین خان غیر وارد و به اتفاق آراء رد می‌شود.

[محل امضا] سید نصرالله عبدالمهدی طباطبایی محمدطاهر تنکابنی



دیوان عدالت عظمیٰ

[نشان سپرو خوردشید]

نمبر ۵۹		ورقه تحقیقات و صورت مجلس		صفحه	
مدعی	مدعی علیه	مدعا به	تاریخ	کارتن	دوسیه
مہام الدولہ	وزارت خارجہ	استخدامی	روز ۲۹ ماہ شہریور ۱۳		

در خصوص تقاضای تجدیدنظر آقای میرزا حسین خان مہام الدولہ نسبت بہ حکم صادر از شعبہ ثالثہ دیوان عالی تمیز مبنی بر رد شکایت شاکی دائر بر نقض مادہ ۷۱ قانون استخدام کشوری وزارت خارجہ دربارہ مشارالیہ در حکم مزبور در ۲۳ بہمن ۳۰۶ بمشارالیہ ابلاغ و در ۸ اسفند ۳۰۶ عریضہ تجدیدنظر تقدیم دفتر دیوان عالی تمیز نمودہ است.

تاریخ ۲۹ شہریور ۲۷ ہیئت عمومی دیوانعالی تمیز از آقایان رؤسا و مستشاران مرقومہ الاسامی با حضور آقا میرزا رضاخان نائینی مدعی العموم کل

شعبہ اول

رضاقلی خان ہدایت

آقای ممقانی

آقای میرزا صادق خان بروجردی

آقای فلسفی

شعبہ ثانی

آقای وجدانی

آقای راد

آقای ہیئت

آقای نوری

شعبہ ثالثہ

آقای حاج سید نصرالہ تقوی

آقای میرزا مرتضی قلیخان

آقای تنکابنی

دیوان عالی تمیز تشکیل و پس از قرائت راپرت آقای حائری زادہ عضو معاون دیوان عالی تمیز و کسب نظریہ ہای مدعی العموم کل کہ بر ابقای نظریہ سابق (رد شکایت) بود و مراجعہ بدوسیہ عمل و قرار قبول عرضحال تجدیدنظر مشاورہ نمودہ و چنین رأی می دهند: نظر باینکہ اعتراضات مستدعی تجدیدنظر (آقای میرزا حسین خان مہام الدولہ) بر حکم شعبہ ثالثہ دیوان عالی تمیز خلاصہ و بالتنتیجہ تکرار بیان استدلالات و تمسکاتی است کہ برای توجہ دادن شکایت خود بہ وزارت امور خارجہ و در مرحلہ بدوی نمودہ و بہ جہات مندرجہ در حکم مزبور شکایت مشارالیہ وارد نیست و سواد غیر مصدق مراسلہ وزارت امور خارجہ مورخ ۳۰۵ کہ اخیراً ضمیمہ لایحہ تجدیدنظر نمبر گذاشتہ از اینکہ وزارت خانہ مزبور در تاریخ موخر بموجب لایحہ مورخہ ۱۲ تیرماہ ۳۰۶ پس از مراجعہ بہ سوابق اداری تصدی شاکی را باشتغال در آن وزارتخانہ تکذیب نمودہ مؤثر در فسخ حکم نیست لہذا باتفاق آراء حکم مورد استدعای تجدیدنظر تأیید می شود.



مهر میرزا

سلطان احمد شاه قاجار
نشان

حضرت میرزا حسن دربارت قدس سره
نزد حضرت میرزا محمد تقی شاهزاده
بناشیران شریف و خورشید از درجه اول
با عطا نشان شیر و خورشید
تاریخ ۱۸ برج اسد پیچی ثیل یک هزار و سیصد و سی و هشت
محل مهر همایونی

۱۳۴۰
۱۳۳۹
۱۳۳۸
۱۳۳۷
۱۳۳۶
۱۳۳۵
۱۳۳۴
۱۳۳۳
۱۳۳۲
۱۳۳۱
۱۳۳۰
۱۳۲۹
۱۳۲۸
۱۳۲۷
۱۳۲۶
۱۳۲۵
۱۳۲۴
۱۳۲۳
۱۳۲۲
۱۳۲۱
۱۳۲۰
۱۳۱۹
۱۳۱۸
۱۳۱۷
۱۳۱۶
۱۳۱۵
۱۳۱۴
۱۳۱۳
۱۳۱۲
۱۳۱۱
۱۳۱۰
۱۳۰۹
۱۳۰۸
۱۳۰۷
۱۳۰۶
۱۳۰۵
۱۳۰۴
۱۳۰۳
۱۳۰۲
۱۳۰۱
۱۳۰۰
۱۲۹۹
۱۲۹۸
۱۲۹۷
۱۲۹۶
۱۲۹۵
۱۲۹۴
۱۲۹۳
۱۲۹۲
۱۲۹۱
۱۲۹۰
۱۲۸۹
۱۲۸۸
۱۲۸۷
۱۲۸۶
۱۲۸۵
۱۲۸۴
۱۲۸۳
۱۲۸۲
۱۲۸۱
۱۲۸۰
۱۲۷۹
۱۲۷۸
۱۲۷۷
۱۲۷۶
۱۲۷۵
۱۲۷۴
۱۲۷۳
۱۲۷۲
۱۲۷۱
۱۲۷۰
۱۲۶۹
۱۲۶۸
۱۲۶۷
۱۲۶۶
۱۲۶۵
۱۲۶۴
۱۲۶۳
۱۲۶۲
۱۲۶۱
۱۲۶۰
۱۲۵۹
۱۲۵۸
۱۲۵۷
۱۲۵۶
۱۲۵۵
۱۲۵۴
۱۲۵۳
۱۲۵۲
۱۲۵۱
۱۲۵۰
۱۲۴۹
۱۲۴۸
۱۲۴۷
۱۲۴۶
۱۲۴۵
۱۲۴۴
۱۲۴۳
۱۲۴۲
۱۲۴۱
۱۲۴۰
۱۲۳۹
۱۲۳۸
۱۲۳۷
۱۲۳۶
۱۲۳۵
۱۲۳۴
۱۲۳۳
۱۲۳۲
۱۲۳۱
۱۲۳۰
۱۲۲۹
۱۲۲۸
۱۲۲۷
۱۲۲۶
۱۲۲۵
۱۲۲۴
۱۲۲۳
۱۲۲۲
۱۲۲۱
۱۲۲۰
۱۲۱۹
۱۲۱۸
۱۲۱۷
۱۲۱۶
۱۲۱۵
۱۲۱۴
۱۲۱۳
۱۲۱۲
۱۲۱۱
۱۲۱۰
۱۲۰۹
۱۲۰۸
۱۲۰۷
۱۲۰۶
۱۲۰۵
۱۲۰۴
۱۲۰۳
۱۲۰۲
۱۲۰۱
۱۲۰۰
۱۱۹۹
۱۱۹۸
۱۱۹۷
۱۱۹۶
۱۱۹۵
۱۱۹۴
۱۱۹۳
۱۱۹۲
۱۱۹۱
۱۱۹۰
۱۱۸۹
۱۱۸۸
۱۱۸۷
۱۱۸۶
۱۱۸۵
۱۱۸۴
۱۱۸۳
۱۱۸۲
۱۱۸۱
۱۱۸۰
۱۱۷۹
۱۱۷۸
۱۱۷۷
۱۱۷۶
۱۱۷۵
۱۱۷۴
۱۱۷۳
۱۱۷۲
۱۱۷۱
۱۱۷۰
۱۱۶۹
۱۱۶۸
۱۱۶۷
۱۱۶۶
۱۱۶۵
۱۱۶۴
۱۱۶۳
۱۱۶۲
۱۱۶۱
۱۱۶۰
۱۱۵۹
۱۱۵۸
۱۱۵۷
۱۱۵۶
۱۱۵۵
۱۱۵۴
۱۱۵۳
۱۱۵۲
۱۱۵۱
۱۱۵۰
۱۱۴۹
۱۱۴۸
۱۱۴۷
۱۱۴۶
۱۱۴۵
۱۱۴۴
۱۱۴۳
۱۱۴۲
۱۱۴۱
۱۱۴۰
۱۱۳۹
۱۱۳۸
۱۱۳۷
۱۱۳۶
۱۱۳۵
۱۱۳۴
۱۱۳۳
۱۱۳۲
۱۱۳۱
۱۱۳۰
۱۱۲۹
۱۱۲۸
۱۱۲۷
۱۱۲۶
۱۱۲۵
۱۱۲۴
۱۱۲۳
۱۱۲۲
۱۱۲۱
۱۱۲۰
۱۱۱۹
۱۱۱۸
۱۱۱۷
۱۱۱۶
۱۱۱۵
۱۱۱۴
۱۱۱۳
۱۱۱۲
۱۱۱۱
۱۱۱۰
۱۱۰۹
۱۱۰۸
۱۱۰۷
۱۱۰۶
۱۱۰۵
۱۱۰۴
۱۱۰۳
۱۱۰۲
۱۱۰۱
۱۱۰۰
۱۰۹۹
۱۰۹۸
۱۰۹۷
۱۰۹۶
۱۰۹۵
۱۰۹۴
۱۰۹۳
۱۰۹۲
۱۰۹۱
۱۰۹۰
۱۰۸۹
۱۰۸۸
۱۰۸۷
۱۰۸۶
۱۰۸۵
۱۰۸۴
۱۰۸۳
۱۰۸۲
۱۰۸۱
۱۰۸۰
۱۰۷۹
۱۰۷۸
۱۰۷۷
۱۰۷۶
۱۰۷۵
۱۰۷۴
۱۰۷۳
۱۰۷۲
۱۰۷۱
۱۰۷۰
۱۰۶۹
۱۰۶۸
۱۰۶۷
۱۰۶۶
۱۰۶۵
۱۰۶۴
۱۰۶۳
۱۰۶۲
۱۰۶۱
۱۰۶۰
۱۰۵۹
۱۰۵۸
۱۰۵۷
۱۰۵۶
۱۰۵۵
۱۰۵۴
۱۰۵۳
۱۰۵۲
۱۰۵۱
۱۰۵۰
۱۰۴۹
۱۰۴۸
۱۰۴۷
۱۰۴۶
۱۰۴۵
۱۰۴۴
۱۰۴۳
۱۰۴۲
۱۰۴۱
۱۰۴۰
۱۰۳۹
۱۰۳۸
۱۰۳۷
۱۰۳۶
۱۰۳۵
۱۰۳۴
۱۰۳۳
۱۰۳۲
۱۰۳۱
۱۰۳۰
۱۰۲۹
۱۰۲۸
۱۰۲۷
۱۰۲۶
۱۰۲۵
۱۰۲۴
۱۰۲۳
۱۰۲۲
۱۰۲۱
۱۰۲۰
۱۰۱۹
۱۰۱۸
۱۰۱۷
۱۰۱۶
۱۰۱۵
۱۰۱۴
۱۰۱۳
۱۰۱۲
۱۰۱۱
۱۰۱۰
۱۰۰۹
۱۰۰۸
۱۰۰۷
۱۰۰۶
۱۰۰۵
۱۰۰۴
۱۰۰۳
۱۰۰۲
۱۰۰۱
۱۰۰۰
۹۹۹
۹۹۸
۹۹۷
۹۹۶
۹۹۵
۹۹۴
۹۹۳
۹۹۲
۹۹۱
۹۹۰
۹۸۹
۹۸۸
۹۸۷
۹۸۶
۹۸۵
۹۸۴
۹۸۳
۹۸۲
۹۸۱
۹۸۰
۹۷۹
۹۷۸
۹۷۷
۹۷۶
۹۷۵
۹۷۴
۹۷۳
۹۷۲
۹۷۱
۹۷۰
۹۶۹
۹۶۸
۹۶۷
۹۶۶
۹۶۵
۹۶۴
۹۶۳
۹۶۲
۹۶۱
۹۶۰
۹۵۹
۹۵۸
۹۵۷
۹۵۶
۹۵۵
۹۵۴
۹۵۳
۹۵۲
۹۵۱
۹۵۰
۹۴۹
۹۴۸
۹۴۷
۹۴۶
۹۴۵
۹۴۴
۹۴۳
۹۴۲
۹۴۱
۹۴۰
۹۳۹
۹۳۸
۹۳۷
۹۳۶
۹۳۵
۹۳۴
۹۳۳
۹۳۲
۹۳۱
۹۳۰
۹۲۹
۹۲۸
۹۲۷
۹۲۶
۹۲۵
۹۲۴
۹۲۳
۹۲۲
۹۲۱
۹۲۰
۹۱۹
۹۱۸
۹۱۷
۹۱۶
۹۱۵
۹۱۴
۹۱۳
۹۱۲
۹۱۱
۹۱۰
۹۰۹
۹۰۸
۹۰۷
۹۰۶
۹۰۵
۹۰۴
۹۰۳
۹۰۲
۹۰۱
۹۰۰
۸۹۹
۸۹۸
۸۹۷
۸۹۶
۸۹۵
۸۹۴
۸۹۳
۸۹۲
۸۹۱
۸۹۰
۸۸۹
۸۸۸
۸۸۷
۸۸۶
۸۸۵
۸۸۴
۸۸۳
۸۸۲
۸۸۱
۸۸۰
۸۷۹
۸۷۸
۸۷۷
۸۷۶
۸۷۵
۸۷۴
۸۷۳
۸۷۲
۸۷۱
۸۷۰
۸۶۹
۸۶۸
۸۶۷
۸۶۶
۸۶۵
۸۶۴
۸۶۳
۸۶۲
۸۶۱
۸۶۰
۸۵۹
۸۵۸
۸۵۷
۸۵۶
۸۵۵
۸۵۴
۸۵۳
۸۵۲
۸۵۱
۸۵۰
۸۴۹
۸۴۸
۸۴۷
۸۴۶
۸۴۵
۸۴۴
۸۴۳
۸۴۲
۸۴۱
۸۴۰
۸۳۹
۸۳۸
۸۳۷
۸۳۶
۸۳۵
۸۳۴
۸۳۳
۸۳۲
۸۳۱
۸۳۰
۸۲۹
۸۲۸
۸۲۷
۸۲۶
۸۲۵
۸۲۴
۸۲۳
۸۲۲
۸۲۱
۸۲۰
۸۱۹
۸۱۸
۸۱۷
۸۱۶
۸۱۵
۸۱۴
۸۱۳
۸۱۲
۸۱۱
۸۱۰
۸۰۹
۸۰۸
۸۰۷
۸۰۶
۸۰۵
۸۰۴
۸۰۳
۸۰۲
۸۰۱
۸۰۰
۷۹۹
۷۹۸
۷۹۷
۷۹۶
۷۹۵
۷۹۴
۷۹۳
۷۹۲
۷۹۱
۷۹۰
۷۸۹
۷۸۸
۷۸۷
۷۸۶
۷۸۵
۷۸۴
۷۸۳
۷۸۲
۷۸۱
۷۸۰
۷۷۹
۷۷۸
۷۷۷
۷۷۶
۷۷۵
۷۷۴
۷۷۳
۷۷۲
۷۷۱
۷۷۰
۷۶۹
۷۶۸
۷۶۷
۷۶۶
۷۶۵
۷۶۴
۷۶۳
۷۶۲
۷۶۱
۷۶۰
۷۵۹
۷۵۸
۷۵۷
۷۵۶
۷۵۵
۷۵۴
۷۵۳
۷۵۲
۷۵۱
۷۵۰
۷۴۹
۷۴۸
۷۴۷
۷۴۶
۷۴۵
۷۴۴
۷۴۳
۷۴۲
۷۴۱
۷۴۰
۷۳۹
۷۳۸
۷۳۷
۷۳۶
۷۳۵
۷۳۴
۷۳۳
۷۳۲
۷۳۱
۷۳۰
۷۲۹
۷۲۸
۷۲۷
۷۲۶
۷۲۵
۷۲۴
۷۲۳
۷۲۲
۷۲۱
۷۲۰
۷۱۹
۷۱۸
۷۱۷
۷۱۶
۷۱۵
۷۱۴
۷۱۳
۷۱۲
۷۱۱
۷۱۰
۷۰۹
۷۰۸
۷۰۷
۷۰۶
۷۰۵
۷۰۴
۷۰۳
۷۰۲
۷۰۱
۷۰۰
۶۹۹
۶۹۸
۶۹۷
۶۹۶
۶۹۵
۶۹۴
۶۹۳
۶۹۲
۶۹۱
۶۹۰
۶۸۹
۶۸۸
۶۸۷
۶۸۶
۶۸۵
۶۸۴
۶۸۳
۶۸۲
۶۸۱
۶۸۰
۶۷۹
۶۷۸
۶۷۷
۶۷۶
۶۷۵
۶۷۴
۶۷۳
۶۷۲
۶۷۱
۶۷۰
۶۶۹
۶۶۸
۶۶۷
۶۶۶
۶۶۵
۶۶۴
۶۶۳
۶۶۲
۶۶۱
۶۶۰
۶۵۹
۶۵۸
۶۵۷
۶۵۶
۶۵۵
۶۵۴
۶۵۳
۶۵۲
۶۵۱
۶۵۰
۶۴۹
۶۴۸
۶۴۷
۶۴۶
۶۴۵
۶۴۴
۶۴۳
۶۴۲
۶۴۱
۶۴۰
۶۳۹
۶۳۸
۶۳۷
۶۳۶
۶۳۵
۶۳۴
۶۳۳
۶۳۲
۶۳۱
۶۳۰
۶۲۹
۶۲۸
۶۲۷
۶۲۶
۶۲۵
۶۲۴
۶۲۳
۶۲۲
۶۲۱
۶۲۰
۶۱۹
۶۱۸
۶۱۷
۶۱۶
۶۱۵
۶۱۴
۶۱۳
۶۱۲
۶۱۱
۶۱۰
۶۰۹
۶۰۸
۶۰۷
۶۰۶
۶۰۵
۶۰۴
۶۰۳
۶۰۲
۶۰۱
۶۰۰
۵۹۹
۵۹۸
۵۹۷
۵۹۶
۵۹۵
۵۹۴
۵۹۳
۵۹۲
۵۹۱
۵۹۰
۵۸۹
۵۸۸
۵۸۷
۵۸۶
۵۸۵
۵۸۴
۵۸۳
۵۸۲
۵۸۱
۵۸۰
۵۷۹
۵۷۸
۵۷۷
۵۷۶
۵۷۵
۵۷۴
۵۷۳
۵۷۲
۵۷۱
۵۷۰
۵۶۹
۵۶۸
۵۶۷
۵۶۶
۵۶۵
۵۶۴
۵۶۳
۵۶۲
۵۶۱
۵۶۰
۵۵۹
۵۵۸
۵۵۷
۵۵۶
۵۵۵
۵۵۴
۵۵۳
۵۵۲
۵۵۱
۵۵۰
۵۴۹
۵۴۸
۵۴۷
۵۴۶
۵۴۵
۵۴۴
۵۴۳
۵۴۲
۵۴۱
۵۴۰
۵۳۹
۵۳۸
۵۳۷
۵۳۶
۵۳۵
۵۳۴
۵۳۳
۵۳۲
۵۳۱
۵۳۰
۵۲۹
۵۲۸
۵۲۷
۵۲۶
۵۲۵
۵۲۴
۵۲۳
۵۲۲
۵۲۱
۵۲۰
۵۱۹
۵۱۸
۵۱۷
۵۱۶
۵۱۵
۵۱۴
۵۱۳
۵۱۲
۵۱۱
۵۱۰
۵۰۹
۵۰۸
۵۰۷
۵۰۶
۵۰۵
۵۰۴
۵۰۳
۵۰۲
۵۰۱
۵۰۰
۴۹۹
۴۹۸
۴۹۷
۴۹۶
۴۹۵
۴۹۴
۴۹۳
۴۹۲
۴۹۱
۴۹۰
۴۸۹
۴۸۸
۴۸۷
۴۸۶
۴۸۵
۴۸۴
۴۸۳
۴۸۲
۴۸۱
۴۸۰
۴۷۹
۴۷۸
۴۷۷
۴۷۶
۴۷۵
۴۷۴
۴۷۳
۴۷۲
۴۷۱
۴۷۰
۴۶۹
۴۶۸
۴۶۷
۴۶۶
۴۶۵
۴۶۴
۴۶۳
۴۶۲
۴۶۱
۴۶۰
۴۵۹
۴۵۸
۴۵۷
۴۵۶
۴۵۵
۴۵۴
۴۵۳
۴۵۲
۴۵۱
۴۵۰
۴۴۹
۴۴۸
۴۴۷
۴۴۶
۴۴۵
۴۴۴
۴۴۳
۴۴۲
۴۴۱
۴۴۰
۴۳۹
۴۳۸
۴۳۷
۴۳۶
۴۳۵
۴۳۴
۴۳۳
۴۳۲
۴۳۱
۴۳۰
۴۲۹
۴۲۸
۴۲۷
۴۲۶
۴۲۵
۴۲۴
۴۲۳
۴۲۲
۴۲۱
۴۲۰
۴۱۹
۴۱۸
۴۱۷
۴۱۶
۴۱۵
۴۱۴
۴۱۳
۴۱۲
۴۱۱
۴۱۰
۴۰۹
۴۰۸
۴۰۷
۴۰۶
۴۰۵
۴۰۴
۴۰۳
۴۰۲
۴۰۱
۴۰۰
۳۹۹
۳۹۸
۳۹۷
۳۹۶
۳۹۵
۳۹۴
۳۹۳
۳۹۲
۳۹۱
۳۹۰
۳۸۹
۳۸۸
۳۸۷
۳۸۶
۳۸۵
۳۸۴
۳۸۳
۳۸۲
۳۸۱
۳۸۰
۳۷۹
۳۷۸
۳۷۷
۳۷۶
۳۷۵
۳۷۴
۳۷۳
۳۷۲
۳۷۱
۳۷۰
۳۶۹
۳۶۸
۳۶۷
۳۶۶
۳۶۵
۳۶۴
۳۶۳
۳۶۲
۳۶۱
۳۶۰
۳۵۹
۳۵۸
۳۵۷
۳۵۶
۳۵۵
۳۵۴
۳۵۳
۳۵۲
۳۵۱
۳۵۰
۳۴۹
۳۴۸
۳۴۷
۳۴۶
۳۴۵
۳۴۴
۳۴۳
۳۴۲
۳۴۱
۳۴۰
۳۳۹
۳۳۸
۳۳۷
۳۳۶
۳۳۵
۳۳۴
۳۳۳
۳۳۲
۳۳۱
۳۳۰
۳۲۹
۳۲۸
۳۲۷
۳۲۶
۳۲۵
۳۲۴
۳۲۳
۳۲۲
۳۲۱
۳۲۰
۳۱۹
۳۱۸
۳۱۷
۳۱۶
۳۱۵
۳۱۴
۳۱۳
۳۱۲
۳۱۱
۳۱۰
۳۰۹
۳۰۸
۳۰۷
۳۰۶
۳۰۵
۳۰۴
۳۰۳
۳۰۲
۳۰۱
۳۰۰
۲۹۹
۲۹۸
۲۹۷
۲۹۶
۲۹۵
۲۹۴
۲۹۳
۲۹۲
۲۹۱
۲۹۰
۲۸۹
۲۸۸
۲۸۷
۲۸۶
۲۸۵
۲۸۴
۲۸۳
۲۸۲
۲۸۱
۲۸۰
۲۷۹
۲۷۸
۲۷۷
۲۷۶
۲۷۵
۲۷۴
۲۷۳
۲۷۲
۲۷۱
۲۷۰
۲۶۹
۲۶۸
۲۶۷
۲۶۶
۲۶۵
۲۶۴
۲۶۳
۲۶۲
۲۶۱
۲۶۰
۲۵۹
۲۵۸
۲۵۷
۲۵۶
۲۵۵
۲۵۴
۲۵۳
۲۵۲
۲۵۱
۲۵۰
۲۴۹
۲۴۸
۲۴۷
۲۴۶
۲۴۵
۲۴۴
۲۴۳
۲۴۲
۲۴۱
۲۴۰
۲۳۹
۲۳۸
۲۳۷
۲۳۶
۲۳۵
۲۳۴
۲۳۳
۲۳۲
۲۳۱
۲۳۰
۲۲۹
۲۲۸
۲۲۷
۲۲۶
۲۲۵
۲۲۴
۲۲۳
۲۲۲
۲۲۱
۲۲۰
۲۱۹
۲۱۸
۲۱۷
۲۱۶
۲۱۵
۲۱۴
۲۱۳
۲۱۲
۲۱۱
۲۱۰
۲۰۹
۲۰۸
۲۰۷
۲۰۶
۲۰۵
۲۰۴
۲۰۳
۲۰۲
۲۰۱
۲۰۰
۱۹۹
۱۹۸
۱۹۷
۱۹۶
۱۹۵
۱۹۴
۱۹۳
۱۹۲
۱۹۱
۱۹۰
۱۸۹
۱۸۸
۱۸۷
۱۸۶
۱۸۵
۱۸۴
۱۸۳
۱۸۲
۱۸۱
۱۸۰
۱۷۹
۱۷۸
۱۷۷
۱۷۶
۱۷۵
۱۷۴
۱۷۳
۱۷۲
۱۷۱
۱۷۰
۱۶۹
۱۶۸
۱۶۷
۱۶۶
۱۶۵
۱۶۴
۱۶۳
۱۶۲
۱۶۱
۱۶۰
۱۵۹
۱۵۸
۱۵۷
۱۵۶
۱۵۵
۱۵۴
۱۵۳
۱۵۲
۱۵۱
۱۵۰
۱۴۹
۱۴۸
۱۴۷
۱۴۶
۱۴۵
۱۴۴
۱۴۳
۱۴۲
۱۴۱
۱۴۰
۱۳۹
۱۳۸
۱۳۷
۱۳۶
۱۳۵
۱۳۴
۱۳۳
۱۳۲
۱۳۱
۱۳۰
۱۲۹
۱۲۸
۱۲۷
۱۲۶
۱۲۵
۱۲۴
۱۲۳
۱۲۲
۱۲۱
۱۲۰
۱۱۹
۱۱۸
۱۱۷
۱۱۶
۱۱۵
۱۱۴
۱۱۳
۱۱۲
۱۱۱
۱۱۰
۱۰۹
۱۰۸
۱۰۷
۱۰۶
۱۰۵
۱۰۴
۱۰۳
۱۰۲
۱۰۱
۱۰۰
۹۹
۹۸
۹۷
۹۶
۹۵
۹۴
۹۳
۹۲
۹۱
۹۰
۸۹
۸۸
۸۷
۸۶
۸۵
۸۴
۸۳
۸۲
۸۱
۸۰
۷۹
۷۸
۷۷
۷۶
۷۵
۷۴
۷۳
۷۲
۷۱
۷۰
۶۹
۶۸
۶۷
۶۶
۶۵
۶۴
۶۳
۶۲
۶۱
۶۰
۵۹
۵۸
۵۷
۵۶
۵۵
۵۴
۵۳
۵۲
۵۱
۵۰
۴۹
۴۸
۴۷
۴۶
۴۵
۴۴
۴۳
۴۲
۴۱
۴۰
۳۹
۳۸
۳۷
۳۶
۳۵
۳۴
۳۳
۳۲
۳۱
۳۰
۲۹
۲۸
۲۷
۲۶
۲۵
۲۴
۲۳
۲۲
۲۱
۲۰
۱۹
۱۸
۱۷
۱۶
۱۵
۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱
۰

به فضل و عنایت خداوند متعال
سلطان احمد شاه قاجار
شاهنشاه کل ممالک ایران

نظر بپاس خدمتی و مراتب لیاقتی که از میرزا حسین خان مهمام الدوله معروض افتاد به تصویب جناب
اشرف میرزا حسین خان مشیرالدوله رئیس الوزرا و استدعای جناب اجل مشارالسلطنه در امور خارجه
مشارالیه را به اعطای نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز مورد الطاف خود نمودیم به
تاریخ ۱۸ برج اسد پیچی ثیل یک هزار و سیصد و سی و هشت
محل مهر همایونی

[حاشیه پایین سمت راست ۱]: نمره ۵۴۷ مهر حسن
[حاشیه پایین سمت راست ۲]: نمره ۱۲۹۹۲ مشارالسلطنه
[حاشیه پایین سمت راست ۳]: خروج از دفتر مخصوص شاهنشاهی بتاریخ جدی [؟] ۱۳۴۰
[حاشیه پایین سمت راست ۴]: اداره تشریفات وزارت امور خارجه دفتر فرامین معاون الدوله نمره ۵۸۷
[حاشیه پایین سمت چپ]: از طرف قبیله اشرف ملوکانه روحیفدها حسینیعلی قاجار
[حاشیه پایین سمت چپ]: سواد مطابق با اصل است

منابع:

- مجموعه قوانین موقتی، قسمت قانون اصول محاکمات حقوقی، ص ۳۳.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۹). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: زریاب.
- کحال زاده، میرزا ابوالقاسم (بی تا). *دیده ها و شنیده ها*. به کوشش مرتضی کامران. بی جا: چاپخانه کتیبه.
- بزرگ امید، ابوالحسن (۱۳۳۵). *از ماست که بر ماست*. تهران: بی نا.
- مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۷۹). *تاریخ مردوخ*. تهران: نشر کارنگ.
- کمره ای، سید محمد (۱۳۸۲). *روزنامه خاطرات*. به کوشش محمدجواد مرادی نیا. تهران: نشر و پژوهش شیراز.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰). *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*. ج ۳. تهران: نشر گفتار با همکاری نشر علم.
- حاج سید جوادی، کمال (۱۳۷۷). *اثرآفرینان، زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران*. با همکاری عبدالحسین نوایی، حسین محدث زاده، حبیب الله عباسی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.



مدیریت بحران در کتابخانه‌ها و آرشیوها

گراهام متیوز

ترجمه: شهناز بهلولی ریزی

چکیده:

در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، طرفداران مدیریت بحران تلاش خود را برای پذیرش و اجرای آن به عنوان جزء جدایی‌ناپذیری از مدیریت کتابخانه و آرشیو ادامه می‌دادند و مدیریت بحران را به صورت ضرورتی ناشی از پیشرفت در کتابخانه‌ها و آرشیوها و انجمن‌هایی که در آن عضو هستند، ثبت کردند. این کار شامل تغییرات بزرگی بود که در اثر به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات برای حجم زیادی از اطلاعات ذخیره شده و انتشار الکترونیکی آن‌ها حاصل شده است. محیط رقمی در عرض چند سال با سرعت قابل ملاحظه‌ای رشد کرده است و این مسئله برای کسانی که با مدیریت بحران در کتابخانه‌ها و آرشیوها سروکار دارند هم سودمند بوده و هم نگرانی‌هایی را به همراه داشته است. شبکه جهانی اطلاعات حجم رو به افزایش راهنماها و تبادل تجارب تخصصی را در زمینه مدیریت بحران فراهم کرده است. این اطلاعات با حفظ پیشرفت‌های تخصصی فقط محدود به کتابخانه‌ها و آرشیوها نمی‌شود، بلکه دید جهانی داشته و کلیه بخش‌های فرهنگی شامل موزه‌ها و گالری‌ها را نیز دربر می‌گیرد. هدف از این پژوهش گردآوری کلیه نظریه‌ها و توصیه‌های کلیدی مدیریت بحران بر اساس تجربه‌های دست‌اول است. این نظریه‌ها دید کلی را روی فعالیت‌های اصلی ارائه داده و پیشرفت بر اساس سوابق معتبر موجود را باعث می‌شود و اطلاعات و دانش مربوط به موضوع را غنی‌تر می‌کند.

کلیدواژه‌ها

بحران، مدیریت بحران، کتابخانه، آرشیو، محیط رقمی.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴، صص: ۱۸۴-۱۹۶



مدیریت بحران در کتابخانه‌ها و آرشیوها^۱

گراهام متیوز | ترجمه: شهناز بهلولی ریزی^۲

مقدمه:

در اواسط دهه ۱۹۹۰، حجم قابل توجهی از نوشته‌های چاپ شده و راهنماهایی درباره برنامه‌ریزی در برابر حوادث در کتابخانه‌ها و آرشیوها در دسترس بود (Matttheews, 1994; Matthews, 1995; Eden and Matthews, 1996, p.8-10). در ۱۹۹۵-۱۹۹۶ یک مطالعه اساسی و تمرین مدیریت بحران در بریتانیا (با سرمایه بخش تحقیقات و توسعه کتابخانه بریتانیا)^۳ انجام شد و راهنماهایی برای مدیران به همراه گزارش این فعالیت منتشر شد.

واژه‌ای که هم‌اکنون به جای برنامه‌ریزی بحران پذیرفته شده، مدیریت بحران است که حاکی از این واقعیت است: مدیریت بحران شامل نکات بیشتری از یک برنامه نوشته شده بحران و دربرگیرنده مدیریت وسیع‌تری از جمله مسائل مالی، ارزیابی خطر و آموزش است (Mattews and Edden, 1996; p.4).

در سال‌های پس از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، درحالی که طرفداران مدیریت بحران تلاش خود را برای پذیرش و اجرای آن به عنوان جزء جدایی‌ناپذیری از مدیریت کتابخانه و آرشیو ادامه می‌دادند، مدیریت بحران را به صورت ضرورتی ناشی از پیشرفت در کتابخانه‌ها و آرشیوها و انجمن‌هایی که در آن عضو هستند، ثبت کردند. این کار شامل تغییرات بزرگی نیز هست که در اثر به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات برای حجم زیادی از اطلاعات ذخیره شده و انتشار الکترونیکی آن‌ها حاصل شده است. محیط رقمی^۴ در کار (و در خانه) در عرض چند سال با سرعت قابل ملاحظه‌ای رشد کرده است و این مسئله برای کسانی که با مدیریت بحران

1. Matthews, G. Disaster management for libraries and archives – an introduction. In Matthews, G (2010). Disaster managment for libraries and archives. London: Routledge; pp. 1-12.

۲. کارشناسی ارشد مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی، کارشناس اداره کل حفاظت و نگهداری، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ sh_bohlouli@yahoo.com

3. British Library Research and Development Department

4. Digital



در کتابخانه‌ها و آرشیوها سروکار دارند هم سودمند بوده و هم نگرانی‌هایی را به همراه داشته است. شبکه جهانی اطلاعات حجم رو به افزایش راهنماها و تبادل تجارب تخصصی را در زمینه مدیریت بحران فراهم کرده است. این اطلاعات با حفظ پیشرفت‌های تخصصی فقط محدود به کتابخانه‌ها و آرشیوها نمی‌شود، بلکه دید جهانی داشته و کلیه بخش‌های فرهنگی شامل موزه‌ها و گالری‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

فنون سایر زمینه‌های کاری با این مسئله هماهنگ‌سازی شده است؛ برای مثال مدیریت و ارزیابی خطر که از دنیای تجارت گرفته شده است. تجربه واقعی بحران، چه طبیعی و چه ساخته دست بشر، همیشه به دانش و تجربه در زمینه حادثه‌ای که احتمال وقوع آن وجود دارد، منجر شده است. این مسئله می‌تواند از توصیه در مورد یک موضوع خاص، مانند نیازهای بیمه‌ای و یا بازیافت و تعمیر یک وسیله خاص تا مسائل با ماهیت وسیع‌تر، مانند آموزش، کمک در تنظیم و تعمیر یک شبکه مشترک و یا ارائه پیوسته خدمات، متفاوت باشد.

هدف از این پژوهش گردآوری کلیه نظریه‌ها و توصیه‌های کلیدی مدیریت بحران بر اساس تجربه‌های دست‌اول است. این نظریه‌ها دید کلی را روی فعالیت‌های اصلی ارائه داده و پیشرفت بر اساس سوابق معتبر موجود را باعث می‌شود (برای مثال: افراد مشارکت‌کننده شامل کتابدارها، دانشگاهیان و حفاظت‌گران هستند) و اطلاعات و دانش مربوط به موضوع را غنی‌تر می‌کند. زمان آن است که اصول اساسی مدیریت بحران درک شده و به صورت گسترده منتشر شود، ولی هنوز آن‌طور که شایسته است به آن پرداخته نشده است. یک بررسی که اخیراً صورت گرفته نشان می‌دهد که: واقعیت این است که بسیاری از سازمان‌ها، هرچند تمایل زیادی برای این کار دارند، ولی هنوز این تمایل را در قالب یک برنامه جامع بحران در نیاورده‌اند (Wellheiser and Scott, 2002, p.4).

حال، زمان تغییر در کتابخانه‌ها و آرشیوهاست. بسیاری از این تغییرات در اثر پیشرفت در اطلاعات و فناوری ارتباطات در حال وقوع است که با تلفیق محیط کاغذی و رقمی و همچنین در زمان افزایش تهدید تروریسم برای میراث‌فرهنگی و درگیری‌های مسلحانه در حال روی‌دادن است. این تحقیق شواهدی را درباره نیاز به مدیریت بحران می‌آورد و همچنین مثال‌هایی را برای اینکه چگونه می‌توان به آن دست یافت، می‌زند. علاوه بر آن چگونگی مدیریت بحران را با تمرین و پشتیبانی دستورالعمل‌های آموزشی، پیشرفته‌تر و کامل‌تر نشان می‌دهد. اقدامات و عملیات ساده و کم‌هزینه می‌تواند نقش مهمی را به‌ویژه در مدیریت بحران ایفا کند. این مقاله یک دستورالعمل مرحله‌به‌مرحله روش انجام کار نیست، بلکه توصیه‌هایی را از نقطه‌نظرها و تجربه‌های مختلف در فعالیت‌های مشخص ارائه می‌کند که در یک مجموعه تخصصی گسترده جمع‌آوری شده است. به اشتراک گذاشتن تجربه این



فعالیت‌ها، هدف این پژوهش است. طبیعت مشترک مدیریت بحران با اطلاعات رو به افزایش و تبادل نقطه‌نظرها اکنون به‌صورت جهانی در شبکه اینترنت بازتاب داده می‌شود. با وجود مسائل اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، فنی و فرهنگی مختص یک منطقه و موقعیت مکانی، مطالب مقاله به‌صورت گسترده و مطلوب کاربرد دارد. همچنین امید است که این پژوهش بتواند به کسانی که گرفتار حادثه‌ای شده‌اند یک بینش کلی در سطح منطقه جغرافیایی و ملی و بین‌المللی در حد نیاز ارائه دهد که البته نیاز به بازبینی و توسعه دارد. بنابراین همچنان بخشی از مباحثات و نشست‌های تخصصی را به خود اختصاص می‌دهد.

انتخاب عناوین

عناوین به‌صورتی انتخاب شده‌اند که فعالیت‌های کلیدی را حین مدیریت بحران نشان دهند و معرف فعالیت‌هایی هستند که قبلاً تجربه شده و نیازمند مرور مجدد هستند. همچنین فعالیت‌های برتر در پنج سال اخیر و یا فعالیت‌هایی که کمتر درباره آن‌ها مطالبی منتشر شده است.

مدیریت بحران

موضوع اصلی مدیریت بحران، برنامه‌ریزی و آمادگی در برابر حوادث غیرمترقبه در کتابخانه‌ها و آرشیوها و برخورد مؤثر و درست با آن‌هاست. «حادثه» یک واژه برانگیزنده است. حوادثی که کتابخانه‌ها و آرشیوها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند ساخته دست بشر (مانند ایجاد حریق، نگهداری و امنیت ضعیف) و یا طبیعی (مانند زلزله، سیل و طوفان) در مقیاس و شدت‌های متفاوت باشد. از دید بریتانیا بحران در کتابخانه‌ها و خدمات اطلاع‌رسانی به‌صورت زیر تعریف می‌شود: هر نوع رویدادی که سلامتی انسان را تهدید کند یا به آن آسیب برساند و یا به ساختمان کتابخانه، مجموعه‌ها، محتویات آن و تأسیسات یا خدمات آسیب رسانده یا آن را تهدید کند (Mattews and Edden, 1996a, p.4).

شاید در عمل و همچنین در وقایعی که نسبتاً جدید بوده و یا در حافظه‌ها به یاد مانده واژه «نابودی» بتواند در تعریف گنجانده شود. مثال‌های بی‌شماری در تاریخ اخیر وجود دارد که تخریب شدید کتابخانه‌ها و آرشیوها و میراث‌فرهنگی که در آن‌ها نگهداری می‌شدند را نشان می‌دهد (برای مثال مراجعه کنید به Hoeven and Albada, 1996; Valencia, 2002). وقایع ۱۱ سپتامبر این مسئله را به‌صورت کاملاً مشخص و بسیار تلخ نشان داد و باعث شد که کتابخانه‌ها و خدمات اطلاع‌رسانی و سایر سازمان‌های عمومی و تجاری، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های اضطراری و امنیتی خود را بازبینی کنند (برای مثال، مراجعه کنید به Di Mattia, 2001; Kenney, 2001).

برنامه کنترل بحران

درباره طرح کنترل بحران ابتدا باید چارچوب عملیات مدیریت بحران مشخص شود. با مروری بر برنامه‌های مؤثر کنترل بحران از نقطه نظر طراحی و کاربرد آن‌ها و توصیه‌های کاربردی تجربی، انجام شود. برنامه کنترل بحران عبارت است از: یک سند مختصر، صریح و روشن که چارچوب اقدامات پیشگیرانه و آمادگی را، که برای کم کردن خطر لازم است، مشخص می‌کند و همچنین جزئیات برخورد درست با حادثه و فرایند بازسازی را نشان می‌دهد که باید در زمان وقوع حادثه برای کم کردن اثرات ناشی از آن انجام شود (Mattews and Edden, 1996a, p.4).

بسیاری از پایگاه‌های اطلاعاتی با موضوع راهنمای منابع اطلاعاتی مدیریت بحران، ارتباطاتی را فراهم می‌کند؛ مانند طرح‌های کنترل بحران. با اینکه این مطالب مفید هستند، ولی طرح‌های کنترل بحران ارزشمندترند و می‌توانند نمونه‌ها و مثال‌های خاص در نقاط دیگر را به صورت دقیق ارائه کنند (پس از حادثه ۱۱ سپتامبر تعدادی از سازمان‌های آمریکایی، برنامه‌های بحران را از پایگاه اطلاعاتی خود برداشته‌اند تا احتمال هرگونه عملکرد ضعیف کارکنان را از بین ببرند). علاوه بر آن لازم است بدانیم که تألیف برنامه بحران، پایان موضوع نیست. برای مثال مرزها و حدود مجاز باید کاملاً مشخص باشند و تمام افرادی که در قسمت‌های مختلف طرح وجود دارند باید از وظایف خود آگاه شوند و آموزش‌های لازم را ببینند. همچنین جنبه‌های گوناگون طرح نیازمند تمرین و آزمایش‌های مکرر است تا عملی بودن آن مشخص شود و به خصوص طرح باید در زمان‌های مختلف و به صورت دوره‌ای مرور شود تا به روز نگه داشته شود. همچنین لازم است به صورت عملی اجرا و در صورت نیاز، اصلاحات لازم روی آن انجام شود.

برنامه کنترل بحران معمولاً دارای چهار فاز در مدیریت بحران است: پیشگیری، آمادگی، عکس‌العمل و بازسازی. علاوه بر آن حامیان مالی حفاظت و نگهداری و یا پروژه‌های کتابخانه‌ها و آرشیوها - که شامل طرح‌های کنترل بحران به عنوان یکی از قسمت‌های اساسی طرح نیز است - بر جذب نیروهای داوطلب در اجرای طرح اصرار دارند. برنامه‌های کنترل بحران شاهدهی بر تمرین این نیروها در فرایند مدیریت حفاظت و نگهداری موفق است. اهمیت طرح با گزارشی از یک تحقیق که اخیراً در مورد حادثه ۱۱ سپتامبر تهیه شده است، بیشتر نمایان می‌شود:

اگرچه حادثه ۱۱ سپتامبر یک عملیات تروریستی بی‌سابقه بود، ولی نشان داد که طرح‌ها و عکس‌العمل‌های اضطراری استاندارد، مؤثرترین راه برای مقابله با یک حادثه است (Heritage Preservation, 2002, p.20).



مدیریت و ارزیابی خطر

متیوز و اِدِن در این باره می‌گویند: همه کارشناسان بازسازی پس از بحران اذعان دارند که حوادث -به غیر از بلایای طبیعی- به‌ندرت فقط به‌صورت یک حادثه اتفاق می‌افتد و بنابر گفته‌های یکی از کارشناسان این حیطه «حوادث حاصل تعدادی از اتفاقات کوچک و یا موقعیت‌هایی هستند که با هم اتفاق می‌افتند و یا در اکثر مواقع در طول یک‌مدت رخ می‌دهند». ارزیابی خطراتی که متوجه افراد، ساختمان، مجموعه‌ها، محتویات کتابخانه و آرشیو و تأسیسات است، اولین مرحله در پیشگیری از حوادث بوده و شرط اولیه و لازم در نوشتن برنامه کنترل بحران است (Mattews and Edden, 1996a, p.14).

در صورتی که خطرات شناسایی شده و ریسک ناشی از روی‌دادن آن‌ها تخمین زده شود، میزان آسیب وارده به کتابخانه و آرشیو می‌تواند کاهش یابد (Wellheiser and Scott, 2002, p.35). ارزیابی خطرات احتمالی، فرایند پیوسته‌ای بوده و باید به‌صورت مرتب انجام شده و با روش‌های مؤثر مدیریت شود. با توجه به تجربه نویسنده در بریتانیا، به‌نظر می‌رسد این عنوان بسیار مورد علاقه کتابداران و آرشیویست‌هاست؛ زیرا در جست‌وجوی توصیه‌هایی برای ارزیابی خطرات و تهدیدات متوجه طرح و یا فعالیت‌های مدیریتی‌شان هستند. همچنین ممکن است نیاز به دریافت اطلاعاتی در زمینه کتابداری و علوم آرشیوی بوده و به تمرکز و مطالعه بیشتری نیاز داشته باشد. در این موارد باید از همکاری و مشورت کارشناسان دیگر نیز بهره گرفته شود (این کارشناسان می‌توانند کارکنان بخش‌های دیگر و یا کتابخانه و آرشیو سازمان‌های مادر باشند)، و باید فکر شود که این سازمان‌ها چگونه می‌توانند همکاری بهتری با هم داشته باشند و ارتباطات بیشتری را ایجاد کنند.

آتش و آب

دو عامل مهم آسیب‌دیدگی و نابودی، بدون توجه به نوع بحران، آتش و آب است. باید روی پیشگیری، آمادگی اولیه، برنامه‌ریزی و به‌کارگیری برنامه‌های اصلی در جلوگیری از خسارت ناشی از آتش، تمرکز شود. درباره خسارت ناشی از آتش می‌توان نمونه‌های زیادی را نام برد (برای مثال، مراجعه کنید به Watson, 1989 کتابخانه عمومی لس‌آنجلس^۱، Sung, Leonov and Waters 1990 کتابخانه آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، لنینگراد^۲، Kennedy, 1995 کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد نورویچ^۳ و متأسفانه تعداد زیادی از این نام‌های شناخته شده را می‌توان ذکر کرد). مطالعه موردی درباره برنامه‌ریزی و اجرای سامانه‌های جدید پیشگیری از آتش‌سوزی در کتابخانه ملی می‌تواند توصیه‌های خاصی را در ارتباط با کتابخانه‌ها و آرشیوها با اندازه‌های مختلف ارائه کند.

1. Los Angeles Public Library
2. Library of Academy of Sciences of the USSR, Leningrad
3. Norwich Central Library and Record Office



آب و قدرت تخریب آن نیز نباید فراموش شود. مثال‌هایی از وقایع اتفاق افتاده در سال‌های اخیر که نشان‌دهنده میزان تخریب ناشی از آب است، این مطلب را تأیید می‌کند. برای مثال می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: دانشگاه ایالتی کلرادو^۱ (جولای ۱۹۹۷)؛ طغیان شدید آب به دانشگاه کلرادو آسیب رساند به طوری که کتابخانه مورگان^۲ و مخزن کتاب دانشگاه در اثر آن دچار آسیب زیادی شدند (Alive, 2000)؛ «عملیات نجات کتابخانه زیرزمینی» در دانشگاه ساسکس (اکتبر ۲۰۰۰)^۳ در آن هفتاد هزار مجلد و سند در روی آب غوطه‌ور شده بودند. بررسی و گردآوری توصیه‌هایی برای پیشگیری و آمادگی اولیه در برابر حوادث ناشی از آب براساس تجربیات موجود و نیز برای انجام عکس‌العمل صحیح و بازبایی مواد می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

فعالیت‌های همگانی و گروهی

روشی که بعضی از سازمان‌ها برای مدیریت بحران به آن روی آورده‌اند، جست‌وجوی افراد و کار گروهی است تا به حمایت و یاری همگانی دست یابند. در بعضی حالات ممکن است در کار کمک‌رسانی و درخواست‌های تخصصی ناهماهنگی‌هایی بین کارکنان کتابخانه و آرشیو اتفاق بیافتد، ولی به‌رحال برای تسریع و سهولت برنامه‌ریزی بحران، این امر به صورت توافق‌نامه بین همه شرکت‌کنندگان نوشته می‌شود.

آلیر اشاره می‌کند که: به‌نظر می‌رسد درباره همکاری و یا مشارکت با نیروهای داوطلب و همچنین به اشتراک‌گذاری منابع، مطالب کمی نوشته شده است و هنوز حادثه‌ای با بیشترین میزان رعایت این موارد، وجود نداشته است. فقط با وقوع حادثه‌ای همکاری‌های بیشتری در به اشتراک‌گذاری منابع، امکانات، نیروی انسانی، تجربیات، تجهیزات، منابع مالی و غیره به‌چشم می‌خورد (Alire, 2000, p.563).

او اضافه می‌کند: از حوادث درس بگیریم. به اشتراک‌گذاری منابع از دست دادن آن‌ها نیست، بلکه برنامه‌ای برای در دسترس قرار دادن آن‌هاست. مثال‌های مختلفی از همکاری نیروهای داوطلب و شبکه‌ای بر اساس تمرین و تجربه در نقاط مختلف آمریکا وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه این شبکه‌ها می‌توانند تأسیس و ابقا شوند. همچنین نمونه‌هایی از همکاری‌های متقابل بین دو گروه مختلف که می‌تواند برای هر دو طرف کارآمد باشد (Alire, 2000, p.571).

مدیریت بحران از نظر جنبه‌های انسانی

آموزش در مدیریت بحران نقش حیاتی دارد (Mattews and Edden, 1996b). اجرای مؤثر طرح کنترل بحران به افراد بستگی دارد؛ مانند هدایت مسئولان و افراد مجری در مسئولیت‌های

1. Colorado State University
2. Morgan Library
3. University of Sussex



مختلف. برنامه فقط کلماتی روی کاغذ است -افراد آن را از کلمه به عمل تغییر می‌دهند و عمل نیز باید هدایت و مدیریت شود. در کنار آموزش کلیه کارکنان در همه سطوح، باید توجه شود که کلیه کارکنان در طول عملیات نجات و بازسازی باید به لحاظ وسایل گرمایشی و تغذیه و دسترسی به منابع اطلاعاتی و لازم، تجهیز شوند. آن‌ها ممکن است در پست‌های مختلف و در شرایط سخت کار کنند و حتی احتمال دارد در مرکز یک سانحه مهیب بوده و از نزدیک با آن تماس داشته باشند. در نتیجه خطراتی متوجه آنان است.

متیوز و ادن در این باره گزارش داده‌اند: مصاحبه با افرادی که تجربیات مختلفی در حوادث داشته‌اند بیانگر آن است که فشارهای روحی و فیزیکی وارده به افراد در نتیجه یک حادثه، بیش از حد انتظار است. علاوه بر آن، کتابدارانی که تجربه حادثه‌ای را دارند می‌گویند که آن‌ها از وابستگی عاطفی کارکنان به کتابخانه و مجموعه‌های آن تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. آن‌ها همچنین به این موضوع اشاره داشته‌اند که چگونگی خارج شدن از وضعیت عادی، کارکنانی را که به خصوص نسبت به شغلشان احساس ناامنی دارند، ناراحت می‌کند (Mattews and Edden, 1996a, p.42).

علی‌رغم وجود چنین نگرانی‌هایی، تا به حال به این مسئله توجه زیادی نمی‌شد. تأثیر حوادث بر کارکنان چیست و چه نیازها و توصیه‌هایی لازم است؟ یک پروژه تحقیقاتی در مورد آتش‌سوزی در کشور سوئد، این موضوع را مدنظر دارد و همچنین تأثیر چنین حادثه‌ای را روی کاربران کتابخانه بررسی کرده است.

جنگ، مناقشات نظامی و تروریسم

وقتی درباره حوادث در کتابخانه‌ها و آرشیوها می‌نویسیم، واژگان تأثیرگذار دیگری نیز هستند که ناخودآگاه به همراه قیده‌های بزرگ، حجیم، شکننده و طاقت‌فرسا می‌آیند، مانند بلای ناگهانی. ممکن است این مسئله عادی و پیش‌پاافتاده به نظر آید. حوزه‌ای که مشخصاً نباید در معرض تخریب قرار گیرد کتابخانه‌ها، آرشیوها و دیگر مکان‌های نگهداری میراث فرهنگی هستند که در طول جنگ و یا مناقشات نظامی باید حفظ شوند (برای دیدن آمار در سطح جهان، مراجعه کنید به Sturges and Rosenberg (eds), 1999).

یک جهش و حرکت جهانی در حال حاضر برای کار روی چنین حوادثی در حال اتفاق افتادن است و طی آن پیشنهادهایی برای حمایت از این آثار در قالب فعالیتهای تخصصی ارائه می‌شود. در سال ۱۹۹۰ کمیته بین‌المللی حفاظ آبی (ICBS)^۱ پایه‌گذاری شد. حفاظ آبی معادل فرهنگی صلیب سرخ است. طی قرارداد Hague در سال ۱۹۵۴ این علامت برای نشانه‌گذاری آثار فرهنگی تعیین شد تا بتوان آن‌ها را در برابر حملات نظامی حفظ کرد (International

1. International Committee of the Blue Shield (ICBS)



(Committee of the Blue Shield, 2001). این قرارداد شامل موزه‌ها، آرشیوها، مکان‌های تاریخی و کتابخانه‌هاست. مأموریت آن‌ها فعالیت در جهت حفاظت از میراث فرهنگی جهان و هماهنگی و آمادگی و چگونگی برخورد با شرایط اضطراری است. کمیته حفاظ آبی در چند کشور شکل گرفته است (بلژیک، ایتالیا و هلند). وبگاه سازمان حفاظ آبی بریتانیا و ایرلند^۱ (UKIRB) امکان ارتباط با این کمیته‌ها و توصیه‌های اولیه با ارتباطات فرعی و منابع مفید دیگر را فراهم کرده است. اگرچه برخورد تروریسم هرچند به بزرگی حادثه ۱۱ سپتامبر انتظار نمی‌رفت، ولی پیش از این با درجات کوچک‌تر احساس شده بود و برای آن‌ها آموزش‌هایی داده شده بود که ممکن است هنوز قابل استفاده باشد (برای مثال مراجعه کنید به (Sunders, 1993).

عواقب پس از حادثه و بازسازی

پس از انجام تحقیقات روی مدیریت بحران در اواسط دهه ۱۹۹۰، نویسنده از یاری و همکاری افراد متفرقه بسیاری در کتابخانه، خدمات اطلاع‌رسانی Norfolk، مرکز اسناد کشوری Norfolk و همکاران آن‌ها در بخش‌های مرکزی و خدمات آتش‌نشانی قدرانی کرد. در زمان عمل، پس از تخریب کتابخانه مرکزی نروژ به وسیله آتش، آن‌ها با کمال میل به سؤالات پاسخ دادند و توصیه‌ها و راهنمایی‌هایی ارائه کردند. گزارش منحصربه‌فردی با پرداختن به تخریب ناشی از آتش‌سوزی در کتابخانه مرکزی نروژ، اولین عکس‌العمل در برخورد با آن، مشابه‌سازی موقعیت، بازسازی طولانی‌مدت و بازگشایی یک کتابخانه هنری ایالتی و انجمن مرجع ارائه شده است که در آن نه تنها به مسئله عکس‌العمل فوری و مسائلی مانند بازسازی، نجات و رفع مشکلات وارد شده به محتویات و ساختمان پرداخته و چگونگی به جریان انداختن سریع خدمات را بررسی می‌کند، بلکه به مسائل مالی طولانی‌مدت و سیاسی و فنی نیز می‌پردازد. در زمان نوشتن این مقاله (جولای ۲۰۰۲) موجبات شادی مردم با افتتاح کتابخانه جدید Norfolk and Norwich Millennium توسط ملکه الیزابت دوم فراهم شد.

منابع رایانه‌ای، اینترنتی و امنیتی مثال‌های مفیدی را برای رعایت در مدیریت بحران دارند؛ اما در گذشته این کار به عهده کارشناسان خاصی در داخل یا خارج از سازمان مادر و یا ارائه‌دهنده خدمات — که مسئولیت پشتیبانی و بازسازی و امنیت را داشتند — بود.

ترس از خرابی سامانه، همیشه وجود دارد. ممکن است سخت‌افزار و نرم‌افزار از کار بیافتد، پرونده‌های رایانه‌ای به یک‌باره پاک و سیستم‌های برق قطع و امنیت شبکه و سامانه‌ها نقض شود. با تهیه پرونده پشتیبان و ذخیره‌سازی داده‌های حساس در مکان‌های خارج از شبکه تا ضد ویروس‌ها و فعالیت‌های هک کردن، می‌توان از اتفاقات پیشگیری کرد و یا آن‌ها را کاهش داد. ولی ممکن است هزینه‌ها افزایش یابد. در نتیجه، خطرات موجود در مقایسه با این هزینه

1. www.bl.uk/services/preservation/blueshield/content.html
2. United Kingdom and Ireland Blue Shield Organization (UKIRB)



باید برآورد شود. هم‌زمان با پیشرفت کتابخانه‌های رقمی، کتابداران نیز دریافته‌اند که باید فرایند مدیریت بحران را در فواصل زمانی مختلف مرور کرده و امنیت سامانه‌های رایانه‌ای و اینترنتی را کنترل کنند و با تمام اعضا در ارتباط باشند. توجه به این مسئله باید در بین همه بخش‌های مهم و حیاتی رواج یابد، همان‌گونه که یک کتابخانه دریافته است که: به‌طور مرتب و پیوسته باید ارتباط وجود داشته باشد. این ارتباط باید بین سه نقطه کارکنان کتابخانه، کارکنان بخش‌های دانشگاهی و شرکت‌های فروشنده برقرار باشد. شرکت‌های فروشنده باید ارتباط تنگاتنگ با بخش IT دانشگاه داشته باشند تا در صورتی که برای تهیه پرونده پشتیبان مشکلی پیش آمد بتوانند با آن‌ها در میان بگذارند. همان‌طور که در زمان ارتباط ما با بخش IT سؤالات زیادی در زمینه تهیه پرونده پشتیبان پیش آمد. از طرف شرکت فروشنده باید نماینده‌ای برای ارائه خدمات به مشتریان به ما معرفی شود تا در زمان‌های اضطراری مشاوره از آن شرکت داشته باشیم. ایجاد ارتباط به‌خصوص در زمان‌های تغییر کارکنان نیز بسیار مهم است (Brennan and O'Hara, 2002, p.72).

نظام اطلاعات در کمیته آگاهی، ارتباط و آموزش در بریتانیا^۱ اخیراً تحقیقی درباره نیروی انسانی و اهداف سازمانی و امنیت شبکه انجام داده است (Cox et al., 2001). گروهی از معلمان در آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، بر نیاز متخصصان کتابخانه و آرشیو برای تکرار و تمرین و نیاز به تحقیق درباره راه‌های مؤثر مدیریت اسناد کاغذی و الکترونیکی تأکید کردند که هنوز در بسیاری از سازمان‌ها مورد بحث است:

لازم است دانشجویان و هیئت‌علمی دانشگاه‌ها تحقیقاتی درباره فنون تبدیل اسناد کاغذی به الکترونیکی انجام دهند و دلایل مقاومت در برابر این اقدام مهم را شناسایی کنند. با وقوع این حادثه، اهمیت تهیه پرونده جدید از اطلاعات و طراحی شبکه‌ای قابل اعتماد قوت بیشتری گرفت. بنابراین باید اعضای هیئت‌علمی و سایر متخصصان مربوط به آن، در این زمینه تحقیقات بیشتری کنند (Cox, A. et al., 2001, p.6).

درحالی‌که بدون شک بعضی از حوادث به دلایل امنیتی مسکوت نگه داشته می‌شود، ولی علت اتفاقات و عواقب بعدی آن‌ها برای حفظ سابقه باید ثبت شود. برای مثال در جولای ۲۰۰۲، نویسنده با یک گزارش کوتاه در وبگاه موزه East Midlands به آتش‌سوزی در سقف یک موزه منطقه‌ای در آوریل همان سال پرداخته است. در این گزارش به دیگران توصیه‌هایی درباره اهمیت داشتن یک انبار از مواد اضطراری و در دسترس، شده است و با این یادآوری به اتمام رسیده است: در نهایت، آیا برنامه بحران شما به‌روز و در دسترس است؟ اگر شعله داخل ساختمان را فراگیرد، شانس کمی برای رفتن شما و آوردن برنامه وجود دارد! (Moyes and Lake, 2002).

این چنین مقالاتی، کمک و توصیه‌هایی را بر اساس تجربیات دیگران و با جزئیات دربارهٔ فعالیت‌های اصلی ارائه می‌کند که معمولاً شامل اطلاعات کوچک ولی بسیار مفید و کاربردی است. حتی بازگو کردن مجدد مشاهدات می‌تواند یادآوری خوبی باشد.

بدون توجه به آنکه مدیریت بحران تا چه حد مؤثر است، به هر حال نمی‌تواند احتمال روی دادن حادثه را به طور کامل از بین ببرد؛ ولی می‌تواند میزان آن را کاهش دهد. در نتیجه، اگر چنین شود سطح برخورد و تخریب به کمترین حد خود رسیده و خدمات‌رسانی راحت‌تر می‌شود. امید است همکاری‌ها و مساعدت‌های سازمان‌ها و گروه‌های متخصص به دیگران بتواند برای جلوگیری و آمادگی در برابر حوادث و برخورد کارآمد با آن، مؤثر باشد.

منابع:

- Alire, C. (2000) "Resource sharing: a requirement in library-disaster recovery", in C. Alire (ed.) Library Disaster Planning and Recovery Handbook, New York: Neal-Schumn Publishers, pp. 561-73.
- Alire, C. (ed.) (2000) Library Disaster Planning and Recovery Handbook, New York: Neal-Schumn Publishers. (Which is based on flood experience at Colorado).
- American Library Association (2002) Loss and Recovery Librarians Bearing Witness to September 11, 2001, produced by American Libraries, the magazine of the American Library Association, in cooperation with Library Video Network, Chicago; American Library Association. (Distributed by Library Video Network, Towson, Maryland.) (This contains interviews with some of the librarians who were working in or near the World Trade Center when the terrorist attacks occurred. They recall the effect on information and library services and how they have recovered personally and professionally).
- Brennm, C. and O'Hara, E. (2002) "Murphy was a librarian; a case study in how not a handle a systems crash", Computers in Libraries, 22 (3): 10- 12, 72.
- Cox, A., Curral, J. and Connolly, S. (2001) The Human and Organizational Issues Associated with Vetwork Security, JISC Committee for Awareness, Liaison and Training (JCALT). Available at: www.litc.sbu.ac.uk/jcalt/report.pdf.
- Cox, R.J. (2001) "The day the world changed: implications for archival, library, and information science education", First Monday, 6 (12). Available at: www.firstmonday.

org/issues/issues6-12/index.html.

- Di Mattia, S.S. (2001) "Planning for continuity. Special libraries close to the events of September 11 can serve as a model for the importance of being prepared", *Library Journal*, 126 (19), 15 November 2001, pp. 32- 4.
- Feather, J., Eden, P. Matthews, G. (1996) *Preservation Management. Policies and Practices in British Libraries*, Aldershot; Gower.
- Heritage preservation (2002) *Cataclysm and Challenge. Impact of September 11, 2001, on Our Nations Cultural Heritage. A Report from Heritage Preservation on behalf of the Heritage Emergency National Task Force*, Project Director Ruth Hargeaves, Heritage Preservation: Washington, DC. Available at: <www.heritagepreservation.org/ news/catalysm.html> (Report of survey of the impact of the events of September 11 on cultural and historic resources at the Pentagon and in Lower Manhattan, with recommendations).
- International Committee of the Blue Shield (ICBS) (2001) Available at: www.ifla.org/VI/4/admin/protect.html.
- Kennedy, J. (1995) "Norfolk Record Office fire": an initial report", *Journal of the Society of Archivists*, 16 (1), pp. 3-6.
- Kennedy, B.J. (2001) "Central libraries in uncertain times", *Library Journal*, 126 (19), 15 November 2001, pp. 36-8.
- Matthews, G. (1994) "Disaster management: controlling the plan", *Managing Information*, 1 (7/8), pp. 24-7.
- Matthews, G. (1995) "Disaster management: guidelines for library managers, in, A. Howell, H. Mansell and M. Roubos- Bennett (comps) *Redefining Disasters: A Decade of Counter- disaster Planning. Papers Submitted by Speakers Wednesday 20- Friday 22 September 1995*, State Library of New South Wales, Sydney, Australia, Sydney: Conservation Access, State Library of New South Wales, pp. 137-51.
- Matthews, G. and Eden, P. (1996a) *Disaster Management in British Libraries. Project Report with Guidelines for Library Managers*, Library and Information Research report 109, London: The British Library.
- Matthews, G. and Eden, P. (1996b) "Disaster management training in libraries. Library



- Review, 45 (1), 30-8.
- Moyes, N. and Lake, S. (2002) "REDS report. Fire at Derby Industrial Museum", East Midlands Museum Service Hot News (1). Available at: <www.emms.org.uk>
 - Saunders, M. (1993) "How a library picked up the pieces after IRA blast", Library Association Record, 95 (2), pp. 100-101.
 - Shmidt, F.C. (1999) "Disasters plans, clean-up, and recovery – the Colorado state experience", in MacGilvary, M.N. (ed.) Proceedings of the 8th Annual Federal Depository Conference, April 12-15, 1999, Holiday Inn – Bethesda, MD, Washington, DC: Library Programs Service, US Government Printing Office. Available at: www.access.gpo.gov/su_docs/fdlp/pubs/proceedings/99pro31.html.
 - Sturges, P. and Rosenberg, D. (eds) (1999) Disaster and After: the Practicalities of Information Service in Times of War and Other Catastrophes. Proceedings of an International Conference Sponsored by IGla (The International Group of the Library Association), 4-6 September 1998, University of Bristol, London: Taylor Graham.
 - Sung, C.H. Leonov, V.P. and Waters, P. (1990) "Fire recovery at the Library of the Academy of Sciences of the USSR", American Archivist, 53 (2), 298-312.
 - University of Sussex, "Library salvage operation under war" (2000) Bulletin: The University of Sussex. Newsletter, 1 December, Available at: www.sussex.ac.uk/press_office/bulletin/01dec00/article15.html.
 - Valencia, M. (2002) "Libraries, nationalism, and armed conflict in the 20th Century", Libri, 52 (1): 1-15. Van der Hoven, H. and van Albada, J. (1996) Lost Memory – Library and Archives Destroyed in the Twentieth Century, prepared for UNESCO and IFLA, C-1196/WS/1, Paris; UNESCO available at: www.unesco.org/webworld/mdn/administ/pdf/LOSTMemo.pdf.
 - Watson, T. (1989) "Out of the ashes: the Los Angeles Public Library", Wilson Library Bulletin, 64 (4), pp. 34-8.
 - Wellheiser, J. and Scott, J. (2002) , 2nd edn, Lanham, Maryland: Scarecrow Press and Canadian Archives Foundation.

نقش فرهنگی و هنری نسخه‌های خطی اسلامی در گفت‌وگو و دیپلماسی فرهنگی در قاره آسیا با تأکید بر منطقه اکو

دکتر علی صادق‌زاده وایقان و دکتر اعظم نجفقلی‌نژاد ورجوی

چکیده:

فرهنگ ایجاد و انتقال ارزش‌های انسانی به نسل‌های بعدی و هنر یکی از زیباترین شیوه‌های بیان اندیشه و احساس بشر است که با همدیگر ممزوج شده‌اند. فرهنگ و هنر ظریف‌ترین، تأثیرگذارترین و بهترین کانال ارتباط بشری از ابتدا تاکنون هستند که نقش مهمی در تعامل‌های بشری دارد. نسخه‌های خطی از جمله آثار هنری و فرهنگی هستند که از جنبه‌های متعدد حائز اهمیت بوده و یکی از مهم‌ترین ابزارهای گفت‌وگو میان ادیان، ملت‌ها و انتقال و تبادل دانش بشری محسوب می‌شوند و این جایگاه روزبه‌روز تقویت، شکوفاتر و شناخته‌تر می‌شود. نسخه‌های خطی که خالق دست بشر است، علاوه بر جنبه تاریخی، نقش پررنگ، مهم و انکارناپذیری در رشد جوامع دارند و میراث و هویت فرهنگی هر ملتی در لابه‌لای برگ‌های آن نهفته است. در نسخه‌های خطی، هنرهای متعدد کاغذسازی، وراقی، صحافی و کتاب‌سازی، خوشنویسی، تشعیر، تذهیب، ترصیع، مینیاتور و تجلید هویداست، که زینت‌بخش کتابخانه‌ها و موزه‌هاست. تقریباً یک و نیم تا دو و نیم میلیون نسخه در چهارده کشور قاره آسیا نگهداری می‌شود که شش کشور آن عضو اکو هستند. نسخه‌های خطی مهمی در کتابخانه‌های کشورهای عضو اکو از جمله ازبکستان، ترکمنستان، ترکیه، پاکستان، تاجیکستان و آذربایجان وجود دارد. در دهکده جهانی که در عرصه بین‌الملل، فرهنگ و هنر دارای نقش و جایگاهی مهم و اساسی در روابط میان ملت‌ها و دولت‌هاست و برای دیپلماسی و ارتباط انسان‌ها، انواع اطلاعات معنوی، علمی، هنری، سیاسی و فرهنگی لازم است، نسخه‌های خطی می‌توانند به‌عنوان با ارزش‌ترین و متنوع‌ترین محمل اطلاعاتی فرهنگی و هنری، نقش مؤثری در ارتباط و گفت‌وگوهای هنری و فرهنگی داشته باشند. به‌ویژه قرآن کریم، که کتاب گفت‌وگو و بحث است. راهگشایی برای گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها باشد.

کلیدواژه‌ها

نسخه‌های خطی اسلامی، فرهنگ، هنر، آسیا، اکو، قرآن.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴؛ صص: ۱۹۸-۲۰۹

نقش فرهنگی و هنری نسخه‌های خطی اسلامی در گفت‌وگو و دیپلماسی فرهنگی در قاره آسیا با تأکید بر منطقه اکو

دکتر علی صادق‌زاده وایقان^۱ | دکتر اعظم نجفقلی‌نژاد ورجوی^۲

مقدمه:

فرهنگ، آینه تمام‌نمای عملکرد ملت‌ها و هنر، تجلی شکوه و قدرت خلاقیت آن‌هاست (امامی، ۱۳۹۱، ص ۲). سرادوارد تایلر^۳ معتقد است: فرهنگ در معنی وسیع خود پیچیده است و متضمن شناخت اعتقادات دینی، هنر، اخلاق، قانون، رسوم، توانایی‌ها و عاداتی است که فرد در جریان زندگی خویش کسب می‌کند؛ و در معانی وسیع‌تر شامل همه فرآورده‌ها و تولیدات انسانی است که در مقابل تولیدات طبیعت قرار می‌گیرد (نقل شده در: رزمجو و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹). فرهنگ به‌عنوان ارزش‌های مادی و معنوی در طول روندهای اجتماعی و تاریخی تولید می‌شود و شامل ابزارهایی است که در ایجاد و انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی استفاده می‌شود. همچنین آن ترکیب گروهی از نگرش‌هاست. جوامعی که سنت‌ها و زمینه مشابهی دارند آن را به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند و به اشتراک می‌گذارند و نیاز است این فرهنگ حفاظت شود و توسعه یابد (ارکال^۴، ۲۰۰۶؛ نقل شده در: سلیمان^۵ و اریلماز^۶، ۲۰۰۶، ص ۱).

هنر نیز یکی از زیباترین شیوه‌های بیان اندیشه و احساس بشر است که در گذر زمان، اقوام گوناگون، آداب و رسوم و فرهنگ خود را توانسته‌اند به کمک آن به اقوام و نسل‌های بعد از خود منتقل کنند؛ همچنین اصلی‌ترین وسیله ارتباط بین افراد و جوامع مختلف است. زبان هنر، زبانی است که حد و مرز نمی‌شناسد و با بیانی جذاب، افکار و اندیشه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و هنری یک ملت را ثبت و پایدار می‌سازد (سید صدر، ۱۳۸۳، ص ۷۱۲). همچنین هنر گام استوار و ماندگار فرهنگی برای ایجاد پیوند معنوی در میان مردم سرزمین‌های دور و نزدیک است، که موانع و

۱. دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی،
کارشناس پژوهش سازمان اسناد و کتابخانه
ملی ایران و پژوهشگر نسخه‌های خطی و
چاپ‌سنجی.

sadeghzadeh3832@yahoo.com

۲. دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی،
استادیار، عضو هیئت‌علمی سازمان اسناد و
کتابخانه ملی ایران؛

najafgholinezhad@gmail.com

3. Sir Edward Tylor

4. Erkal

5. Celikhan

6. Eryilmaz



بازدارنده‌های متعددی از جمله زبان، خط، اعتقادات و ... را درمی‌نوردد و پیامش را می‌رساند و حلقه ارتباطی ناگسستنی بین انسان‌هاست.

همان‌طور که بیان شد، فرهنگ و هنر در هم ممزوج شده‌اند. در بعضی از منابع و دایرةالمعارف‌ها آثار هنری را در نگاه کلی به‌عنوان آثار فرهنگی و در بعضی دیگر نیز، آثار فرهنگی را همان آثار هنری و یا نوعی هنر تلقی کرده‌اند. به‌هرحال، ظریف‌ترین، تأثیرگذارترین و بهترین کانال ارتباط بشری از ابتدا تا کنون، «فرهنگ» و «هنر» است، که نقش مهمی در تعامل‌های بشری دارد. بنابراین آنچه مهم است بخش عظیمی از میراث فرهنگی و مکتوب بشر، جلوه‌ای غنی و متنوع از هنر را به نمایش می‌گذارد که لوحه‌های گلی، فلز، پوست درختان و حیوانات و ... از جمله آن‌هاست. در تداوم ضبط و انتقال دانش و هنر دانشمندان و هنرمندان، پیدایش کاغذ تأثیر شگرفی در زبان نوشتاری و هنری گذاشت و عنصر ارتباط، که زیربنای گفت‌وگو بود، تقویت و توسعه یافت؛ به‌ویژه با استنساخ نسخه‌های خطی بر روی کاغذ، موجب تقویت و غنای تمدن بشری شد. بنابراین نسخه‌های خطی از جمله آثار هنری و فرهنگی هستند که از جنبه‌های متعدد حائز اهمیت بوده و یکی از مهم‌ترین ابزارهای گفت‌وگو میان ادیان، ملت‌ها و انتقال و تبادل دانش بشری محسوب می‌شوند و این جایگاه روزبه‌روز تقویت، شکوفاتر و شناخته‌تر می‌شود. پس می‌توان گفت ابعاد مختلف نسخه‌های خطی از قبیل: ابعاد علمی، فرهنگی، هنری، اخلاقی، عرفانی و معنوی، نقش سازنده‌ای در ارتباط و گفت‌وگو دارند؛ به‌ویژه بُعد هنری نسخه‌های خطی بیشتر از بقیه در گفت‌وگوی تمدن‌ها نقش دارند؛ زیرا هنر، زبان مشترک فرهنگ‌ها و جهانی است و کارکردهای متنوعی دارد.

با توجه به حفظ و نگهداری نسخه‌های خطی در اکثر کتابخانه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی دنیا به‌ویژه موزه‌های کشورهای مختلف، می‌توان از این ابزار برای گفت‌وگو و دیپلماسی فرهنگی استفاده کرد. برای مثال، قرآن کریم که کتاب‌های آسمانی مسلمانان است و نسخه‌های خطی و هنری آن بسیار و موردتوجه همگان است، خود کتاب گفت‌وگو است (صادق‌زاده وایقان و نجفقلی‌نژاد ورجوی، ۱۳۹۰).

در این زمینه در پژوهشی تحت عنوان «بررسی زمینه‌های همکاری کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو با محوریت ایفلا و ارائه چارچوب عملیاتی برای طراحی مرکز اطلاع‌رسانی در ایران» بیان می‌شود که نسخه‌های خطی به‌عنوان میراث مشترک فرهنگی، ابزار و بستر مهمی برای تعامل و همکاری کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو در زمینه‌های علمی و فرهنگی است و پژوهش دیگری مشاهده نشد (نجفقلی‌نژاد ورجوی، ۱۳۹۲).

در ادامه این پژوهش سعی شده است از این دیدگاه به نسخه‌های خطی آسیا، به‌ویژه نسخه‌های خطی موجود در کشورهای عضو اکو به‌صورت اجمالی اشاره شود.



ابعاد و نقش فرهنگی و هنری نسخه‌های خطی

پس از زبان گفتاری که بارزترین شکل گفت‌وگو میان انسان‌هاست، زبان نوشتاری در عرصه تمدن بشری چهره نموده و حجم سنگینی از بار ارتباط آدمی را در پیچ‌وخم تاریخ، بر دوش کشیده است (کیانی، ۱۳۷۸، ص ۷)؛ لذا انواع محمل‌های اطلاعاتی (اندیشه‌ها، نقاشی‌ها، خوشنویسی‌ها، مجسمه‌ها و ...) به‌جای‌مانده از دانشمندان، شاعران، نیاکان، هنرمندان و ... در قالب‌های متعدد (لوحه‌های گلی، فلز، پوست درختان و حیوانات، نسخه‌های خطی، کتیبه‌ها و ...) در اماکن مختلف (کتابخانه‌ها، آرشیوها، موزه‌ها، مسجدها و ...) به‌عنوان بهترین ابزار گفت‌وگو میان ادیان، ملت‌ها، و انتقال و تبادل دانش بشری نقش ایفا می‌کند. در ادامه، ابتدا نقش فرهنگی و سپس نقش هنری نسخه‌های خطی تبیین می‌شود.

۱- نقش فرهنگی

در مقدمه مفهوم و کارکرد اجمالی فرهنگ تبیین شد و به‌طور کلی می‌توان گفت: «فرهنگ چیزی است که هم آفریده می‌شود و هم از نسلی به‌نسل دیگر منتقل می‌شود». بنابراین نسخه‌های خطی، که خالق دست بشری است، علاوه‌بر جنبه تاریخی، نقش پر رنگ، مهم و انکارناپذیری در رشد فرهنگی جوامع دارند (آل‌ابراهیم، ۱۳۸۳). در واقع نسخه‌های خطی، میراث فرهنگی هر ملتی است و هویت فرهنگی هر ملتی در لابه‌لای برگ‌های آن نهفته و نمادهای بسیار مهم غنای فرهنگی است؛ همچنین بیانگر صرف عمر و تلاش مردم یک کشور در گردآوری و پاسداشت دستاوردهای فکر و مفاهیم ارزشی دانشمندان، علما و نوابغ آن سرزمین نیز محسوب می‌شود (صادق‌زاده وایقان، ۱۳۸۴، ص ۷۴). بنابراین نقش فرهنگی نسخه‌های خطی، همان چیزی است که تمام ملت‌ها به‌دنبال آن هستند و اهمیت زیادی برایش قائل هستند.

چنانچه بپذیریم «تمدن زاینده فرهنگ و فرهنگ زاینده تفکر است؛ به عبارتی، جامعه‌ای که صاحب تفکر نیست، دارای فرهنگ نیست و جامعه‌ای که فاقد فرهنگ است، دارای تمدن نیست» (خوشکام، ۱۳۸۲، ص ۲۶)، به اهمیت نسخه‌های خطی پی می‌بریم. چون در این آثار، فکر و اندیشه علما در قالب تمدن و فرهنگ زمان خویش شکل گرفته، و همین فکر، تمدن و فرهنگ که لازمه گفت‌وگوهای بین‌المللی و منطقه‌ای است، در نسخه‌های خطی نیز هست. مسجدجامعی با اشاره به روند جهانی‌شدن، میراث مکتوب را نوعی تعریف هویت و پشتوانه فرهنگی می‌داند و می‌گوید: «تجسم عملی یک تمدن حتی در نوع خط، صفحه‌آرایی، صحافی و نوع کاغذ مشخص می‌شود»؛ که همگی آن‌ها را در نسخه‌های خطی می‌توان مشاهده کرد (۱۳۸۳، ص ۹).



به‌طور کلی، میراث فرهنگی و مکتوب بشری از دو بُعد برای کشورها اهمیت دارد، که یکی از این ابعاد، بُعد فرهنگی است که در نسخه‌های خطی نمود داشته و مشتاقان فراوان دارد (حسینی‌اشکوری، ۱۳۸۳) و بُعد دوم جنبه و محتوای علمی نسخه‌های خطی است. همچنین نسخه‌های خطی سهم افتخارهای فرهنگی و علمی ملل و اقوام را از دستبرد بیگانگان و اختلاس دیگران مصون نگه داشته است (اصفیایی، ۱۳۸۰، ص ۱۴).

۲- ابعاد هنری

همه اقوام و ملل اذعان دارند که هنر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف یا اهدافی است که بشر به دنبال آن‌هاست، خواه این هدف تحریک یا بیان احساسات، لذت‌خواهی، زیبایی، وقت‌گذرانی باشد، خواه ایجاد ارتباط و تبادل افکار و اندیشه خداخواهی و یا باورهای اخلاقی. آن چیزی مهم است که در همه این موارد، هنر و آثار هنری خلق شده به‌گونه‌ای بر مخاطبان خود تأثیرگذار هستند، که این تأثیر می‌تواند شامل تأثیرهای اخلاقی، اجتماعی، مذهبی، احساسی و یا شناختی باشد (همایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴). همچنین «هنر» زبان مشترک تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به‌شمار می‌رود. از آنجا که انسان‌ها از یک سرچشمه خلق شده و خالق آن‌ها یکی، و ذات و سرشت آن‌ها واحد است، احساسات مشترکی دارند که حتی فاصله‌های زمانی و مکانی قادر به از بین بردن آن نیست. عاملی که می‌تواند آن احساسات را برانگیزد و تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را به هم مرتبط کند، هنر است که در طول تاریخ، بشر آن را به اثبات رسانده است (همایی، ۱۳۸۳، ص ۸۴)؛ پس می‌توان گفت، هنر گویاترین، زیباترین و جذاب‌ترین ابزار را برای پیشبرد گفت‌وگوها و دیپلماسی فرهنگی در اختیار دارد.

علامه محمدتقی جعفری معتقد است: «هنر یکی از نمودها و جلوه‌های بسیار شگفت‌انگیز و سازنده حیات بشری است» (نقل شده در: همایی، ۱۳۸۳، ص ۱۵). در واقع، یک اثر هنری در هر قالبی که باشد، از ظرفیت بالایی در ایجاد و ارتباط گفت‌وگو برخوردار است و فراتر از مرزهای زبان، کلام و جغرافیایی عمل می‌کند؛ زیرا کارکردهای هنر می‌تواند متنوع و مختلف باشد. پس هنر می‌تواند ایفاگر نقشی سازنده و تعالی‌بخش در عرصه گفت‌وگو باشد؛ نقشی که هم محلی است و هم جهانی؛ زیرا همگی به این نکته که هنر می‌تواند زبان مشترک همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها باشد و اینکه زبان هنر، جهانی است، تأکید دارند.

در این راستا ابعاد هنری جذاب و متنوع نسخه‌های خطی از این مقوله جدا نیستند؛ به‌نحوی که یکی از اشیا و آثار نفیس عرضه‌شده در موزه‌ها، گالری‌ها و گنجینه‌های خصوصی و ملی کشورهای مختلف محسوب می‌شود که علاقه‌مندان، هنرمندان و پژوهشگران زیادی را از نقاط مختلف جهان، به تکاپو کشانده است. از معروف‌ترین موزه‌های جهان می‌توان به موزه



لوور پاریس^۱، موزه ارمیتاژ سن پترزبورگ^۲ و بریتیش موزیوم^۳ در لندن اشاره کرد، که در همه این‌ها بخش ویژه‌ای به نسخه‌های خطی اختصاص داده شده است. برای مثال، موزه لوور در پاریس، که پربازدیدترین موزه جهان است، هزاران نسخه خطی نفیس از آثار کشورهای قاره آسیا، به‌ویژه منطقه اکو را در تالاری مخصوص به نمایش گذاشته است.

در خصوص اهمیت هنری نسخه‌های خطی، استاد ایرج افشار می‌نویسد: «نسخه‌های خطی یکی از میدان‌گاه‌های با نزهت و خوش‌منظر و تجلی‌گاه بارز ذوق و هنر است. بر صفحات درونی و جلد آن‌ها زیباترین نقش‌ها و رنگ‌ها را ترسیم کرده و فکرها را تجسم بخشیده‌اند. در جلد‌های سوخت و معرق و روغنی سرپنجه‌های هنرمندان بی‌نام‌ونشان نازک‌ترین قلم‌ها و روشن‌ترین طرح‌ها را بر پوست خشک و مقوای شکننده جاودان ساخته و خویش و بیگانه را از اعجاز و شگفتی کار، به آفرین‌گویی و حیرت واداشته‌اند» (نقل شده در: صادق‌زاده وایقان، ۱۳۸۴، ص ۸).

فرانسیس ریشار^۴ نسخه‌شناس و فهرست‌نویس فرانسوی نیز درباره ارزش هنری نسخه‌های خطی چنین می‌گوید: «علت توجه خاص فرانسوی‌ها به نسخه‌های خطی فارسی، سبک خاص آن بود. اگرچه خط فارسی، تقلید از خط عربی است و همواره در طول تاریخ برخلاف زبان فارسی، ایرانی‌ها خط را از تمدن‌های دیگر گرفته‌اند، اما نوع نگارش، خط و حتی تزئینات کتاب‌ها و نوشته‌ها، منحصر به فرد است. یکی دیگر از علت‌های توجه فرانسوی‌ها به نسخه‌های خطی، زیبایی خط و آراستن نسخه‌ها با رنگ‌ها و نقش‌های مختلف است». در این راستا همین بس است که «بابر، امپراتور هند، و همراهانش هنگامی که هند را فتح کردند و کمال‌الدین بهزاد هروی در اوج فعالیت‌های هنری خود بود و سبک کار او معیار کمال هنری به حساب می‌آمد، بهزاد را در مقامی بالاتر از نقاشان هندی قرار دادند، استادی که همه می‌بایست از او پیروی می‌کردند. به این ترتیب، بهزاد و مکتب او تبدیل به الگویی شد برای نقاشان هند و عناصر مکتب تیموری با سنت‌های آجانتا پیوند خوردند. [و] بابر بسیاری از الگوهای مکتب تیموری را در آگرا به هنرمندان هندو و مسلمان هند معرفی کرد» (داس^۵، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱).

در نسخه‌های خطی، علاوه بر هنرهای کاغذسازی، وراقی، صحافی و کتاب‌سازی، زیباترین هنرهای خلق شده توسط فکر، ذهن و دستان هنرمندان یعنی خط، تشعیر، تذهیب، ترصیع، تصویر (نقاشی و مینیاتور) و تجلید هویداست، که تذهیب از مهم‌ترین آن‌هاست. در هر یک از سبک‌های نسخه‌نویسی و کتاب‌آرایی تذهیب‌های خاصی وجود دارد (یادداشت ماه، ۱۳۷۷) که به عنوان مکتب هر دوره یا منطقه خاص جلوه هنری ویژه‌ای دارند. برای مثال، اوراق مزین شاهنامه فردوسی به دست هنرمندان ایرانی و غیرایرانی، قرآن‌های بسیار نفیس کتابت شده اثر خطاطان، خوشنویسان، هنرمندان و ... مسلمان در دنیا بی‌نظیر بوده و زینت بخش موزه‌های

1. Musée du Louvre
2. hermitage museum
3. British Museum
4. francis richard
5. Debarata Das



ملی و بین‌المللی است. مکتب‌های هنری به کار رفته در نسخه‌های خطی موجود در کشورهای قاره آسیا از جمله منطقه اکو، زبان گویای تاریخ و هنر این منطقه است.

نسخه‌های خطی اسلامی

نسخه‌های خطی اسلامی به دست‌نویسی اطلاق می‌شود که تمامی آن با خط و الفبای زبان عربی کتابت شده باشد. بر این پایه، برای نمونه نسخه‌ای که زبان آن فارسی، ترکی، رومی، بوسنیایی (حمایدو/یامیادو)، عبری (فارسی‌هود)، یونانی، ملایو، آلبانیایی، آواری و ... است، اما با الفبای زبان عربی کتابت شده است، از سوی کارشناسان فن کودیکولوژی (نسخه‌شناسی)، در تعریف نسخه‌های خطی اسلامی گنجانده شده است. اگر چه از سوی غیرمسلمانان نگارش یافته باشد. در ادامه گزارش اجمالی از نسخه‌های خطی اسلامی موجود در آسیا و اکو ارائه می‌شود.

۱- قاره آسیا

بر پایه آمارهای رسمی، در همه کتابخانه‌های تراثی (دارای نسخ خطی) جهان، در حدود پنج میلیون نسخه خطی اسلامی وجود دارد. این نسخ، به لحاظ زبانی، به ترتیب کثرت، دست‌نویس‌های زبان عربی (در حدود ۶۰ درصد)، زبان فارسی (در حدود ۲۰ درصد)، زبان ترکی (در حدود ۵ درصد) و ... است (متقی، ۱۳۹۳). البته در تحقیق کسایی (۱۳۸۳، ص ۱۴۰)، حدود ۷۰ درصد به زبان عربی، ۱۸ درصد به زبان فارسی، ۱۰ درصد به زبان ترکی و ۲ درصد بقیه زبان‌ها گزارش شده است. از این تعداد، تقریباً یک‌ونیم تا دو و نیم میلیون نسخه در قاره آسیا نگهداری می‌شوند. از این میان کشور ترکیه، به عنوان میراث‌دار امپراتوری بزرگ عثمانی، با دارابودن یک تا یک و نیم میلیون نسخه خطی، بزرگ‌ترین و نفیس‌ترین ذخایر تراثی جهان را در اختیار دارد، سپس جمهوری اسلامی ایران با هفتصد هزار تا یک میلیون نسخه، مقام دوم و پس از آن، جمهوری عربی مصر، با حدود پانصد هزار نسخه خطی، مقام سوم ذخائر میراث مخطوط اسلامی جهان را داراست (متقی، ۱۳۹۳). بر اساس پژوهش کسایی (۱۳۸۳، ص ۱۳۹-۱۴۰) ۵۱ درصد نسخه‌های خطی اسلامی به ترتیب فراوانی در پنج کشور ترکیه، ایران، هند، مصر و عراق، و در محدوده‌ای وسیع، ۹۱ درصد نسخه‌های خطی اسلامی به ترتیب فراوانی در ۲۵ کشور ترکیه، ایران، هند، مصر و عراق، پاکستان، عربستان، انگلستان، ازبکستان، مراکش، آمریکا، روسیه، تونس، موریتانی، نیجریه، آلمان، سوریه، تونس و هرزگوین، اندونزی، افغانستان، آذربایجان، یمن، فرانسه، لیبی و لبنان قرار دارد؛ بنابراین سهم آسیا با چهارده کشور، منطقه اکو با شش کشور، در حفاظت و نگهداری نسخه‌های خطی اسلامی در دنیا چشمگیر و قابل تأمل است. به ویژه چهار کشور ترکیه، ایران، هند و عراق از قاره آسیا و دو

۱. اسامی کشورهایی که زیرشان خط کشیده شده است، جزو قاره آسیا هستند.



کشور ترکیه و ایران از منطقه اکو بیشترین سهم را دارند.

برای نمونه، کتابخانه‌های آسیای جنوبی و چندین کتابخانه بین‌المللی دیگر سرشار از مجموعه‌هایی از نسخه‌های دست‌نوشته آثار نظامی که همگی اصالتاً هندی هستند و به خط زیبا و تذهیب‌هایی ظریف به صورت مجلل تزیین شده‌اند. در تعدادی از آن‌ها همچنین تصاویر مینیاتور بسیار زیبایی نیز به چشم می‌خورد. این نسخه‌های خطی از چند نظر حائز اهمیت هستند. همگی نه تنها از محدود آثار تعدادی از خطاطان و هنرمندان بزرگ به شمار می‌آیند، بلکه همچنین معرف بسیاری از حرکت‌های جدید نیز در این رشته‌ها هستند. گاهی نیز مطالب ناشناخته‌ای در باب تاریخ اجتماعی و فرهنگی آن زمان‌ها در اختیارمان قرار می‌دهند. ناگفته روشن است که برخی از دست‌نوشته‌های نفیس آثار نظامی به عنوان هدیه تبادل شده‌اند (سلیم اختر، ۱۳۷۸، ص ۱۸) که مورد اخیر یعنی تبادل نسخه، تبادل ادب، هنر و فرهنگ نیز محسوب می‌شود. همچنین در پاکستان که تنها کشور آسیای جنوبی است، از آثار نظامی: حدود ۱۵۴ نسخه از مخزن الاسرار، ۷۵ نسخه از لیلی و مجنون، ۷۴ نسخه از خسرو و شیرین، ۶۸ نسخه از هفت‌پیکر و ۳۹۸ نسخه از اسکندرنامه در مجموعه‌های دولتی و خصوصی موجود است (سلیم اختر، ۱۳۷۸، ص ۲۲-۲۳). در اهمیت نسخه‌های خطی اسلامی، به ویژه آثار نظامی، همین کافی است که انگلیسی‌ها برای ترجمه به زبان انگلیسی تلاش چشمگیری داشته‌اند (سلیم اختر، ۱۳۷۸، ص ۲۵).

۲- منطقه اکو

اکو^۱ سازمان همکاری اقتصادی است که تعداد ده کشور (ایران، پاکستان، ترکیه، افغانستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) را دربرمی‌گیرد. این کشورها با برخورداری از موقعیت ممتاز جغرافیایی، واقع در چهارراه اتصال تجارت شرق و غرب و همچنین شمال و جنوب، یادآور قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین محور ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب به جهان یعنی «جاده ابریشم» است. تنوع جغرافیایی کشورهای عضو اکو و هم‌مرز بودن این سازمان منطقه‌ای با چین، اروپا، خلیج فارس، دریای مازندران و اقیانوس هند موجب شده که این منطقه به عنوان پل اتصال قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا مطرح شود و منطقه اکو را از پتانسیل بالایی برای یکپارچگی اقتصادی و فرهنگی برخوردار کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در اکثر کتابخانه‌های مهم و قدیمی کشورهای عضو اکو، منابع ارزشمند، به ویژه نسخه‌های خطی نفیس به زبان‌های متعدد و مشترک بین کشورهای عضو وجود دارد که بستری مناسب برای ارتباط و همکاری‌های فرهنگی است (نجفقلی‌نژاد و رجوی، ۱۳۹۲).



در کتابخانه ملی ازبکستان، حدود دویست هزار جلد نسخه خطی و کتاب‌های چاپی نادر محفوظ است که مقدار زیادی از نسخه‌های خطی فوق‌الذکر به خط و زبان فارسی نگاشته شده است (ویژگی‌های فرهنگی کشور ازبکستان، ۱۳۹۰) و بیش از چهل هزار نسخه خطی به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، ترکی جغتایی، ازبکی و ... در ۲۳ کتابخانه این کشور وجود دارد (گنجینه‌های دست‌نویس‌های اسلامی در جهان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۵۵). تعداد ۵۴۳۴ نسخه خطی به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، ترکمن، ازبکی و ... در سه کتابخانه کشور ترکمنستان وجود دارد (گنجینه‌های دست‌نویس‌های اسلامی در جهان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۹۳۳-۹۴۰). در نمایشگاه نسخه‌های خطی فارسی که در محل کتابخانه ملی ترکیه در آنکارا برگزار شده بود، بیش از ۱۵۰ نسخه خطی از حدود ۱۵۰۰ نسخه خطی فارسی موجود در گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ترکیه، که نمونه‌های نفیسی از آثار ادبیات و عرفان اسلامی مربوط به قرون گذشته به زبان فارسی است، به معرض نمایش علاقه‌مندان گذاشته شده بود ([هزار و پانصد] ۱۵۰۰ نسخه خطی فارسی در کتابخانه ملی ترکیه، ۱۳۸۸). حدود یکصد هزار نسخه خطی به زبان‌های اردو، فارسی، عربی، پنجابی و ... در ۲۸۲ کتابخانه پاکستان وجود دارد (گنجینه‌های دست‌نویس‌های اسلامی در جهان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۷۹۵-۸۹۱). حدود ده هزار نسخه خطی در هشت کتابخانه تاجیکستان به زبان‌های عربی، پشتو، فارسی، تاجیکی، ترکی، اردو و ... وجود دارد (گنجینه‌های دست‌نویس‌های اسلامی در جهان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۹۱۱-۹۲۰) و نزدیک به شانزده هزار نسخه خطی در چهار کتابخانه آذربایجان به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، ترکی جغتایی، ترکی عثمانی، ازبکی و ... وجود دارد (گنجینه‌های دست‌نویس‌های اسلامی در جهان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۵-۴۲).

نتیجه‌گیری:

فرهنگ و هنر در دهکده جهانی بر اساس تحولات جدید در عرصه بین‌الملل، نقش و جایگاهی مهم و اساسی در روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها دارد. در واقع، امروزه اکثر دولت‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از گفتمان فرهنگی و جاذبه‌های هنری با مناطق یا ملت‌های دیگر، به منافع و اهداف مشترک مورد نظر خود دست یابند و یا قلمرو جغرافیای فرهنگی (ژئوکالچر)^۱ خود را گسترش دهند (اخوان‌کازمی و عزیزی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰). بنابراین فرهنگ و هنر به عنوان موتور محرکه توسعه، زمینه‌ساز حرکت جوامع و الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با فروکش کردن چالش‌های ایدئولوژیکی، نقش آن‌ها به عنوان پارادایم جایگزین، به تدریج اهمیت یافته است. چهره زمخت سیاست و قدرت، به وسیله ابزارها و روش‌های فرهنگی و ظرافت‌های هنری تلطیف می‌شود و زیرساخت‌های فرهنگی و جاذبه‌های هنری موجب سامان دادن به فعالیت‌های سیاسی در سطح سیاست داخلی و سیاست جهانی می‌شود

1. Geoculture



(رزمجو و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۶۶-۱۶۷).

بنابراین چون برای دیپلماسی و ارتباط انسان‌ها، انواع اطلاعات معنوی، علمی، هنری، سیاسی و فرهنگی لازم است، پس نسخه‌های خطی می‌توانند به‌عنوان باارزش‌ترین و متنوع‌ترین محمل اطلاعاتی فرهنگی و هنری، نقش مؤثری در ارتباط و گفت‌وگوهای هنری و فرهنگی داشته باشند. همه انسان‌های آگاه اذعان دارند که نسخه‌های خطی جلوه‌ای از تمدن فرهنگی ملت‌ها به‌شمار می‌روند و شکی نیست که می‌توانند در ارتباط و گفت‌وگو بین فرهنگ‌ها و ملت‌ها مفید باشند.

اهتمام کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشورهای عضو اکو به جمع‌آوری نسخه‌های خطی ادبی، هنری و علمی، نشانگر زبان مشترک این آثار برای تمامی مکتب‌ها، مذاهب‌ها و ملت‌هاست و عمق وجودی گفت‌وگو را در ابعاد هنری نسخه‌های خطی، بیان می‌کند و نشانگر آن است که مذهب، مرزهای جغرافیایی، خط، زبان و ... مانع پژوهش، گفت‌وگو و ارتباط نیست. وقتی پژوهشگران آلمانی، انگلیسی و آمریکایی در خصوص معراج پیامبر اسلام (ص) در نسخه‌های خطی تحقیق می‌کنند، خواسته یا ناخواسته به «گفت‌وگو و دیپلماسی فرهنگی، تاریخی و مذهبی» می‌پردازند. پس بر کسی پوشیده نیست که نسخه‌های خطی، تمدن بشری و محصول انسان‌ها است و می‌تواند یکی از پایه‌های اساسی گفت‌وگوها به‌شمار رود.

طبق آمار موجود در سایت «آژانس اطلاعات مرکزی»^۱ و داده‌های «بانک جهانی سازمان ملل متحد»^۲، از جمعیت حدود ۴۶۰ میلیون نفری منطقه اکو، حدود ۹۰ درصد مردم مسلمان هستند و اسلام را به‌عنوان دین غالب در این کشورها پذیرفته‌اند (نقل شده در: نجفقلی‌نژاد و رجوی، ۱۳۹۲). امید است مباحث قرآن کریم - که نسخه‌های خطی آن فراوان بوده و از نظر تزیینات و هنر در بین سایر نسخه‌های خطی اسلامی و حتی نسخه‌های خطی سایر ادیان بی‌نظیر و امروزه زینت‌بخش تمامی کتابخانه‌ها، موزه‌ها و گنجینه‌ها، مساجد و ... کلیه کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای مسلمان است - اسوه و الگوی تمامی ملت‌ها، سیاستمداران و حکومت‌های کشورهای مسلمان، به‌ویژه اکو قرار بگیرد تا صلح، دوستی و وحدت در جامعه، جای جنگ و جدال و نفاق را بگیرد؛ زیرا «قرآن کریم» کتاب گفت‌وگو و بحث است. این کتاب روش گفت‌وگوی پیامبران با اقوام خود و ... را تجزیه و تحلیل می‌کند و می‌توان ادعا کرد مرجع و مأخذی برای روش‌شناسی گفت‌وگو، روش تبلیغ دینی، مناظره و مباحثه و راهگشایی برای گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها باشد (صحرائی اردکانی، ۱۳۸۳، ص ۲)، و همچنین نمونه بارزی از هنر اسلامی نیز است. خلاصه اینکه، حبیبی معتقد است: «اشتراک در معتقدات دینی در جویانگاه هنر اسلامی در مقایسه با آنچه در دنیای مسیحیت وجود دارد، تأثیری قوی‌تر بر فعالیت‌های فرهنگی ملل مختلف داشته است» (۱۳۸۱، ص ۱۲).

1. Central Information
Agency: www.cia.gov
2. data.worldbank



منابع:

- اخوان کاظمی، مسعود؛ عزیزی، پروانه (۱۳۹۰). *ژئوکالچر ایرانی در شبه قاره هند: گستره جغرافیایی نفوذ فرهنگی و تمدن ایران*. فرهنگ، هویت و تمدن از چشم‌انداز ایران فرهنگی. تهران: تمدن ایرانی، ص ۱۷۷-۲۰۴.
- اصفیایی، محمد (۱۳۸۰). نقش و کارآیی کتاب، در تبیین تاریخ و فرهنگ ملل. تمبر. ش ۲ و ۳، ص ۱۴.
- امامی، مرضیه (۱۳۹۱). جایگاه موسیقی در همگرایی فرهنگی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته علوم سیاسی، گرایش روابط بین‌الملل. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- آل‌ابراهیم، مجید (۱۳۸۳/۹/۵). اهمیت جهانی نسخ. کتاب هفته. ش ۲۰۹ (پیاپی ۵۹۶)، ص ۱۰-۱۱.
- حبیبی، حسن (۱۳۸۱). *تأملاتی درباره مطالعات مربوط به هنر اسلامی*. مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی/به‌اهتمام محمد خزائی. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱. ص ۹-۳۶.
- حسینی‌اشکوری، صادق (۱۳۸۳/۱۲/۸). جنبه‌های علمی و فرهنگی چاپ نسخ خطی [گفت‌وگو]. کتاب هفته، ش ۲۲۸ (پیاپی ۶۱۵)، ص ۱۸-۱۹.
- خوشکام، حمیدرضا (۱۳۸۲). کانون جهانی فرهنگ و هنر. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر. دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- داس، دباراتا (۱۳۷۸). روابط فرهنگی هند و ایران. گفتارهایی درباره روابط فرهنگی: سلسله مطالعات روابط فرهنگی. *سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی*، زمستان. ش ۳، ص ۸۴-۱۱۱.
- رزمجو، علی‌اکبر؛ خسروی، افسانه؛ عنایتی‌شیکلایی، علی (۱۳۹۵). درآمدی بر دیپلماسی رسانه‌ای ایران؛ مطالعه موردی: دیپلماسی رسانه‌ای صدا و سیما. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سلیم اختر، محمد (۱۳۷۸). پل‌های تفاهم میان ایران و جنوب آسیا. گفتارهایی درباره روابط فرهنگی: سلسله مطالعات روابط فرهنگی. *سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی*، زمستان، ص ۸-۳۳.
- سید صدر، سید ابوالقاسم (۱۳۸۳). دایرةالمعارف هنر. تهران: سیمای دانش.
- صادق‌زاده وایقان، علی؛ نجفقلی‌نژاد ورجوی، اعظم (۱۳۹۰). نقش نسخه‌های خطی در گفت‌وگوی تمدن‌ها با محوریت حافظه جهانی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ج ۱۴، ش ۲ (پیاپی ۵۴)، تابستان، ص ۲۸۳-۲۹۸.
- صادق‌زاده وایقان، علی (۱۳۸۴). بررسی سازماندهی و اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی (ملی) تبریز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی.
- صحرایی اردکانی، محسن (۱۳۸۳). گفت‌وگوی تمدن‌ها از منظر قرآن و احادیث. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم قرآن و حدیث. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده الهیات و فلسفه اسلامی.



- کسای، سید علی (۱۳۸۳). نسخه‌های خطی اسلامی. فصلنامه کتاب. دوره ۱۵، ش ۱ (پیاپی ۵۷)، بهار، ص ۱۳۶-۱۴۴.
- کیانی، محمدرضا (۱۳۷۸). جایگاه اطلاع‌رسانی در گفت‌وگوی تمدن‌ها. فصلنامه کتاب. دوره ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۳۹)، پاییز، ص ۷-۱۵.
- گنجینه‌های دست‌نویس‌های اسلامی در جهان (۱۳۸۸). گروه مؤلفان. ترجمه، تصحیحات و افزوده‌ها احمدرضا رحیمی‌ریسه. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- متقی، حسین (۲۴ مهر ۱۳۹۳). نگاهی آماری به نسخه‌های خطی اسلامی. بازایی‌شده در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ از نشانی: <http://www.khabaronline.ir/detail/380794/weblog/mottaghi>
- مسجدجامعی، احمد (۱۳۸۳). فرهنگ در آینه میراث مکتوب. کتاب ماه کلیات. به‌کوشش زهرا حرفتی. ش ۱ (پیاپی ۸۵). س ۸، ص ۹۰-۹۲.
- نجفقلی‌نژاد ورجوی، اعظم (۱۳۹۲). بررسی زمینه‌های همکاری کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو با محوریت افلا و ارائه چهارچوب عملیاتی برای طراحی مرکز اطلاع‌رسانی در ایران. پایان‌نامه دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
- ویژگی‌های فرهنگی کشور ازبکستان (۱۳۹۰). بازایی‌شده در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۰ از نشانی: <http://www.modiryar.com/index-management/cultural/cultural-manageme>
nt/4566-1390-10-12-05-40-56.html
- [هزار و پانصد] ۱۵۰۰ نسخه خطی فارسی در کتابخانه ملی ترکیه (۱۳۸۸). بازایی‌شده در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۸ از نشانی: [http://www.khabaronline.ir/\(X\(1\)S\(cz3so33ncwulke%C3%83%C3%A2%C3%A2%C3%A2%C3%A2%E2%82%AC%C5%A1%C2%AC%C3%85%E2%81%844%C2%A2%C3%823%E2%81%844tun0xqy5mg\)\)/detail/11170/culture/visual](http://www.khabaronline.ir/(X(1)S(cz3so33ncwulke%C3%83%C3%A2%C3%A2%C3%A2%C3%A2%E2%82%AC%C5%A1%C2%AC%C3%85%E2%81%844%C2%A2%C3%823%E2%81%844tun0xqy5mg))/detail/11170/culture/visual)
- همایی، جلیل (۱۳۸۳). مخاطب اثر هنری در عرصه گفت‌وگوی تمدن‌ها. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده هنر و معماری.
- یادداشت ماه. ۱۳۷۷. کتاب ماه: ویژه‌نامه گفت‌وگوی تمدن‌ها، اسفند.
- Celikhan, S.; Eryilmaz, S.S. (2006). Local / regional integration and cultural Heritage. 42nd ISOCaRP Congress.



نسخه خطی منحصر به فرد مثنوی «نقل و صهبا»

اکبر شریف‌زاده و دکتر علی رفیعی جیردهی

چکیده:

نسخه خطی گنجینه‌ای ارزشمند از فرهنگ، زبان و ادب هر سرزمینی بوده و با تصحیح، انتشار و عرضه آن به جامعه، علاوه بر بُعد ادبی و زبانی، اطلاعات ارزشمندی در موضوعات و مباحث مختلف تاریخی و فرهنگی و اجتماعی به خواننده آن و پژوهشگران عرضه می‌کند. دربار خاندان تیمور جهانگشا در هندوستان، مهد پرورش ادبا و فضایی پارسی‌گوی بوده است. هنگام سلطنت این خاندان در هند و توجه ویژه ایشان به شاعران پارسی‌گوی، بسیاری از ایشان را تشویق به کوچ به هندوستان و دربار کرد. گروهی موفق در دربار مانده و اثر و آثار مختلفی از خود برجای نهاده‌اند. شاهزاده مرادبخش یکی از افراد خاندان تیموری و ادب‌دوست و هنرپرور و دربار وی برای برخی کعبه‌آمال بوده و شعرا و علما و فضایی زیادی در آن به سر می‌بردند. یکی از این افراد ملامحمود بهشتی گیلانی است. هرچند اطلاعات بسیار اندکی از وی در دست است اما یک نسخه منحصر به فرد از ایشان به نام «نقل و صهبا» در کتابخانه ملی ایران موجود است که در این مقاله به معرفی و بازشناسی این اثر خواهیم پرداخت. نسخه مثنوی «نقل و صهبا» از آثار ادبی عصر صفوی است که تاکنون معرفی نشده، به تصحیح نگارندگان به زودی به پیشگاه اندیشمندان و محققان تقدیم می‌شود. این مثنوی سروده شاعری به نام ملامحمود گیلانی متخلص به «بهشتی» که از شاعران معاصر شیخ بهایی و شاه عباس صفوی بود که اگرچه به شیخ و شاه، هردو، سخت ارادت داشت، وطن را بگذاشت و به هند رفت. ملامحمود، بُعد معنایی، مثنوی خود را از مثنوی ملای روم الهم گرفته است، ولی الگوی اصلی اثر او، مثنوی «نان و حلوی» شیخ بهایی است که خود نیز به آن اشاره دارد.

کلیدواژه‌ها

ایران‌شناسی، نسخه خطی، هند، شعر فارسی، نقل و صهبا، مثنوی، ملامحمود بهشتی گیلانی.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۴، صص: ۲۱۰-۲۲۱



نسخه خطی منحصر به فرد مثنوی «نقل و صهبا»

اکبر شریفزاده^۱ و دکتر علی رفیعی جیردهی^۲

مقدمه:

اگر ملتی بخواهد در مقابل فرهنگ‌های بیگانه و مهاجم مقاوم باشد باید تکیه‌گاهی محکم از خود داشته باشد و ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم و این تکیه‌گاه چیزی جز فرهنگ بومی خودمان نمی‌تواند باشد؛ فرهنگی که هم دیرین و هم غنی است. لذا می‌توان با ایمان و اطمینان به آن پشتگرم بود به شرط آنکه به همه ابعاد آن توجه کنیم و فقط بر یک ستون آن تکیه نکنیم. دین و دانش، زبان و ادبیات، هنر و ... ده‌ها نمود و نماد دیگر، ستون‌های استوار این فرهنگ در بُعد گسترده ایران بزرگ و کهن هستند.

نسخه خطی ما نیز یکی از بهترین نمایشگاه‌ها و موزه‌های فرهنگی ایران است که حکایت‌های گفته و ناگفته بسیاری از تاریخ، فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم این ملت با پیشینه غنی فرهنگی دارد. شناخت و بررسی و احیای این نسخ ارجمند و ارزشمند کمک فراوانی به محققان و اندیشمندان و مردم عادی در راستای شناخت و نیز راهگشای تحقیقات جدیدی می‌تواند باشد.

با توجه به اینکه سراینده نسخه مورد مطالعه ما علاوه بر ارتباط با بزرگان ایران عصر صفوی، مدتی در دربار گورکانیان هند نیز بوده است، مروری مختصر به این ارتباط می‌افکنیم تا شاعر را بهتر بشناسیم.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، نسخه‌پژوه

و فهرست‌نگار

sharifzadeh1@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان،

استاد ایران‌شناسی دانشگاه استراسبورگ

فرانسه؛

guilan_1385@yahoo.com



گورکانیان هند و زبان و ادبیات فارسی

ایران و هند دارای پیوندهای فرهنگی و اجتماعی ریشه‌داری هستند با تاریخی هزاران ساله. همسایگی آن‌ها باعث بهره‌مندی بسیار از همدیگر و اثرات مختلفی بوده است.

جانشینان تیمور گورکانی در هند هم‌زمان با قدرت‌گیری صفویه در ایران به قدرت رسیدند و سده دهم هجری اوج روابط خارجی ایران و هند است. ریشه‌های مشترک دو ملت با هم موجبات تأثیرات متقابلی را فراهم آورد که آثار آن به‌ویژه در ادبیات و هنر دو ملت منعکس است. هر چند قبل از به قدرت رسیدن گورکانیان، زبان فارسی در هند رواج داشت و بسیاری از واژه‌های فارسی به زبان هندی رخنه کرده بود اما تسلط گورکانیان بر هند و توجه ویژه آن‌ها به ادب و هنر و شعر فارسی باعث انتقال سریع لغات از زبان فارسی به هندی شد و علاوه بر مسلمانان، هندوها نیز علاقه‌مند به شعر و ادب فارسی شدند.

با این ارتباطات فرهنگی، تحولی عمیق در فرهنگ هندی به‌ویژه در زمینه شعر، واژه‌شناسی، تذکره‌نویسی، تاریخ‌نگاری، روزنامه‌نگاری، ترجمه متون پدیدآمد (سلیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸)؛ شاعرانی چون ابوالفتح گیلانی، عرفی شیرازی، فیضی فیاضی، نظیری نیشابوری، طالب آملی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی، اشرف مازندرانی، سراج‌الدین علی‌خان آرزو و غیره، سرایندگانی برجسته و نام‌آور بودند.

درباره روابط ایران و هند با پیوندهای فرهنگی و اجتماعی ریشه‌دار با تاریخی هزاران ساله هستند کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است. زبان فارسی این ارتباط را عمیق‌تر و شعر فارسی این روابط را شیرین‌تر کرده است. رواج زبان فارسی در هند و تسلط گورکانیان در هند و روابط اداری، تجاری و سیاسی با دربار صفوی باعث تأثیر ویژه در ادبیات دو سرزمین شد. علاقه گورکانیان به شعر و ادب فارسی باعث گسترش آن در شبه‌قاره شد و با این ارتباطات فرهنگی تحولی عمیق در فرهنگ هندی به‌ویژه در زمینه شعر، واژه‌شناسی، تذکره‌نویسی، تاریخ‌نگاری، روزنامه‌نگاری، ترجمه متون پدید آمد (سلیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸).

حمایت‌های خاص تیموریان هند از نویسندگان و شاعران باعث تولید و گسترش آثار زیاد و مهمی در تاریخ، دستور زبان، فرهنگ و لغت، شرح حال و تذکره، نقد ادبی و علوم مختلف شد و حکیم، فقیه، پزشک منجم، سپاهی، خوشنویس، سیاق‌دان، موسیقی‌دانان و نوازندگان، بازرگانان و سیاحان و دیوانیان راهی دیار هند شدند و در این بین شاعرانی چون ابوالفتح گیلانی، عرفی شیرازی، فیضی فیاضی، نظیری نیشابوری، طالب آملی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی، اشرف مازندرانی، سراج‌الدین علی‌خان آرزو و غیره شاعران برجسته این دوره بودند. با این مقدمه موج مهاجرت علما و ادبا و افراد مختلف به هند شکل گرفت که استاد گلچین معانی علل زیر را برای گسترش این مهاجرت بر می‌شمارد: خروج شاه اسماعیل اول، سختگیری



مذهبی شاه‌طهماسب، قتل عام شاهزادگان مروج شعر و ادب، فتنه‌های مداوم از یک‌ها، هجوم مکرر عثمانی‌ها، دعوت شاهان و شاهزادگان و امرای هند، رنجش و ناخرسندی، فرار از تهمت بدمذهبی، قلع و قمع سران طایفه قزلباش در زمان شاه عباس، درویشی و قلندری، پیوستن به آشنایان و بستگان صاحب نفوذ و مقام و منصب، تجارت و سیاحت و خوشگذرانی، یافتن کار و راه پیدا کردن به دربار (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ص ۵).

در این دوره موج مهاجرتی از شاعران به دلیل فشارهای سیاسی و اقتصادی زمان صفویان شکل می‌گیرد و ناراضیان از حکومت صفوی و عثمانی به هند، دو عامل اصلی مهاجرت بودند. امپراتوری عثمانی به دلیل تعارض مذهبی شرایط مناسبی نداشت برخلاف هند که شرایط مالی و مذهبی مناسبی برای همه افراد فراهم می‌کرد (ارشاد، ۱۳۶۵، ص ۲۰۹).

دوارد براون نویسنده تاریخ ادبیات ایران یکی از عوامل کوچ شاعران ایرانی به هند را علاقه شاهان صفوی به‌ویژه شاه‌طهماسب و شاه‌عباس بزرگ به شاعران مداح ائمه اطهار(س) و عدم توجه به شاعران و مدیحه‌سرایان درباری دانسته و می‌نویسد: «شاعران در دربار شاهان بزرگ مغول منافع مادی بیشتری کسب میکردند» (براون، ۱۳۶۹، ص ۴۲) از دیگر عوامل مهاجرت دانشمندان و شعرای ایران را به هند وجود وزرای بزرگ و سرداران ایرانی در دربار گورکانیان مثل نواب بیرام‌خان پسر سیف‌خان و پدر عبدالرحیم خان خانان، میرزا حسن‌الله پسر خواجه ابوالحسن مشهور به نواب ظفر خان احسن و حاج محمد قدسی دانسته‌اند (شهابی، ۱۳۱۶، ص ۸۰).

به روایت اکثر منابع، سلاطین گورکانی هند به شعر و ادب فارسی علاقه داشته و خود مروج و مشوق آن بودند. پناهندگی نصرالدین همایون، دومین شاه گورکانیان، به شاه‌طهماسب صفوی و بازپس گرفتن تاج و تخت به کمک شاه ایران، نیز یکی از عوامل توجه بیشتر گورکانیان به فرهنگ و ادب فارسی شد. با به تخت‌نشینی این مهمان در هند عده زیادی از هنرمندان و ادبا، فضلا و حتی صنعتگران ایرانی دربار صفوی به هند دعوت شدند. این امر ادامه داشت تا اینکه در دوران اکبر جهانگیر، چهارمین شاه گورکانی، و پسرش شهاب‌الدین محمد شاه جهان، پنجمین شاه این سلسله، به اوج خود رسید. دربار اکبرشاه محل تجمع شعرا و نویسندگان عصر شد. حمایت وی از ایشان باعث شد تا شعرا و نویسندگانی از ایران به دربارش روی آوردند که از آن جمله‌اند: عرفی شیرازی، غزالی مشهدی، نظیر نیشابوری، ملک قمی، بابا طالب اصفهانی (جهانگیر، ۱۳۵۹، ص ۳۱).

اکبرشاه به شاهنامه و گلستان و بوستان و مثنوی بسیار علاقه‌مند بود و بنابر دستور او دو حماسه ملی هند رامایانا و مه‌ابهاراتا زیر نظر عبدالقادر به فارسی برگردانده شد (وحید مازندرانی، بی‌تا، ص ۵۸). اکبر نخستین امپراطور گورکانی است که به تقلید از شاهان ایرانی منصب



ملک‌الشعرایی را در دربار خود برقرار ساخته و غزالی مشه‌دی اولین کسی بود که افتخار این منصب نصیب وی شد (حکمت، ۱۳۳۷، ص ۸۹). با فرمان اکبر در سراسر شبه‌قاره، زبان فارسی جانشین زبان هندی شد. هم او بود که فرمان داد همه دفاتر حساب‌ها به‌جای زبان هندی باید به زبان فارسی نوشته شود (ارشاد، ۱۳۶۵، ص ۲۵۶).

جانشینان اکبر نیز به فارسی ارادتی ویژه داشتند. شاه‌جهان هم بسیار به فارسی عشق می‌ورزید. حکیم رکن‌الدین مسیح کاشانی، قدسی مشه‌دی، کلیم کاشانی، میرمه‌دی تهرانی، سعیدای گیلانی زرگرباشی، صائب تبریزی، ملاشاه بدخشی از شعرای دربار شاه‌جهان بودند (جهانگیر، ۱۳۵۹، ص ۳۲). اما در عصر اورنگ زیب به‌سبب سخت‌گیری او هیچ حمایتی رسمی از شعرا به‌عمل نیامد و شعر فارسی رو به انحطاط نهاد. در این دوره می‌توان از میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی شاعر هندی ایرانی نژاد نام برد (سلیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵).

از میان شاعران متعددی که از دربار صفویه به هند کوچ کردند چند تن را می‌توان نام برد: صبا‌ئی مداح شاه‌طهماسب به هند رفت و در زمرة پیرامونیان خان زمان، علیقلی خان سیستانی، یکی از امیران دربار اکبر درآمد. غروری کاشی که قصیده‌ای از انوری را به خود نسبت داده و موجب ناخشنودی شاه‌عباس اول شده بود به هند آمد و به اطرافیان عبدالریم خان خانان پیوست. رکنا کاشانی شاعر و پزشک که بسیار مورد احترام شاه‌عباس بود، پس از ناخشنودی شاه از ایشان، به هند رفت و به خدمت اکبر و سپس جهانگیر درآمد. عمادالدین الهی اسدآبادی به‌سبب تخلص ظاهر فریش مورد بی‌مهری شاه‌عباس اول قرار گرفته در قهوه‌خانه کتک خورد و به هند گریخت. میرزا ابوالبقا از سادات طباطبائی به دربار شاه جهان آمد و با اجازه شاه در کشمیر ساکن شد. به این ترتیب گروه انبوهی از شاعران ایرانی راه هند را در پیش گرفته در آن ساکن شدند و به‌ندرت به کشور بازگشتند (عزیز، ۱۳۵۵، ش ۱۶۴، ص ۴۷).

شعرای دربار شاهزاده سلطان مرادبخش

شاه جهان، چهار پسر به نام‌های داراشکوه، شاه شجاع، اورنگ زیب و مرادبخش داشت. او در ماه رمضان ۱۶۵۸م. بیماری سختی گرفت و میان فرزندانش رقابت خونینی برای کسب تاج و تخت درگرفت. اورنگ زیب سومین پسر شاه که مادری ایرانی داشت، بر تخت نشست.

محمد مرادبخش جوانترین پسر شاه جهان تا سال ۱۶۴۷م. که برادرش اورنگ زیب جانشین پدر شد والی بلخ بود. در سال ۱۶۳۸م. و در سن چهارده سالگی با دختر شاه‌نوازخان صفوی به‌نام سکینه بانو بیگم خواهر بزرگتر همسر اورنگ زیب دیلارس بانو بیگم ازدواج کرد. او از مشوقان مهم شعرا بود و دربار وی از شاعران و دانشمندان ایران و فارسی‌گو خالی نبود. که از آن جمله می‌توان از شعرای زیر نام برد:



مولانا محمود بهشتی گیلانی، میرزاشاهباقر حاصل حسینی مشهدی، متخلص به حاصل (متوفی ۱۱۱۴ ق.) از سادات مشهد مقدس که چندی در هند از ملازمان شاهزاده مرادبخش بود. او از شاه مقرر در یافت می‌کرد تا در مشهد مقدس به نیابت از وی امام رضا (ع) را زیارت کند. البته با کشته شدن مرادبخش به دست برادرش اورنگ‌زیب شاه گورکانی مقرر وی قطع شد. بیت زیر که یکی از بیت‌های نخستین مثنوی «نقل و صهبا» است، مؤید حضور بهشتی شاعر در دربار مرادبخش است:

منظور مرادبخش عالم شده است این منزلش زافتخار سخن است

مولانا محمود گیلانی متخلص به بهشتی

منابع متعدد، به چند شاعر متخلص به «بهشتی»، یا «گیلانی»، در سده ۱۱ ق. اشاره کرده‌اند: «دانشنامه ادب فارسی» و «فهرستواره» و «تاریخ ادبیات» صفا از «بهشتی شیرازی» صاحب مثنوی «آشوب هندوستان» نام می‌برند که سراینده آن شاعر دربار شاهزاده مرادبخش بوده و این اشعار را در ستیزه‌جویی‌ها و جنگ داخلی فرزندان شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۷ ق.) بر سر جانشینی وی از قیام شاهزاده مرادبخش در احمدآباد تا قتل داراشکوه (۱۰۶۷-۱۰۶۹ ق.) و رسیدن اورنگ‌زیب به پادشاهی (۱۰۶۹-۱۱۱۸ ق.) در ۱۰۷۱ ق. (پیش از مرگ شاهزاده مرادبخش) سروده است (تذکره نصرآبادی، ۴۸۱، الذریعه، ۱۴۸/۹، فرهنگ سخنوران، ۱۵۰، مواد التواریخ، ۶۵۴، نام‌ها و نامدارهای گیلان، ۷۲؛ به نقل از نصیری، ۱۳۸۴، ص ۹۴).

دانشنامه «اثرآفرینان» از ملامحمود بهشتی گیلانی (۱۰۲۱ ق.) شاعر مقرب دربار شاهعباس صفوی یاد می‌کند که در سرودن ماده‌تاریخ و فن معما دست داشته و این ابیات از اوست:

خسرو آفاق شه کامبخش	آن محک باطن هر خوب و زشت
کرد چو در اشرف مازندران	طرح بنایی به صفا چون بهشت
از ره اقبال و ز فیض قدم	آب گلش با گل غیرت سرشت
دست سعادت پی تاریخ آن	بر در آن (دولت اشرف) نوشت

که ماده تاریخ آن می‌شود (۱۰۲۱ ق.). شاید نویسنده به قرینه این ماده تاریخ، تاریخ درگذشت وی را ۱۰۲۱ ق. ثبت کرده است. اگر این شخص همان صاحب مثنوی «نقل و صهبا» باشد این ماده تاریخ نشان می‌دهد که ناظم تا ۱۰۲۱ ق. و سالیانی بعد از آن در ایران زندگی می‌کرده است و بین این تاریخ و تاریخ درگذشت شاهعباس اول یعنی ۱۰۳۸ ق. به هند می‌رود. از کنار هم قراردادن این اطلاعات می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال زیاد همه این منابع از برهه‌های گوناگون زندگی یک شخص سخن می‌گویند.

واله داغستانی در تذکره «ریاض الشعرا» درباره مؤلف چنین می‌نویسد: «بهشتی تخلص،



فاضلی تحریر و دانشمندی بی‌نظیر بوده و در فن سخنوری مهارت داشته، در خدمت شاه‌عباس ماضی، ندیم و مصاحب بوده. آخر پادشاه را نسبت به او ناخوشی به هم رسیده و مدتی در یکی از قلاع محبوس بوده تا آنکه به شفاعت بعضی از مقربان نجات یافته، در اوایل جلوس شاه جهان پادشاه هندوستان وارد شده در سلک ملازمان پادشاهی انخراط یافته و به تعلیم شاهزاده سلطان مرادبخش مأمور شد. وفاتش در مستقر الخلافه اکبرآباد سنه هزار و شصت واقع شده. مثنوی موسوم به نقل و صهبا در برابر نان و حلوی شیخ بهایی -رحمه الله- دارد. این حکایت خالی از قرابت نیست از آن جا نقل می‌شود: (ریاض‌الشعراء، ص ۴۱۳-۴۱۴).

درباره نسخه مثنوی «نقل و صهبا»

نسخه موردبررسی، نسخه‌ای در ۳۸ برگ به خط نستعلیق بر کاغذ نخودی فرنگی به‌صورت پانزده سطری کتابت شده که اندازه هر سطر ۹۵ × ۱۴۰ و در جلدی مقوایی با روکش مخمل قهوه‌ای رنگ با اندرون جلد کاغذ حنایی با قطع: ۱۴۰ × ۲۱۰ محافظت شده است. به قرینه کاغذ و مرکب می‌توان حدس زد که نسخه متعلق به اواخر قرن ۱۲ یا اوایل قرن ۱۳ قمری است کتابت متن به قلم مشکی اما عناوین مطالب به سرخی نوشته شده و این مثنوی با ابیات زیر آغاز می‌شود:

این نامه که منشور دیار سخن است باغی ست که پرگل از بهار سخن است
منظور مرادبخش عالم شده است این منزلتش زافتخار سخن است
و در نهایت مثنوی با قطعه زیر پایان می‌یابد:

هست نام خدا به حق خدا هر در بسته را کلید ظفر
نام حق گوی در همه کاری تا شود کار تو تمام چو زر

بهشتی، مثنوی «نقل و صهبا» را در برابر «نان و حلوی» شیخ بهایی در ۱۰۵۸ ق. سروده و آن را صدفی می‌داند که از بحر مثنوی (به دستیاری مولوی) سربرآورده و آن را به سلطان مرادبخش تقدیم کرده است (ورق دوم نسخه خطی).

عناوین مثنوی به شرح زیر است: عشق در توحید باری تعالی، توحید باری تعالی، نعت خاتم انبیا (ص)، ستایش گوهر سخن و مذمت شعرای هرزه‌درای زمن، در شناختن حق نفس و ظهور آن و راه‌نمودن حق، التحریک فی شریعة المصطفی (ص)، در صفت پادشاهان بلنداقبال، در حقیقت عشق، در صفت سلطان عشق، در عشق زنان مردهمت، در حقیقت عشق مجاز، در گزارش محبت یوسف و زلیخا، تمثیل، قال النبی صلعم: من عشق و عفو و کتم و مات فهو شهید، در صفت فاجران سجاده به دوش و گوهرنمایان مهره‌فروش، در صفت پیری و مذمت جاهلی، در لذت عزلت از اهل دنیا، اشاره به تمیز و مروت پادشاهان، در جمعی که حریص مال



دنیا و غافل از حساب عقبی‌اند، در مذمت آنانی که در لباس صوفیانند و جلوه نمایند و پیرو شیطانند، در گسستن از خلق و پیوستن با خالق، در حق‌شناسی و معدلت پادشاهان، در رضا و تسلیم، در صفت عزم پادشاهان ذوی‌القدر و الشان، در کیفیت صفت اخلاق که هادی راه نجات است، در هنگامه برچیدن سخن بساط نقل و صهبا از این چمن.

در سراسر این منظومه ناظم نگاهی عرفانی و اخلاقی به مسائل دارد. بر زاهدنمایان و دنیاطلبان و نفس‌پرستان و مال‌اندوزان خرده می‌گیرد، به عزلت‌گزینی و انزوانشینی توصیه می‌کند، عشق مجازی و حقیقی، هر دو را طالب است، خود را شخصی صوفی‌منش و مشرع می‌داند و برای عدالت و اخلاقیات اهمیت بسیاری قائل است. عرفان او نیز متأثر از مولاناست، چنانکه گوید:

چند باشی از تصرف شرفاف شرم دار از مولوی چندین ملاف
از معاصرین خود، از سلطان‌مرادبخش، که ممدوح شاعر است یاد می‌کند و از تدبیر و کشورگشایی و حرکت وی از کابل به عزم تسخیر طوران تا بدخشان و بلخ سخن می‌گوید و از صوفیانی هم چون شیخ زین‌الدین و شیخ‌احمد جام و علاءالدوله مقیم نیز نام می‌برد.
با توجه به اینکه شاعر خود در سرودن ماده تاریخ استاد بود، در پایان، ماده تاریخ منظومه خود را نیز گفته است:

همچو نظم‌ش در حساب عقل کل غنچه شد تاریخ این نشکفته گل
در این بیت «غنچه» به حساب ابجد عدد (۱۰۵۸) که سال تألیف کتاب است. علاوه‌براین در یکی از ابیات نیز به تاریخ تألیف اثر اشاره دارد:
نظم ابیاتش چه در خاطر گذشت از هزار آمد فزون پنجاه و هشت

خالی از لطف نخواهد بود که یادآوری کنیم که منظومه‌ای به نام «شاهنامه بهشتی» نیز وجود دارد که برخی آن را به همین بهشتی گیلانی نسبت می‌دهند و برخی نیز به این انتساب با دیده تردید می‌نگرند. ابراهیم صفایی در مقاله «شاهنامه و شاهنامه‌سرایان» در این باره می‌نویسد: «شاعر دیگر به نام بهشتی (که نمی‌دانم همان بهشتی گیلانی معاصر شاه‌سلیمان و سلطان محمد خدابنده است که صاحب تذکره نصرآبادی از او نام برده یا کسی دیگر است) در سال ۹۸۵ق. در شرح جنگ سلطان محمد خدابنده را با سلطان مراد پادشاه عثمانی به نظم کشیده و دلبری سلطان محمد و سپاهیانش را ستوده است» (صفایی، ۱۳۵۴، ش ۱۵۳ و ۱۵۴، ص ۱۲۹). او یادآور می‌شود که خود این اثر را ندیده است ولی به استناد مآخذی که در دست داشته است، این شاهنامه در بحر سریع و در وزن مخزن‌الاسرار نظامی است، حدود ده هزار بیت که ارزش ادبی و هنری متوسطی دارد (صفایی، ۱۳۵۴، ش ۱۵۳ و ۱۵۴، ص ۱۲۹).



یادآور می‌شویم که تردیدِ نویسنده مقاله فوق‌الذکر در مورد صحت انتساب «شاهنامه بهشتی» به «بهشتی گیلانی» کاملاً به‌جاست؛ زیرا این اثر متعلق به شاعری به‌نام «مولانا بهشتی مشکوکی» است. نسخه‌ای از این شاهنامه در کتابخانه ملی پاریس موجود است با شماره ۱۸۳۶ که بلوشه، ایران‌شناس شهیر فرانسوی، آن را در مجموعه خود ثبت کرده است و درباره آن چنین نوشته است: کتابی است در قالب مثنوی درباره جنگ سلطان مراد سوم عثمانی، پسر سلطان سلیم علیه سلطان محمد خدابنده، پادشاه ایران که به‌وسیله مولانا بهشتی مشکوکی (۹۸۵ هجری/۱۵۷۷ م.) سروده شده است (Blouche, sd, T.3, p.354). این اشاره در کنار این نسخه، تا دست‌یابی به سندی جدید، به ما کمک می‌کند که فعلاً از تردید رهایی یابیم. علاوه‌براین، در جلد ۱۷ فهرست آستان قدس رضوی، ص ۴۰۸، مجموعه ۱۳۴۲۴ شماره ۵۲۸ نامه‌ای به‌نام مولانا محمود گیلانی درج است که درمورد آن تردیدی چندان نیست.

نام کتاب و تخلص شاعر

درباره نام کتاب و تخلص شاعر، همانند تاریخ تألیف منظومه، جای تردید وجود ندارد زیرا خود بارها به آن اشاره کرده است. تخلص او بی‌شک «بهشتی» بود، چنان‌که گوید:

هان بهشتی عاشق خاموش باش زین قدح پروانه سان مدهوش باش
و یا :

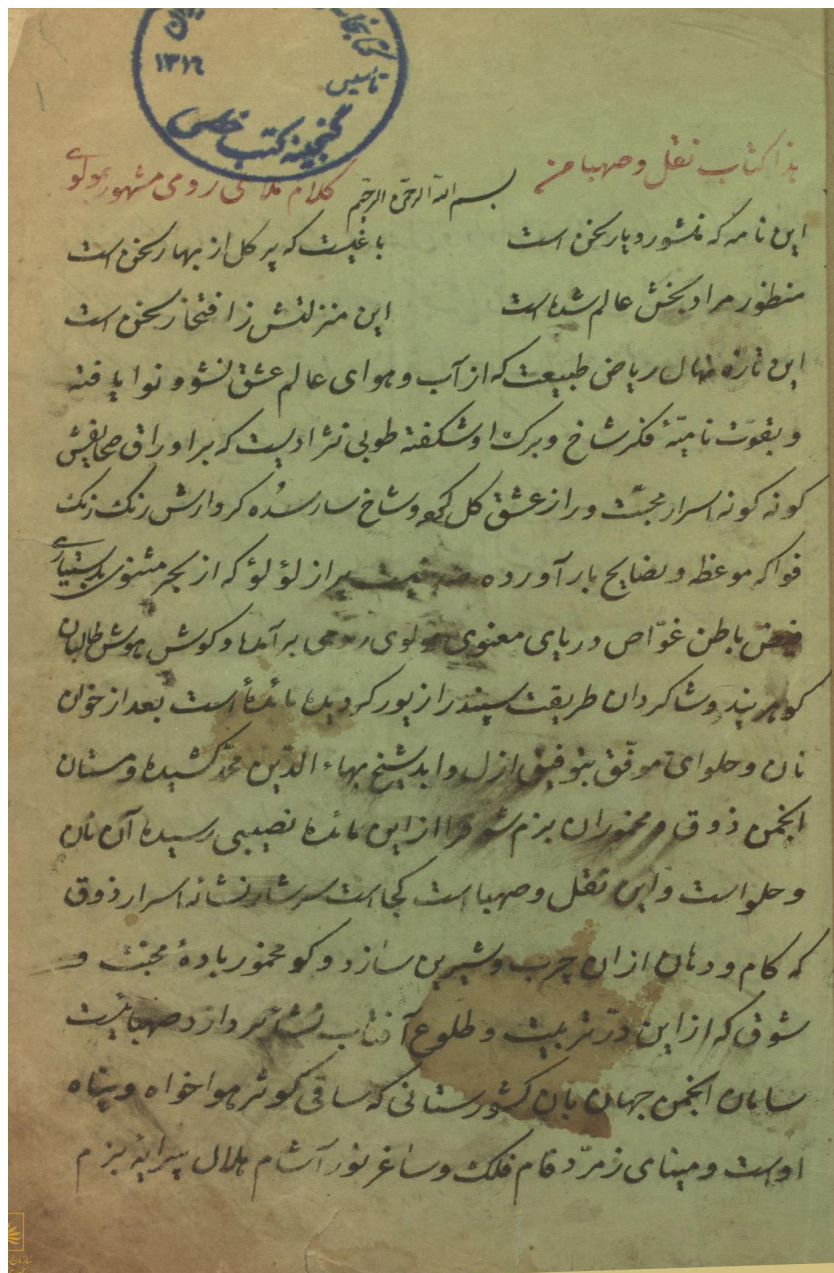
نیست ایمن هیچ کس از کید نفس ده بهشتی را نجات از قید کس

درباره نام کتاب نیز مکرر به «نقل و صهبا» اشاره دارد:

نقل و صهبا چیست خشم قهر شاه از فسون حاسدان بر بیگناه
و یا :

نقل و صهبائی که دارد ترجمان عجب پندارست ای شیخ زمان





الوداع ای شیخ عالم الوداع	مهر و دم زین خاکدان بر صداع
عاجز من عفو من کن خصمی کن	چون مرا کوناه خواهد شد سخن
بنم جانی داشت بر جانان فشانند	این بگفت آن ماه و دشت اجان فشانند
جان شیرین زو جدا شد ایدریغ	کشت پنهان آفتابش زهر میغ
سوی در بای حقیقت رفت باز	قطره بود او درین بحر مجاز
رفت او و ما هم هم مهر و دم	جمله چون بادی ز عالم مهر و دم
انکسی دانند که هست که عاشق	اینچنین افتد بسی در راه عشق
رحمت و نومید مکر و امان است	هر چه گویند اندر این ره ممکن است
نی بنفس آب گل باید بشنود	نفس این اسرار نتواند شنود
تو که در ده که ما تم بخت شد	چنگ دل با نفس هر دم سخت شد
بو که بتوان رفت ازین در بای شرف	در چنین ره چایکی باید شرف
این کتاب در یوم چهارشنبه تمام	شد بعون پادشاه لاینا م
— م م م —	
هر در بسته را کلبه ظفر	بست نام خدا بحق خدا
نام سود کار تو تمام چو زر	نام حق کوی در هر کاری
بن	



منابع:

- احمد، عزیز (۱۳۵۵). شاعران دوران صفوی و هند. ترجمه مسعودرجب‌نیا. مجله هنر و مردم، دوره ۱۴، ش ۱۶۴ (خرداد ۵۵).
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۶۵). مهاجرت تاریخی/ایرانیان به هند. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- براون، ادوارد (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران؛ از صفویه تا عصر حاضر. ترجمه بهرام مقدادی، تهران: مروارید.
- جهانگیر، نورالدین محمد (۱۳۵۹) جهانگیرنامه (توزک جهانگیری). به کوشش محمد هاشم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حکمت، علی‌اصغر (۱۳۳۷). سرزمین هند. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سلیمی، مینو (۱۳۷۷). روابط فرهنگی ایران و هند. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- شهابی، علی‌اصغر (۱۳۱۶). روابط ادبی ایران و هند. تهران: چاپخانه و کتابفروشی مرکزی.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹). با کاروان هند. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۴). شاهنامه و شاهنامه‌سرایان، مجله هنر و مردم، تیر و مرداد، شماره ۱۵۳ و ۱۵۴.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴). اثرآفرینان. ج ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وحید مازندرانی، غلامعلی (۱۳۳۵). هند یا سرزمین اشراق. تهران: چاپخانه فردوسی.
- Blouche, E. sd. Catalogue des manuscrits persans de la bibliothèque nationale, Paris.





معرفی کتاب

«تشکیلات و آداب دیپلماتیک در ایران، از آغاز قاجار تا پایان دوره ناصری»

ندا رسولی^۱

مشخصات کتاب:

تألیف: صباح خسروی زاده

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول ۱۳۹۶

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

ناشر: تهران، وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات

کتاب حاضر مشتمل بر یک مقدمه و سه بخش است. مؤلف در بخش اول نگاهی به تاریخچه تشکیلات و آداب سنتی در تاریخ روابط خارجی ایران انداخته است. کتاب با طرح چهار دوره شکل گیری، فترت، گسترش و انتقال، وضعیت روابط خارجی در ایران ماقبل قاجار را به تصویر می کشد.

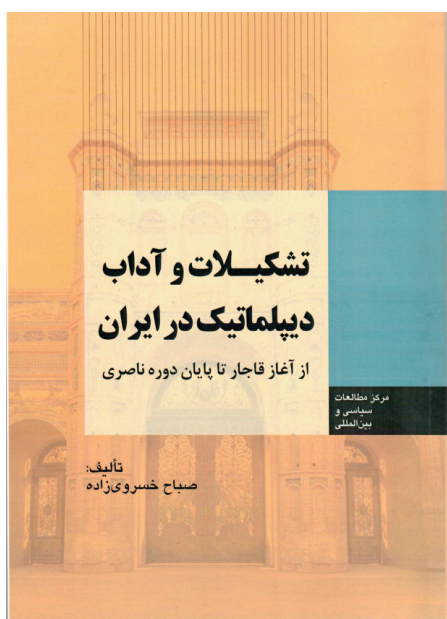
به طور کلی روابط خارجی در دوره ایلخانان در مقابل چالشی به وجود آمد که بین ایلخانان و حکومت ممالیک شکل گرفت. این چالش باعث شد تا اولین ارتباطات خارجی ایران با غرب بعد از اسلام شکل بگیرد. با زوال حکومت ایلخانی قلمرو ایلخانان بین امرای با نفوذ تقسیم شد. سلسله امرای ایلکانی، چوپانی، آل مظفر و خاندان اینجو همگی پس از فروپاشی ایلخانان شکل گرفتند. این دوران به دلیل نبود حکومت مرکزی واحد و پراکندگی دودمان ها تا برآمدن

۱. کارشناسی ارشد تاریخ، پژوهشگر پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
nedarasouli@yahoo.com



صفویه، دوران فترت به حساب می‌آید. البته در این بین حکومت‌هایی مانند تیموریان و آق‌قویونلوها به دلیل انسجام نسبی و یا موقعیتی که در آن قرار گرفتند ارتباطاتی با دولت‌های اروپایی و همجوار برقرار کردند.

عمده‌ترین دلیل گسترش روابط صفویان با اروپا، تهدید عثمانی بود. اما نمی‌توان سود تجارت و بازرگانی را نیز نادیده گرفت. به تعبیری ثقل علاقه شرق و غرب را باید در تجارت یافت. آمد و شد هیئت‌های سیاسی عهدنامه‌ها و قراردادهایی را نیز برای تسهیل بازرگانی در برداشت. افزایش چشم‌گیر حضور سیاحان اروپایی در دربار صفوی نیز گسترش ارتباطات خارجی را نشان می‌دهد.



حکومت صفوی هر چند زوال یافت اما فرهنگ صفوی در جامعه ایران باقی ماند. با فروپاشی صفویان دوره‌ای آغاز شد که به نوعی یک دوره انتقال یا دوره گذار است؛ مشخصه اصلی این دوران تسلط انگلیس بر هند و دیگری تثبیت پایه‌های سیطره روسیه در قفقاز بود که از جمله اثرگذارترین همسایگان شمالی و جنوبی ایران در دوره بعد -یعنی قاجاریه- بودند. بخش دوم کتاب به سیر تحول ساختار وزارت‌خارج از شکل‌گیری تا تشکیلاتی شدن آن در دوره ناصری پرداخته است. نویسنده معتقد است شکل‌گیری قاجاریه

می‌تواند حد فاصل مناسبات سنتی و رسمی در تاریخ روابط خارجی ایران قلمداد شود. شکل‌گیری وزارت دول‌خارج در ابتدای این دوره مناسبات خارجی ایران را از سطح مناسبات سنتی خارج و آن را به مناسبات رسمی ارتقا داد؛ از طرفی شکل‌گیری وزارتخانه‌ای مختص ارتباطات خارجی مسئولیت فردی را در اعمال آداب دیپلماتیک بدل به مسئولیت نهادی کرد. مؤلف با بررسی زمینه‌های شکل‌گیری وزارت‌خارج نحوه تأسیس این وزارتخانه را توضیح می‌دهد. آن‌گونه که پیداست وزارت‌خارج ایران در این دوره تشکیلات منسجمی ندارد و وزارت دول‌خارج در شخص وزیر، معاون و چند منشی او خلاصه می‌شود اما با آغاز دوران ناصری و اقدامات امیرکبیر در زمینه وظایف اعضای وزارت‌خارج تحولی اولیه در این نهاد شکل گرفت. با صدارت امیرکبیر و زعامت وی بر وزارت‌خارج شاهد آغاز شکل‌گیری وزارت‌خارج



در قالب یک سازمان و تشکیلات منظم هستیم و بهتر است گفته شود ایران این دوره، در مسیر رسیدن به تشکیل ساختار جدید وزارت خارجه قرار می‌گیرد. اقدامات امیر توانست به رکود ساختاری وزارت خارجه در این دوره پایان دهد و بعد از او میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک و میرزا حسین خان سپهسالار توانستند پایه‌های اصلی وزارت خارجه در ایران را شکل دهند. هر چند امیر توانست نقطه آغاز تحول در وزارت خارجه باشد اما این اقدامات میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک بود که دستگاه دیپلماسی کشور را مدرن کرد. او توانست با الگوبرداری از وزارتخانه‌های اروپا و در رأس آن‌ها فرانسه ساختاری جدید به وزارت خارجه ایران ببخشد. اولین نظام‌نامه ایران در این دوره تدوین می‌شود و به‌صورت مداوم با ویرایش‌های جدید در اختیار اعضای وزارت قرار می‌گرفت. ادارات وزارتخانه نیز به‌صورت تدریجی و منطبق با نظام‌نامه شکل گرفتند. بخش سوم این کتاب به مبحث آداب دیپلماتیک در ایران پرداخته است. مؤلف معتقد است آداب دیپلماتیک در ایران از آغاز قاجار تا پایان دوره ناصری به‌صورت تدریجی روندی صعودی را همگام با تشکیلاتی شدن دستگاه دیپلماسی طی کرده است. روند ایلچی‌گری و سفارت فرستادن سنتی در این راستا به سمت وسوی سفارت فرستادن جدید کاملاً مشهود است. تشریفات دیپلماتیک بین‌المللی از عهدنامه وین ۱۲۳۰ ق. منسجم شد اما در ایران قاجاری زمان ناصرالدین‌شاه این امر محقق شد. این آداب در ابتدای قاجار بر اساس سبک سنتی حکومت‌داری با دستورالعمل شاه و تعیین مهماندار از سوی او برای سفرای خارجی به اجرا در می‌آمد اما با روند روبه‌رشد وزارت خارجه علاوه بر اینکه تشریفات دیپلماتیک مدون و بر اساس قاعده گردید؛ آداب دیپلماتیک منطبق با درجه ماموران خارجی اعم از سفیر کبیر، وزیر مختار، وزیرمقیم و شارژدافر و ... نیز در مراسم استقبال و شرفیابی به اجرا درمی‌آمد. دستورالعمل تعیین تشریفات ورود و شرفیابی و زمان‌بندی منازل بین راه را بخشی از تشکیلات وزارت خارجه برعهده گرفت. این امر در خصوص ارسال سفرا نیز صدق می‌کرد. وزارت خارجه به مهمانداران خویش تمامی اعمالی که مهماندار باید به انجام می‌رساندند، می‌نگاشت. در این دستورالعمل‌ها نحوه سلام‌دادن، دست‌دادن و حتی پذیرایی و مواد پذیرایی نیز از قلم نیفتاده است به‌طور کلی تشکیلاتی شدن دستگاه دیپلماتیک قاجاری بر نحوه اجرای آداب تأثیر گذاشت و آداب را از آشفتگی و یکنواختی بر اساس قاعده و نظم معین درآورد. کتاب حاضر علاوه بر کتاب‌های مرجع و دست‌اول با بهره‌گیری از اسناد و نسخ خطی مجموعه‌های آرشیوی کشور از جمله: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران و ... توانسته است سیر تحول ساختار تشکیلات و آداب دیپلماتیک در دوره مورد مطالعه را به بحث بگذارد.



گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزار شده

اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) تابستان ۱۳۹۷

فربا امیری^۱ و حمیده بختیاری^۲

اداره کل خدمات آرشیوی چندین سال است که به منظور معرفی اسناد و گسترش جامعه مخاطبان عام و خاص آن، برگزاری نمایشگاه‌های اسناد در فرهنگسراها، مکان‌های پرتردد و دانشگاه‌ها را شکل داده است. برای انجام این مهم پوشه‌های آماده‌سازی‌شده اسناد، برای شعبه‌های استانی و سازمان‌ها و نهادهای درخواست‌کننده داخلی و خارجی ارسال می‌شود. در فهرست زیر نمایشگاه‌های برگزار شده و فهرست اسناد به‌نمایش‌درآمده در تابستان ۱۳۹۷ به تفصیل بیان شده است.

۱- نمایشگاه اسناد عمان

هم‌زمان با بازدید رئیس آرشیو ملی عمان و هیئت همراه از سازمان اسناد و کتابخانه ملی در بیست و چهارم تیر ۱۳۹۷ گروه ارتباطات آرشیوی به درخواست روابط عمومی سازمان تعدادی از اسناد مرتبط با روابط ایران و عمان را آماده‌سازی و در ۳۹ برگ تحت ۲۴ عنوان به نمایش گذاشت. قدیمی‌ترین سند معرفی‌شده در نمایشگاه متعلق به ۱۲۹۰/۳/۳۱ و درباره «لزوم پرداخت مخارج تعزیه‌داری در مسقط به‌سیدالسلطنه» و جدیدترین آن در خصوص «اصلاح تعهدنامه ارزی شرکت سهامی فرش در قرارداد طراحی، بافت و نصب فرش مسجد سلطان قابوس» در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۷ ش. بود.

۱. کارشناس برنامه‌ریزی و بررسی اسناد و مدارک، اداره کل خدمات آرشیوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
amirifariba42@yahoo.com
۲. کارشناسی‌ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، کارشناس اداره کل خدمات آرشیوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
h-bakhtiari@nlai.ir



دومین سند قدیمی نمایشگاه به ممنوعیت حمل غله در مرزهای جنوبی کشور و درخواست وزارت مالیه از هیئت وزرا در خصوص تعیین تکلیف تقاضای سلطان مسقط برای صدور ماهیانه یک صدکیسه جو برای مصرف شخصی اسب‌های وی در ۱۲۹۶/۶/۳۰ ش. اشاره می‌کند. فروش املاک تاجر فرانسوی در عمان، ۱۳۰۱/۴/۵ ش. و تلگراف به وزارت داخله، در خصوص میزان خسارت طوفان در سواحل عمانات و قطیف به تاریخ ۱۳۰۴/۸/۷ ش. از دیگر اسناد مربوط به دوره قاجار است. مکاتبه وکیل کنسولگری دولت انگلیس با حکمران بندر لنگه، درباره اجازه نصب پرچم عمان بر فراز کشتی‌های آن کشور هنگام ورود به بندر یادشده، ۱۳۰۶/۸/۱۷ ش.؛ گزارش درباره سفر «کوک» مستشار انگلیسی به مسقط، و مداخله انگلیسی‌ها در امور عمان، ۱۳۰۹/۱۱/۲۷ ش.؛ مکاتبه وزارت خارجه و لزوم ارسال جواب نامه تشکيلات کل نظمیه درباره چگونگی مسافرت اتباع ایرانی به عمان و کویت، ۱۳۱۰/۴/۱۲ ش.؛ میزان صادرات و واردات پنبه پاک کرده و نکرده به عمان و چند کشور دیگر، در فاصله سال‌های ۱۲۸۹-۱۳۱۰ ش.، [۱۳۱۱ ش.]; رونوشت گزارش نظمیه، درباره مشکلات پیش‌آمده در اثر کاهش اعتبار تذکره کشتیبانان در سفرهای تجاری به عمانات، ۱۳۱۱/۲/۲۱ ش.؛ اعلام موافقت اداره کل تجارت با صدور تذکره کثیرالمسافره یا تذکره قراء سرحدی شش‌ماهه برای کشتیبانان بندرعباس [در سفر به عمان]، ۱۳۱۱/۴/۶ ش.؛ جواز صادرات کالا از میناب به عمان، ۱۳۱۱/۱۰/۳ ش.؛ مکاتبه رئیس گمرک خوزستان، و کسب تکلیف درباره صادرات آرد، ۱۳۱۴/۸/۳ ش.؛ گزارش درباره شیوع طاعون در عمان و لزوم قطع ارتباط و مسافرت به آن کشور، و دستور به وزارت بهداشتی و جنگ برای ارسال دارو؛ مکاتبه رئیس گمرک بوشهر با اداره کل گمرک، مبنی بر دریافت رونوشت دستور ارسال شده به گمرک بندرعباس، و نیز کسب تکلیف درباره چگونگی دریافت بهای شهادت‌نامه از کروه‌های (کشتی کوچک) کویت و عمان و دادن پیشنهادی در این باره، ۱۳۱۹/۲/۴ ش.؛ پاسخ اداره کل گمرک به نامه گمرک بندرعباس، درباره لزوم گرفتن بهای گذرنامه و شهادت‌نامه از ملوان‌های کشتی‌های بادی کویت، عمانات و اتباع ایرانی ساکن در مرزهای جنوبی خلیج فارس، ۱۳۱۹/۷/۲۱ ش. از اسناد متعلق به دوره پهلوی اول است.

دیگر اسناد نمایشگاه با موضوع درخواست شرکت نسبی جعفر تقی‌نیا و شرکاء از اداره انحصار دخانیات، مبنی بر تحویل کالای خریده شده به‌همراه صورت فروش، پروانه حمل و نامه گمرک، به نماینده آن شرکت جهت صدور به عمان، ۱۳۲۸/۱/۱۷ ش.؛ مکاتبه با اداره کل دخانیات، مبنی بر لزوم مطالعه و بررسی بیشتر درباره پیشنهاد خرید تنباکو از سوی دولت و صدور آن به عمانات برای جلوگیری از قاچاق، و پاسخ اداره کل یادشده به آن، ۱۳۲۷/۶/۱۷ ش.؛ دستور به شهربانی کل کشور، درباره لزوم دادن تسهیلات به اتباع سواحل خلیج فارس به‌ویژه عمان برای ورود به خاک ایران، برحسب درخواست امام عمان، ۱۳۳۸/۱۰/۳۰ ش.؛ موافقت‌نامه



فرهنگی میان دولت ایران و عمان، ۱۳۵۳/۵/۳ ش.؛ تصویب موافقت‌نامه فرهنگی میان ایران و عمان در هیئت‌وزیران و اجازه امضای آن به وزارت امور خارجه و ارسال رونوشت به سازمان برنامه‌بودجه و دفتر روابط بین‌المللی، ۱۳۵۳/۵/۲۰ ش.؛ گزارش وزارت امور خارجه از مندرجات روزنامه‌های کشور مغرب درباره شورش ظفار و حمله به ایران به دلیل همکاری با دولت عمان، ۱۳۵۴/۱۱/۶ ش. از اسناد دوره پهلوی اول است.

اسناد مربوط به سال ۱۳۷۵ با موضوع رونوشت قرارداد شرکت سهامی فرش ایران با دیوان دربار شاهنشاهی عمان برای طراحی، بافت و نصب فرش مسجد سلطان قابوس مسقط به تاریخ نهم مرداد و اعلام برآورد هزینه‌های ارزی قرارداد طراحی، بافت و نصب فرش مسجد سلطان قابوس مسقط به بانک مرکزی در سوم شهریور نیز متعلق به دوره پس از انقلاب اسلامی است.


جمهوری اسلامی ایران
وزارت بازرگانی
شرکت سهامی فرش ایران

بسمه تعالی
=====

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
اداره سیاستها و مقررات ارزی
سلام علیکم

محترماً "عطف بنامه ۹۴۴۹ مورخ ۷۵/۵/۲۰ به استحضار میرساند:

قرارداد فی‌مابین شرکت وطرف عمانی جهت طراحی و بافت و نصب فرش مسجد سلطان قابوس مسقط صرفاً "بر اساس پیش‌بینی و برآورد بوده و تعیین دقیق هزینه‌های ارزی امکانپذیر نمی‌باشد". در جلسه کمیسیون محترم شورایعالی صدور خدمات فنی و مهندسی کارشناسان محترم آن کمیسیون با بررسی جوانب امر هزینه‌های ارزی قرارداد را ۷۴۰٪ کل قرارداد تعیین نموده‌اند در صورتیکه برآورد و درخواست شرکتکار کمیسیون فوق‌الذکر بیش از مبلغ تایید شده بوده است که امید است با سعی و تلاش سقف هزینه‌های ارزی از مبلغ تعیین شده فرا نرسد. ضمناً "با عنایت به دولتی بودن شرکت و ملزم بودن فروش کلیه درآمدهای ارزی به سیستم بانکی بانرخ مصوب جای هیچگونه شبهه‌ای باقی نخواهد بود. لذا جهت اطلاع، برآورد هزینه‌های ارزی عمده به استحضار میرسد:

هزینه‌های گمرکی	۵۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰
بیمه (باتوجه به قرارداد)	۵۰٫۰۰۰
ارز لازم برای مواد اولیه	۲۵۰٫۰۰۰
ابزار و لوازم لازم در محل نصب	۵۰٫۰۰۰
هزینه‌های پرسنلی (به استثناء مسکن و غذا برای ۱۵ نفر موشوع بند ۱۶)	۱۲٫۰۰۰٫۰۰۰
هزینه حمل	۵۰۰٫۰۰۰
هزینه‌های متفرقه هزینه‌های غیر قابل پیش‌بینی	۵۰۰٫۰۰۰
دولار	۱٫۹۶۲٫۰۰۰

محرر: 

محمدرضا عابدی
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل

تاریخ: ۷۵/۶/۳
نشانی: تهران - خیابان فردوسی شمالی - شماره ۱۶۰ - نشانی تلگرافی (فرش) - تلفن ۳۱۸۲۳۲ - ۳

اعلام برآورد هزینه‌های ارزی قرارداد طراحی، بافت و نصب فرش مسجد سلطان قابوس مسقط به بانک مرکزی؛ ۱۳۷۵/۶/۳ ش.



۲- نمایشگاه اسناد مالیات، به مناسبت هفته مالیات ۱۶ الی ۲۳ تیر

برپایی نمایشگاهی از اسناد مالیات، دومین نمایشگاه گروه ارتباطات آرشیوی در تیرماه بود. ۱۶ تا ۲۳ تیر به نام هفته مالیات نام گذاری شده است. به همین مناسبت نمایشگاهی با عنوان اسناد مالیات آماده سازی و به منظور برگزاری نمایشگاه هم زمان به دوازده نمایندگی استانی و منطقه ای ارسال شد. بازه زمانی اسناد این نمایشگاه شامل اسنادی متعلق به دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی بود. این نمایشگاه با موضوعات مختلفی چون فرامین شاه، نظام نامه ها، بخشنامه ها و قوانین مالیاتی در ۱۹ عنوان با معرفی ۵۵ برگ سند برگزار شد. فرامین محمدشاه قاجار در موضوع مالیات های ممالک محروسه ایران از جمله دارالسلطنه تبریز، مازندران و استرآباد، دارالایمان قم و سربند در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۱۳ با موضوع ابلاغ آیین نامه موضوع تبصره ۴ لایحه قانون اصلاح وصول مالیات از اتومبیل های سواری، مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳ شورای انقلاب جدیدترین سند این مجموعه بود. دیگر عناوین این نمایشگاه به تفکیک دوره صادره آن ها عبارتند از:

دوره قاجار:

به غیر از سند فرمان های محمدشاهی، دستورالعمل بودجه یک ساله تنگوزیل محال رانکوه ابوابجمعی میرزاعیسی خان منجم باشی، حاکم آن سرزمین، ذی القعدة ۱۳۰۴ ق. / تیر و مرداد ۱۲۶۶ ش.، نظام نامه قانون مالیات مستغلات، و درخواست از مجلس شواری ملی در خصوص اصلاح قانون مالیات مستغلات مصوب شهریور ۱۳۳۳ ق.، جهت رفع بی عدالتی و تبعیض و ابلاغ قانون مالیات دخانیات از سوی وزارت مالیه، ۹ میزان ۱۳۳۳ ق. / ۱۲۹۴/۷/۹ ش. اسناد مالیاتی معرفی شده نمایشگاه از دوره قاجار است.

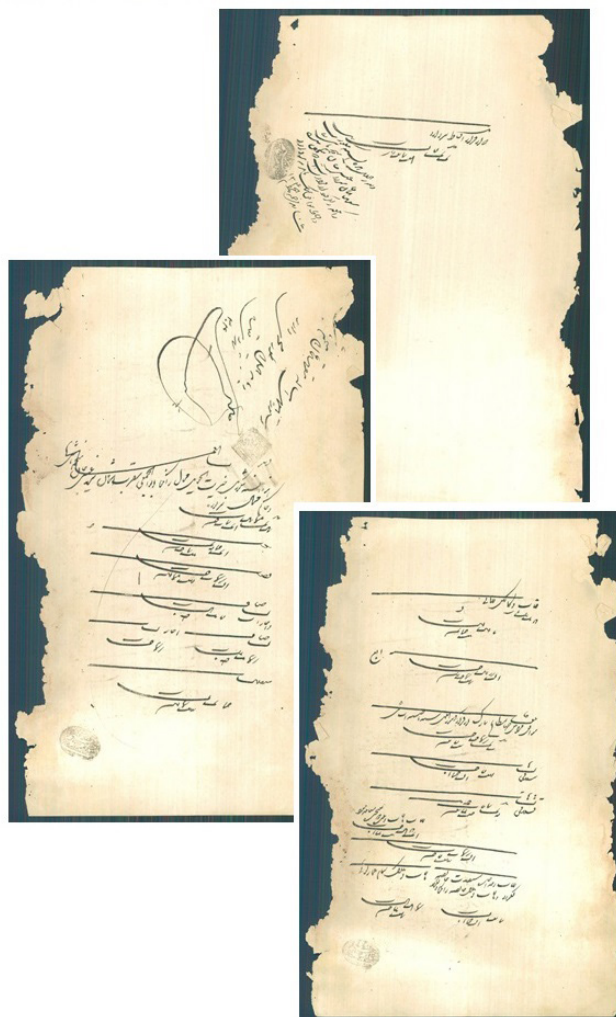
دوره پهلوی:

بیشتر اسناد این بخش اسناد قانونی، بخشنامه و نظام نامه های مالیاتی را در برمی گیرد. قانون مالیات املاک اربابی و دواب، ۱۳۰۴/۱۰/۲۰ ش؛ قانون مالیات راه و الغای عوارض و مالیات های بلدی، ۱۳۰۴/۱۱/۱۹ ش؛ بخشی از نظام نامه اجرای قانون مالیات خالصجات انتقالی، ۱۳۰۶/۱۲/۱۹ ش؛ بخشی از نظام نامه اجرای قانون مالیات خالصجات انتقالی، تیر ۱۳۰۷ ش؛ بخشنامه در خصوص اجرای ماده ۱۵ نظام نامه قانون مالیات خالصجات انتقالی و تعیین تفاوت مالیات خالصگی، مهر ۱۳۰۷ ش؛ نظام نامه قانون مالیات حق الثبت وسایل نقلیه، ۱۳۰۹/۶/۲۳ ش؛ تکمیل و اصلاح قانون مالیات املاک اربابی و دواب، آذر ۱۳۰۹ ش؛ اعلان قانون مالیات بر عایدات و حق تبر، ۱۳۱۲/۹/۸ ش؛ ابلاغ نظام نامه اجرای قانون مالیات بر



نفت و بنزین و سایر مواد مصرف سوخت موتورهای احتراق داخلی، ۱۳۱۳/۹/۲۰ ش.؛ ابلاغ فرمان شاه مبنی بر اجرای قانون اصلاح مالیات بر درآمد، ۱۳۳۷/۷/۳ ش.؛ دومین جدول معافیت‌های مالیاتی صنعتی، ۱۳۴۵/۱۲/۲۸ ش.؛ و قانون اصلاح مالیات مستغلات از اسناد این دوره تاریخی کشور است.

قانون وصول مالیات از اتومبیل‌های غیر سواری و اصلاح بعضی از مواد قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحیه‌های بعدی، ۱۳۶۳/۱۰/۱۳ ش. در دوره سوم تاریخی نمایشگاه قرار می‌گیرد.



دستور العمل بودجه یکساله تنگوزئیل محال رانکوه ابوابجمعی میرزا عیسی خان منجم‌باشی، حاکم آن سرزمین؛ ذی‌القعدة ۱۳۰۴ ق.



۳- اسناد انتخابات مجلس خبرگان

در اصل پنجم قانون اساسی، ولایت امر و امامت امت در زمان غیبت امام عصر (عج) بر عهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر قرار داده شده است. طبق اصل ۱۰۷ قانون یادشده انتخاب رهبر از وظایف مجلس خبرگان است. همچنین در قانون اساسی مجلس خبرگان - که از نهادهای حکومتی ایران به شمار می‌رود - سه وظیفه شناسایی، انتخاب و نظارت بر عملکرد رهبری، نظارت بر بقا و استمرار شرایط رهبر و قانونگذاری نسبت به خود را بر عهده دارد. اعضای آن منتخبان مستقیم مردم از بین کاندیداهای عالم به دین و فقهی متخصص در مسائل فقهی و شرعی هستند.

اولین انتخابات این مجلس در ۱۹ آذر ۱۳۶۱ برگزار و هفت‌ماه پس از آن اولین مجلس خبرگان در تاریخ ۲۳ تیر افتتاح شد. به همین مناسبت نمایشگاهی از سوی گروه ارتباطات آرشیوی در این زمینه آماده و جهت نمایش هم‌زمان به دوازده نمایندگی استانی و منطقه‌ای ارسال شد. این نمایشگاه شامل ۳۱ عنوان در ۶۷ برگ سند بود. عناوین این نمایشگاه عبارتند از:

فهرست اسامی داوطلبان نمایندگی مجلس خبرگان در استان خوزستان، [۱۳۶۱.ش.۰]؛ بخشی از دستورالعمل اجرائی قانون انتخابات مجلس خبرگان، [۱۳۶۱.ش.۰]؛ جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس خبرگان و تعداد منتخبین آن‌ها، [۱۳۶۱.ش.۰]؛ رونوشت قانون انتخابات و آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، مربوط به اصول پنجم، یکصد و هفتم و یکصد و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد اصلاحی آن، اردیبهشت ۱۳۶۱.ش.؛ بخشی از برنامه ثبت‌نام و اخذ رأی دور اول و دوم انتخابات مجلس خبرگان؛ آذر ۱۳۶۱.ش.؛ ابلاغ اعلام ساعت شروع و مدت زمان اخذ رأی در انتخابات مجلس خبرگان توسط فرمانداری ساری، ۱۳۶۱/۹/۸.ش.؛ بخشی از آئین‌نامه اجرائی قانون انتخابات مجلس خبرگان، موضوع اصول پنجم و یکصد و هفتم و یکصد و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای نگهبان، ۱۳۶۱/۷/۱۸.ش.؛ انتخاب محمد یحیی به‌عنوان ناظر بر انتخابات مجلس خبرگان حوزه انتخابیه اهواز، ۱۳۶۱/۸/۹.ش.؛ آگهی ثبت‌نام داوطلبان عضویت در مجلس خبرگان حوزه انتخابیه استان گیلان، ۱۳۶۱/۸/۱۵.ش.؛ ابلاغ بخشنامه وزیر کشور توسط استاندار گیلان، مبنی بر لزوم رعایت بیطرفی و خودداری از اعلام نظر و نفوذ افراد و مسئولان مرتبط با جریان انتخابات مجلس خبرگان، ۱۳۶۱/۸/۱۸.ش.؛ آگهی انتخابات مجلس خبرگان حوزه انتخابیه قزوین برای اعلام شعبه‌ها و شرایط انتخابات، ۱۳۶۱/۹/۲.ش.؛ بخشنامه وزیر کشور در خصوص لزوم هماهنگی با واحدهای انتظامی در حفاظت از محل انتخابات،



صندوق‌های اخذ رأی و کاندیداهای نمایندگی مجلس خبرگان، ۱۳۶۱/۹/۴ ش؛ آگهی فرماندار رشت برای اعلام اسامی داوطلبان تأیید صلاحیت شده نمایندگی مجلس خبرگان در حوزه انتخابیه استان گیلان، ۱۳۶۱/۹/۱۱ ش؛ ابلاغ بند الحاقی آئین‌نامه اجرایی انتخابات مجلس خبرگان توسط استانداری زنجان با موضوع چگونگی شرکت رزمندگان و جنگ‌زدگان در انتخابات، ۱۳۶۱/۹/۱۸ ش؛ نمونه اعتبارنامه نمایندگی مجلس خبرگان، [۱۳۶۱ ش]؛ نمونه گواهی وزارت کشور برای تأیید شرایط قانونی متقاضیان داوطلبی نمایندگی مجلس خبرگان، [۱۳۶۱ ش]؛ نمونه پرسش‌نامه وزارت کشور برای اعلام داوطلبی نمایندگی مجلس خبرگان، [۱۳۶۱ ش]؛ بخشی از برنامه زمان‌بندی و روزشمار انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس خبرگان، [۱۳۶۷ ش]؛ ابلاغ دستور رئیس شهربانی جمهوری اسلامی، مبنی بر داشتن آمادگی کامل و همکاری با شوراهای تأمین و نیز حفاظت از نقاط طبقه‌بندی‌شده در زمان برگزاری انتخابات مجلس خبرگان و میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱/۹/۱۴ ش؛ ابلاغ تلفنگرام ستاد انتخابات کشور توسط فرمانداری داراب به بخش‌های تابعه، در خصوص مقررات انتخابات مجلس خبرگان و تأکید بر رعایت آن‌ها از سوی اعضای شعب ثبت‌نام و اخذ رأی، ۱۳۶۹/۷/۹ ش؛ بخشی از برنامه زمان‌بندی انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان، [۱۳۶۹ ش]؛ آیین‌نامه بازرسی انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان (ستاد استان)، [۱۳۶۹ ش]؛ آگهی ستاد انتخابات فرمانداری مشهد برای اعلام اسامی انتخابات میان‌دوره‌ای حوزه انتخابی استان خراسان، [۱۳۶۹ ش]؛ اصلاحات انجام‌شده در هشتمین اجلاس سالانه خبرگان در رابطه با قانون انتخابات و آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، مصوب شورای نگهبان، ۱۳۶۹/۴/۲۵ ش؛ صورتجلسه امحای آرا و اوراق انتخابات مجلس خبرگان در حوزه انتخابیه رامهرمز، ۱۳۶۹/۹/۱۳ ش؛ آئین‌نامه بازرسی انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان، [۱۳۶۹ ش]؛ نمونه برگ رأی انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان، [۱۳۶۹ ش]؛ آگهی اعلام نتیجه دومین دوره انتخابات مجلس خبرگان در استان خوزستان، ۱۳۶۹/۷/۱۷ ش؛ بخشی از شناسنامه انتخاباتی دومین دوره انتخابات مجلس خبرگان، ۱۳۶۹/۷/۱۶ ش؛ شرح وظایف هیئت بازرسی انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان رهبری استان‌ها، [۱۳۷۷ ش] و صورتجلسه انتخاب معتمدین هیئت اجرایی انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان در بخش جره-بالاده شهرستان کازرون، ۱۳۷۷/۶/۷ ش.



بسمه تعالی

ماده ۲ قانون انتخابات خبرگان :

«خبرگان منتخب مردم باید مشهور به دیانت و وثوق و ریاستگی اخلاقی بوده و پیش سیاسی و اجتماعی و
استثنائی با مسائل روز داشته و نیز معتقد به نظام جمهوری اسلامی ایران باشند و استثنائی آنان به سبانی
اجتهاد در ساینده تحصیل در حوزه های علمیه در حدی باشد که بتوانند افراد صالح برای مرجعیت و رهبری
را تشخیص دهند»

و اصد شرایط قانونی برای

بدینوسیله گواهی میشود که آقای

داوطلبی نمایندگی مجلس خبرگان میباشد .

نام و نام خانوادگی

تاریخ

امضاء و مهر

نمونه گواهی وزارت کشور برای تأیید شرایط قانونی متقاضیان داوطلبی نمایندگی مجلس خبرگان؛

[۱۳۶۱ ش.]

۴- نمایشگاه سیار اسناد حج:

نمایشگاه یادشده به مناسبت فرارسیدن ماه ذی حجه ۱۴۳۹ ق. ۲۹ عنوان سند را در قالب



۴۲ برگ در برمی‌گرفت و به‌صورت هم‌زمان برای ۱۲ نمایندگی استانی و منطقه‌ای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ارسال شد. اسناد معرفی‌شده در این نمایشگاه در بازه زمانی قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی صادر شده‌اند. قدیمی‌ترین سند به تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۰۳ ق. / ۱۲۶۴/۱۲/۲۹ ش. به تلگراف ارسالی مشیرالدوله از تهران به بروجرد برای اعلام دستور شاه در تغییر زمان حرکت حجاج به‌دلیل شدت گرما و کمبود آب اشاره دارد. آخرین برگ سند معرفی‌شده نیز سندی با عنوان «ترجمه ماده ۹۵ آئین‌نامه گمرک عربستان سعودی راجع به اشیاء ممنوع الورد» در تاریخ ۱۳۷۲/۳/۵ ش. بود.

۲۷ عنوان دیگر اسناد نمایشگاه به‌شرح زیر است:

مکاتبه با احتشام‌السلطنه، در خصوص شکایت حاجیان ایرانی از معتمدالوزراء و دستور رسیدگی در این خصوص، ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۱۴ ق. / ۱۰/۶/۱۲۷۵ ش.؛ استشهادنامه انجام حج تمتع توسط حاج عبدالحسین به نیابت از میرزا موسی [خان منجم‌باشی گیلانی]، [۱۲۱۷ ق. / ۱۲۷۸ یا ۱۲۷۹ ش.]; مکاتبه وزارت خارجه با سفارت ایران در اسلامبول، در خصوص دادن مأموریت به آصف‌الوزاره و مسیو کله برای سفر به جده جهت تفتیش عملکرد تذکره حجاج و بیان احتمال کم‌شدن حجاج ایرانی به‌دلیل شیوع بیماری وبا در روسیه، ۲۹ شوال ۱۳۲۸ ق. / ۱۱/۸/۱۲۸۹ ش.؛ مکاتبه صندوق مرکزی دولت علیه ایران در عثمانی با وزارت امورخارجه در خصوص ناقص‌بودن تذکره یکی از حجاج و درخواست اعلام‌نظر در این خصوص، ۶ دلو ۱۳۲۹ ق. / ۱۱/۶/۱۲۸۹ ش.؛ دستور ارسال بخشنامه‌ای به تمامی مفتشین مرزی، در خصوص جمع‌آوری تذکره‌های بدون تمبر به‌هنگام بازگشت حجاج، ۲۵ ذی‌حجه [۱۳۲۹ ق. / ۲۵/۹/۱۲۹۰ ش.]; بخشنامه وزارت داخله به حکومت بنادر دشتی و دشتستان، مبنی بر اعلان و اخطار به مردم در مورد توجه به انتخاب حمله‌دار (سرپرست حجاج، کاروان‌دار) و افراد نایب حج، به‌دلیل سوءاستفاده افراد شیاد در این خصوص، ۱۳۰۷/۸/۳ ش.؛ مکاتبه رئیس کل دارایی با وزارت خارجه، درباره اتخاذ تدابیری جهت احتیاجات مالی حجاج ایرانی و درخواست تدوین لایحه قانونی در این خصوص، ۱۳۲۲/۸/۲۶ ش.؛ دستور وزیر کشور به فرمانداری [بوشهر] در خصوص مجاز بودن سفر به حج از راه دمشق - بیروت با وسایل زمینی، طبق تصویب‌نامه هیئت‌وزیران و لزوم صدور گذرنامه از سوی شهرداری‌ها برای افراد متقاضی، ۱۳۲۹/۶/۶ ش.؛ ابلاغ بخشنامه مرزبانی کشور در خصوص جلوگیری از خروج بدون گذرنامه و مسافرت از راه‌های غیرمجاز زائرین حج و الزام تهیه بلیط دو سویه (رفت و برگشت)، ۱۳۲۹/۶/۱۴ ش.؛ ابلاغ رونوشت تصویب‌نامه هیئت وزیران از طرف فرماندار شهرستان دماوند، مبنی بر اجازه مسافرت حجاج از مسیر بغداد - دمشق - بیروت با وسایل زمینی، ۱۳۲۹/۶/۱۹ ش.؛ رونوشت تصویب‌نامه آئین‌نامه امور حج، ۱۳۳۷/۱/۳۱ ش.؛ ابلاغ رونوشت مکاتبه وزیر امور خارجه با اداره کل انتشارات و رادیو



از سوی وزارت کشور، مبنی بر اعلام اطلاعیه‌های حج از طریق رادیو به‌منظور جلوگیری از سوءاستفادهٔ حمله‌داران غیرمجاز، کلاهبرداران و شیادان از افراد بی‌سواد، ۱۳۳۷/۲/۲۱ ش.؛ ابلاغ تصویب‌نامهٔ هیئت وزیران در مورد مقررات مربوط به امور حج، ۱۳۳۹/۱۲/۲۵ ش.؛ آگهی مبنی بر اعلام زمان و ساعت حضور کمیسیون حج برای رسیدگی به امور داوطلبان، ۱۳۴۰/۱/۸ ش.؛ بخشنامهٔ وزارت کشور به استانداری دهم (اصفهان)، مبنی بر لزوم همراه‌داشتن وسایلی برای زائران حج، جهت حفظ شئونات کشور، ۱۳۴۰/۱/۱۲ ش.؛ اعلام آمادگی ادارهٔ بهداشت استان دهم (اصفهان) جهت معاینه و مایه‌کوبی زائرین مکه معظمه، ۱۳۴۰/۱/۱۴ ش.؛ حکم مأموریت احمد خلیلی بازرس استانداری اصفهان جهت شرکت در کمیسیون حج، ۱۳۴۰/۱/۱۶ ش.؛ مکاتبهٔ وزیر دارایی با اداره‌کل هواپیمائی کشوری، مبنی بر موافقت با صدور پروانهٔ ارزی کرایهٔ حمل حجاج ایرانی با شرکت‌های خارجی توسط بانک مرکزی، ۱۳۴۰/۴/۸ ش.؛ صورت اسامی زائران بیت‌الله‌الحرام شهرستان یزد، [۱۳۴۲ ش.]:؛ بخشنامهٔ وزارت کشور به استانداری یزد، مبنی بر جلوگیری از هرگونه فعالیت اشخاص فاقد پروانه راهنمای حج و تأکید بر عدم حمل کالا و اجناس زائد به‌منظور فروش توسط زائران، ۱۳۴۲/۱۲/۶ ش.؛ گواهی کمیسیون حج شهرستان جهرم جهت یک نفر از حجاج آن شهر، ۱۳۴۱/۱۲/۱۴ ش.؛ صورت‌جلسهٔ اولین کمیسیون حج یزد در سال ۱۳۴۲، ۱۳۴۲/۱۲/۲۷ ش.؛ تأیید صلاحیت یحیی وفائی و تجدید کارت راهنمائی حجاج وی، ۱۳۴۳/۹/۲۸ ش.؛ ابلاغ بخشنامهٔ وزیر کشور از سوی استانداری مازندران و دستور به شهرداری‌ها در خصوص خودداری از برقراری عوارض جدید بر گذرنامهٔ حجاج، ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ ش.؛ بخشنامه به استانداری خوزستان، مبنی بر چگونگی اعزام متقاضیان حج تمتع پرسنل نظامی (شهربانی-ژاندارمری)، ۱۳۵۹/۵/۱۲ ش.؛ بخشنامهٔ نخست‌وزیری به کلیهٔ وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی و نهادهای انقلابی، مبنی بر استفاده از عنوان سازمان حج و زیارت در مکاتبات اداری مربوط به حج، به‌دلیل تفکیک سازمان حج و زیارت از سازمان اوقاف، ۱۳۶۰/۱۰/۲۰ ش.؛ ترجمهٔ مادهٔ ۹۵ آئین‌نامه گمرک عربستان سعودی راجع به اشیاء ممنوع‌الورود، ۱۳۷۲/۳/۵ ش.، و صورت تذکرهٔ اخذشده از حاجیان محرمه (خرمشهر) و کرمانشاه.

محمدجواد باهنر، از اداره بازرسی کل شهرستان‌ها، در خصوص صدور گذرنامه تحصیلی وی به‌منظور سفر به عراق و تحصیل در حوزه نجف، ۱۳۳۷/۷/۱۶ ش؛ کسب اجازه محمدجواد باهنر از محضر علما و آیات عظام در خصوص ادامه تحصیل در نجف اشرف به همراه توشیح یکی از علما، ۱۳۳۷/۷/۱۶ ش؛ تعهدنامه محمدجواد باهنر، هنگام عزیمت به حوزه نجف اشرف برای ادامه تحصیل، ۱۳۳۷/۷/۱۷ ش؛ رونوشت شناسنامه محمدجواد باهنر، ۱۳۳۷/۷/۸ ش؛ درخواست محمدجواد باهنر از اداره کل بازرسی، در خصوص استرداد برگ معافیت وی به‌دلیل اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه قم و پاراف رئیس اداره بازرسی شهرستان‌ها مبنی بر عودت کارت ایشان به اداره سرپرستی آموزشگاه‌های ایران و عراق، ۱۳۳۸/۸/۱۳ ش؛ فهرست نام دبیران دبیرستان ملی «کمال» از جمله: دکتر محمدجواد باهنر و محمدعلی رجائی [۱۳۴۲ ش]؛ پاسخ رئیس دبیرستان کمال به نامه اداره بازرسی اداری، در خصوص ساعت تدریس محمدعلی رجائی در قزوین و شعبه نارمک، ۱۳۴۲/۸/۸ ش؛ تقدیر وزیر آموزش و پرورش، از محمدجواد باهنر به پاس همکاری در تنظیم برنامه‌های درسی مراکز تربیت‌معلم دوره راهنمایی تحصیلی، ۱۳۴۸/۸/۱۸ ش؛ حکم انتصاب محمدعلی رجائی به‌سمت سرپرستی موقت مرکز مطالعات و تحقیقات ملی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ ش؛ پیام محمدعلی رجائی، وزیر آموزش و پرورش، خطاب به کارکنان آن وزارت‌خانه، در موضوع قطع روابط سیاسی با آمریکا و تهدید ایران به تحریم اقتصادی و ارائه راهکارهایی در این خصوص، ۱۳۵۹/۲/۳ ش؛ بخشنامه وزارت آموزش و پرورش، در دوره وزارت محمدعلی رجائی، مبنی بر نقص مشاوره راهنمایی و لزوم به‌کارگیری مشاوران و کادر مراکز مشاوره راهنمایی در مشاغل دیگر آموزشی، ۱۳۵۹/۳/۵ ش؛ دستورالعمل ثبت‌نام از داوطلبان رشته‌های متوسطه عمومی دوره تکمیلی بزرگسالان از سوی آموزش و پرورش در زمان وزارت محمدعلی رجائی، ۱۳۵۹/۵/۱۶ ش؛ بخشنامه محمدعلی رجائی، نخست‌وزیر، در مورد چگونگی برقراری تماس و انجام مذاکره وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات تابع دولت با نمایندگی‌های سیاسی خارجی مقیم تهران یا هیئت‌های نمایندگی خارجی، ۱۳۵۹/۹/۱۳ ش؛ بخشنامه نخست‌وزیر، محمدعلی رجائی، به کلیه وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت در خصوص اعلام اطلاعات صورت‌حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوط به وجوه آن‌ها نزد بانک‌های آمریکایی جهت ارائه به کمیته رسیدگی دعوی مالی و حقوقی و بین‌المللی، ۱۳۵۹/۱۱/۲۲ ش؛ ابلاغ بخشنامه محمدعلی رجائی، نخست‌وزیر، به مناسبت سومین سال تأسیس جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۱/۱۵ ش.

عکس‌هایی از شهیدان رجائی و باهنر در جبهه، در حال سخنرانی و حضور در مراسم تحلیف خود و تشییع پیکر آنان در ۱۸ قطعه از دیگر بخش‌های نمایشگاه اسنادی برگزار شده به مناسبت هفته دولت است.

۱۳۳۷ ز ۲۷
 کسب اجازه از محضر حضرت علامه آیت عظام در نجف
 رنجانب که در این روز در معراج خود در نجف شش ماهه
 ۹۳۸ هجری در کربلا ۳۱ شهریور ماه در نجف
 بگذر عراق با سرادقه تحسین در نجف و در نجف میام نزار
 در صورت صدور به توشیح فرستاد
 سلمه که ۲۴ شهریور ماه در نجف در کربلا
 بهای کربلا در نجف در کربلا در کربلا
 سلمه در صورت راجع به کربلا در کربلا

کسب اجازه محمدجواد باهنر از محضر علما و آیات عظام در خصوص ادامه تحصیل در نجف اشرف به
 همراه توشیح یکی از علما؛ ۱۳۳۷/۷/۱۶ ش.

۶- نمایشگاه اسناد دفاع مقدس

۳۱ شهریور یادآور اولین روز حمله سراسری نیروهای بعث عراق به مرزهای غربی و جنوبی
 ایران است. در این روز ارتش عراق با تمام توان نظامی خود و با حمایت توپخانه و بمباران
 هوایی از زمین و آسمان شهرهای مختلف کشور را مورد تهاجم قرار داد. این کشور توانست
 با آمادگی قبلی و غافلگیر کردن ایران حدود سی هزار کیلومتر مربع از خاک کشور را به اشغال
 خود درآورد و این کار را آزادسازی مناطق اشغالی عنوان کرد. در این دوره بسیاری از شهرها
 و پاسگاه‌های مرزی اشغال و جنگی آغاز شد که هشت سال به طول کشید. اداره کل خدمات
 آرشیوی به مناسبت بزرگداشت یاد و خاطره این دوره، و پاسداشت مقام شهدا و رزمندگان
 نمایشگاهی مربوط به روزهای آغازین جنگ را با ۵۵ عنوان عکس و ۶۴ قطعه عکس و ۶۷
 عنوان سند و معرفی ۶۸ برگ سند تهیه و برای نمایش به سیزده نمایندگی استانی و منطقه‌ای



و نیز در پارک لاله و ساختمان کتابخانه ملی ارسال کرده است.

عکس‌های به‌نمایش گذاشته شامل تصاویری از مقاومت رزمندگان در مقابل تهاجم نیروهای بعثی، مناطق مسکونی و تأسیسات تخریب‌شده در اثر بمباران، حضور نیروهای مسلح برای دفاع از کشور، امدادرسانی به مجروحان و اعلام آمادگی و شرکت اقشار مختلف مردم از سنین مختلف برای حضور در جبهه است.

بخش عمده اسناد نیز به دو روز آغاز جنگ در ۳۱ شهریور و ۱ مهر اختصاص دارد. گزارش‌های ارسالی به ستاد مشترک ارتش برای اعلام آخرین اخبار دریافتی از توان نظامی نیروهای بعثی، شرایط مناطق درگیر و بیان وضعیت نیروهای مسلح و غیرنظامیان موضوع مهم و عمده اسناد را تشکیل می‌دهد. عناوین این نمایشگاه عبارت است از:

درخواست استاندار ایلام از مرکز فرماندهی سماجا ۳، مبنی بر لزوم پشتیبانی هوایی در بیست کیلومتری پاسگاه کلات به طرف علی غربی به‌منظور ادامه پیشروی رزمندگان اسلام، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش ژاندارمری خوزستان از اوضاع سوسنگرد به دفتر ریاست‌جمهوری، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش حمله هوایی دشمن به تیپ دزفول و پایگاه وحدتی، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش سومین تجاوز هوایی به حریم هوایی خرمشهر و آبادان از سوی ۱۰ فروند میگ ۲۱ عراقی در یک روز، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش هدف قرار گرفتن سومین فروند از میگ‌های ۲۱ عراق توسط آتشبارها و هواپیماهای ایرانی و نیز آمار میگ‌های سرنگون‌شده، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ دستور در خصوص لزوم آمادگی برای مقابله با حمله هوایی عراق به فرودگاه‌ها پس از حمله به فرودگاه آبادان، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش، مبنی بر بمباران اطراف فرودگاه امیدیه، آتش سنگین دشمن بر پایگاه‌های خرمشهر و پیاده‌شدن نیرو در پایگاه وحدتی و اقدام‌های انجام‌شده در این خصوص، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش، مبنی بر آرایش زنجیری و تیراندازی ۲۰ فروند تانک دشمن و پرتاب ناموفق یک بمب از سوی هواپیماهای دشمن به سیلوی اهواز و اقدامات انجام‌شده در این خصوص، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش حمله نیروهای دشمن به منطقه «تانک فارم» و نیز دکل ۸۰۰ کیلوواتی در ۴۰ کیلومتری حوزه پاسگاه حمید، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش گارد ساحلی ژاجا (ژاندارمری ارتش جمهوری اسلامی) از حمله‌های دشمن به منطقه «تانک فارم»، گارد ساحلی، منطقه خسروآباد، درخواست پشتیبانی هوایی و زمینی از گارد ساحلی و اقدام‌های انجام‌شده در این خصوص، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارشی از اجرای دستور پراکندگی یگان‌ها در نیروی زمینی ارتش، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش؛ گزارش فرمانده نیروی زمینی ارتش، از عدم انجام پشتیبانی هوایی درخواست‌شده از یگان‌های مستقر در سوبله، فکه، طلایه و شلمچه با وجود ادامه آتش شدید دشمن و سقوط پاسگاه سوبله، و اقدام‌های انجام‌شده در این خصوص، ۱۳۵۹/۹/۳۱ ش؛ گزارش حمله شدید زمینی و هوایی دشمن به منطقه سوبله و احتمال نابودی



یگان‌های خودی و لزوم صدور دستور پشتیبانی برای جلوگیری از تهاجم هوایی دشمن، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش ناحیه ژاجا (ژاندارمری ارتش جمهوری اسلامی) به ریاست‌جمهوری، وزارت کشور و سماجا ۳، از حملات زمینی و هوایی دشمن در خوزستان و نیز تحرکات آن‌ها، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش، مبنی بر حمله‌های هوایی دشمن به فرودگاه‌های تبریز، امیدیه و خلف‌آباد، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارشی از آخرین وضعیت یگان‌های شناور و بنادر و کشتیرانی پس از شروع حمله‌های عراق، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش فرمانده ژاجا (ژاندارمری ارتش جمهوری اسلامی) از وضعیت پاسگاه‌های سوبله، طلایه قدیم و جدید، کوشک، فکه، طاوسییه، دویرج و صفریه، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش خسارت‌های ناشی از انفجار ترکش گلوله‌های توپ عراقی به محوطه راه‌آهن خرمشهر و منازل اطراف آن و اقدام‌های انجام‌شده در این خصوص، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارشی مبنی بر سرنگونی یک فروند میگ عراقی در آبادان، پرواز میگ‌های دشمن در آسمان شهر و سقوط پاسگاه سوبله، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش ورود دشمن از تمام جبهه‌های خوزستان به خاک کشور، شهامت رزمندگان با وجود خسارت زیاد، و درخواست پشتیبانی هوایی از لشکر ۹۲ به‌منظور جلوگیری از سقوط خوزستان، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارشی مبنی بر بمباران تلمبه‌خانه اندیمشک، انبار مهمات دوکوهه و پادگان تیپ ۲ دزفول، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ مکاتبه نیروی دریای با نیروی هوایی ارتش، مبنی بر آمادگی یگان‌های دریایی برای اجرای طرح درفش و درخواست برای پشتیبانی از طرح مذکور توسط ستاد نهجا و تیپ هوابرد و اقدام‌های انجام‌شده در این خصوص، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش حمله دشمن به پالایشگاه آبادان، ناکافی بودن وسایل آتش‌نشانی و نیاز فوری به تجهیزات، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش، مبنی بر نابودی مقر حزب دمکرات به دست نیروهای گروه رزمی ارتش و سپاه، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش سپاه به سماجا ۳، از حمله‌های هوایی عراق به پادگان قوشچی ارومیه، پایگاه هوایی، پالایشگاه و نیروگاه برق تبریز، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش موفقیت چهار فروند شکاری نیروی هوایی در بمباران مناطق سیبیه و سیحان عراق و نیز نابودی تأسیسات نفتی واسلیه توسط توپخانه ایران، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ گزارش، مبنی بر حمله هوایی میگ‌های عراق به مناطق مختلف تبریز، اقدامات نیروهای زمینی و هوایی کشورمان در برابر این حمله‌ها، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ دستور آماده‌باش ۱۰۰ درصد ادوات زرهی - توپخانه موتوری به حال تفرقه ۱۰۰ درصد در همه پادگان‌ها به‌منظور جلوگیری از خسارت، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ دستور شناسائی هواپیماها قبل از تیراندازی، به‌دلیل پرواز هواپیماهای خودی برای مقابله با هواپیماهای دشمن، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ درخواست مرکز فرماندهی سماجا ۳ از وزارت کشور (ستاد بحران‌ها)، برای صدور دستور پیش‌بینی کامل برای اطفاء حریق با حداکثر امکانات به‌دلیل حمله‌های هوایی دشمن و نیز لزوم آمادگی کامل شهرداری تهران در این زمینه، ۱۳۵۹/۶/۳۱ ش.؛ درخواست



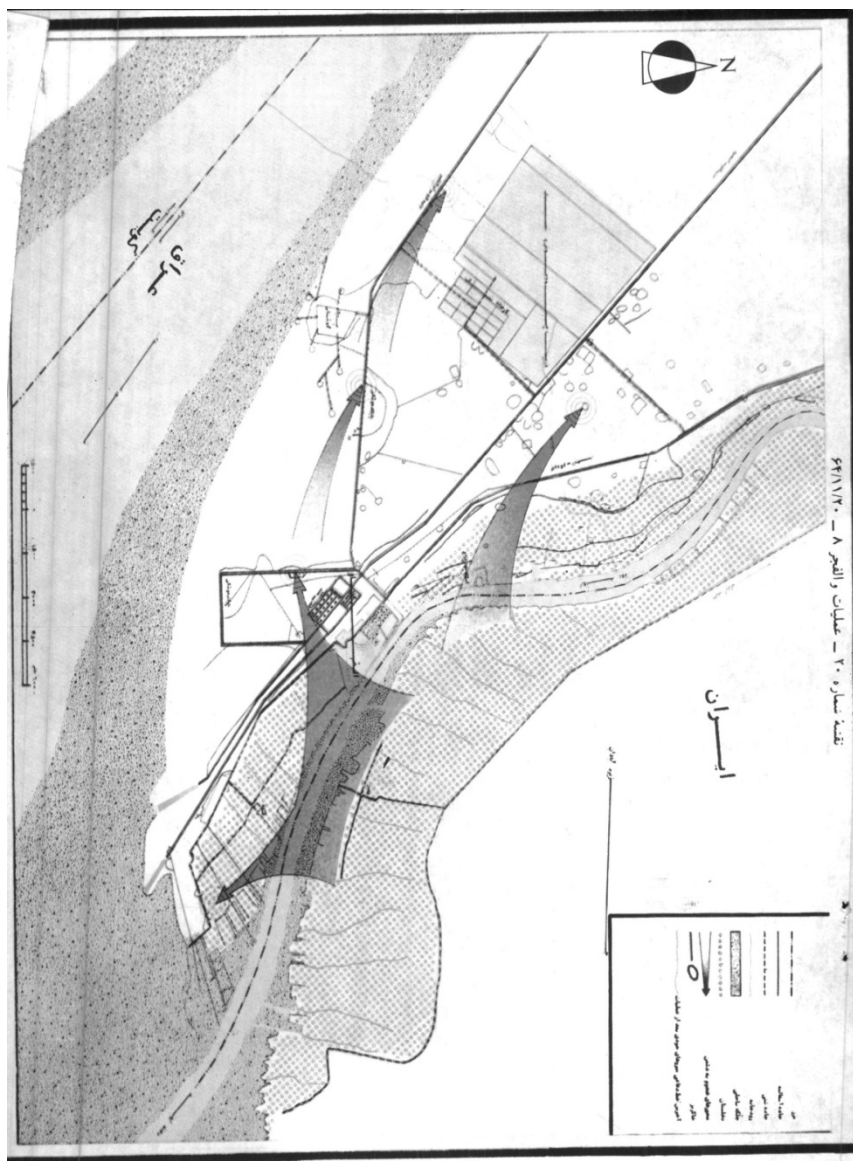
برای تأمین ضدهوایی مورد نیاز پلیس فرودگاه رامسر، به منظور حفاظت از تأسیسات و باند فرودگاه و پیگیری‌های صورت گرفته در این خصوص، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ محاصره پاسگاه‌های ربوط در منطقه موسیان و دهلران، درخواست استانداری ایلام از سماجا برای کمک و اعلام اقدام‌های انجام شده در این خصوص، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش معاونت اطلاعات نهجا، در خصوص زمان شروع عملیات قادسیه صدام حسین و محاصره زمینی مهران، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش حمله مجدد سه فروند هواپیمای میگ به فرودگاه کرمانشاه در دومین روز تهاجم عراق به ایران و اعلام خسارات وارده، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش، مبنی بر سقوط گروهان سومار، پیشروی تانک‌های عراقی و درخواست سپاه برای تأمین نیرو و مهمات و اعلام اقدامات انجام شده، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش سپاه پاسداران به سماجا ۳، مبنی بر آغاز درگیری در قصر شیرین و پیشروی نیروهای عراقی و اعلام خسارات وارده، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ اعلام آخرین وضعیت نیروهای عراقی مستقر در ارتفاعات «می چک»، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش، مبنی بر انهدام و تصرف پاسگاه گمرک نو نفت شهر، محل استقرار تانک‌های عراقی به وسیله سپاه پاسداران، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش سماجا ۳ از حمله هواپیماهای عراقی به اسلام‌آباد، اعلام آمار خسارات وارده و کمبود مایحتاج عمومی در شهر و کوچ مردم، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ درخواست فرماندهی سپاه پاسداران برای پشتیبانی هوایی از پاسگاه در حال سقوط تپله کوه، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش قطع آب و اتمام مهمات در نفت شهر، تصمیم نیروهای نظامی و سپاه به عقب نشینی و ابلاغ نامه به نیروی زمینی برای پشتیبانی و تأمین مهمات، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش، مبنی بر مقابله نیروهای مسلح و مأموران شهربانی با نفوذ مزدوران بعثی در قصر شیرین و بیرون راندن آن‌ها همراه با به‌غنیمت گرفتن ۷ دستگاه تانک و ۳ نفر اسیر، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش معاون عملیاتی نهجا از نتیجه دو مأموریت پروازی به داخل خاک عراق و انهدام مخازن سوخت رسانی آن کشور، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ خودداری نیروی هوایی از پشتیبانی یگان‌های توپخانه و گروه رزمی محاصره شده در «گرد نو» و درخواست نذاجا برای اعلام علت آن و نیز اختصاص ۳۰ درصد از هواپیماهای عملیاتی برای پشتیبانی از یگان‌های زمینی، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش فرماندهی سپاه از ادامه درگیری در نفت شهر، سقوط سومار و اعلام میزان پیشروی ارتش عراق در خاک ایران به ستاد مشترک ارتش، برای آگاهی و اقدام، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش سپاه پاسداران از تلفات و ضایعات نیروهای عراقی در قصر شیرین و اعلام تعداد شهدای سپاه، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ دستور جانشین ر سماجا، سرتیپ فلاحی، به کلیه نیروهای مسلح برای آماده‌باش همه جنگ‌افزارهای پدافند هوایی برای اجرای عملیات و لزوم ارسال گزارش نوبه‌ای ۱۲ ساعته به مرکز فرماندهی، ۱۳۵۹/۷/۱ ش.؛ گزارش تحرکات دشمن در مناطق عملیاتی ماله، عمارنه، ۱۳۶۱/۱/۱ ش.؛ اعلام روش اعمال فرماندهی در تمامی سلسله‌مراتب فرماندهی ارتش و سپاه



در اجرای طرح مانور کربلای ۲، ۱۳۶۱/۱/۱ ش؛ گزارش وضعیت دشمن در پی عملیات قرارگاه‌های قدس و فتح در عملیات [فتح‌المبین]، ۱۳۶۱/۱/۶ ش؛ مکاتبه قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب (ر۳) با ریاست ستاد مشترک (سماجا ۳)، مبنی بر بیان هدف اصلی مشترک برای فتح خونین شهر، موفقیت‌های به‌دست آمده و نیز اعلام موافقت با طرح پیشنهادی ستاد مشترک ارتش برای عملیات کربلای ۳، ۱۳۶۱/۲/۹ ش؛ دستور فرماندهی قرارگاه عملیاتی کربلا به قرارگاه قدس، به‌منظور حفظ مداومت فشار روی دشمن در منطقه عمومی جنوب کرخه نور، غرب اهواز و سرپل غرب کارون به‌منظور مقابله با تحرکات آن، ۱۳۶۱/۲/۱۰ ش؛ گزارش سرهنگ ستاد ازگمی از عملکرد یگان‌های فجر در غلبه بر دشمن و تأمین هدف‌های موردنظر، ۱۳۶۱/۲/۱۶ ش؛ دستور قرارگاه عملیاتی کربلا به قرارگاه فجر، مبنی بر اضافه‌شدن دو تیپ و یک گردان توپخانه به آن قرارگاه و نیز شناسائی بی‌درنگ منطقه، حرکت تیپ و تعویض نیروها، ۱۳۶۱/۲/۲۳ ش؛ دستور فرماندهی قرارگاه عملیات کربلا به فرمانده قرارگاه فجر ۳، در خصوص چگونگی اعزام یک گردان برای عملیات قرارگاه نصر به‌منظور تأمین امنیت پل روی [اروندرو]، ۱۳۶۱/۳/۳ ش؛ دستور قرارگاه مرکزی سپاه پاسداران به کلیه فرماندهان قرارگاه‌ها و تیپ‌ها، در خصوص چگونگی خنثی‌سازی عملیات فریب دشمن، ۱۳۶۱/۱۲/۲۸ ش؛ گزارش نتایج مباران‌ها و تک دشمن در منطقه شطلی، ۱۳۶۴/۱۰/۸ ش؛ درخواست ارسال کالک یا نقشه گویاشده منطقه فدک به‌همراه خط حد لشکرها به فرماندهی قرارگاه مهندسی رزمی خاتم‌الانبیاء(ص)، ۱۳۶۴/۱۰/۱۴ ش؛ دستور قرارگاه مهندسی رزمی خاتم‌الانبیاء (ص) به مهندسی رزمی سپاه جنوب (کربلا)، مبنی بر اعلام آمار کلیه تجهیزات و ماشین‌آلات مهندسی موجود در یگان‌ها، ۱۳۶۴/۱۰/۴ ش؛ مکاتبه فرمانده قرارگاه رعد با فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص)، در خصوص اسقرار یک سایت هاگ فرینده در محل سایت قبلی هجرت، ۱۳۶۴/۱۰/۲۳ ش؛ نقشه شماره ۲۰ عملیات والفجر ۸، ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ ش؛ اعلام تخصص‌های موجود در بیمارستان شهید بقایی به‌همراه تاریخ شروع و پایان مأموریت آن‌ها، ۱۳۶۵/۱/۲۲ ش؛ دستور قرارگاه نصرت به یگان‌های تابعه، در خصوص اقدام‌ها و تحرکات دشمن بعد پیروزی رزمندگان در عملیات والفجر ۸، تصرف بندر فاو، تحلیل اهداف مدنظر آنان و لزوم انجام عملیات گشتی رزمی به‌منظور خنثی‌سازی تحرکات رزمی و تبلیغاتی دشمن، ۱۳۶۵/۲/۲۴ ش؛ تقدیر نماینده امام در شورای عالی دفاع مقدس (آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی) از رزمندگان اسلام و ستایش مجاهدت و رشادت‌های آن‌ها، ۱۳۶۵/۱۰/۱۲ ش؛ آمار شهدا، زخمی‌ها، مفقودین و خسارت لجستیکی تیپ مستقل ۱۸ الغدير، ۱۳۶۵/۱۰/۱۸ ش؛ مکاتبه فرمانده کل سپاه پاسداران با فرمانده نیروی زمینی سپاه، مبنی بر ارسال ابلاغیه فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) و نماینده امام در شورای عالی دفاع (آیت‌الله هاشمی



رفسنجانی) و لزوم اجرای مفاد دقیق آن، ۱۳۶۵/۱۰/۲۳ ش؛ دستور فرماندهی نیروی زمینی سپاه به فرماندهی قرارگاه‌های کربلا و قدس، در خصوص ادامه آتش بر غرب کانال ماهی‌گیری به‌منظور خنثی‌سازی نقشه‌های تبلیغاتی فریبکارانه دشمن، ۱۳۶۵/۱۱/۱۶ ش.



نقشه شماره ۲۰ عملیات والفجر ۸



Table of contents

National Archives Quarterly 14; Vol. 4, No. 2, Summer 2018

Preface

Archivists and their Role in the Clarification of Archival Documents; **Dr. Aboufazel Hasanabadi**

Articles on Archives

A Reflection on the Concept of Data Migration in the Process of Adaptation to the Evolution of the Technologies in Libraries and Archives; Sahar Razavi, Abbas Refahi, and Dr. Amirreza Asnafi

Challenges in Managing Records in the 21st Century; **National Electronic Commerce Coordinating Council**, Translated to Persian by: **Zahra Zarghami**

The Position of the National Archives of the Islamic Republic of Iran in the Road-map of E-government Services; **Azita Malmir**

Articles on History (Based on Records)

An Analysis of Dowry's (Mahriyeh's) Content in the Treatises of Naseri Era Based on the Records of the National Archives; **Roghayeh Shokri**

A Treatise on the Military Rules and Respect of the Qajar Period; **Sahar Elyasi**
Migration and Multiethnic Coexistence in Qajar Tehran; **Nobuaki Kondo**, Translated to Persian by: **Naofumi Abe and Omid Rezaie**

An Analysis of Written Signs of Elamite Inscriptions and its Relationship with Illegible Scripts in the Records of Islamic Period; **Hossein Abeddoust**

An Introduction of Some Records on the Demand for Years of Services of Mahamd-Dawlah in the Archives of the Department of Official Translators Affairs of the Judiciary of Iran; **Zahra Faridi**

Articles on Records Preservation, Restoration and Maintenance

Disaster Management for Libraries and Archives- An Introduction; **Graham Matthews**, Translated to Persian by: **Shahnaz Bohlouli Rizi**

Manuscripts Special Section on

The Cultural and Artistic Role of Islamic Manuscripts in the Cultural Dialogue and Diplomacy in the Asian Continent with an Emphasis on the ECO Region; **Dr. Ali Sadeghzadeh Vayeghan and Dr. Azam Najafgholinezhad Varjavi**

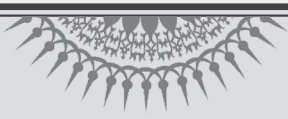
The Unique Manuscript of "Naghl va Sahba"; **Akbar Sharifzadeh and Dr. Ali Rafie Jirdehi**

Book Introduction

The Organization and Diplomatic Formalities in Iran, Form the Beginning of Qajar to the End of the Naseri Era; **Neda Rasouli**

Reports on Archival Exhibitions

A Report on "Mobile Exhibitions Organized by the Department of Information and Communication (Archival Communication Group) in the summer of 1397; **Fariba Amiri and Hamideh Bakhtiari**



National Archives Quarterly

(14)

Vol.4, No.2, Summer 2018

Islamic Rep. of Iran's National Archives and Library Org.

Managing Director & Editor-in-Chief: Gholamreza Azizi; greazizi@gmail.com

Executive secretary: Zahra Zarghami

Editor: Maryam Rafiee

Editorial Board:

Dr. Sediqe Ahmadi Fasih, Dr. Amir-reza Asnafi, Gholamreza Azizi, Ayoub Banavi,
Dr. Abolfazl Hassan Abadi, Dr. Fariborz Khosrawi, Dr. Elham Malekzadeh, Dr. Nourollah Moradi,
Dr. Ali Sadeqzadeh Vayeqan, Dr. Mohammad Qahri, Dr. Saeed Rezaei Sharif Abadi, Dr. Seyyed
Mahmoud Sadat, Horiyeh Saeedi, Mahboob Shabazi, Dr. Shahram Yousefi-far, Behnaz Zarinkelki

Publisher: National Library & Archive of Islamic Republic of IRAN

Cover Designer: Shohreh Khouri

Translator: Zahra Zarghami

Address: National Library and Archives of I. R. Iran,

Tehran, Iran. P. O. Box: 19935-655

Tel/Fax: +98 21 26402977

Email: 1395naq@gmail.com